





مرکز تدوین آثار رهبر شهید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خط رهبر

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: خط رهبر، جلد چهارم؛

عنوان فرعی: مجموع سخنرانی‌های ۱۳۸۷ رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین

ربانی؛

نام پدیدآور: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طراح جلد و برگ‌آرا: عصمت‌الله احراری؛

سال چاپ: ۱۳۹۴ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

شناسه افزوده: گفتارها، سیاسی اجتماعی؛

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد؛

شمار برگه‌ها: ۳۱۴؛

قطع: رقعی؛

بها: ۱۵۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛



نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

فهرست

- پیشگفتار ۱۱
- خطابهٔ چهل و دوّم / در کنفرانس اعلام مواضع جمعیت؛ ۱۳
- خطابهٔ چهل و سوّم / در شهرستان نهرین ولایت بغلان؛ ۳۷
- خطابهٔ چهل و چهارم / در کنفرانس مجمع ملی جوانان افغانستان؛ ۴۷
- خطابهٔ چهل و پنجم / در همایش هفتمین سالروز شهادت قهرمان ملی؛ ۵۹
- خطابهٔ چهل و ششم / در دوّمین اجلاس اخوّت اسلامی، با میزبانی ۷۱
- خطابهٔ چهل و هفتم / در مراسم افتتاح مسجد حضرت بلال > ؛ ۸۱
- خطابهٔ چهل و هشتم / در همایش سالگشت شهدای پانزدهم عقرب بغلان؛ .. ۹۱
- خطابهٔ چهل و نهم / به مناسبت سالگرد شهادت عبدالحی حقجو آمر
- عمومی جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت بغلان؛ ۱۰۱
- خطابهٔ پنجاهم / در کنفرانس بین‌المللی اخوّت اسلامی افغانستان؛ .. ۱۱۱
- خطابهٔ پنجاه و یکم / به مناسبت روز عاشورا، در مسجد محمّديه؛ ۱۲۳
- خطابهٔ پنجاه و دوّم / به مناسبت روز عاشورا؛ در مسجد عیدگاه؛ ۱۳۷
- خطابهٔ پنجاه و سوّم / در مراسم یادبود عاشورای حسینی؛ ۱۴۹
- خطابهٔ پنجاه و چهارم / به مناسبت فراغت دانشجویان دانشکدهٔ شرعیات .. ۱۶۱

خطابه پنجاه و پنجم / در گردهمایی جوانان جمعیت اسلامی افغانستان؛ ۱۷۵
خطابه پنجاه و ششم / به مناسبت بزرگداشت از قیام سوم حوت ۱۳۵۸ هـ ش؛ ۱۸۷
خطابه پنجاه و هفتم / به مناسبت میلاد خجسته رسول آزادی / ؛ ۱۹۷
خطابه پنجاه و هشتم / در میان مردم ننگرهار؛ ۲۲۳
نمایه ۲۳۷
رویکردها ۲۹۵



پیشگفتار

چنان‌که در پیشگفتارِ جلدِ سوّم «خط رهبر» گفتیم؛ بدون شک سرزمینی به‌نام افغانستان، در بطنِ خودِ مردانِ بزرگی را درگذرِ تاریخ، پرورش داده و تقدیمِ جامعه‌ی انسانی کرده‌است و آموزه‌های اعتقادی و دینی این مرزوبوم، در کنارِ دیگر انگیزه‌های منقول و معقول، در ساختارِ شخصیتی این ابرمردان نقش‌آفرین بوده‌اند و امّا مردانی که توانسته باشند؛ دین و دنیا را به‌هم گره زنند و از آزمونگاهِ خدا و بشر کامیاب به‌درآیند؛ عظیم‌تر و شکوهمندترند، جایی بس مسرت و مباهات است که در این بسترِ پر از بحران، چنین مردانِ بزرگی پا به‌صحنه گذاشتند و ملّتی را در خم‌وپیچ روزگار هدایت دادند، بدونِ اندک‌ترین گمانی رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی G نه‌تنها یکی از این بزرگان تاریخ ماست؛ بلکه سرخیلِ خوبانِ جامعه‌ی ماست؛ امّا شاید به دلایلی این عَظَمَت و بزرگواری از دیدۀ شماری از خوبانِ جامعه‌ی ما نمانده باشد؛ لذا «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» خواسته‌است که در جهت کاستنِ این نقیصه و بلندبردنِ دانش دینی و سیاسی هم‌میهنانِ مان گامی بردارد و گامی دلکش‌تر از این نبود که آثار رهبر شهید را به خدمتِ عزیزانِ جامعه‌ی خویش قرار دهیم



و قبل بر این هم چنین کاری را کردیم و مجموعه خطابه‌های آموزنده و سازنده سال ۱۳۹۰، ۱۳۸۹ و ۱۳۸۸ را به خدمت گذاشتیم؛

اینک جلد چهارم خط رهبر را که حاوی ۱۷ خطابه متعلق به سال ۱۳۸۷ خورشیدی است، در خدمت قرار می‌دهیم، البته کار ما در این اثر چنین بوده: در گام نخست؛ سخنان رهبر شهید را از نوار پیاده می‌کنیم و بعد مطابق دستورالعمل تدوینی خویش دست به تصحیح می‌زنیم و از آن بعد در کنار معرفتی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها و ویرایش، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

درکل؛ چشم‌داشت ما از این کار این است: نسلی که به دلایلی از معیت با این خطابه‌های روشنگر، به‌دور بودند؛ امروزه در متن این خطابه‌ها قرار گیرند؛ تا رغبت جنبیدن در آنان بیدار شود و تذکری باشد به آنانی که همگام با این خطابه‌ها بودند؛ تا فراموش نکنند که چه عهدهی بسته بودند. به‌هررو - چنان‌که از پیش گفتیم - ما متعهد به خط رهبریم و این خط را خط اصیل و خردمندانه جامعه خویش می‌دانیم، از این‌رو ما «خط رهبر» را عنوان کردیم، اینک به یاری الله توانستیم که جلد چهارم خط رهبر را روانه چاپ‌خانه کنیم، به امید روزی که بتوانیم همه فرآورده‌های استاد شهید را در خدمت شما نیکان قرار دهیم؛ تا «خط رهبر» هرچه بیشتر چهره بنماید، وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بَعِيزٌ.

مرکز تدوین آثار رهبر شهید

خطابه چهل و دوّم

در کنفرانس اعلام مواضع جمعیت؛

مکان: کابل، هوتل گلزاد؛

زمان: ۲ / ۳ / ۱۳۸۷ هـ.ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَتِمُّ
 بِنِعْمَتِهِ الصَّالِحَاتِ، وَصَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى
 مَنْ بَلَغَ الرِّسَالَةَ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَنَصَحَ الْأُمَّةَ، وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،
 وَعَلَى آلِهِ وَصَحَابَتِهِ وَمَنْ دَعَى بِدَعْوَتِهِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ؛^۱
 برادران و خواهران گرامی و برادر محترم مارشال فهیم!^۲
 و همه برادران و هم‌سنگران عزیزی که در دوره‌های مشکلی، در

۱. به نام خداوند بخشنده و مهربان، ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان است و ستایش از آن خدایی است که نیکوی‌ها به یمن نعمت او به پایان می‌رسد و تنها با اتکا به اوست که کار دنیا و عقبی اصلاح می‌گردد و درود و دعا به او که رسالت را رساند و امانت را ادا کرد و امت را سفارش کرد و در راه الله^۱ آن‌گونه که شایسته است جهاد کرد و درود بی‌پایان بر یاران و دعوتگرانی که به دعوت او؛ تا روز واپسین فرا می‌خوانند و در راه او جهاد می‌کنند.

۲. مارشال محمدقسیم فهیم فرزند مولوی عبدالمتین در سال ۱۳۳۶ هـ ش، در محله عمرض ولایت پنجشیر زاده شد، آموزش‌های ابتدایی خود را در زادگاهش فراگرفت و در سال ۱۳۴۹ هـ ش، به‌خاطر پیشبرد تحصیلات عالی وارد مدرسه دارالعلوم عربی کابل شد، وی پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ ش، غرض اشتراک در جهاد برضد قوای شوروی به پاکستان هجرت کرد؛ اما پس از اقامت کوتاهی واپس به افغانستان آمد و مبارزه مسلحانه خود را در منطقه شیگل کُز آغاز کرد، مارشال فهیم پُست‌های: معاون فرمانده منطقه‌ای و مدتی معاون کمیته سیاسی جمعیت اسلامی افغانستان و زمانی فرمانده جبهه‌های شمال و هم‌چنان به‌عنوان فرمانده جبهه‌های پروان، خوست و فرنگ در بغلان و غوربند و هم‌چنان به‌عنوان وزیر امنیت ملی در زمان حکومت اسلامی افغانستان و در زمان حکومت حامد کرزی به‌صفت معاون اول کار کرده بود، وی در ۱۸ حوت سال ۱۳۹۲ هـ ش، در کابل درگذشت. نگاه: وبسایت دانشنامه آریانا و وبسایت رسمی دفتر ریاست جمهوری.



کوه‌پایه‌های پرغرور افغانستان، در سنگرهای جهاد و مقاومت، در راه دفاع از استقلال، آزادی، عزت و سربلندی ملت خود، از هیچ قربانی دریغ نکردید.

در این لحظات به روان پاک یاران شهیدتان - در رأس همه‌شان سپه‌سالار شهید و به هزاران‌درهزار شهید گلگون‌قبایی که تا نفس واپسین، با شور و شوق در سنگرها، از کشورشان، از عزت و آبروی ملی‌شان و از صلح و امنیت کشور و جهان مبارزه کردند و جان به‌جان آفرین سپردند، درود می‌فرستم و به آن دلیرمردان و شیرزنانی که به‌عنوان رهروان یاران شهیدشان، در مسیر عزت، آزادی، استقلال و سربلندی هنوز استوار گام برمی‌دارند، به همه آنان هم درود و سلام می‌گویم.

پرسش‌های فراوانی در ذهن مردم وجود داشته و دارد؛ بلی هستند کسانی که می‌پرسند؛ مگر نیروهای جهادی و جریان جهاد و مقاومت افسانه پارینه‌ای نشد، دیگر این‌ها در کجا هستند؟ جایگاه‌شان در سیاست افغانستان و در تحولات مختلف افغانستان کجاست؟ احزاب سیاسی برای امروز و فردای افغانستان، چه تفکری دارند؟ آیا همه تلاش‌های‌شان در گذشته خلاصه می‌شد و یا برای امروز و فردای افغانستان هم استراتژی و نگاهی دارند؟

پیش از آنکه راجع به امروز و فردا صحبت بکنیم، یک نگاهی به گذشته باید داشته باشیم، چه بسا هستند کسانی که فکر می‌کنند، مجاهد؛ یعنی انسان‌های خشن، تفنگ‌سالار و جنگ‌سالار که به‌زعم ایشان آنان، فرهنگی جز جنگ، کشتن و ویرانی، چیز دیگری را نمی‌شناسند، آیا این جز تهمت بیهوده و حرف هرزه‌ای، چیز دیگری است؟!

بیا باید به روزهای آغازین رستاخیز بزرگ برگردیم، در آغاز قابل ذکر می‌دانم، زمانی که ما از جمعیت صحبت می‌کنیم، صحبت ما از رستاخیز بزرگ ملت سرافراز افغانستان است که در یک قیام بزرگ، پیر و جوان، مرد و زن، آهنگ استقلال و آزادی سر دادند و در این راه جان‌وسر دادند، جمعیت جزئی از این رستاخیز بزرگ است.

حتی اگر یک نگاه بسیار کوتاه و مختصری به کارنامه‌های جمعیت داشته باشیم، عظمت نگاه و کارکرد آن‌ها فهمیده خواهد شد، البته دیگر هم‌سنگران و گروه‌های جهادی هم، چنین دست‌آوردهایی را داشتند، حتی در روزهای آغاز رستاخیز بزرگ جهاد، اعضای جمعیت تصورشان این بود که ما نه تنها سربازان آزادی این سرزمینیم؛ بلکه ما معماران بازسازی کشور - نیز - می‌باشیم، کشوری را که جنگ ویران می‌کند ما باید آباد کنیم؛ چون ما در برابر قدرت وحشتناک اتحاد شوروی^۱ می‌رزمیم و بالطبع ویرانی‌های بی‌شماری به میان می‌آید، پس ما باید آن‌چنان که به آزادی فکر می‌کنیم، در جهت بازسازی هم گام برداریم، با همین اندیشه بود که جمعیت با جدیت دست به بازسازی زد، خوب اولین بازسازی را از کجا آغاز کرد؟

اولین بازسازی، از بازسازی فکری و فرهنگی شروع شد، برای اولین بار مجموعه‌ای از جوانان مهاجر جمعیت، به مدیریت شهید شیون و کفایت‌الله شهید برادر انجینیر اسحاق، جریده دیواری مجاهد را به قلم می‌نوشتند و با اشعار حماسی که خود می‌سرودند، کار این جریده را شروع کردند.

آیا می‌دانید که چه تعدادی از مجلات و جراید، تنها توسط جمعیت به نشر سپرده می‌شد؟

در کتاب «افغانستان در سه دهه اخیر» نویسنده راجع به جمعیت نوشته که شمار نشرات جمعیت در دوران جهاد به ۴۸ جریده و نشریه می‌رسید^۲ که به زبان‌های مختلف: فارسی، پشتو، اردو، عربی و انگلیسی

۱. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛ کشوری بود متشکل از روسیه و چندین جمهوری متحد که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲م، تا زمان انحلال در ۱۹۹۱م، بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در بر می‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد، در دهه ۱۹۸۰م، آثار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد و بالاخره در ۱۹۹۱م، این کشور رسماً منحل شد و به چند کشور دیگر تجزیه شد، یکی از اساسی‌ترین عوامل فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را حمله به افغانستان می‌دانند که به اثر شکست در مقابل ملت قهرمان و مجاهد افغانستان، این اتحاد بزرگ از هم پاشید. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیسم، از امیر اعتماد دانشیار.

۲. قابل ذکر است که نشرات جمعیت در آن وقت، بیشتر از چیزی بود که نویسنده کتاب





نشرات داشتند و این جراید و مجلات در کشورهای مختلف و در سنگرهای مختلف، خلاصه در همه جا به نشر سپرده می شد و پخش می شد.

د اسلام غر، مجاهد، پیام مجاهد، میثاق خون، مشعل، مجله صوت المجاهدون، صوت الجهاد، د جهاد زیری، د شهید غر و ده ها جریده و مجله دیگر به زبان های مختلف توسط جمعیت نشر می شد و در ادبیات معاصر افغانستان و به خصوص در شعر و نشر حماسی نویسندگان مجاهد و مخصوصاً در جمعیت، دست آوردهایی چشم گیری داشتند و ناگفته نماند که خواهران هم چندین مجله و جریده داشتند، مثل صدای خواهران مسلمان و ده ها جریده و نشریه دیگری که توسط خواهران پخش می شد.

در باب تعلیم و تربیت من اگر بگویم؛ صدها لیسه و مدرسه دینی و پوهنتون داشتیم، مبالغه نکردم، مثل پوهنتون عبدالله بن مسعود^۱ و پوهنتون أمهات المؤمنین^۲، برای خواهران - قسمی که برادر فقیری^۳ اشاره کرد- صدها تن از حربی شونخی^۴ و حربی پوهنتون^۵ جمعیت اسلامی فارغ شدند، لوی درستی صاحب بسم الله خان، یکی از فارغین مؤسسه تعلیمی حربی است و در اکادمی پولیس جنرال ناصری، مدیر

«افغانستان در سه دهه اخیر» ذکر کرده است.

۱. پوهنتون عبدالله بن مسعود > ؛ در سال ۱۳۷۰هـ ش، توسط جمعیت اسلامی افغانستان تأسیس شد که بعداً در سال ۱۳۷۴هـ ش، در چوکات وزارت تحصیلات عالی رسماً ثبت گردید و به نام پوهنتون تخار مسمی شد، این پوهنتون در حال حاضر دارای چهار پوهنخی می باشد. نگاه: تاریخ معارف افغانستان، ص: ۱۵۲ و وبسایت وزارت تحصیلات عالی افغانستان.

۲. پوهنتون أمهات المؤمنین؛ از مراکز مهم آموزشی جمعیت اسلامی افغانستان در دوران جهاد برای خواهران بود که بعداً از پشاور به کابل منتقل گردید و در کابل به فعالیت های آموزشی خویش ادامه داد. نگاه: وبسایت هرات آن لاین.

۳. منظور استاد شهید W ؛ محمد نسیم فقیری، رئیس پیشین دارالانشای جمعیت اسلامی و نویسنده شهر کشور است.

۴. حربی شونخی؛ در سال ۱۳۶۰هـ ش، توسط جمعیت اسلامی تأسیس شد. نگاه: تاریخ معارف افغانستان، ص: ۱۵۱

۵. حربی پوهنتون؛ در سال ۱۳۵۹هـ ش، توسط جمعیت اسلامی تأسیس شد. نگاه: تاریخ معارف افغانستان، ص: ۱۵۰.

بود، صدها پولیس از این مؤسسه فارغ شدند، ما فاکولته طب نداشتیم؛ مگر مراکز زیادی برای تربیه خدمات اولی صحتی تأسیس شد، بدین صورت کادرسازی به‌حیث یکی از گام‌های سنجیده‌شده‌ای بود که جمعیت به آن توجه داشت، برای ایجاد مرکز تحقیقات علمی، یک تعداد زیادی از استادان و شخصیت‌های مانند: پوهاند فاضل، دانشمند محترم سلجوقی^۱ که تفسیر فی ظلال القرآن^۲ را ترجمه کردند، داکتر حق‌شناس^۳، عبدالعزیز فروغ^۴ و ده‌ها استاد دیگری در این مرکز کار می‌کردند، دکتور حق‌شناس راجع به تاریخ معاصر افغانستان تألیفات ارزشمندی انجام داد، عبدالعزیز فروغ؛ به‌حیث یک اقتصاددان، رسایلی مفیدی را در باب اقتصاد نوشت، مرحوم کشککی^۵، یکی از اعضای این مرکز بودند، استاد

۱. استاد محمدصدیق راشد سلجوقی؛ فرزند مرحوم نعمت‌الله سلجوقی در میزان ۱۳۱۲هـ ش، در ولایت هرات چشم به جهان گشود، تحصیلات ابتدایی‌اش را نزد پدر فرا گرفت و سپس در فخرالمدراس هرات تحصیلات خود را تکمیل کرد، در سال ۱۳۳۷هـ ش، به‌حیث استاد در آن مدرسه مقرر شد و بعداً در سال ۱۳۴۴هـ ش، به‌حیث رئیس فخرالمدراس هرات مقرر گردید، وی در سال ۱۳۴۷هـ ش، به‌حیث عضو نصاب تعلیمی ریاست تألیف و ترجمه وزارت معارف مقرر گردید، استاد سلجوقی در سال ۱۳۶۰هـ ش، راهی دیار هجرت شد و در سال ۱۳۶۱هـ ش، به همکاری محمدهاشم مجددی به تأسیس شورای ثقافتی جهاد افغانستان پرداخت که عده‌ای از دانشمندان، از جمله مرحوم صباح‌الدین کشککی، حبیب‌الله غالب، عبدالأحد عشرتی و عبدالسلام عظیمی در آن سهم گرفتند، استاد سلجوقی کتب زیادی را ترجمه و تألیف کرده‌است که مهم‌ترین‌شان ترجمه تفسیر فی ظلال القرآن می‌باشد که دارای ده هزار صفحه می‌باشد و در ده جلد تدوین شده‌است، از آثاری که استاد سلجوقی ترجمه کرده‌است، شرح مجله الأحکام است که در هنگام به‌میان آمدن نخستین ستره محکمه افغانستان به چاپ رسیده‌است، از تألیفات ایشان می‌توان از ارکان اسلام، سیدالمرسلین، معارف اسلامی، سلسله دانستنی‌های قرآن و حدیث، اصول حدیث و نگاهی به قرآن مجید نام برد. نگاه: وبسایت هرات آنلاین.

۲. تفسیر فی ظلال القرآن؛ اثر گران‌سنگ علامه شهید استاد سیدقطب G است که خود رهبر شهید برای اولین بار دست به ترجمه جزء اول آن زدند؛ بعدها توسط دانشمندان زیادی به فارسی برگردان شد.

۳. برای آشنایی با دکتور حق‌شناس؛ نویسنده شهیر کشور، به کتاب: شخصیت‌های کلان افغانستان، از دکتور شمس‌الحق آریانفر مراجعه شود.

۴. عبدالعزیز فروغ؛ از پیشگامان جمعیت اسلامی افغانستان بود، برای معلومات بیشتر نگاه شود: بادی از دو شهید، از شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی.

۵. منظور؛ صباح‌الدین کشککی است که سابق رئیس دانشگاه کابل و رئیس رادیو افغانستان بود. نگاه: وبسایت دانشنامه آریانا.





خلیلی؛^۱ دانشمند و فرهنگی با ارزش کشور در همین راستا قرار داشتند، زمانی که به امریکا رفته بودم با استاد خلیلی صحبت تلفونی کردم، ایشان هم آمدند و مهم‌ترین آثارشان را در پاکستان^۲ آفریدند.

برای بهبود وضعیت مهاجرین و حفظ مهارت‌های ملی، مراکزی برای بافت‌قالین^۳ تأسیس کردیم، در این مراکز تا چهل هزار نفر از مهاجران کار می‌کردند، این قالین‌ها در مارکیت بی‌رقیب بود.

فرماندهان عزیز ما در رأس انجینیر شهید احمدشاه مسعود، برای بازسازی، برای ساختن مدارس، مکاتب و سرک‌ها، طرح‌های مهمی را به مرحله اجرا گذاشتند، در کوه‌های صعب‌العبور سرک‌ها ساخته شد.

در باب وحدت و هم‌بستگی ملی؛ شما می‌دانید که جمعیت یقیناً به عنوان یک محور بود و است و سایر مجاهدین هم البته به این قضیه سخت توجه داشتند، طوری که مراکز قدرتمند جمعیت در شمال افغانستان وجود داشت، در جنوب و شرق افغانستان - نیز - مراکز پرقدرتی داشتیم؛ بلی در زابل،^۴

۱. خلیل‌الله خلیلی؛ شاعر معاصر سرزمین ما بود که در ۱۲۸۶هـ.ش، به دنیا آمد، به زبان فارسی شعر می‌سرود، در کودکی پدرش را از دست داد، پیش از کوتای ۷ ثور، وی صاحب مناصب دولتی متعدد در دولت وقت افغانستان بود و پس از آن، ترک وطن کرد و باقی عمر را اکثراً در پاکستان به سر برد، استاد خلیلی در مجموع ۶۲ اثر منظوم و منثور در عرصه‌های مختلف هنر، ادب، سیاست، فلسفه و عرفان دارد که بیشترشان در داخل و خارج از افغانستان به چاپ رسیده‌است، سرانجام استاد خلیلی در بهار ۱۳۶۶هـ.ش، در شهر اسلام‌آباد کشور پاکستان درگذشت، جسد وی پس از ۲۵ سال از درگذشتش، از پاکستان به کابل منتقل شد و در مراسم رسمی در محوطه دانشگاه کابل، در کنار آرامگاه سیدجمال‌الدین افغان به خاک سپرده شد. نگاه: وبسایت گنجور.

۲. پاکستان؛ کشوری است که در جنوب غربی قاره آسیا موقعیت دارد، مساحت آن ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۱۸۴۴۰۵۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، زبان رسمی آن اردو، انگلیسی، پایتخت آن شهر «اسلام‌آباد» و واحد پول آن روپیه پاکستان است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰.

۳. صنعت قالین‌بافی در افغانستان قدامت تاریخی دارد که افغانستان با تولید بیش از دو میلیون مترمربع قالین، یکی از کشورهای تولیدکننده قالین سستی در جهان به حساب می‌آید و فعلاً دارای ۲۰۰ شرکت تولیدکننده قالین است که سالانه ۵۰۰ هزار متر قالین به ارزش ۲۰۰ میلیون دالر تولید دارد، از لحاظ رنگ، گل و دیزاین بیشتر از ۵۰۰ نوع قالین در سراسر افغانستان ساخته می‌شود. نگاه: صنایع دستی، از نظر محمد طوفان.

۴. زابل؛ یکی از ولایت‌های افغانستان است که حدود ۱۷۲۹۳ کیلومتر مربع مساحت دارد و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹هـ.ش، ۲۶۷۸۲۳ تخمین شده و مرکز آن شهر قلات است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۱۰۵ - ۱۰۸.

قندهار،^۱ ارزگان،^۲ هلمند،^۳ پکتیکا،^۴ پکتیا^۵ و کنرها^۶ مراکز پر قدرت داشتیم، این چنین در جمعیت شیعه و سنی عضویت داشتند، جریده راه حسین، یکی از جرایدی بود که توسط جبهات مرکزی ما به نشر می رسید. به هر حال؛ این یک نوع یادآوری محدودی است که خواستیم به آن‌ها اشاره بکنیم؛ به علت همین سابقه پردرخشش است که هر قدر مجاهدین کوبیده می شوند، به نام‌های مختلف چکش می خورند، میخوار، پاهای شان عمیق تر می شود و به گفته رحمن بابا:^۷

لکه ونه مستقیم په خپل مکان یم

که خزان را باندی راشی که بهار^۸

یقیناً که مجاهدین اگر در کابینه حضور بسیار کم رنگ داشتند؛ اما

۱. قندهار؛ در جنوب غرب افغانستان موقعیت دارد، مساحت آن ۴۷۶۷۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹ هـ.ش، ۸۵۰۲۵۲ نفر تخمین شده است، مرکز آن شهر کندهار است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۱۳۰ - ۱۳۴.

۲. ارزگان؛ یکی از ولایت‌های افغانستان است، مساحت آن ۲۹۲۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹ هـ.ش، ۶۶۳۱۹۷ نفر تخمین شده است، مرکز آن شهر ترین کوت است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۱۲۶ - ۱۲۹.

۳. هلمند؛ در جنوب غربی افغانستان موقعیت دارد، مساحت آن ۶۱۸۲۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹ هـ.ش، ۷۷۲۹۸۸ نفر تخمین شده است، مرکز آن شهر لشکرگاه است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۱۳۵ - ۱۳۹.

۴. پکتیا؛ یکی از ولایت‌های شرقی افغانستان است، مساحت آن ۹۵۸۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹ هـ.ش، ۷۲۲۷۲۶ نفر تخمین شده است، مرکز آن شهر گردیز است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۹۶ - ۱۰۰.

۵. پکتیکا؛ یکی از ولایت‌های افغانستان است، مساحت آن ۱۹۳۳۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹ هـ.ش، ۳۶۶۱۴۷ نفر تخمین شده است، مرکز آن شهر «شرن» است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۱۰۱ - ۱۰۴.

۶. کُتر یا کُترها؛ یکی از ولایت‌های شرقی افغانستان است، مساحت آن ۱۰۴۷۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹ هـ.ش، ۳۷۳۴۷۳ نفر تخمین شده است، مرکز آن شهر «اسداباد» است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۳۱ - ۳۴.

۷. رحمان بابا؛ از شاعران پرآوازه زبان پشتوست که در سال ۱۰۴۲ هـ.ق، در پشاور به دنیا آمد، او از قوم مومند بود؛ اما مقام عرفانی و شاعری او بسا فراتر از تعلقات قومی اوست، برای معلومات بیشتر نگاه شود: د رحمان بابا دیوان، مصصح مدون او مقابلہ کونکی، عبدالرؤف بینوا.

۸. نگاه: د رحمان بابا دیوان، ص: ۳.



در میان ملت حضور داشتند، اگر این‌ها به‌نام 'DIAG، 'DDR و یا ریفورم از ارگان‌های دولتی اخراج شدند و سلاح‌های‌شان گرفته شد؛ اما حضور مردمی‌شان قوی‌تر شد و شما می‌بینید که دست‌آوردهای برخی از فرماندهان، قومندانان و والیانی که منسوب به مجاهدین است، بسیار برجسته می‌باشد.^۳

جمعیت در دوران جهاد برای برقراری روابط با جهان بیرون ابتکارات عظیمی داشت، روزهایی بود که رفتن به امریکا غوغا می‌آفرید؛^۴ اما جمعیت شجاعانه این موضوع را عنوان کرد که ما نمی‌خواهیم که قضایای ملی ما در صوبه‌دارها و مخفی‌گاه‌ها حل شود، باید با رهبران جهان، قضایای کشور خویش را مطرح بکنیم و از طرف ما هیچ‌کس حرف نزند، شما آرشیف جمعیت را بخوانید، وقتی که موضوع بحث روی ژنیو صورت گرفت،^۵ پاکستانی‌ها خواستند از طرف مجاهدین حرف بزنند، در دفتر جمعیت جلسه‌ای از خبرنگاران برگزار شد.

من گفتم: «وزیر خارجه پاکستان^۶ حق ندارد از طرف مردم افغانستان حرف بزند، او می‌تواند راجع به مشکل مهاجران صحبت کند.» یکی از خبرنگاران پرسید: مگر شما علیه پاکستانی‌ها اعلان جنگ می‌کنید؟

۱. اصطلاح دایاگ؛ در افغانستان به پروسه جمع‌آوری سلاح مربوط به وزارت دفاع ملی گفته می‌شود.

۲. DDR؛ مخفف غیرمسلح‌سازی، خلع سلاح و ملکی‌سازی و بازگرداندن افراد مسلح به زندگی عادی است - یک پروژه امنیتی، عمیقاً ضد نظامی با اقدامات عمدتاً غیرنظامی است - گفته می‌شود. نگاه: afand.blogfa.com.

۳. شاید منظور رهبر شهید W ؛ ولایاتی چون: بلخ، ننگرهار و هرات است که در این ولایات، فرماندهان مجاهدین؛ چون: استاد عطاءمحمد نور، محمد اسماعیل خان و گل‌آغا شیرزوی استاندار بودند.

۴. اشاره به سفری‌شان دارد که در تاریخ ۱۶ جون ۱۹۸۶م، به امریکا صورت گرفته بود که در این سفر استاد شهید را مولوی خالص، صبغت‌الله مجددی و سید احمد گیلانی - نیز - همراهی می‌کردند. نگاه: کروئولوژی حوادث تاریخی افغانستان، ص: ۷۴.

۵. برای معلومات بیشتر در مورد مذاکرات ژنیو، به کتاب، تحولات سیاسی جهاد افغانستان، ج: اوّل، ص: ۵۰۳ - ۵۰۴، مراجعه شود.

۶. در این وقت، صاحب‌زاده یعقوب خان، وزیر خارجه پاکستان بود.

گفتم: ما به هیچ کس حق نمی‌دهیم که راجع به سرنوشت ما حرف بزنند.

جمعیت طرفدار میانه‌روی بود، افراط‌گرایی و خشونت در جمعیت جایی نداشت، به نشریات و حتی صحبت‌های بعضی از دوستانی که جمعیت را متهم می‌کردند که طرفدار مبارزه فرهنگی است، مراجعه کنید، یقیناً ما طرفدار یک مبارزه فرهنگی بودیم و باید این موضوع را روشن بسازم که اگر ما مورد تجاوز اتحاد شوروی قرار نمی‌گرفتیم و آزادی‌های سیاسی ما سلب نمی‌شد، مبارزه ما شکل مبارزه فرهنگی را داشت و ما دست به سلاح نمی‌بردیم؛ ولی وقتی که دیدیم همه دروازه‌های یک مبارزه مسالمت‌آمیز به‌روی ما بسته شد، آن زمان ما دست به سلاح بردیم و اعلان جهاد کردیم.

مسئله دموکراسی و انتخابات، از جمله تقاضاهای اولیه ما بود، ما به داود خان^۱ نوشته بودیم که ما دیوانه حکومت کردن نیستیم؛ تا زمانی که داود خان زنده بود، من سخت تلاش می‌کردم که جنگی صورت نگیرد؛ زیرا برداشت من این بود که داود خان کمونیست نیست؛ اما انسان خودخواه و سرکش است.

من فکر می‌کردم که عناصر طرفدار «K.G.B»^۲ وی را در محاصره

۱. داود خان؛ در سرطان سال ۱۲۸۸ هـ.ش، در شهر کابل به دنیا آمد، پس از پایان تعلیمات ثانوی نظامی، در سال ۱۹۳۱م، وارد دانشکده افسران اردو گردید، در دوران دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰م، وی در پست‌های گوناگونی ایفای وظیفه کرد، در سال‌های ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰م، وزیر دفاع و از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳م، به‌عنوان نخست‌وزیر کشور بود، ظاهرشاه، پادشاه افغانستان، او را در سال ۱۹۶۳م، برکنار کرد، در ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ هـ.ش، با توسل به کودتای نظامی سرد، ظاهرشاه پسر کاکایش را از سلطنت خلع کرد، نظام جمهوری را بنا نهاد، وی از ابتدا دارای افکار چپی و یک‌ناسیونالیست بود، از این‌رو با حزب دموکراتیک، به‌ویژه شاخه پرچم، روابط نزدیکی داشت و از آن‌ها در پیروزی کودتا استفاده کرد، پس از پیروزی برای کدرهای این جناح، پست‌های مهم و کلیدی داده‌شد، گفته می‌شود که در اواخر سال‌های قدرتش از مسکو و از چپی‌ها فاصله گرفت، به هر حال؛ پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ.ش، حزب دموکراتیک خلق، داود را با ۳۹ نفر از اعضای فامیلش به قتل رسانیدند. در مورد داود خان می‌توانید، به کتاب‌های ذیل نگاه کنید: داود خان در گذشته ننگین، حاضر جنایت‌بار، مستقبل هولناک و سیمای زعامت داود خان، از استاد شهید W و افغانستان در پنج قرن اخیر از میر محمد صدیق فرهنگ.

۲. K.G.B؛ مخفف نام اداره اطلاعات و امنیت اتحاد جماهیر شوروی سابق است، نام کامل این اداره به زبان روسی این‌گونه است: «کمیته امنیت دولتی» این اداره، در سال ۱۹۵۳م، پس از مرگ





گرفته‌اند و امروز یا فردا، او در مقابل آن‌ها قرار می‌گیرد، با نماینده‌های وی ارتباط گرفته شد، پیام‌های^۱ به‌نام داود خان، نعیم خان و مستغنی، جداجدا فرستادیم و از عواقب اوضاعی که در کشور حاکم و خطراتی که متوجه کشور است، یادآوری کردم و گفتم: «داود خان باید خود را از زنجیر مسکو^۲ نجات بدهد.» خودش هم به این نتیجه رسیده بود؛ اما وقتی که تصمیم گرفت، حمله کردند و او را شهید ساختند.

یک روز آقای حکمتیار که تا هنوز از جمعیت جدا نشده بود، پرسان کرد: «استاد اگر پیروز شویم، برای من کدام وزارت را می‌دهی؟»
من گفتم: «اگر پیروز شویم، اول خودم می‌روم به پوهنتون، وظیفه استادی‌ام را پیش می‌برم و تو برو دَرسَت را تکمیل کن؛»
او گفت: «که وزیر شود؟»

گفتم: «آقای روان فرهادی،^۳ و چند نام دیگر را گرفتم؛»
او گفت: «ما خون بدهیم و دیگران حکومت کنند؟»
گفتم: «ماوشما برای آزادی کشور مُبارزه می‌کنیم، به‌خاطر وزارت و حکومت کردن خون نمی‌دهیم.»

بلی، این تیوری پیش ما وجود داشت که ما برای نجات کشور خود مُبارزه می‌کنیم، بازهم اشاره می‌کنم که حرکت بزرگ جهاد به‌خصوص جمعیت اسلامی افغانستان، به‌خاطر آزادی کشور آغاز شده بود و من این

ژوزف استالین رهبر وقت شوروی، از ادغام وزارت امنیت دولتی و وزارت امور داخلی تشکیل شد، K.G.B یک‌نام کلی برای فعالیت‌های سرویس اطلاعات شوروی سابق، پلیس مخفی و آژانس اطلاعاتی (جاسوسی) آن کشور بود، به‌دنبال فروپاشی اتحاد شوروی در ۱۹۹۱م، K.G.B جای خود را به F.S.B (سرویس ضد جاسوسی روسیه) داد، منتقدان عقیده دارند که این تغییر تنها در نام این سرویس است؛ ولی K.G.B هم‌چنان به فعالیت‌های پشت‌پرده خود ادامه می‌دهد. نگاه: وبسایت رادیو فردا و وبسایت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران.

۱. نگاه: خط رهبر، ج: ۱، ص: ۱۳۵.
۲. مسکو؛ پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر و واحد فدرالی روسیه است، مساحت آن ۱۰۸۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۱۰۵۶۳۰۳۸ نفر تخمین شده است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۳.

۳. عبدالغفور روان فرهادی نماینده پیشین دایمی افغانستان در سازمان ملل متحد و نخست‌وزیر وقت است، جهت معلومات بیشتر نگاه شود: وبسایت دانشنامه آریانا، آشنایی با دکتور عبدالغفور روان فرهادی.

احساس را در وجود فرد فردِ برادران خود می‌دیدم.

در زمان درگیری‌های داخلی مجاهدین، جهت حل بحران به جلال‌آباد^۱ رفتم، آن‌جا حکمتیار پیشنهاد کرد که سباوون^۲ وزیر دفاع شود، زمانی که آقای حکمتیار دست به جنگ زد، ما آمادهٔ هر نوع امتیازدهی بودیم، احمدشاه مسعود به هر قیمتی تلاش می‌کرد که صلح در کشور تأمین شود.

در زمانی که طالبان به غزنی^۳ رسیدند، قاری بابا^۴ - که فرماندهٔ قدرتمند دولت در غزنی بود - پیام فرستاد که من توان جلوگیری طالبان را دارم و با آن‌ها می‌جنگم.

مسعود شهید به وی امر کرد که با طالبان نجنگد، زمانی که طالبان به دروازهٔ کابل رسیدند، گل حیدر^۵ فرماندهٔ سنگرهای جنوب کابل بود، به امر دولت از سنگرهای خویش عقب‌نشینی کرد و در دروازه‌های کابل سنگر گرفت.

احمدشاه مسعود به‌خاطر صلح آماده شد که بدون محافظ نزد طالبان برود، بعد از سقوط طالبان در کابل - هرچیزی را که می‌خواستیم، جامعهٔ جهانی قبول می‌کرد؛ اما با این حال - جمعیت اسلامی و جبههٔ متحد تشکیل حکومت را به فیصلهٔ ملی گذاشتند، برای آن‌هایی که یک قطره عرق‌شان به‌خاطر وطن نریخته بود، سهم شیر سپرده شد و در رأسِ قدرت قرار گرفتند، انتقال قدرت برای اولین بار در تاریخ افغانستان به

۱. جلال‌آباد؛ مرکز ولایت ننگرهار است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۲۶.

۲. منظور؛ وحیدالله سباوون؛ رئیس حزب اسلامی متحد افغانستان و داماد آقای حکمتیار است. نگاه: وبسایت بی بی سی فارسی.

۳. غزنی؛ یکی از ولایات افغانستان است که از ۱۹ واحد اداری تشکیل یافته‌است، مساحت آن ۲۳۳۷۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹هـ ش، ۹۶۵۵۷۲ نفر تخمین شده‌است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۱۰۹ - ۱۱۴.

۴. تاج محمد معروف به قاری بابا؛ یکی از فرماندهان پرنفوذ مجاهدین و از رزمندگان دوران جهاد علیه تجاوز اتحاد شوروی بود، وی به‌حیث والی ولایت غزنی در زمان حکومت استاد شهید و در زمان حکومت موقت حامدکرزی کار کرده بود، سرانجام این فرماندهٔ مبارز در سال ۱۳۸۴هـ ش، توسط طالبان همراه با چهارتن از محافظانش به شهادت رسید. نگاه: وبسایت هفته‌نامهٔ مشارکت ملی.

۵. فرمانده گل حیدر؛ یکی از فرماندهان مشهور سابق جهاد است.





شکل مسالمت‌آمیز صورت گرفت.^۱

مجاهدین همه و از جمله جمعیت اسلامی افغانستان - با یک قلب پاک به هدف ثبات و امنیت به امید اینکه وحدت ملی تأمین شود، بازسازی صورت گیرد، منافع ملی افغانستان با منافع جوامع بین‌المللی گره بخورد - همه امتیازات را به دیگران سپردند؛ اما متأسفانه خودخواهی و یکّه‌تازی در حکومت حاکم شد. به عناوین مختلف مجاهدین از حکومت کنار زده شد، نه تنها مجاهدینی که فرماندهی را به دوش داشتند؛ بلکه مجاهدینی که در عرصه سیاست و فرهنگ اشتغال داشتند، به بهانه‌های مختلف از قدرت کنار زده شدند، باز هم می‌بینیم که عکس‌العمل و هیچ حرکتی از طرف گروه‌های مجاهدین، به‌خصوص جمعیت صورت نگرفت.

گفتند: خیر است، ما به خانه‌های خود برمی‌گردیم، وزارت مال شما؛ اما اختلاف‌افگنی، تفرقه‌جویی، تبلیغات ناروا علیه جهاد و مجاهدین به‌خصوص اعضای جمعیت صورت گرفت، ما یکجا با دیگر گروه‌ها و شخصیت‌ها، به‌خاطر هم‌بستگی ملی، جبهه ملی را تأسیس کردیم.^۲ غوغا برپا کردند و گفتند: این‌ها کودتا می‌کنند، به سفارت‌خانه‌ها اطلاع دادند که یک کودتای نظامی در راه است، حتی با دستپاچگی بخشی از قوت‌های نظامی را در میدان هوایی کابل جابجا کردند، جبهه تا هنوز با چنده، کرایه دفتر خویش را تهیه می‌کند و سهم بیشتر را مارشال صاحب می‌پردازد.

ناگفته نماند ابتکاری که منسوبین جهاد، به‌خصوص جمعیت در ایجاد جبهه ملی به خرج دادند، یک کار تاریخی است، ما در تاریخ

۱. انتقال مسالمت‌آمیز و متمدنانه قدرت؛ از دولت اسلامی افغانستان به رهبری شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی W ؛ به حامد کرزی رئیس اداره موقت افغانستان، در اوّل جدی سال ۱۳۸۰هـ.ش، صورت گرفت، برای معلومات بیشتر در این مورد به بیان تاریخی استاد شهید W مراجعه شود. نگاه: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۳، دور ششم، سال هفتم، شماره ۲۸، ۳۰ قوس ۱۳۸۷هـ.ش.

۲. جبهه ملی افغانستان؛ در ۱۵ حمل ۱۳۸۶هـ.ش، توسط رهبر شهید G تأسیس شد و رهبری این جبهه بزرگ سیاسی را - نیز - خودش به‌عهده داشت، برای معلومات بیشتر به خطابه رهبر شهید W ؛ نگاه شود: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۶، دور هشتم، سال ششم، شماره اوّل، ۱۸ حمل ۱۳۸۵هـ.ش.

افغانستان برای بار اول این گام را برداشتیم، کسانی که دیروز در رویارویی با همدیگر جنگیدند، امروز در پهلوی همدیگر نشستند، سیاست می‌کند، اگر تا دیروز تضادی وجود داشت، امروز هیچ تضادی در اندیشه فکری نمی‌بینم، در صف نماز که اعضای جمعیت و مجاهدین ایستاد می‌شود، در همان صف نماز، اعضای حزب خلق و پرچم^۳ دیروز قرار می‌گیرند، دیروز ما راجع به تقبیح اهانتی که عسکر امریکایی در عراق علیه قرآن کریم انجام داد، خواستیم که قطعنامه‌ای صادر کنیم، من شهادت می‌دهم که یکی از اعضای حزب خلق سابق، آقای گلاب‌زوی،^۴ لحن شدیدتری را در این قطعنامه پیشنهاد کرد، این یک فرهنگ جدید در تاریخ معاصر سیاسی ما می‌باشد، با این کار مجاهدین چند جهتی‌ها از بین می‌رود و به‌عنوان یک ملت مؤمن و مسلمان در یک صف و سنگر قرار می‌گیریم.

برادران و خواهران!

جلسه ما کمپاین انتخاباتی نیست، اگر کمپاین می‌بود، شاید جلسه بزرگ و با شکوه‌تر می‌داشتیم؛ اما من با صراحت می‌خواهم اعلان کنم که از این به بعد مجاهدین دنباله‌رو نخواهند بود، از این به بعد به‌عنوان

۳. خلق و پرچم؛ حزب چپ‌گرا و مارکسیستی است که دوشاخه‌ای از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودند، شاخه پرچم را «ببرک کارمل» و شاخه خلق را «تره‌کی» رهبری می‌کرد، این حزب در زمان حکومت «نجیب» نامش را تغییر داد و به نام «حزب وطن» یاد می‌شد، کودتای منحوس هفتم نور و تجاوز وحشیانه و ددمشانه شوروی سابق که سرآغاز مصیبت‌ها و بدبختی‌های مردم مسلمان و مجاهد ما شد، شهادت، معلولیت و معیوبیت بیش از دویسمیلیون از مردم مسلمان ما و به زندان کشاندن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و هزاران گور دسته‌جمعی در هر گوشه کشور عزیزمان را به همراه داشت، همه از جنایات شوم این دو حزب و حامیان آن‌هاست. نگاه: دسایس و جنایات روس در افغانستان، از دکتور شیراحمد نصری حق‌شناس.

۴. سیداحمد گلاب‌زوی؛ در ولایت پکتیا به دنیا آمد، تحصیلاتش را در مکتب خوردهضایطان به پایه اكمال رساند و تا کودتای ۷ ثور به‌حیث خوردهضایط ایفای وظیفه کرد، وی عضو حزب دموکراتیک خلق، جناح خلقی‌ها بود و در کودتای داود و کودتای ۷ ثور - نیز - سهم داشت، در مناقشات درون‌حزبی خلقی‌ها، از تره‌کی حمایت می‌کرد، بعد از قتل تره‌کی به سفارت شوروی پناه برد و از آنجا به مسکو اعزام شد، همراه با ورود قوای شوروی و کارمل در سال ۱۹۷۹م، به کابل آمد و به‌حیث وزیر داخله تعیین شد و در وقت زمامداری نجیب به‌حیث سفیر در مسکو تعیین گردید، در کودتای سال ۱۹۹۰م، همراه با شهناز تنی برضد حکومت نجیب دست داشت. نگاه: وبسایت شبکه افغانستان قلب آسیا.





پُرزه‌های کم‌ارزش در جریان سیاسی به نفع دیگران عمل نخواهند کرد، از این به بعد تصمیم می‌گیرند و نمی‌گذارند با سرنوشت کشور، هرکسی بازی کند، تصمیم ما این است که در قدم اول خود مجاهدین در باب زعامت سیاسی کشور و بعد به احزاب مختلف، نهادهای مدنی و اقوام افغانستان موضوع مطرح خواهد شد، یک کاندیدایی که وفاق ملی را تأمین کند، مطرح می‌کنیم.

ما در بستر بحران قرار داریم، بحران تنها امنیتی نیست، شما می‌بینید بحران سرتاسر کشور را فرا گرفته است، مردم علف می‌خورند و کودکان‌شان را به فروش می‌رسانند، مواشی افغانستان به کلی دارد از بین می‌رود، بحران دامن گیر همه است و به تعبیر قرآن:

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ..﴾^۱

فساد همه جا را به‌خاطر حکومت گرفته است، هیچ برنامه‌ای برای نجات مردم نیست، آیا نمی‌شد در پهلوی میلیاردها دلاری که در جنگ مصرف می‌شود، چند صد میلیونی هم، به‌خاطر خرید گندم مصرف شود؛ تا زن و طفل و کودک افغانستان از گرسنگی نمیرد.

حکومت باید به جامعه بین‌المللی بگوید، شما برای چه می‌جنگید؟ برای امنیت می‌جنگید؟

گرسنگی، امنیت کشور را مختل می‌سازد، به قول معروف شکم گرسنه منطق را نمی‌پذیرد و چنان‌که نویسنده‌ای می‌گوید: اگر یک‌بار سیلی از گرسنگان به خیابان‌ها بریزند، دیگر هیچ قدرت نظامی نمی‌تواند جلوشان را بگیرد.^۲

جبهه ملی با احتیاط زیاد و محافظه‌کاری، برنامه‌های اصلاحی را مطرح می‌کند، با وجود آن می‌بینیم که پیشنهادهای منطقی جبهه پذیرفته

۱. بخشی از آیه ۴۱ سوره مبارکه روم است که می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضُ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است؛ تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند، به آنان بچشاند، باشد که باز گردند).

۲. این مفهوم سخن استاد سید قطب شهید W است. نگاه: معركة الإسلام والرأسمالية، ص: ۷، ناشر: دار الشروق.

نمی‌شود، جبهه و جمعیت خواهان آن است که باید برای حل مشکلات کشور با اپوزیسیون مسلح به شکلی کنار آمد.

در این روزها پیام‌هایی به آدرس جمعیت و جبهه می‌رسد، از جمله چند روز قبل ورقی که حامل یک سلسله خواست‌ها و پیشنهادها گروهی از طالبان بود، به ما رسید که نکات مثبتی در آن پیشنهادها دیده می‌شد، از جمله اینکه آن‌ها به تمام میثاق‌های بین‌المللی، ملل متحد و کنفرانس اسلامی^۱ خود را پابند می‌دانند، به مکاتب دختران و پسران مخالفتی ندارند، با اختلاف قومی و نژادی مخالف‌اند، با تمام کشورهای اسلامی و غیر اسلامی علاقه‌مند دوستی می‌باشند و افغانستان نباید پایگاهی برای تهدید همسایه‌ها شود.

باید گفت: وضعیتی را که در گذشته طالبان به میان آورده بودند، به هیچ وجه قابل قبول ما نیست؛ اما ما می‌توانیم در روشنی منافع ملی با مخالفین گفت‌وگو کنیم، ما باید برای تأمین امنیت و برای صلح، قیمتی پرداخت کنیم، قسمی که در صحبت‌ها پیش از این اشاره کردم، داشتن روابط با جامعه بین‌المللی، در فرهنگ سیاسی جمعیت یک مطلب جدید نیست، جمعیت از گذشته‌های دور به آن اعتقاد داشته و به‌خاطر ساختن افغانستان و وارد شدن در یک مرحله بازسازی پیشرفته، ما با همکاری

۱. سازمان کنفرانس اسلامی (O.I.C)؛ دومین سازمان بین دولتی پس از سازمان ملل متحد است که به عضویت از ۵۷ کشور به گسترش بیش از چهار قاره است، سازمان صدای جمعی جهان اسلام و تضمین برای حفاظت و حمایت از منافع جهان اسلام، در روح ترویج صلح بین‌المللی و هماهنگی میان افراد مختلف جهان است، سازمان براساس تصمیم اجلاس تاریخی که در رباط، پادشاهی مغرب در ۱۲ رجب ۱۳۸۹ هـ.ق، برگزار شد، به‌عنوان یک نتیجه از آتش‌سوزی جنایی «مسجد الأقصى» در اشغال بیت‌المقدس تأسیس شد، از لحاظ جغرافیایی به سه گروه آسیایی و آفریقایی و عربی تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: کشورهای آسیایی، کشورهای آفریقایی و کشورهای عربی، یکی از ارکان این سازمان دبیرخانه سازمان است که مسئولیت پیگیری و اجرای تصمیمات متخذه در کنفرانس سران و اجلاس وزرای خارجه را برعهده دارد، دبیرکل این سازمان، به‌عنوان رئیس دبیرخانه که با اکثریت آراء و به مدت ۴ سال انتخاب می‌شود، مقر دبیرخانه براساس منشور کنفرانس اسلامی، شهر «بیت‌المقدس» می‌باشد و تا زمان رفع اشغال صهیونیست‌ها، جدّه به‌طور مؤقت مقر دبیرخانه می‌باشد، در سال ۱۹۷۰م، نشست اولین کنفرانس اسلامی وزیران امور خارجه سازمان همکاری اسلامی در جدّه برگزار شد که برای ایجاد دبیرخانه دائمی در شهر جدّه تصمیم گرفته شد. نگاه: سازمان‌های بین‌المللی، ص: ۲۸۲، فرهنگ سیاسی آرش، ۳۲۹ - ۳۳۴.





کشورهای بزرگ مانند امریکا^۱ و کشورهای اروپایی و کشورهای بزرگ منطقه و دنیای اسلام نیازمندیم؛ لذا با رعایت مسایل ملی، با آنها دست همکاری و دوستی دراز می‌کنیم؛ اما این موضوع را چندین بار گفته‌ام و باردیگر تأکید می‌کنم، پیام ما به دوستان بین‌المللی این است که در کشور ما به فکر سربازگیری و مزدوریابی نباشند؛ زیرا افغان‌ها - قسمی که در جای دیگری هم گفته بودم - می‌توانند دوستان خوبی باشند؛ اما به هیچ صورت مزدوران خوب نخواهند شد، اگر مزدور شوند، نه به وطن‌شان مصدر خدمت و خیر می‌شوند و نه به کشورهای که سربازگیری و مزدورگیری می‌کنند، قرآن کریم بجا فرموده:

﴿وَهُوَ كُلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ...﴾^۲

انسان مزدور، اجیر بادارش است و مثل دست شکسته در گردن بادار آویزان است و هیچ‌کاری هم کرده نمی‌تواند؛ اما اگر جامعه بین‌المللی با ملت افغانستان با احزاب سیاسی افغانستان، با سیاستمداران افغانستان، بدون تعویض و ترجیح یک قوم بر قوم دیگری، یک گروه بر گروه دیگری، دست دوستی و همکاری بدهند، از طرف ملت افغانستان و احزاب سیاسی پذیرفته می‌شوند.

مشکلات کشور ما خیلی فراوان است، مشکلاتی که به یک طاعون^۳

۱. ایالات متحده امریکا؛ کشوری است که در امریکای شمالی موقعیت دارد، پایتخت آن شهر واشینگتن است، امریکا سومین کشور پرجمعیت دنیا و سومین کشور پهناور جهان است و از لحاظ نژادی متنوع‌ترین کشور جهان شناخته می‌شود، مساحت آن ۹۳۶۳۳۶۴ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۱۰۰۶۲۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن انگلیسی، واحد پول آن دلار امریکایی است، در آن کشور براساس متمم اول قانون اساسی، هیچ‌دینی به‌طور رسمی وجود ندارد؛ اما همین متمم - نیز - آزادی تمام ادیان را تضمین کرده است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹.

۲. بخشی از آیه ۷۶ سوره مبارکه نحل است که می‌فرماید: ﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَتَمٌّ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كُلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ، أَيْنَمَا يُوَجِّهُهُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ، هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾

(و الله مثل [دیگری] می‌زند، دو مردند که یکی از آنان لال است و هیچ کاری از او بر نمی‌آید و او سربار خداوندگارش می‌باشد، هر جا که او را می‌فرستد، خیری به همراه نمی‌آورد، آیا او با کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و خود به راه راست است، یکسان است؟).

۳. طاعون؛ یک بیماری و اگیردار است که عامل آن باسیل «یرسینیا پستیس» است، این باسیل در سال ۱۸۹۴م، پس از سال‌ها پژوهش، توسط الکساندر یرسین کشف شد، این بیماری کشنده،

کیداشي زمونږ او تاسو په پراخه پیمانه جلسات او اجتماع ګاني ولرو، او یو بل سره خبري وکړو، له دې کبله زه وایم چې: هغه کسان چې غواړي د کوچي او زمونږ هزاره وروڼه منځ کې اختلافات راوړي، او یاد نورو قومونو لکه تاجیکو،

بارها در طول تاریخ باعث بحران‌های شدید اقتصادی و اجتماعی شده‌است. نگاه: وبسایت واژه‌یاب.



پښتنو، اوزبکو او بلوچو په نوم لانجې رامنځ ته کړي، باید دوی ته اجازه ورنکړو چې نوی فتنه جوړ کړي.

رسول الله / داسې قومي اختلافونو ته فتنه ویلی دی، او فرمایلی دی:
﴿فَاتَّهَا مُنْتَبَهٌ﴾^۱

(دایو بویناکه فتنه ده.)

زه بیا ټولو وروڼو ته وایم چې: مونږ یو واحد او متحد افغانستان غواړو. وقتی که منشور جبهه اعلان شد و در آن هدف‌های ملی و دموکراتیک ذکر شده بود، از جمله اینکه مردم در ولایات در تعیین والی‌ها و ریاست‌های عمده نقش داشته باشند و در آن منشور هم‌چنان از ایجاد نظام پارلمانی حمایت گردیده بود، بعضی‌ها غوغا برپا کردند که جبهه ملی می‌خواهد نظام فدرالی^۲ را پیاده کند، در حالی که مطلب ما این بود که والی‌ها به خواست مردم پیشنهاد شود و رئیس دولت منظور کند، باور ما این است که این شیوه به نفع امنیت و ثبات است، به‌طور مثال در ولایات جنوبی که بی‌امنی وجود دارد، اگر والی‌ها به خواست مردم تعیین شود، من یقین دارم که این بدامنی‌ها از میان می‌رود؛ زیرا سران قوم در آن‌جا نقش دارند و می‌توانند به اساس جرگه‌های قومی مشکل را حل کنند.

باز هم تأکید می‌کنم که مجاهدین طرفدار افراط‌گرایی نیستند؛ بلکه

۱. بخشی از این حدیث مبارک است: ﴿حَدَّثَنَا عَلِيُّ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ قَالَ عَمْرُو: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ V قَالَ: كُنَّا فِي غَزَاةٍ - قَالَ سُفْيَانُ مَرَّةً فِي جَيْشٍ، فَكَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ يَا لِلْأَنْصَارِ وَقَالَ الْمُهَاجِرِيُّ يَا لِلْمُهَاجِرِينَ فَسَمِعَ ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ / فَقَالَ: مَا بَالُ دَعْوَى جَاهِلِيَّةٍ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: دَعَوْهَا فَإِنَّهَا مُنْتَبَهٌ فَيَسْمَعُ بِذَلِكَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي قَحْلَةَ فَقَالُوا أَمَّا وَاللَّهِ لئن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَنُخْرِجَنَّ الْأَعَزَّ مِنْهَا الْأَذْلَ فَبَلَغَ النَّبِيُّ / فَقَامَ عُمَرُ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ دَعْنِي أَضْرِبَ عُنُقَ هَذَا الْمُنَافِقِ فَقَالَ النَّبِيُّ / دَعَهُ لَا يَتَحَدَّثُ النَّاسُ أَنَّ مُحَمَّدًا يَقْتُلُ أَصْحَابَهُ﴾ نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۶۶۲۶.

۲. فدرالیزم از ریشه لاتین Foedus یا Foederation گرفته شده که به معنای اتحاد یا قرارداد است؛ اما از لحاظ مفهوم سیاسی، نظامی بر مبنای قواعد دموکراسی و نهادها و سازمان‌هایی است که در آن‌ها قدرت اداره کشور، بین حکومت‌های ملی و ایالتی یا استانی تقسیم شده است و آنچه که اغلب فدراسیون نامیده می‌شود را ایجاد می‌کند و طرفداران آن «فدرالیست» نامیده می‌شوند. نگاه: آرتور بنز و گرهارد لهمبروخ، فدرالیزم، آنالیز تاریخ شکل‌گیری و مقایسه امکانات آینده آن، فصل‌نامه PVS شماره ۳۲، ویسبادن ۲۰۰۲ م.

طرفدار فرهنگ اعتدال‌اند، البته این فرهنگ یک حزب نیست؛ بلکه تعلیمات دینی ماست، اصلاً شریعت و اسلام دین وسط است؛ یعنی در میان افراط و تفریط است ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾^۱ خداوند مسلمانان را در این آیت کریمه خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید: شما امت وسط و میانه‌اید.

جمعیت مخالف تولید مواد مخدر و قاچاق آن بوده، طرفدار تأمین صلح و ثبات در منطقه و جهان می‌باشد، مسئله آشتی و گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها پیام عمده جمعیت اسلامی بوده و این را عاملی برای هم‌بستگی و نزدیک شدن ملت‌ها و عامل تأمین صلح سراسری در جهان می‌دانیم. در ارتباط اتهاماتی که مغرضین علیه مجاهدین عنوان می‌کنند و آن‌ها را ناقض حقوق بشر می‌دانند، خاطره‌ای را به شما حکایت می‌کنم.

در زمان جهاد برای دیدن مجاهدین به چترال^۲ رفته بودم، چند تا اسیر روسی را آوردند، یک جوان از لیتوانیا^۳ در میان آن‌ها بود، در موتر

۱. بخشی از آیه ۱۴۳ سوره مبارکه بقره است که می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنُعَلِّمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾

(و بیگمان شما را ملت میانه‌روی کرده‌ایم؛ تا گواهانی بر مردم باشید و پیغمبر [نیز] بر شما گواه باشد و ما قبله‌ای را که بر آن بوده‌ای، قبله نکرده بودیم؛ مگر اینکه بدانیم چه کسی از پیغمبر پیروی می‌کند و چه کسی بر پاشنه‌های خود می‌چرخد و اگرچه [تغییر قبله برای کسی که الفت گرفته‌است، بدان رو کند] بس بزرگ و دشوار است؛ مگر بر کسانی که الله ایشان را رهنمون کرده باشد و الله ایمان (نماز) شما را ضایع نمی‌گرداند، بیگمان الله نسبت به مردم بس رؤوف و مهربان است.)

۲. ایالت چترال؛ به نام‌های چترار کاشغر و قاشقار - نیز - یاد شده‌است، در دامنه‌های جنوبی سلسله کوه‌های هندوکش، در قسمت‌های علیای ایالت سرحد شمال مغربی و قسمت انتهای شمالی وادی دریای کنر، در فاصله ۱۵۰ میل از گلگیت و ۲۰۰ میل از پشاور موقعیت دارد، چترال توسط کوتل‌های متعددی با بدخشان و کنر وصل است، مرکز ایالت چترال، شهر چترال است، این ایالت در مقطع‌های مختلف زمانی تحت تسلط سکندر مقدونی، اردوی چین و مغول‌ها قرار داشته‌است. چترال هم‌چنان در ایام مختلف، تابع بدخشان افغانستان و کشمیر - نیز - بوده‌است. نگاه: [www.zamanifamily.com /PDF_Files](http://www.zamanifamily.com/PDF_Files)

۳. لیتوانی؛ کشوری است که در شمال شرقی اروپا موقعیت دارد، مساحت آن ۶۵۳۰۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۲۹۷۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، زبان رسمی آن لیتوانیایی، واحد پول آن «لیتاس» و پایتخت آن شهر «ویلنیوس» است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۹.





یکجا به‌سوی پشاور^۱ روان شدیم، خیلی خسته شده بودیم، در میان دیر و چترال کوهی بلندی است، آنجا نشستیم، مجاهدین از موتر پایین شدند، تفنگِ کلکوفی - که از روس‌ها به غنیمت گرفته شده بود و آمر صاحب شهید برای من فرستاده بود - گرفتم و شروع کردیم به نشان‌زدن و در این لحظه متوجه آن جوان اسیر شدم دیدم که او می‌لرزد، از ترجمان علت لرزه‌اش را پرسیدم.

جوان گفت: «می‌ترسم که مرا مکشید»

من دیدم که او بیچاره بسیار ترسیده‌است، او را در موتر خود نشاندم و ترجمان را هم آوردیم، در داخل موتر قصه ما شروع شد؛ از او پرسیدم: «چه انتظار داری، در برابر تو ما چه کار خواهیم کرد؟»

گفت: «شاید مرا بکشید؛ زیرا من نفرهای شما را کشتم»

در دنباله صحبت فهمیدم که با دختری نامزد بوده‌است، او ادامه داد که او را به زور آوردند و همیشه در فکر نامزدش است، برایش وعده کردم که او را نزد نامزدش می‌رسانم.

اول باور نمی‌کرد، بعد که مطمئن شد، خواهش کرد که او را به سفارت روسیه تسلیم نکنیم، او می‌ترسید که او را می‌کشند.

من رئیس صلیب سرخ^۲ در پاکستان را دعوت کردم و از او تعهد گرفتم که آن جوان را به سلامت نزد پدر و مادرش برساند و برابم اطمینان دهد و چنین شد.

ما حتی در برابر کسانی که ما را می‌کشتند، هم‌دین ما نبودند، سخت مهربانی و دل‌سوزی داشتیم، جنگ‌هایی که واقع شد و حوادث دردآوری که رخ داد، یقیناً این همه بر مجاهدین تحمیل گردیده بود، البته اشتباهاتی صورت گرفت، من نمی‌گویم که ما همگی فرشته بودیم، انسان اشتباه می‌کند؛ اما خشونت، پامال کردن حقوق انسان و ظلم، اصلاً به‌عنوان یک

۱. پشاور؛ پایتخت ولایت مرزی شمال‌غربی کشور پاکستان است، مساحت این شهر ۱۲۵۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۹۵۵۲۵۴ نفر تخمین شده‌است. نگاه: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، سرواژه پشاور.

۲. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ؛ یکی از اعضای نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر است، این نهضت در کشورهای اسلامی هلال احمر نامیده می‌شود. نگاه: بهداشت در بلایا، ص: ۱۳.

فرهنگ در میان ما وجود نداشت، ما هیچ‌گاه در فکر انتقام‌گیری نبودیم، شما دیدید که آقای حکمتیار چه کاری نبود که نکرده باشد، وقتی همه چیز را باخت، به کابل آمد، ما او را همراه خود به مزارشریف^۱ بردیم، در آنجا اطلاع یافتیم که دوستان خودش تصمیم کشتن و یا فروختن او را به طالبان گرفته‌اند، من فوراً اقدام کردم و او را از دست افراد خودش نجات دادم، وقتی که در میدان هوایی آمد، محافظش با بکس آقای حکمتیار ناپدید شد، من با وجود اصرار قومندان علم خان^۲، گفتم: «تا وقتی که حکمتیار را نیاوردید، من در طیاره بالا نمی‌شوم».

روزی که از کابل برآمدیم، در پنجشیر^۳ قرار بر این شد که ما به تخار^۴ برویم، انجینر صاحب شهید، به‌خاطر خطرات احتمالی چند هلیکوپتر را آماده کرده بود؛ تا ما را جداجدا انتقال دهد.

حکمتیار فکر می‌کرد که پلان شده‌است، نشود که هلیکوپتر او سقوط داده شود، بسیار ترسیده بود، من او را در طیاره خود سوار کردم.

به هر حال آدم‌کشی و احساس انتقام، اصلاً در فرهنگ جمعیت جای ندارد، اعضای جمعیت در مورد کسانی که علیه آن‌ها جفا کردند، هرگز در فکر انتقام‌جویی نیستند؛ اما به اصلاحات فکر می‌کنیم، در فکر تحول در کشوریم، وضعیت فعلی قناعت‌بخش نیست، باید تغییرات اساسی در

۱. مزارشریف؛ مرکز ولایت بلخ است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۶۷.

۲. علم خان آزادی فرزند غلام جان در سال ۱۳۴۰هـ ش، در روستای لنگرخانه ولسوالی نهرشاهی ولایت بلخ به دنیا آمد، وی از قومندانان معروف جمعیت اسلامی افغانستان و نماینده مردم بلخ در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم شورای ملی است. نگاه: ویسایت شورای ملی افغانستان.

۳. پنجشیر؛ در شمال افغانستان واقع گردیده‌است، مرکز آن شهر «بازارک» می‌باشد، پنجشیر به فاصله ۱۲۰ کیلومتری به‌طرف شمال‌شرق کابل در بین دو شاخه جنوبی هندوکش، از شمال‌شرق به جنوب‌غرب موازی به امتداد هندوکش واقع است و دره‌های فرعی آن از شمال به جنوب و از جنوب به شمال امتداد داشته و به دره عمومی پنجشیر وصل می‌شود، ارتفاع آن از سطح بحر ۲۲۱۷ متر بوده و در نقاط مرتفع به ۶ هزار متر از سطح بحر ارتفاع آن می‌رسد، طول آن از «دالان‌سنگ» تا پای «کوتل انجمن» زیاده از ۱۲۵ کیلومتر است، مساحت آن ۳۶۱۰ کیلومتر مربع بوده و جمعیت آن در سال ۲۰۰۹ م، ۱۳۹۱۰۰ تخمین شده‌است. نگاه: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.

۴. تخار؛ یکی از ولایت‌های شمال‌شرقی افغانستان است، مساحت آن ۱۲۳۷۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹هـ ش، ۷۷۶۲۰۹ نفر تخمین شده‌است و مرکز آن شهر تالقان است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۴۷.



کشور بیاید، انتخابات شفاف و آزادانه صورت گیرد، بعضی‌ها گفته‌اند که من و قانونی صاحب^۱ موافقه کردیم که انتخابات به تعویق بیفتد، این در حالی است که ما در جلسات رسمی گفتیم: قانون اساسی باید محترم باشد و ما حق نداریم مواد قانون اساسی را تغییر بدهیم، این کار لویه جرگه است.

در ارتباط همکاری‌های نظام بین‌المللی ترجیح ما این است که باید نیروهای وزارت دفاع ملی و داخله تقویت شوند و از ظرفیت و تجارب مجاهدین استفاده شود؛ چرا از این لشکر فدایی‌ای که آمادۀ هرنوع فداکاری در راه وطن‌اند، از ایشان در کار تأمین امنیت استفاده نمی‌شود، ما به این عقیده‌ایم که خارجی‌ها به جای اینکه اولاد خود را روان کنند و کشته شوند، بگذارند ما خود برای وطن‌مان قربانی بدهیم، ما حضور نظامی قوت‌های خارجی را به شکل قانونمند آن می‌خواهیم.

من امیدوارم، قسمی که آن‌ها در کشورهای خودشان طرفدار پیاده کردن قانون‌اند، این‌جا هم طرفدار پیاده کردن قانون باشند و قانون‌شکنی را یک فرهنگ نسازند، ما طرفدار این نیستیم که افغانستان پایگاه تروریسم شود، هم‌چنان که طرفدار این نیستیم که خارجی‌ان جنگ خود را به خاک ما منتقل کنند، ما طرفدار دوستی با همه جهانیم.

امیدوارم که انتخابات آینده افغانستان در یک فضای شفاف و مشارکت واقعی برگزار شود و هرکسی را که مردم افغانستان در این انتخابات شفاف برگزینند ما قبول داریم، طبعاً خود مجاهدین در فکر این‌اند که در قدم اول یکی از اعضای خودشان را کاندیدا دهند و در قدم دوم از هرچهره‌ای که به نفع ثبات و امنیت کشور باشد، حمایت کنند. امیدوارم که فردای افغانستان بهتر از امروز باشد و دوستی و برادری به‌عنوان یک فرهنگ در میان همه اقوام و احزاب حاکم شود.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ.^۲

۱. منظور، محمدیونس قانونی؛ رئیس پیشین شورای ملی و معاون ریاست جمهوری در زمان حکومت حامد کرزی است.

۲. (می‌گویم: سخن من همین است، به خود و شما از الله^۱ آمرزش می‌طلبم.) با این جمله، پیامبر / و یاران مبارکش گاه‌گاهی سخنرانی‌های‌شان را خاتمه می‌دادند. نگاه: ابن حبان، شماره حدیث: ۳۸۲۸ والسلسلة الصحيحة، از ناصرالدین البانی، شماره حدیث: ۲۸۰۳.

خطابه چهل و سوم

در شهرستان نهرین ولایت بغلان؛

زمان: ۲۳ / ۵ / ۱۳۸۷ هـ.ش.

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۱
 صَدَقَ اللَّهُ مَوْلَانَا الْكَرِيمَ.

نمازگزاران محترم! علمای بزرگوار! فرماندهان دوره‌های پرافتخار
 جهاد و مقاومت! مجاهدین عزیز! مردم متدین و همیشه در سَنَگَرِ دفاع از
 دین و عزت اسلام و مسلمانان و لِسَوَالی نهرین!^۲
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

در آغاز به روح همه شهدای مان و به خصوص به روح شهید جاوید
 مرحوم آمر عبدالحی خان^۳ و قاری صاحب محمد علم شهیدمان که اخیراً
 جام شهادت را نوشیدند و همیشه در سنگرهای پرافتخار، در انتظار
 شهادت بودند؛ اَمَّا قِسْمَتِ شَانِ اَیْنِ بُوْدِه کِه بِه دَسْتِ عَنَاصِرِ ظَالِم و

۱. احزاب / ۲۳. (در میان مؤمنان مردانی هستند که در پیمانی که با الله بسته‌اند، راست بوده‌اند، برخی پیمان خود را به‌سر برده‌اند و شربت شهادت سرکشیده‌اند و برخی - نیز - در انتظارند، آنان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی در عهد و پیمان خود نداده‌اند.)

۲. نهرین؛ یکی از شهرستان‌های ولایت بغلان افغانستان است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۵۰.

۳. آمر عبدالحی حقجو؛ از فرماندهان معروف جمعیت اسلامی افغانستان و امیر جبهات جهاد در ولایت بغلان بود. نگاه: میثاق خون، ص: ۵۷، سال پنجم، شماره هشتم، عقرب ۱۳۶۹ خورشیدی.



بی‌رحمی شهید شوند.

﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^۱

این چنین به روان جمعی از شخصیت‌ها: مولوی صاحب عبدالودود پسر معاون صاحب عبدالغنی، آمر صاحب حبیب‌الرحمن و برادران عزیز دیگرمان که در این ایام اخیر، از این جهان فانی رحلت کردند، اتحاف دعا فرستاده و از خداوند^۱ درجات عالی در بهشت‌برین را برای‌شان آرزو مندم.

من از این مسجد پرشکوه شما - که حالا همه به انتظار ادای نماز جمعه درآئیم - خاطره‌های بسیار فراموش‌ناشدنی را از آن، در ذهن خود دارم، بلی در روزهایی که شهید جاوید شما و سنگرهای جهاد مرحوم آمر عبدالحی، هنوز جام شهادت ننوشیده و از جهان رحلت نکرده بودند و در صف شهدا هنوز قرار نداشتند و در پهلوی شما در قید حیات بودند، در اینجا با شما یکجا نماز خوانده بودیم.

این مسجد به همت شما و به رهنمایی، کمک و دستیاری برادر مرحوم آمر عبدالحی ساخته شد و در اثر زلزله، مسجد خسارات شدیدی برداشت که بار دیگر به همت شما - فعلاً - این مسجد آباد شده، در حق همه شما که در اعمار مجدد مسجد باهم همکاری کردید، دعای خیر می‌کنم.

برادران عزیز!

البته خاطره‌های فراموش‌ناشدنی دوره‌های جهاد را همه به یاد داریم، مردم ما به خاطر دفاع از دین، آزادی، استقلال، عزت و سربلندی ملت‌شان آماده شدند که در دوره‌های مختلف جهاد و مقاومت قربانی بدهند، به سنگرگاه‌ها با جان و مال شرکت بکنند و مطابق به وعده خداوند^۱ و هدایت الهی که می‌فرماید:

۱. بخشی از آیه ۱۵۶ سوره مبارکه بقره است که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: ما از آن الله‌ایم و به سوی او باز می‌گردیم).

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ...﴾^۱

از جملهٔ مسلمان‌ها، مردان با ایمان و با تعهدی هستند که در راه خدا ' با کمال صدق و ایمان، مُبارزه و جهاد کردند، تعدادی از آنان شهید شدند و جمع دیگری که در قید حیات‌اند، در سنگرها استوارند و هر لحظه در انتظار شرکت در جهاد و مُبارزه‌اند، خسته نشدند و خسته نمی‌شوند.

این فرهنگ؛ یعنی فرهنگ مُبارزه در راه حق، فرهنگ و دستور جاویدان دین مبین ماست، زندگی در دین و در فرهنگ اسلامی ما، سراسر جهاد و مُبارزه و دفاع است، البته جهاد به مفهوم وسیع آن منظور است؛ چون تنها جهاد در سنگر حق جهاد نیست؛ بلکه در منبر و محراب دعوت، دعوت برای خدا، کار و خدمت به مسلمان‌ها، تعمیر و آبادی زمین، خدمت به معلولان، مجروحین، خلاصه هر کار خیر و هر کار تعمیری که به نفع انسان تمام شود، تعبیر این همه در فرهنگ اسلامی، از جمله ارزش‌های جهاد است.

حدیثی است از پیغمبر اکرم / که در آن می‌آید:

جوانی به خدمت پیغمبر اکرم / آمد و فرمود: یا رسول الله / اجازه بده که من به سنگر جهاد بروم؛

رسول الله / فرمودند: در خانه که را داری؟

گفت: مادرم و پدرم را؛

پیغمبر / فرمود: ﴿فَفِيهِمَا فَجَاهِدْ﴾^۲

(برو در خدمت پدر و مادرت جهاد کن.)

یعنی خدمتی را که برای پدرِ پیر و مادرِ محتاجت انجام می‌دهی، این کار و این عملِ تو جهاد است.

هستند تعدادی که جهاد اسلامی را به زعمِ ناروای شان یک عمل

۱. احزاب / ۲۳. ترجمه معانی آیه مبارکه گذشت.

۲. لفظ حدیث مبارک، این گونه است: ﴿عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو > ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ / يَسْتَأْذِنُهُ فِي الْجِهَادِ فَقَالَ: أَحَى وَالِدَاكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَفِيهِمَا فَجَاهِدْ﴾ نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۸۴۲ و صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۵۴۹.





خسونت‌بار و عمل قهرآمیز می‌دانند؛ در حالی که جهاد در اسلام، در واقع یک حرکت نجات‌بخش انسانی است؛ زیرا خداوند^۱ می‌فرماید:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ...﴾

(شما چرا در راه خدا و برای فاع از مستضعفین جهاد نمی‌کنید؟)

مستضعف‌هایی که می‌گویند:

﴿رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا...﴾^۱

یعنی چرا برای نجات انسان‌های مستضعف و انسان‌هایی که در زیر چکمه‌های استبداد و نظام‌های استبدادی قرار دارند، جهاد نمی‌کنی و برای رهایی کودکان و زنانی که فریاد می‌کشند: خدایا! ما را از دست این ستمگرها، نجات بده! جهاد نمی‌کنید؟!

پس جهاد اسلامی؛ یعنی یک حرکت نجات‌بخش و رهایی‌بخش انسان‌های مظلوم است، جهاد اسلامی، تعمیر زمین است، در قرآن کریم می‌خوانیم که خداوند^۱ هدف خلقت انسان را چه نوع تعیین می‌کند؟ خداوند^۱ می‌فرماید که شما را از زمین آفریدیم.

﴿وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...﴾^۲

(و به شما وظیفه دادیم که زمین را آباد بسازید.)

ویرانی زمین نه تنها کار نادرست است؛ بلکه تعمیر زمین، هدف و رسالتی است که خداوند از خلقت انسان، در روی زمین داشته‌است، به حدی که اسلام توجه به تعمیر زمین کرده، در هیچ دین دیگری چنین توجهی وجود ندارد، پیغمبر / در حدیثی می‌فرماید:

۱. النساء / ۷۵.

۲. بخشی از آیه ۶۱ سوره مبارکه هود است که می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَدَّتْهُمْ صَالِحًا قَالَا يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ﴾

(و به سوی [قوم] ثمود برادرشان صالح را [فرستادیم] گفت: ای قوم من، الله را بپرستید، برای شما هیچ معبودی جز او نیست، او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد، پس از او آمرزش بخواهید، آن‌گاه به درگاه او توبه کنید که پروردگارم نزدیک [و] اجابت‌کننده‌است.)

﴿إِذَا قَامَتِ الْقِيَامَةُ وَبَيَدُ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ فَلْيَزِرْهَا﴾^۱

یعنی اگر در لحظات آخری هم که بودی و دیدی که صور اسرافیل هم دمیده و قیامت قائم می‌شود؛ ولی در دست نهالی داری، و طبعاً بهار است - همین نهال را فوراً در زمین زرع بکن، این طور فکر نکنی که حالا قیامت شده و چند لحظه بعدتر، کل زمین از بین می‌رود.

این حدیث مبارک به این معناست که شما نباید تحت هیچ بهانه‌ای دست از آبادی و تعمیر زمین بردارید.

پس آن عناصری که اتهام ناروایی را علیه جهاد و مجاهدین داشتند و دارند و مجاهدین را به نام‌های مختلفی، به نام جنگ‌سالار، تفنگ‌سالار، خشونت‌گر و به نام‌های مختلف دیگری یاد می‌کنند، آنان عناصر طفیلی، هرزه و بیهوده‌ای‌اند که گردوباد حوادث و یا تغییرات زمانه، آن‌ها را مثل قف‌ها و خس‌وخشاک اینجا آورده و آن‌ها امروز می‌خواهند در مورد ملت افغانستان دآوری و قضاوت بکنند و به همین اساس ما می‌بینیم که روزبه‌روز بدبختی‌ها زیاد شده می‌رود، اینکه تمامی قوت‌های «ناتو»^۲ که از سی‌وهشت کشور به اینجا آمده‌اند، هنوز هم در تأمین امنیت عاجزند، علتش چیست؟

علتش این است که اینجا کسانی که به تأمین امنیت فکر می‌کنند، به اصل ایمان فکر نمی‌کنند، فکر نمی‌کنند که اصلاً امن در ایمان است، کسی که ایمان ندارد، امنیت ندارد، اگر مجاهدین در برابر روس‌ها پیروز شدند، کشور را از وجود قدرت‌های اتحاد شوروی پاک ساختند، امنیت را

۱. حدیث فوق در روایتی این گونه آمده است: ﴿إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَبَيَدُ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَفْعَلْ﴾ (اگر قیامت در حال برپاشدن باشد و در دست یکی از شما، نهالی باشد، اگر توانست آن را قبل از قیام قیامت بکارد، پس بکارد). نگاه: مسند احمد، شماره حدیث: ۱۲۹۸۱.

۲. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی یا ناتو؛ در ۴ اپریل ۱۹۴۹م، با هدف دفاع جمعی در «واشنگتن دیسی» پایه‌گذاری شد و هم‌اکنون ۲۸ عضو دارد، پس از آغاز جنگ افغانستان و جنگ عراق نیروهای ناتو حوزه فعالیت‌های خود را به داخل مرزهای این دو کشور - نیز - گسترش دادند و در سال ۲۰۰۶م، پس از درخواست هالند و آلمان نیروهای ناتو در افغانستان جای‌گزین نیروهای آپساف متعلق به سازمان ملل شدند، ناتو در سال ۲۰۰۸م، رهبری ۴۷ هزار نیرو از ۴۰ کشور جهان را در افغانستان برعهده داشت. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۳۲۶ - ۳۲۷.





آوردند، این همه دست‌آورد به علت این بود که در ضمیرشان، نیروهای ایمانی وجود داشت.

به هر حال؛ می‌خواهم به شما نمازگزاران عزیز و فرماندهان مجاهدین، بگویم که رسالت شما مجاهدین تمام نشده، به این معنا، که به این فکر نباشید که چون ما یک دوره جهاد و مقاومت کردیم، حالا میدان را به دیگران می‌گذاریم و به اصطلاح ساحه را برای خردوانی آن‌ها می‌گذاریم. نه خیر!

رسالت و مسئولیت الهی شما إلى ماشاءالله ادامه دارد، دفاع از امنیت و ثبات سیاسی کشور، حفظ ارزش‌های اسلامی و دفاع از فرهنگ و ارزش‌های دینی، رهبری نسل جوان‌مان با ارزش‌های اسلامی، روشن نگه داشتن شعله‌های ایمان در ضمیر نسل جوان، تربیه اسلامی نسل‌های جوان، تعمیم تعالیم دینی، تعمیر و سربلندی کشورمان از مسئولیت‌های شماست؛ به گفته شاعر:

هر که پا کج می‌نهد خون دل، ما می‌خوریم
شیشه ناموس عالم در بغل داریم^۱

یقیناً که شما این احساس را در ضمیر خود دارید، اگر بدامنی می‌شود، شما حتماً احساس ناراحتی می‌کنید و اگر بدبختی‌ها در کشور می‌باشد، شما احساس ناامنی می‌کنید، یقیناً شما با خبرید که فعلاً شرایط بسیار مشکلی کشور ما را تهدید می‌کند، در مناطق مختلف بدامنی حاکم است، جنگ‌ها، برخوردها، انفجارها و انتحارها، در مناطق مختلف امنیت را مختل ساخته، کمبود مواد غذایی، خشک‌سالی و ده‌ها مشکل دیگری هست که همه دامن‌گیر کشورمان است.

به یقین که ما همه در این بخش مسئولیت داریم و در رأس دولت مسئول است که برای حل این قضایا، سخت توجه داشته باشد و همه ما و شما باید بفهمیم که خون شهدای ما هرگز ضایع نخواهد شد و هرگز

۱. هر چند بیت بالایی با صورتی که دارد، آوازه زبان‌هاست که از تکبیت‌های بیدل است؛ اما به آن دست نیافتیم؛ ولی تکبیتی از صائب تبریزی هست که چنین است: «هر که پا کج می‌گذارد ما دل خود می‌خوریم * شیشه ناموس عالم در بغل داریم ما.»

ضایع نمی‌شود، آرمان‌شان را همه ما تعقیب می‌کنیم و فراموش نمی‌کنیم؛ باردیگر می‌خواهم روی این موضوع تأکید بکنم که برادران شما؛ یعنی مسئولین سابقه جهاد، برادران مجاهد خود، ملت مسلمان افغانستان، خانواده شهدا و شما را هرگز فراموش نکرده و نمی‌کنند، از اینکه دیرتر می‌رسیم و ناوقت‌تر شما را می‌بینیم، شما این‌گونه فکر می‌کنید که ما شما را فراموش کردیم، شما در قلب و ضمیر ما جای دارید، خدمات، فداکاری‌ها و قربانی‌های شما را هیچ‌کس فراموش نمی‌کند.

این عهد و پیمان ما با خدا و با ملت ماست که همان راهی را که ما آغاز کرده بودیم ادامه می‌دهیم، به‌خاطر همان هدف‌های بزرگی که این ملت به‌خاطر آن جهاد کرده بود، آن راه را ما ادامه می‌دهیم، می‌خواهیم آن آرمان حتماً پیاده شود.

یقیناً ما این است که این مسئولیت، مسئولیت همه ما و به‌خصوص کسانی است که در پیشاپیش این جریان جهادی قرار داشتند و هنوز در قید حیات‌اند و من امیدوارم که شما باهم برادروار زندگی کنید، اتفاق، وحدت و اخوت در میان صفوف شما حاکم باشد، ما باید همه در برابر عناصر دزد و رهن و مفسد فی‌الأرض و کسانی که می‌خواهند، امنیت را مختل بسازد و در برابر کسانی که می‌خواهند فساد ایجاد بکنند و کسانی که می‌خواهند افکار نسل نوحاسته ما را فاسد بکنند و با کسانی که تبلیغات ناروا و نادرست و فساد اخلاقی را پخش می‌کند و در برابر کسانی که اشاعه فساد می‌کند، قرار بگیریم.

من از علمای محترم - که برای تعمیم تعلیم دینی در دارالعلوم‌ها، مدارس و جاهای دیگر با وجود مشکلات فراوانی که دارند، تلاش می‌ورزند، تشکری می‌کنم و از این علمای خود که همیشه مظلوم واقع شدند و همیشه درویش صفت زندگی کردند و با نان خشک و جوین شب‌وروز خود را گذشتاندند؛ اما در خدمت دین و در خدمت تعلیم دینی خود بودند، من از این وارثان پیغمبر - صلوات‌الله‌علیه‌وسلامه - چنانچه پیغمبر / فرمودند:





﴿إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ..﴾^۱

یعنی میراث پیغمبر درهم و دینار نبوده، میراث پیغمبر، علم و دانش و هدایت و رهبری بوده است - می‌خواهم، چنان‌که مسئولیت‌های خود را دیروز انجام دادند، امروز و فردا هم انجام دهند.

از این زیاد وقت‌تان را نمی‌گیرم، بار دیگر به روح همه شهدا و اموات مسلمانان دعا می‌کنم و از خداوند -جَلَّتْ عَظَمَتُهُ- با دست دعا آرزو دارم که خداوند آن‌ها را در بهشت‌برین و در جنّاتِ عدن، مقام‌شان را عالی بسازد و برای بازماندگان، پدران و مادران داغ‌دیده و مظلوم‌شان، صبر و استقامت نصیب بکند و برای مسئولین ما توفیق عنایت بفرماید؛ تا در خدمت دین و کشورشان دست‌به‌دست هم‌دیگر بدهند و در جهت تعمیر وطن‌شان هروقت باهم همکاری باشند و دعا می‌کنیم که خداوند همه مسئولین نظام را هدایت و توفیق نصیب فرماید؛ تا در خدمت مسلمانان قرار داشته باشند.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،^۲ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

۱. بخشی از حدیث مبارکه آتی است: ﴿إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ أَخَذَ بِهِ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ﴾ (علما وارثین انبیایند، انبیا دینار و درهمی به ارث نگذاشتند و تنها علم را به ارث گذاشتند، کسی که از آن بهره برد، به حد کافی بهره برده است). نگاه: سنن ترمذی، شماره حدیث: ۲۸۹۸. گذشت. ۲.

خطابه چهل و چهارم

در کنفرانس مجمع ملی جوانان افغانستان؛

مکان: کابل؛

تاریخ: ۲۴ اسد ۱۳۸۷ هـ. ش.

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى؛^۱ اما بعد:
در آغاز روز بین‌المللی جوانان^۲ را به‌شما جوانان و همه جوانان در
هرکجایی که هستند، تبریک و مبارکباد می‌گویم.
شکی نیست که جوان به‌عنوان گران‌بهاترین سرمایه، در میان ملت‌ها
و ایام جوانی از جمله بزرگ‌ترین موهبت‌های خداوند^۱ در زندگی
انسان‌هاست.

جوانی ایام شور و شوق، عشق و امید و پرخاشگری است، جوانی
را نمی‌توان با پول و سرمایه خرید و نمی‌توان با زور آن را نگهداشت،
مرحله جوانی از دو حالت بیرون نیست، یا تجلی‌گاه عالی‌ترین ارزش‌های
اخلاقی و انسانی؛ چون: تقوی و طهارت، صفا و صمیمیت، ایثار و
شجاعت است، یا اینکه - خدای ناخواسته - پرتگاه و سقوط و ضیاع و
بدبختی‌هاست، اگر مریبان و یا بزرگان متوجه نسل جوان نباشند، آن‌ها
در لجن‌زارِ غرایز سقوط می‌کنند و این سرمایه بزرگ از دستِ ملت‌ها
می‌رود.

پیغمبر اکرم / در مورد جوانان، توصیه‌های فراوانی کرده و

۱. ستایش از آن الله است و بس، و درود و سلام بر بندگان برگزیده او.

۲. روز جهانی جوانان؛ یک رویداد سالانه است که در ۱۲ اگست، برگزار می‌شود، این روز
توسط یونسکو نام‌گذاری شده است.



فرموده‌اند:

«ای مردم؛ شما از خدا در حق جوانان بترسید.»^۱

جوان واقعی انسانی است مستغنی؛ اما نه متکبر، شجاع و دلاور است؛ اما نه بدرویه و بی‌لگام، انقلابی و یورشگر است؛ اما نه تخریب‌کار و آشوب‌آفرین، جوان واقعی انسانی است، عیار و ایثارگر، ظلم‌ستیز و مظلوم‌نواز.

پیغمبر گرامی / در ایام جوانی‌شان زمانی که خبر شدند، مجموعه‌ای از جوانان قریش گروهی را در خانه کسی به نام عبدالله بن جُدعان سازمان‌دهی می‌کنند و از تجار مظلوم و زیرین بی‌وسيله‌ای که به زیارت کعبه می‌آمدند، دفاع کنند، فوراً به سراغ آن‌ها رفته و خواهان عضویت در این نهاد گردیدند، پس از آنکه حضرت محمد / به پیامبری مبعوث گردید، در حدیثی فرمودند:

«قسم به خدا اگر چنین تشکیلاتی در عهدی که من رسالت پیغمبری را برعهده دارم پیدا شود، بار دیگر به عنوان عضو در همچو تشکیلات سهم می‌گیرم.»^۲

البته در فرهنگ ملی ما، جوان و جوانی به معنای ایثارگری است، چنانچه گفته می‌شود که «یک جوانی بکن» یعنی یک کرم و ایثارگری بنما و کلمه عیار در فرهنگ خراسانی به مجموعه‌ای از جوانان و کسانی

۱. تخریج آن را در صفحه ۵۳ بخوانید.

۲. پیمان فوق؛ به نام حلف الفضول در تاریخ مشهور است، به دنبال واپسین نبرد داخلی فُجَّار، پیمانی تحت عنوان «حلف الفضول» در ذی‌القعدة، یکی از ماه‌های حرام، منعقد گردید، فراخوان این پیمان از سوی چند طایفه از قبیله قریش: بنی‌هاشم، بنی‌عبدالمطلب، اسد بن عبدالمطلب، زهره بن کلاب، تیم بن مره، داده شده بود، آنان در خانه عبدالله بن جُدعان تیمی - به خاطر کهن سالی و مکان اجتماعی وی - گرد آمدند و با یکدیگر هم سوگند و هم پیمان شدند، مبنی بر اینکه هرگاه در شهر مکه یکی از اهالی مکه یا دیگر مردمان از سرزمین‌های دیگر مظلوم واقع شود، به پشتیبانی او برخیزند و علیه آن کسانی که بر او ستم کرده‌اند، قیام کنند تا داد او را بستانند، رسول الله / در این پیمان عضویت داشتند و بعد از بعثت می‌گفتند: «لَقَدْ شَهِدْتُ فِي دَارِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُدْعَانَ حَلْفًا مَا أَحَبُّ أَنْ لِيَ بِهِ حُمْرَ النَّعَمِ، وَلَوْ أَدْعَىٰ بِهِ فِي الْإِسْلَامِ لَأَجَبْتُ» (در خانه عبدالله بن جدعان در انعقاد پیمانی شرکت جستم که هیچ دوست ندارم آن حضور و عضویت را با اشتراک سرخ‌موی فراوان عوض کنم و هم اینک در دوران اسلام - نیز - اگر مرا به‌سوی چنان پیمانی فراخوانند، اجابت خواهم کرد). نگاه: سیره ابن هشام، ج: ۱، ص: ۱۱۳ - ۱۳۵، مختصر سیره الرسول، شیخ عبدالله نجدی، ص: ۳۰ - ۳۱.

اطلاق می‌شود که کمر می‌بستند و در برابر ستم‌گری‌ها، جهت دفاع از مظلومان وارد صحنه می‌شدند.

در فرهنگ دینی ما، نام جوان و جوانی یک‌سلسله مفاهیم از قبیل تغییر، هدایت، اصلاح و مقابله با دستگاه‌های استکباری را تداعی می‌کند. در قرآن کریم به ارتباط ابراهیم خلیل‌الله Z آیات زیادی نازل گردیده‌است، وقتی که ایشان در برابر دستگاه استبدادی «نمرود»^۱ آهنگ قیام کرد، سروصدا در میان مردم بلند شد و از یکدیگر می‌پرسیدند: این که است که در برابر قدرت نمرود، قیام کرده‌است؟!

به تعبیر قرآن کریم، مردم جواب می‌دادند:

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ﴾^۲

(گفتند: شنیدیم به جوانی که ابراهیم گفته می‌شود از بتان بدگویی می‌کرد).

و همین ابراهیم است که در برابر دستگاه نمرودی که همه از ترس آن می‌لرزیدند، با آواز رسای خود، فریاد می‌کند:

﴿وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ﴾^۳

(قسم به خدا که من بت‌های تان را درهم می‌کوبم.)

حضرت موسی Z زمانی که در برابر دستگاه «فرعون»،^۴ به خاطر دفاع از مردم مظلوم بنی اسرائیل دست به قیام بزرگی می‌زند و قد علم می‌کند که تازه پا به جوانی گذاشته‌است.

۱. نمرود؛ از پادشاهان بابل است که دعوی خدایی کرد، حضرت ابراهیم Z در عهد او به پیغمبری مبعوث گشت و مردم را به پرستش خداوند یگانه دعوت کرد و بت‌های بابلیان را درهم شکست. نگاه: لغت‌نامه دهخدا.

۲. انبیاء / ۶۰.

۳. بخشی از آیه ۵۷ سوره مبارکه انبیاست که می‌فرماید: ﴿وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ﴾

(و سوگند به الله، پس از آنکه پشت کردید و رفتید، قطعاً در کار بتان تان تدبیری خواهم کرد.)

۴. فرعون؛ هرچند نام عامی‌است، ملوک مصر قدیم را چون شاه و ملک برای ما، در یونانی فرئون؛ محتمل است که کلمه از طریق سریانی وارد زبان عربی شده باشد؛ اما نام فرعونی را که در قرآن کریم ذکر شده‌است، شماری مرتب‌ناح دانسته و شماری هم رمسیس دوم دانسته‌اند نگاه: قاموس المانی، و بسایت اهل القرآن، مقالة من هو فرعون موسی، از احمد صبحی منصور و لغت‌نامه دهخدا، واژه فرعون.



داستان اصحاب کهف که در قرآن کریم آمده است، داستان جوانانی است که به هدف اینکه دستگاه فاسد را سقوط دهند، به مغاره‌ها پناه می‌برند، قرآن کریم در باره ایشان می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾^۱

خداوند آنان را به عنوان یک نمونه و آیه، حفظ می‌کند و بعد از مدتی، باردیگر زنده می‌شوند؛ ولی می‌بینند، چندین صدسال گذشته و حکومت استبدادی از بین رفته است، سوره کهف داستان قیام و حرکت این گروه را به تفصیل یاد می‌کند.

زمانی که پیغمبر / به دعوت آغاز می‌کند، با همراهی یک مجموعه نسل جوانی - که خردترین شان حضرت علی > است که ده سال دارد^۲ و بزرگ‌ترین شان حضرت ابوبکر > است که آن هم جوان است و سی و چند سال دارد - کار را آغاز می‌کند.

پیامبر / در خانه جوانی به نام ارقم بن ابی ارقم،^۳ جوانان را فراهم می‌آورد و پیام الهی را به آن‌ها یاد می‌دهد و تحت تربیه قرار می‌دهد، بعد از فرصت طولانی، این‌ها برای قیام آماده می‌شوند و زمانی که رسول اکرم / درمی‌یابد، یک نسل انقلابی تربیه شده است که می‌تواند رهبری جامعه را به دست گیرند، اینجاست که آیه مبارکه نازل می‌شود:

﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ..﴾^۴

۱. بخشی از آیه ۱۳ سوره مبارکه کهف است که می‌فرماید: ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾ (ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم، آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایت‌شان افزودیم).

۲. جهت معلومات بیشتر در مورد زندگی و سیرت حضرت علی >؛ به این کتاب مراجعه شود، خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، از دکتر صلاح عبدالفتاح الخالدی.

۳. خانه ارقم بن ابی ارقم؛ پایین کوه صفا واقع شده بود و از دیدرس و مجالس و محافل طاغیان مکه دور بود، پیامبر اکرم / این خانه را در نظر گرفتند؛ تا مسلمانان را مخفیانه در آنجا نزد خود گرد آورند و در آنجا به تلاوت آیات و تزکیه مسلمانان و تعلیم کتاب و حکمت بپردازند و مسلمانان عبادات و اعمال مذهبی خودشان را در آنجا بجا بیاورند و در کمال امنیت و سلامت، تعلیم الهی و آسمانی را دریافت کنند و در این خانه، همه کسانی که اسلام می‌آوردند داخل شوند؛ اما طاغیان سلطه‌گر و انتقام‌جوی مکه، از وجود چنین مکانی باخبر نشوند. نگاه: الرحیق المختوم، ص: ۲۱۱-۲۱۲.

۴. بخشی از آیه ۹۴ سوره مبارکه حجر است که می‌فرماید: ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾

یعنی دیگر از مرحله مبارزه مخفی^۱ بیرون شو و حرکت خود را اعلان کن؛

در پیشاپیش این حرکت حضرت عمر فاروق > قرار دارد و برای اولین بار به طواف خانه خدا می رود و این قیام در بین مردم اعلان می شود.^۲

این چنین وقتی پیامبر / سازمان دهی نسل جوان را شروع می کند، می فرماید:

﴿اتَّقُوا اللَّهَ فِي السَّبَابِ﴾

(از خدا در حق جوانان بترسید.)

﴿فَإِنِّي كُلَّمَا بَدَأْتُ بِالْدَّعْوَةِ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ وَخَالَفَنِي السَّبَابُ﴾^۳

(زمانی که من دعوت خود را شروع کردم، پیرمردان با من مخالفت کردند و جوانان از من حمایت کردند.)

یعنی نسل جوان، با وجدان صافی که دارند، از حرکت هدایت گر و کار خوب حمایت می کنند.

در این هفته از جوانان تجلیل صورت گرفت؛ اما من فکر می کنم، حق جوانان با یک تجلیل ادا نمی شود؛ باید بررسی کنیم که در دنیای امروز، جایگاه جوانان در کجاست؟

پیش از اینکه روی وضعیت جوانان در کشورهای عقب مانده حرف

(پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب.)

۱. دعوت مخفی؛ رسول الله / مدت سه سال بود و در این زمان کسانی را که به عقل و دانایی شان اعتماد داشت به اسلام فرا می خواند؛ تا اینکه تعداد زیادی از مردمان و زنانی که به رجحان رأی و سلامت نفس معروف بودند، به آیین پاک اسلام گرویدند، بعد از اینکه تعداد مسلمانان به حدود سی تن رسید، خداوند ' آیه مبارکه فوق را نازل کرد و به پیامبرش امر کرد تا دعوت علنی را آغاز کند، با آغاز دعوت علنی به اسلام، دوران شکنجه مسلمانان و فرستاده الله نیز فرا رسید. نگاه: سیرت نبوی «درس ها و اندرزاها»، از دکتر مصطفی سباعی، ترجمه: فضل الرحمن فاضل، ص: ۳۷.

۲. جهت معلومات بیشتر در مورد زندگی و سیرت حضرت عمر > به این کتاب مراجعه شود، سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب >، از حاج ملا عبدالله احمدیان.

۳. نگاه: کتاب سفینه البحار، ج: ۲، ص: ۱۷۶، هر چند ما به لفظ این حدیث در متون حدیث اهل سنت برنخوریم؛ اما معنای این حدیث را که تثبیت جایگاه جوانان است، آیاتی چون: ﴿إِنَّهُمْ فَتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾ و خوانش سیرت عطره رسول اکرم / کاملاً برجسته می سازد.





بزنیم، به تعبیر امروز، به جهان متمدن فکر کنیم، آیا واقعاً در جهان پیشرفته امروز - که از لحاظ تکنالوژی پیشرفته‌است - به نسل جوان توجه دارند؟ یا اینکه سود و زیان و منافع مادی، طوری این‌ها را در خود غرق ساخته‌است که - اصلاً - نه تنها به نسل جوان توجه ندارند؛ بلکه به نوع انسان توجه ندارند، امروز ما می‌بینیم، بیش از هفتاد درصد جمعیت کشورهای اروپایی را سالمندان تشکیل می‌دهد، برخی کشورها در اروپا^۱ پیر است، چرا؟

علت این است که آن‌ها به تشکیل خانواده، طفل، مادر و تربیه جوان اصلاً توجه نمی‌کنند، در فکر منافع مادی غرق‌اند و به روابط خانوادگی و احترام انسانی توجه ندارند.

اینجاست که کم‌کم دارند می‌ترسند؛ لهذا بسیاری از کشورهای اروپایی در برابر مهاجران غیر اروپایی موانع ایجاد می‌کنند و صدها و هزاران نفر به‌خاطر این موانع در دریاها غرق می‌شوند و یا به کشورهایشان فرستاده می‌شوند، این کار را به‌خاطر این می‌کنند که اتباع کشورهای «جهان سوم»^۲ در اروپا اکثریت را تشکیل ندهند؛ اما در شرق، در کشورهای اسلامی، دین به کرامت انسانی سخت ارزش می‌دهد.

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...﴾^۳

انسان در نزد خدا مکرم‌ترین و عزیزترین مخلوقات هستی‌است،

۱. اروپا؛ در نیم‌کره شمالی قرار گرفته و پس از اقیانوسیه، دومین قاره کوچک جهان است، مرز میان اروپا و آسیا را کوه‌های اورال تشکیل می‌دهند، مساحت اروپا حدود ۱۰ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن بیش از ۷۳۰ میلیون نفر تخمین شده‌است که یازده درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد، با وجود مساحت نسبتاً کم خود، اروپا پس از آسیا دومین قاره جهان از نظر تراکم جمعیت است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۲۲.

۲. اصطلاح جهان سوم؛ برای اولین بار توسط یک اقتصاددان فرانسوی به‌نام «آلفرد سووی» به کار رفت، منظور از آن، کشورهایی است که از لحاظ سطح توسعه در وضعیتی پایین‌تر از قدرت‌های بزرگ و متوسط جهان قرار گرفته‌اند، اکثر این کشورها، مدت زمانی تحت تسلط قدرت‌های استعمارگر زیسته‌اند و هنوز نتوانسته‌اند، آثار این سلطه را از بین ببرند. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۵۰.

۳. بخشی از آیه ۷۰ سوره مبارکه الاسراست که می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلاً﴾ (و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم).

گویا همه هستی از طفیل انسان پیدا شده‌است و خداوند انسان را به‌عنوان خلیفه خود در زمین تعیین کرده‌است؛ تا زمین را تعمیر کند و در جامعه خوشبختی بیافریند؛ ولی شرق - نیز - بدون مشکل نیست، در اینجا جوانان، مانند موجی از انسان‌های سرگردان، بی‌هدف، بی‌کار، در حالت نسیان قرار دارند و با مشکلات دست‌وپنجه نرم می‌کنند، به همین اساس بزرگ‌ترین سرمایه انسانی مورد تهدید قرار می‌گیرد.

این حرف من شعار نیست که می‌گویم، غرب فاقد فلسفه انسان‌دوستانه در مورد نسل جوان بوده و پیامی ندارد، ما می‌بینیم کشتار، وحشت، آشوب‌گری و چپاولگری در مناطق مختلف جهان به‌وقوع می‌پیوندد، هرروز جوانانی به‌صورت مظلومانه به قتل می‌رسند، تنها استکبار این کار را نمی‌کند؛ بلکه ملت‌های محکوم هم خون یکدیگر را می‌ریزند که بیشتر نسل جوان قربانی می‌گردد، نسل جوان همه‌جا به‌عنوان پیش‌آهنگ انقلاب و تحوّل فعالیت کرده‌است.

در کشور خودمان، انقلاب‌های بزرگی صورت گرفت، آخرین آن‌ها قیام و رستاخیز بزرگ جهاد ملت‌مان در برابر اتحاد شوروی بود، جوانان و حتی نوجوانان از فاکولته‌ها، مکاتب، مدارس دینی و استادان در این قیام سهم گرفتند، در نتیجه ایثارگری و مبارزات آن‌ها، بالاخره کشورمان از اشغال خونین اتحاد شوروی سابق آزاد شد؛ اما متأسفانه باردیگر می‌بینیم، نسل جوان ما در یک وضع بسیار رقت‌بار به‌سر می‌برد، هرروز داستان‌های غم‌انگیز مبتلاشدن شماری از جوانان را به هرویین و مخدرات می‌شنویم و می‌بینیم کسی متوجه آن‌ها نیست، تعدادی از آن‌ها به محاذهای^۱ جنگ کشانده می‌شوند، نوجوانانی را می‌بینیم که در بهار زندگی، خود را منفجر می‌سازند، انتحار می‌کنند، این‌ها و صحنه‌های غم‌انگیزی دیگری هستند که در برابر چشم ما قرار دارند، باید به نسل جوان توجه صورت گیرد؛ اما از کجا آغاز باید کرد؟ برای هر عملی یک تفکر و اعتقاد قبلی ضرورت است.

اولین گام؛ اگر اعتقاد به کرامت خانواده، کودک و جوان، فلسفه ذهنی

۱. مُحاذی؛ این معناها را دارد: صحنه‌ها، مواضع، موازی و رویاری.





هرمردمی قرار بگیرد، می‌تواند حق جوانان را ادا کنند، اگر ما معتقد به این ارزش‌ها نباشیم، به شعار و حرف‌های گزاف نمی‌توانیم، حق جوانان را ادا کنیم.

نسل جوان امروز ما در شرایط بسیار حسّاس از تاریخ‌شان به‌سر می‌برند، در تاریخ مراحل هست که کشمکش‌های فرهنگ‌ها، تفکرها و تمدن‌های یک منطقه را به میدان رویارویی و نبرد تبدیل می‌کند، امروز برخورد تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و بازی‌های سیاسی و بازی‌های استراتژیک، کشور ما را به میدان جنگ تبدیل کرده‌است، پس نسل جوان ما فعلاً از چندین جهت مورد تهدید قرار می‌گیرد، مثل همین تهاجم فکری و فرهنگی‌ای که می‌خواهد هویت افغانی و اسلامی ما را عوض کند و کم‌کم دارد ارزش‌های؛ چون دین‌پروری و میهن‌پروری و مردم‌خواهی را کم‌رنگ کند و وقتی یک ملت ارزش‌های فرهنگی خود را از دست داد، هویت خود را - نیز - از دست می‌دهد و با تاریخ خود بی‌ارتباط و سرانجام منقرض می‌گردد، حضور یک ملت در تاریخ، به اساس فکر و فرهنگ آن است؛ تا زمانی که یک ملت فرهنگش را با خود نداشته باشد، هویت تاریخی خود را نمی‌تواند نگهدارد، فعلاً نسل جوان ما در برابر چنین چالش‌ها و کشمکش‌های جدی قرار دارد، نظام حکومت که متأسفانه به فکر این مسایل نیست و در مورد نسل جوان به دادن شعار بسنده می‌کند.

ما مسئولیت داریم، بکوشیم و ببینیم که برای نجات نسل جوان چه کارهایی را می‌توانیم انجام دهیم و در برابر این هجوم فرهنگی؛ چطور جوانان خود را حفظ کنیم؟

دیروز در وزارت ارشاد، حج و اوقاف، به‌ارتباط تجلیل یکی از بزرگان کشورمان، ابورجاء قتیبه بن سعید بغلانی^۱، جلسه‌ای بود،^۲

۱. جهت معلومات بیشتر در مورد ابعاد شخصیتی امام «قتیبۀ بغلانی» به مقاله «امام قتیبۀ بغلانی، نمادی از زعامت علمی خراسان در سده‌های نخستین اسلامی» از پوهنمل سیدعنایت‌الله شاداد، در هفته‌نامه مجاهد، ص: ۴، شماره دوازدهم، دور ششم - سال هفتم ۱۳۸۷ ه.ش، مراجعه شود.

۲. منظور رهبر شهید W ؛ سیمینار بزرگداشت از شخصیت و خدمات علمی ابورجاء امام

منظورم این است که چهره‌های بزرگ تاریخ افغانستان را کسی ارج‌گذاری نمی‌کند، کسی نمی‌داند که آیا افغانستان هم، چنین شخصیت‌های بزرگی داشته‌است؟

شخصیتی از ما که از بغلان^۱ برمی‌خیزد، به تحصیل علم می‌پردازد و به‌عنوان استاد ائمه حدیث؛ یعنی استاد تدوین‌کنندگان صحاح سته: امام بخاری،^۲ ترمذی،^۳ مسلم،^۴ ابن ماجه^۵ و

قتیبه بن سعد بغلانی است که از طرف ریاست تحقیقات علوم اسلامی وزارت ارشاد، حج و اوقاف، به تاریخ ۲۳ اسد سال ۱۳۸۷هـ.ش، در کابل برگزار گردیده بود. نگاه: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۸، شماره دوازدهم، ۲۶ اسد ۱۳۸۷هـ.ش.

۱. بغلان؛ یکی از ولایات شمالی افغانستان است، مساحت آن ۱۷۱۰۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹هـ.ش، ۷۳۷۶۹۴ نفر تخمین شده‌است، مرکز آن شهر پلخمری است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۵۰ - ۵۴.

۲. محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن المغیره البخاری G ؛ در ۱۹۴هـ.ق، در شهر بخارا دیده به جهان گشود و در ۲۵۶هـ.ق، در «خرتنگ» یکی از روستاهای سمرقند دیده از جهان فروبست، مکان تولد و وفات ایشان در ازبکستان کنونی واقع است، او در سن ۱۴ سالگی در تاریخ ۲۱۰هـ.ق، برای طلب علم، هجرت کرد، این محدث بزرگ، به خراسان، عراق، مصر و شام سفر کرد، در این سفرها شش‌صد هزار حدیث جمع‌آوری کرد و این احادیث را از هزاران شیخ شنید؛ اما از بین شش‌صد هزار حدیث، ۷۵۶۲ حدیث را انتخاب کرد و در کتاب مهم خود آن‌ها را نوشت و تعداد احادیث در صحیح امام بخاری ۴۰۰۰ حدیث بدون تکرار می‌باشد، التاریخ الکبیر والضعفاء در باره رجال حدیث و ادب‌المفرد - نیز - از تألیفات اوست. نگاه: وبسایت عقیده.

۳. محمد بن عیسی بن سوره بن موسی الترمذی؛ در سال ۲۰۹هـ.ق، در شهر ترمذ به دنیا آمد و در سال ۲۷۹هـ.ق، به عمر هفتاد سالگی چشم از جهان پوشید، امام ترمذی مجتهد و اهل حدیث بود، از این امام بزرگ کتاب‌های: سنن ترمذی و یا جامع ترمذی، الشمائل، العلل الکبیر، الزهد، رساله فی الخلاف والجدل، التاریخ، الأسماء والکنی به‌جا مانده‌است. نگاه: مقدمه تحفة الأحوذی شرح الترمذی، نوشته علامه مبارکپوری.

۴. مسلم بن حجاج نیشابوری؛ معروف به امام مسلم، یکی از شخصیت‌های معروف علم حدیث و نویسنده کتاب صحیح مسلم است، وی در سال ۲۰۶هـ.ق، در نیشاپور زاده شد و به حجاز، عراق، شام و مصر برای جمع‌آوری حدیث و آموزش علم حدیث مسافرت کرد و با امام بخاری کمال دوستی و مودت داشت، او در سال ۲۶۱هـ.ق، درگذشت، صحیح مسلم، التمییز، الکنی، والأسماء، طبقات التابعین، أولاد الصحابة، الإخوة والأخوات، الأقران، أوهام المحدثین، مشایخ الثوری، مشایخ شعبه از آثار این امام بزرگ حدیث است. نگاه: أشهر مشاهیر الإسلام، چاپ: دارالرائد العربی، بیروت، لبنان، ۱۴۰۱هـ.ق.

۵. ابو عبدالله محمد بن یزید بن ماجه؛ از امامان بزرگ حدیث بود که در سال ۲۰۹هـ.ق، به دنیا آمد و در رمضان سال ۲۷۳هـ.ق، چشم از جهان فرو بست، هرچند امام ذهبی در «سیر اعلام النبلاء» کتاب‌های: «السنن»، «التاریخ» و «التفسیر» را از آثار او می‌داند؛ اما جز «السنن» دیگر آثارش در دست نیست. نگاه: سیر اعلام النبلاء، الطبعة الخامسة عشر، مسألة الجزء الثالث عشرة..





نسایي^۱ تبارز می‌کند - و البته چنین مردانی را در تاریخ کم نداریم - و امروز هم استعدادهای بسیار فراوانی داریم که باید به آنها توجه بیشتر صورت گیرد؛ تا مردان تاریخ‌ساز برای آینده کشورشان باشند.

۱. ابو عبدالرحمن احمد نسایی؛ در سال ۲۱۴ و به قول مشهور در سال ۲۱۵ هـ.ق، در نساء دیده به جهان گشود، امام نسایی در کودکی تحصیل علم را آغاز کرد و حیات علمی‌اش را به‌طور رسمی از پانزده سالگی و سفر به سوی محدث بزرگ خراسان حافظ قتیبه بن سعید در سال ۲۳۰ هـ.ق، شروع کرد و به مدت یک‌سال و دو ماه نزد وی ماند، امام نسایی علم را از مجموعه‌ای از حفاظ و ائمه بزرگ فرا گرفت، السنن الکبری، مجتبی، مسند علی بن ابی طالب، خصائص علی بن ابی طالب، مسند حدیث مالک بن انس، فضائل القرآن، فضائل الصحابة، عمل اليوم والليلة و... از آثار این محدث بزرگ است، این عالم بزرگ به عمر ۸۸ سالگی در سال ۳۰۳ هـ.ق، چشم از جهان پوشید. نگاه: البدايه والنهاية، حافظ ابن کثیر دمشقی، تحقیق مکتب تحقیق التراث، دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۱۳ هـ.ق، بستان المحدثین، ترجمه عربی د. محمد اکرم ندوی، دار الغرب الاسلامی، ط. الأولى ۲۰۰۲م و السنن الکبری، امام نسائی، تحقیق حسن عبدالمنعم شلبی زیر نظر شعيب الأرناؤوط، مؤسسه الرساله، بیروت، ط. الأولى ۱۴۲۱ هـ.ق.

خطابه چهل و پنجم

در همایش هفتمین سالروز شهادت قهرمان ملی؛

مکان: کابل، خیمه لوی جرگه؛

زمان: ۱۸ سنبله، ۱۳۸۷ هـ ش.

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى^۱؛ اما بعد:
قال الله تعالى:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا
اللَّهِ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۲
برادران و خواهران مجاهد! یاران و هم‌سنگران مسعود شهید!
هفته شهید و سالروز شهادت فرزند برومند و قهرمان ملی کشور را
به همه شما مبارکباد می‌گویم.

تجلیل از هفته شهید؛ تجلیل از یک ملت است، ملتی که شهادت را
به‌عنوان یک فرهنگ پذیرفته و در راه آزادی و سربلندی وطن، آن را به
گرمی استقبال می‌کنند.

در آیه‌ای که در پیش‌تر تلاوت کردم، خداوند^۱ در آن فرموده‌است:
(از جمله مسلمانان مردانی هستند که به عهد خویش با خداوند وفا
کردند و به ملکوتِ اعلیٰ پیوستند و مردان دیگری هستند که در انتظار
شهادت می‌باشند، بعد از شهادت، آن‌ها راه هم‌سنگران‌شان را عوض
نکرده، به‌سوی هدف بزرگی که داشتند، با گام‌های استوار قدم برمی‌دارند.)
عزیزان!

۱. گذشت.

۲. احزاب / ۲۳. ترجمه معانی آیه مبارکه گذشت.



می‌خواهم به ارتباط جهاد و شهادت، مطالبی را به عرض برسانم، جهاد در فرهنگ اسلامی ما به عنوان یک فریضه است که با تأسف به نظر بسیاری از انسان‌هایی که با عینک سیاه به سوی ارزش‌های فرهنگ اسلامی می‌بینند، جهاد یک جریان خشونت‌بار و جریان خشک نظامی معرفی گردیده است؛ در حالی که جهاد حرکت مسلحانه آزادی‌بخش است که در دفاع از ارزش‌های هرملت مؤمن و مسلمان، توسط آن‌ها صورت می‌گیرد.

پیغمبر خدا / فرموده است:

﴿لَا رَهْبَانِيَّةَ فِي الْإِسْلَامِ وَرَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۱

(در اسلام ترک دنیا نیست و رهبانیت امت من، جهاد در راه خداست.) جهادگران، انسان‌های وارسته‌ای‌اند که مانند راهبان در محراب راز و نیاز با خدا نشست‌اند و جهاد در اسلام برای آزادی انسان‌های مظلوم و دربند صورت می‌گیرد که امروز عالی‌ترین پیام سیاست‌مداران دنیاست. خداوند^۲ می‌فرماید:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾^۳

این آیت هدف جهاد را بیان می‌کند:

ای مردم، چرا شما برای نجات بیچارگان، مردان، زنان و اطفالی که می‌گویند: خدایا! ما را از سرزمین ستمگران نجات بده و برای ما مددگاری بفرست، نمی‌جنگید؟

جهاد - اصلاً - به معنای ایجاد نظم و قانون و برای احیای ارزش‌های حقوق انسانی است، پس جهاد با این تعریف در فرهنگ اسلامی یک حرکت انسان‌ساز و حرکت آزادی‌بخش است که در برابر جنایت‌کاران و ستمگران انجام می‌یابد.

۱. در روایتی حدیث فوق چنین آمده است: ﴿عَنْ أَنَسٍ > ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ / : لِكُلِّ أُمَّةٍ رَهْبَانِيَّةٌ، وَرَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ > نگاه: شُعَبُ الْإِيمَان، شمارهٔ حدیث: ۳۹۱۳.

۲. نساء / ۷۵. ترجمه معانی آیه مبارکه گذشت.

خداوند^۱ می‌فرماید:

﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ...﴾^۱

(جنگ بر شما لازم شد، اگرچه مورد پسند شما نیست.)

جنگ یک ناگزیری برای شماست، شهادت هم در اسلام به معنای حمله انتحاری نیست، شهادت به معنای مظهر ایثار برای نجات دیگران است، حرکت‌های کور انتحاری که باعث کشتار کودکان، زنان و انسان‌های مظلوم می‌شود، شهادت نیست.

برادران و خواهران!

در هفته شهید که از شهیدان بزرگ و به‌خصوص از سپه‌سالار شهید، تجلیل به عمل می‌آوریم، باید فرصتی باشد که ما به گذشته نگاه کنیم، به اوضاع کنونی ببینیم و به آینده نظر اندازیم.

قبلاً برادر محترم محقق صاحب^۲ شکوه‌ای داشتند، از اینکه پنج‌هزار افراد مسلح‌شان با بی‌سرنوشتی روبه‌رو شده‌اند، این یک واقعیت است. در سفری که در رخصتی‌های تابستانی پارلمان،^۳ به ولایات شمال کشور داشتیم،^۴ با یک‌تن از فرماندهان مشهور دوره جهاد، مولانای

۱. بخشی از آیه ۲۱۶ سوره مبارکه بقره است که می‌فرماید: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾

(بر شما کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است و الله می‌داند و شما نمی‌دانید.)

۲. استاد محمد محقق؛ در این وقت، نماینده مردم در شورای ملی و رهبر حزب وحدت مردم مسلمان افغانستان است.

۳. پارلمان؛ واژه فرانسوی است که به معنای صحبت کردن می‌باشد، نخستین کاربرد این واژه، به سال ۱۲۳۶م، برمی‌گردد که پادشاه انگلستان جلسه‌ای با حضور جمعی از اشراف و بزرگان کشورش را به نام پارلمان تشکیل داد، البته در زبان فارسی گاهی مجلس و پارلمان با دلالت ضمنی به معنای مجلس نمایندگان به کار می‌رود. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۱۴۸ - ۱۴۹.

۴. در این وقت رهبر شهید W، نماینده مردم در شورای ملی بود.



سیدخیلی^۱، از بغلان به پروان^۲ آمدیم، او حکایتی کرد که نشانه آشکار محرومیت مجاهدین می‌باشد و نشان می‌دهد که دوستان بین‌المللی ما با چه نگاه اشتباه‌آمیزی به ما و مردم افغانستان می‌بینند.

او گفت: «روزی مسئولانِ «DIAG»^۳ آمدند و ما ده‌ها میل سلاحِ ثقیل و خفیفِ خود را تسلیم آن‌ها کردیم و بعد گفتیم: تکلیف و سرنوشتِ افراد ما چه خواهد شد؟

گفتند: عده‌ای آن‌ها را در صفوف قوای مسلح جابجا می‌کنیم؛

گفتم: خودم چه کار کنم؟

گفتند: برایت یک هوتل می‌سازیم؛

برای‌شان گفتم: عجب کاری می‌کنید، هوتلی‌ها را می‌آورید، زعمای

سیاسی و وزیر می‌سازید؛ امّا، ما را هوتلی!

شما می‌دانید که در شورای ملی، اکثر مجاهدین حضور دارند؛ ولی دولت به تصمیم‌گیری‌های این شوری، ارزشی قایل نیست؛ لذا چه کار باید کرد؟

تا جایی که من برداشت دارم، تحولات تنها از طریق فکر و فرهنگ به‌میان نمی‌آید، تحولات در جهان انسانی از طریق حرکت‌های سیاسی و تدابیر دسته‌جمعی - نیز - صورت می‌گیرد.

حضرت عثمان > می‌فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَيَنْزِعُ بِالْسلْطَانِ مَا لَا يَنْزِعُ بِالْقُرْآنِ﴾^۴

۱. شهید دگر جنرال مولانا عبدالرحمن سیدخیلی؛ یک‌تن از فرماندهان جمعیت اسلامی افغانستان بود که پس از عهد جهاد و مقاومت در پست‌های مختلفی در راه تأمین امنیت، در ولایات: پروان، بغلان و فرمانده امنیه‌کنندز فعالانه و موفقانه وظیفه اجرا کرد و با یک‌عمر مبارزه و جهاد، شام روز پنج‌شنبه تاریخ ۱۹ حوت سال ۱۳۸۹هـ.ش، در اثر یک حمله انتحاری، همراه با سه تن از همکارانش در ولایت کندز، به شهادت رسید. نگاه: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۸، دور ششم، سال نهم، شماره چهارم، ۲۱ حوت ۱۳۸۹هـ.ش.

۲. پروان؛ از ولایت‌های مرکزی افغانستان است، مساحت آن ۹۳۹۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹هـ.ش، ۷۵۳۶۹۷ نفر تخمین شده‌است، مرکز آن شهر چاریکار است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۸ - ۱۲.

۳. گذشت.

۴. نگاه: شرح سنن أبی داود از عبدالمحسن العباد، ۲۳ / ۴۵۷.

(خداوند توسط قدرت سیاسی، تحولاتی را به وجود می آورد که تنها توسط خواندن قرآن کریم نمی توان آن را به مردم انجام داد.)

پس از گذشت هفت سال، سالروز شهادت قهرمان ملی کشور، احمدشاه مسعود و هفته شهید، در حالی برگزار می شود که هنوز آرزوها و خواست هایی که مردم افغانستان برای به دست آوردن آن ها قربانی های بی شماری دادند و مبارزات طولانی و پرمشقتی را از سر گذراندند، به دست نیامده است.

شهیدان افغانستان به ویژه شهدای بزرگ این سرزمین، مانند سردار شهید احمدشاه مسعود، شهید حاجی عبدالقدیر^۱، شهید ملا نقیب الله^۲، کاظمی شهید^۳ و شهید عبدالعلی مزاری^۴ و صدها هزار شهید دیگر، رسالت شان را در برابر ملت و میهن شان به انجام رسانیدند و آینده این کشور را به ما سپردند؛ اما با تأسف باید گفت که آنچه در هفت سال گذشته در افغانستان به انجام رسید، متناسب با قربانی های این ملت و

۱. حاجی عبدالقدیر؛ در سال ۱۳۳۳ه ش، در روستای سیدان سرخورد ولایت ننگرهار به دنیا آمد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش به پایان رسانید، در دوران حکومت داود خان همراه برادرانش عبدالحق و حاجی دین محمد مهاجرت کرد، پس از کودتای ۷ ثور، وی یکی از مجاهدان مبارزی بود که برضد قشون سرخ مبارزه کرد، پس از سقوط دولت نجیب، در سال ۱۳۷۱ه ش، و پیروزی مجاهدین، به حیث والی ننگرهار منصوب و ریاست شورای مشرفی را - نیز - برعهده گرفت، پس از تصرف ننگرهار توسط طالبان، در سال ۱۳۷۵ه ش، به پاکستان رفت، مدت زیادی طول نکشید که مجبور شد تا به آلمان مهاجر شود، بعد از سپری کردن مدتی، به پنجشیر رفت و با احمدشاه مسعود یکجا به مبارزه علیه طالبان پرداخت، این عمل وی طالبان را برآشفست، از این رو تعداد از اعضای فامیلش توسط این گروه قتل عام شد، وی در کنفرانس بن اشتراک کرد و در حکومت مؤقت به حیث وزیر شهرسازی و والی ننگرهار، عضو فعال لویه جرگه اضطراری، هم چنان پس از تشکیل دولت انتقالی، به حیث معاون رئیس دولت و وزیر فواید عامه کار کرده بود. نگاه: وبسایت شبکه افغانستان قلب آسیا.

۲. ملا نقیب الله آخندزاده؛ یکتن از فرماندهان نامدار و برجسته جمعیت اسلامی افغانستان و از شخصیت های معروف جهادی و بانفوذ ولایت قندهار بود که روز پنجشنبه تاریخ ۱۹ میزان ۱۳۸۶ه ش، به رحمت حق پیوست. نگاه: هفته نامه مجاهد، ص: ۱ و ۳، سال پنجم، شماره بیست و چهارم، ۲۸ میزان ۱۳۸۶ه ش.

۳. گذشت.

۴. عبدالعلی مزاری؛ رهبر و بنیان گذار حزب وحدت اسلامی افغانستان، در جوزای ۱۳۲۶ه ش، در روستای نانوائی چهارکنت از توابع استان بلخ به دنیا آمد و در ۲۲ حوت ۱۳۷۳ه ش، در حالی که برای مذاکره با سران طالبان راهی چهارآسیاب بود، دستگیر و بعداً به شهادت رسید. برای معلومات بیشتر، نگاه شود: وبسایت خبرگزاری فارس و وبسایت در رثای بابۀ مزاری.





متناسب با نیازهای مردم و کشور ما نبوده‌است.

این را نمی‌توان نادیده گرفت که در این چند سال گذشته، افغانستان و مردم آن دست‌آوردهایی در عرصه‌های مختلف، از جمله در عرصه سیاسی داشته‌اند؛ اما با تأکید باید گفت که اگر طرح و اجرای برنامه‌های دقیق و همه‌جانبه مدنظر می‌بود، می‌توانست دست‌آوردهایی به مراتب بهتر و بزرگ‌تری را نصیب مردم و کشور ما بسازد.

حاضران گرامی!

در حال حاضر ما با بحران بزرگ دیگری روبه‌رویم، اوضاع امنیتی در کشور با شتاب به‌سوی بدتر شدن می‌رود، طالبان و دیگر مخالفان مسلح مردم افغانستان، بخش‌های بزرگی از کشور را ناامن ساخته‌اند و حتی دامنه فعالیت‌های‌شان را به دروازه‌های پایتخت رسانیده‌اند، نیروهای نظامی و امنیتی، خارجی و داخلی، در مهار کردن فعالیت‌های طالبان کامیاب نبوده‌اند و این همه برخاسته از نبود استراتژی‌های مشخص برای مقابله با دشمنان افغانستان است.

شعارهای عمرانی و بازسازی، آن‌گونه که در نخستین ماه‌ها و سال‌های پس از سرنگونی طالبان، سر داده می‌شد، در عمل تطبیق نشده‌اند و مردم نتیجه این طرح‌ها را در زندگی روزمره‌شان کم‌تر احساس می‌کنند، با وجود اینکه شماری از طرح‌های بازسازی در کشور به اجرا گذاشته شده‌اند، فراموش نباید کرد که این طرح‌ها - نیز - باکندی و با کیفیت پایین اجرا شده‌اند، فقر و گرسنگی، گلوی مردم افغانستان را می‌فشارد، بر اساس آخرین آمار داده شده از سوی منابع داخلی و خارجی، نزدیک به پنج میلیون افغان در زیر خط فقر زندگی می‌کنند، این در حالی است که جامعه جهانی در شش سال گذشته، بیش از بیست میلیارد دالر را برای بهبود اوضاع، به‌ویژه وضعیت اقتصادی افغانستان اختصاص داده‌است، ما در حالی که مانند همه مردم افغانستان، از این کمک‌ها سپاسگزاریم، باور داریم که مصرف غیرشفاف و بدون برنامه‌ریزی این کمک‌ها، سبب شده‌است که نتایج به‌دست‌آمده از آن، نتواند قناعت مردم ما را فراهم

سازد یا حداقل، نیازهای اولیه آنان را برآورده سازد.

خانواده‌های شهیدان، معلولان و معیوبان در کشور، حالت اسفباری دارند، کشت، تولید و قاچاق مواد مخدر، اعتبار افغانستان در جهان را به شدت لطمه زده است و سرانجام ده‌ها و صدها مشکل دیگر گریبان‌گیر مردم این سرزمین است، این وضعیت قابل تحمل نیست و نیاز به تغییر دارد، ما در جبهه ملی افغانستان و گروه‌ها و شخصیت‌های ملی و سیاسی‌ای که با جبهه ملی در همکاری نزدیک قرار دارند، خواهان، تغییر این وضعیتیم و نمی‌توانیم در برابر سرنوشت کشور و مردم خویش بی تفاوت بمانیم.

تردید نیست که در جریان تحولات چندسال اخیر در کشور، ما هم اشتباهات خرد و بزرگی داشته‌ایم، بخشی از این اشتباهات برخاسته از خوش‌بینی‌ها و خوش‌باوری‌هایی بوده‌اند که ما در رابطه به رهبری کنونی سیاسی در کشور داشتیم و بخش دیگر هم از بی‌اعتمادی حاکم میان شخصیت‌ها و گروه‌هایی که در آزادساختن افغانستان از سلطه طالبان و القاعده، سهم عمده داشتند، منشأ می‌گرفت، با وجود این همه، ما منتظر بودیم که رهبری کنونی دولت با استفاده از منابع ملی، تخنیکی و بشری که دنیا در اختیار افغانستان گذاشت و با استفاده از مهره‌هایی که به باور این رهبری، می‌توانست بهتر از ما کار کند، امور مملکتی را به پیش ببرد، این انتظار دیگر قابل دوام نیست.

به باور ما وضعیت کنونی به سود افغانستان و مردم آن نیست و ما اراده داریم که در بیرون‌کشیدن کشور و مردم خود از بحران کنونی، دست به کار شویم.

برادران و خواهران عزیز!

جهان و مردم افغانستان، این حقیقت را به روشنی می‌دانند که ما در سه دهه اخیر با تمام نیرو و توان علیه اشغالگران مبارزه کردیم، دوره مقاومت از دوره‌های درخشان تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه در افغانستان است، در این دوره مردم افغانستان صرف‌نظر از تعلقات زبانی، قومی،





منطقه‌ای و سیاسی در برابر تجاوزگران، طالبان و حامیان خارجی‌شان مُبارزه کردند.

نقش سردار آزادگان و قهرمان ملی کشور شهید احمدشاه مسعود و دیگر شخصیت‌هایی که این مُبارزه را رهبری می‌کردند، روشن‌تر از آن است که بخواهیم در باره آن سخن بگوییم، این را می‌دانیم که جهان در آن دوران مردم افغانستان را تنها گذاشت و ما مجبور بودیم در برابر نیرویی که سرنوشت مردم و سرزمین ما و حتی سرنوشت بشریت را تهدید می‌کرد، به تنهایی مُبارزه کنیم؛ اما اکنون باور داریم که سرنوشت جامعه جهانی با سرنوشت افغانستان و مردم آن گره خورده‌است و ما در چارچوب یک همکاری صادقانه با جامعه جهانی که در آن نقش هردو طرف کاملاً روشن باشد، می‌توانیم افغانستان را از بحران کنونی بیرون ببریم و جهان را از خطر افراط‌گرایی و هراس‌افگنی، نجات دهیم.

بحث قانونمندسازی حضور نیروهای خارجی در افغانستان و روابط افغانستان با کشورهایی که با ما کمک و همکاری می‌کنند، می‌تواند در چارچوب روابط آینده ما مشخص شود؛ اما این بدان معنا نیست که ما خواسته باشیم، مانند شماری از گروه‌های درون و بیرون دولت، مردم را در برابر حضور نیروهای خارجی تحریک کنیم یا با کمک و همکاری جامعه جهانی با افغانستان مخالف باشیم، ما حساسیت روابط افغانستان با همسایگان خود را می‌دانیم و باور داریم که با استفاده از تجارب سی سال اخیر، می‌توانیم این روابط را به بهترین حالت آن شکل بدهیم.

ملت بزرگ افغانستان!

در اینجا می‌خواهیم به منظور انجام مسئولیت ملی و تاریخی برای رسیدن به قدرت سیاسی که از طریق آن بتوانیم به مردم افغانستان خدمتی انجام داده باشیم، تصمیم خویش را اعلام کنیم.

اراده ما این نیست که در برابر نظام و جامعه جهانی قرار بگیریم، جبهه ملی افغانستان تصمیم دارد تا از طریق مشروع، در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سهم بگیرد و بر بنیاد معیارهای دموکراتیک، به یاری

پروردگار و حمایت مردم افغانستان، قدرت سیاسی را به دست گیرد و از همین جا می‌خواهیم، اعلام کنیم که ما در انتخابات ریاست جمهوری سال آینده، کاندیدای واحد و مشخص خود را خواهیم داشت، با تأکید باید گفت که تلاش ما این است که تا کاندیدای ما، هم برای مردم افغانستان و هم برای دوستان جامعه جهانی، قابل قبول بوده، ظرفیت‌های لازم را برای اداره کشور داشته باشد.

ما دیگر دنباله‌رو این یا آن نخواهیم بود، ما برنامه‌های مشخصی برای آینده کشور خود داریم که قبل از انتخابات ریاست جمهوری، در فرصت مناسب به تشریح و توضیح آن به مردم افغانستان و حامیان بین‌المللی این ملت، خواهیم پرداخت.

تلاش برای ایجاد وحدت ملی، عدالت اجتماعی به کرسی نشاندن اصول و معیارهای دموکراتیک، مبتنی بر ارزش‌های والای دین مقدس اسلام و سرانجام طرح و اجرای برنامه‌هایی که بتوانند مشکلات امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و -نیز- تولید مواد مخدر در کشور را به شدت کاهش دهد و یا کاملاً از میان بردارد، در سرخط کار ما قرار خواهد داشت و همکاری مردم افغانستان و جامعه جهانی مُمد اصلی طرح و اجرای این برنامه‌ها خواهد بود.



خطابه چهل و ششم

در دومین اجلاس اخوت اسلامی، با میزبانی
رسانه‌های کشور؛

مکان: کابل، افغانستان؛

زمان: ۲۲ سنبله ۱۳۸۷ هـ.ش.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ / وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَى بِدَعْوَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ؛^۱

علمای محترم و حاضرین مجلس!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

در آغاز از همه دست‌اندرکاران رسانه‌های آزاد که برای اجلاس اخوت اسلامی کار کردند، قلباً اظهار سپاس می‌کنم، اخوت در میان مسلمانان از قضایای فرعی شرع نیست، خداوند^۱ در قرآن عظیم‌الشان اخوت اسلامی را یک اصل در جوامع اسلامی می‌خواند:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ...﴾^۲

پیوند اخوت؛ اساس ملت‌سازی و امت‌سازی می‌باشد، پیامبر / در اولین روزهای هجرت - که در مدینه منوره،^۳ اساس جامعه جدید و

۱. گذشت.

۲. بخشی از آیه ۱۰ سوره مبارکه حجرات است که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (فقط مؤمنان برادران همدیگرند، پس میان برادران خود صلح و صفا برقرار کنید و از الله ترس و پروا داشته باشید؛ تا به شما رحم شود).

۳. این شهر در شمال ریاض و در میانه نجد قرار گرفته است، این شهر پیش از هجرت رسول اکرم / به نام یثرب یاد می‌شد، با ورود رسول اکرم / آن را «مدینه‌النبی» نامیدند، در اولین شب ربیع الاول سال ۱۴ بعثت، رسول اکرم / به «یثرب» مهاجرت کرد و سرآغاز تاریخ مسلمانان (تاریخ هجری)، از همان سال می‌باشد، مسجد‌النبی / مسجد قبا و مسجد ذوقبلتین در این شهر قرار دارند، فاصله مدینه تا مکه حدود ۴۲۰ کیلومتر است، در قرآن کریم در آیه ۱۳



اساس امت اسلامی را گذاشتند- به دو اقدام مهم مبادرت کردند.
اقدام نخست؛ مواخات بود، اگرچه مسلمانان باهم برادرند؛ اما
پیامبر / در آن روزها در صدد آن بود که این برادری به عنوان یک
فرهنگ در میان مسلمانان ریشه دار شود.

رسول اکرم / با عملی ساختن مواخات مسلمانان را که زندگی
قبایلی دوران جاهلیت، آن‌ها را به پارچه‌های متعدد و گروه‌های متخاصم
و دشمن تبدیل کرده بود، به برادر و یک ملت مبدل ساخت.
اخوت در اسلام، تنها یک پیوند اعتقادی، عاطفی و اخلاقی نیست؛
بلکه یک برنامه عمل است که هر مسلمان خود را در برابر مسلمان دیگر
به عنوان همکار و جزئی یک جامعه احساس کرده و در غم و شادی،
یکدیگر خود را سهیم می‌دانند، بدون رعایت مصالح یکدیگر، امت
اسلامی و دولت اسلامی تشکیل نمی‌شود.

دولت‌سازی و ملت‌سازی، یکی از نیازهای عمده هر جامعه است،
عمده‌ترین مشکل کشورهایی که می‌خواهند به ثبات و قوت‌مندی دست
یابند، دولت‌سازی و ملت‌سازی است؛ تا زمانی که ملت‌ها ساخته نشود،
دولت‌ها ساخته نمی‌شود، دولت‌هایی که پایه قدرتمند مردمی و ملی
نداشته باشند، قابل دوام نیست، عمیق‌ترین پیوندی که ملت‌ها را یک پارچه
می‌سازد، پیوند دینی، اعتقادی و اخلاقی و هم‌چنان پیوند سیاسی است.
حضرت عمر > در این مورد، به یک موضوع دل‌چسپ اشاره
می‌کند، می‌گوید:

﴿لَا إِسْلَامَ إِلَّا بِجَمَاعَةٍ، وَلَا جَمَاعَةٌ إِلَّا بِإِمَارَةٍ، وَلَا إِمَارَةٌ إِلَّا بِطَاعَةٍ..﴾^۱
اسلام به عنوان یک واقعیت نمی‌تواند تبارز بکند؛ تا اینکه ملت‌ها و

سوره مبارکه احزاب، نام یثرب (مدینه) آمده است که می‌فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ
يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا...﴾ (چون گروهی از آنان گفتند: ای مردم یثرب (مدینه) دیگر شما
را جای درنگ نیست برگردید...) نگاه: مختصر تاریخ مدینه منوره، مترجم: عبدالله حیدری، نشر:
مرکز تحقیقات مدینه منوره.

۱. بخشی از سخن حضرت عمر > است که می‌فرماید: ﴿قَالَ عُمَرُ > يَا مَعْشَرَ الْعَرَبِ
الْأَرْضُ الْأَرْضُ إِنَّهُ لَا إِسْلَامَ إِلَّا بِجَمَاعَةٍ، وَلَا جَمَاعَةٌ إِلَّا بِإِمَارَةٍ، وَلَا إِمَارَةٌ إِلَّا بِطَاعَةٍ، فَمَنْ سَوَّدَهُ
قَوْمُهُ عَلَى الْفَقْهِ كَانَ حَيَاةً لَهُ وَلَهُمْ، وَمَنْ سَوَّدَهُ قَوْمُهُ عَلَى غَيْرِ فَقْهِ كَانَ هَلَكَاً لَهُ وَلَهُمْ﴾ نگاه:
مسند دارمی، شماره حدیث: ۲۵۷.

جماعت‌ها ساخته نشود و جماعت و اُمت به میان آمده نمی‌تواند؛ تا اینکه نظام نباشد و نظام و امارتی وجود نمی‌داشته باشد؛ تا اینکه اطاعت از قانون و حکومت نباشد؛

دومین قدم پیامبر / در مدینه، عقد یک قرارداد بود به نام «پیمان مدینه»^۱ یا دستور مدینه، این پیمان قانون اساسی مدینه بود که گام مهمی در جهت دولت‌سازی و ملت‌سازی در مدینه به‌شمار می‌رود.

این دو اقدام - قسمی که دیده شد - تحول بزرگی را در جامعه اسلامی مدینه به وجود آورد، قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا..﴾^۲

این آیت زمانی نازل شد که پیوند اخوت و پیوند اُمت‌سازی با عقد مواخات به میان آمده بود، پیش از اسلام در میان قبایل عرب، روی قضایای بسیار پیش‌پا افتاده، صد الی صدویست سال، جنگ شعله‌ور بود، زمانی که آن‌ها بر مبنای اسلام و عقد مواخات باهم برادر شدند، این جنگ‌ها و دشمنی‌ها از میان برداشته شد.

امروز دشمنان در میان ملت ما تفرقه ایجاد می‌کنند، در گذشته‌ها - نیز - آن‌ها این کار را می‌کردند، در پیام رئیس‌جمهور^۳ هم این حقیقت بازتاب یافته و ذکر شده بود که دشمنان همیشه تفرقه ایجاد کردند، تفرقه همواره باعث ضعف و شکست مسلمانان می‌گردد، دو خلافت اسلامی

۱. با نگاه به: «سیرت نبوی، درس‌ها و اندرزها» مؤلف: مصطفی سباعی، مترجم: ف. فاضل، ص: ۱۷۱ - ۱۷۶، می‌توانید به بنود میثاق مدینه آگاهی یابید و متنی که دال بر این معناست، این است: ﴿وَأَنَّ الْيَهُودَ بَنِي عَوْفٍ أُمَّةٌ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یهود بنی عوف اُمتی همراه با مسلمانان‌اند).

۲. بخشی از آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران است که می‌فرماید: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾ (و همگی به رشته الله جنگ زبید و پراکنده مشوید و نعمت الله را بر خود به یاد آورید که بدان گاه که دشمنانی بودید و الله میان دل‌های‌تان پیوند داد، پس برادرانی شدید و بر لبه گودالی از آتش بودید؛ ولی شما را از آن رها نمود، خداوند این چنین برای‌تان آیات خود را آشکار می‌سازد، شاید که هدایت شوید).

۳. پیام رئیس‌جمهور کرزی، توسط کریم خرم، قرائت گردیده بود.





در نتیجه تفرقه نابود شدند، خلافت مسلمانان در آندلس^۱ و خلافت عثمانی^۲.

خلافت در آندلس به علت اختلافی که در میان اقوام و قبایل مختلف ایجاد شد، سقوط کرد و بزرگ‌ترین ضایعه در جهان اسلام را باعث گردید.^۳

یک متفکر فرانسوی می‌گوید: «سقوط خلافت نه تنها یک فاجعه برای مسلمانان بود؛ بلکه تمدن غرب را هفت قرن به تأخیر انداخت.»
اما خلافت اسلامی عثمانی چگونه از میان رفت؟

وقتی که در میان ترک و عرب، توطئه اختلاف به میان آمد و سرانجام خلافت ضعیف شد و به عنوان «مرد بیمار»^۴ شهرت یافت و به زودی سقوط کرد.

آیتی که تلاوت کردم، زمانی نازل شد که یک منافق به نام شاس بن قیس که اصلاً یهودی بود، دید که مسلمانان بنابر حکم اسلام در میان هم اخوت و محبت دارند، او به فکر آن شد که از کدام راه در میان آنان اختلاف ایجاد کند، مثل عده‌ای از توطیه‌گران امروز که از بعضی قضایای تاریخی به عنوان انگیزه اختلاف استفاده می‌کنند، آن مرد یهودی - نیز - روزی در میان مسلمانان گفت: «در گذشته، در میان شما جنگ‌هایی صورت گرفته و کشتارهای زیادی شد؛ اما شما باز هم دوستی و محبت می‌کنید.» و پیوسته اشعاری را که در دوران جاهلیت سروده شده بود و اختلاف‌برانگیز و تحریک‌آمیز بود، خواند.^۵

۱. آندلس؛ در اصطلاح جغرافیه‌نویسان اسلام بر تمام شبه‌جزیره ایبری؛ یعنی اسپانیا و پرتغال فعلی اطلاق می‌شود، این سرزمین به تاریخ ۹۲ هـ.ق، توسط طارق بن زیاد فتح شد و خلافت مسلمانان در آن سرزمین ایجاد گردید که برای ۱۰۰ سال مسلمانان در آن‌جا حکومت کردند. نگاه: لغت‌نامه دهخدا.

۲. خلافت عثمانی؛ در سوم مارچ ۱۹۲۴م، به وسیله کسی به نام مصطفی کمال اتاترک سقوط کرد. نگاه: دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ص: ۱۲۸ و الدولة العثمانية، از دکتر علی محمد صلابی.

۳. نگاه: تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، ج: ۲، ص: ۳۴۴ و آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، ص: ۷۰۹.

۴. نگاه: الدولة العثمانية، ج: ۱، ص: ۱۴ - ۱۵.

۵. نگاه: الرحيق المختوم، ص: ۴۶۹ - ۴۷۱.

نزدیک بود که در میان مسلمانان اختلاف و برخورد ایجاد شود؛ تا اینکه آیه فوق نازل شد.

اختلاف، همیشه باعث ضَعَف و ناتوانی مسلمانان می‌شود؛ لذا اختلاف در فرهنگ اسلامی رذیلت است؛ اما اخوّت و برادری فضیلت. به این اساس؛ هرگاه رذیلت اختلاف در جامعه اسلامی ریشه بدواند، فضیلت اتفاق و وحدت از بین می‌رود، چنان‌که گفتیم اختلاف باعث می‌شود که قوّت و نیروی مسلمانان به ضَعَف و ناتوانی تبدیل شود، بناءً ما به اتفاق سخت نیاز داریم.

من از تشکیل شورای اخوّت اسلامی که به همت تعدادی از علمای تسنّن و تشیع صورت گرفته قدردانی می‌کنم، اگرچه این شوری هنوز گام‌های نخست خود را بر می‌دارد؛ اما روزنه‌امیدی را برای تقویت پایه‌های اخوّت و برادری در میان ملت ما به وجود آورده است.

امیدوارم این شوری قوّت بیشتر پیدا کند، من از رسانه‌ها تقاضا دارم، ایجاد اخوّت و یک‌پارچگی ملی را یکی از اهداف خویش قرار دهند و نباید یک سال انتظار بکشند تا ماه مبارک رمضان بیاید و از این روز تجلیل کنند، باید آواز اخوّت و برادری را هرازگاهی از حنجره‌های‌شان بشنویم، باید فرهنگ اخوّت را در نشرات خود به‌عنوان یک میثاق ملی و دینی پاس دارند و مدنظر بگیرند، باید تمام رسانه‌ها، بخشی از نشرات‌شان مسئله اخوّت و برادری باشد، جامعه ما سخت آسیب‌پذیر است، ما شاهد بودیم، حوادثی که در بهسود^۱ صورت گرفت و در بین پارلمان واقع شد، تنش زیادی به‌میان آورد.

جامعه ما از لحاظ هم‌بستگی ملی سخت آسیب‌پذیر است - خدای ناخواسته - با یک جرّقه اختلاف می‌بینید که چه مشکلاتی پیدا می‌شود، ما متوجه‌ایم که دست‌های بسیار خطرناکی وجود دارد که برای ایجاد اختلاف کار می‌کنند، در دیگر کشورهای اسلامی هم می‌بینیم که چه برنامه‌ها و

۱. منظور حادثه‌ای است که روز یک‌شنبه ۲۶ جوزا سال ۱۳۸۷ هـ. ش، در منطقه بهسود ولایت وردک رخ داده بود که به اثر آن ۱۳ تن کشته و بیش از سی نفر دیگر زخمی شدند. نگاه: وبسایت فارسی بی بی سی.





کشمکش‌هایی وجود دارد، ما شاهد بودیم که در اثر کشمکش‌هایی که در میان شیعه و سنی در عراق^۱ انداختند، چه تلفات سنگینی به میان آمد، حتی مساجد از این فتنه در امان نماندند و در آتش آن صدمه دیدند.

اگرچه مساجد و تکایا وظایف عمده خود را - إن شاء الله - انجام خواهند داد، خصوصاً از طریق شورای اخوت - مخصوصاً از طریق پیر اخوت آیت‌الله محسنی^۲ و سایر برادرانی که اینجا هستند - در این زمینه تلاش‌های خوبی صورت گرفته، در پارلمان ملا صاحب تاج محمد^۳ در این صدد است؛ تا در این زمینه کاری انجام دهد.

امیدوارم این تلاش به عنوان یک فرهنگ دینی و ملی نهادینه شود، البته اخوت بدون مَحَبَّت ایجاد نمی‌شود، پیامبر اکرم / فرمودند:

﴿إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَأُنَاسًا مَا هُمْ بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ يَغْبِطُهُمُ الْاَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ..﴾

(از میان بندگان خدا انسان‌هایی هستند که نه پیغمبرند و نه شهید؛ اما روز قیامت انبیا و شهیدان به جایگاه آن‌ها غبطه می‌خورند، کاش این مقام نصیب ما هم شود؛)

اصحاب پرسیان کردند:

﴿يَا رَسُولَ اللَّهِ، تُخْبِرُنَا مَنْ هُمْ؟﴾

(ای پیامبر؛ بگو که این‌ها که‌هیند؟)

رسول اکرم / فرمودند:

﴿قَوْمٌ تَحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ اَرْحَامٍ بَيْنَهُمْ﴾

۱. عراق؛ کشوری است که در خاورمیانه و جنوب غربی قاره آسیا موقعیت دارد، مساحت آن ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۱۶۶۷۰۰۰ نفر تخمین شده است، واحد پول آن «دینار عراق»، زبان رسمی آن عربی و کردی و پایتخت آن شهر بغداد است و دین رسمی آن اسلام می‌باشد، قابل ذکر است که دو رود مشهور «دجله و فرات» در این کشور قرار دارند. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵.

۲. آیت‌الله اکادمیسین محمد آصف محسنی؛ رئیس شورای علمای اهل تشیع در افغانستان است که بیش از ۶۳ اثر در موضوعات مختلف دارد. نگاه: شخصیت‌های بزرگ افغانستان، از شمس‌الحق آریانفر.

۳. در این وقت، ملا تاج محمد مجاهد؛ نماینده مردم کابل در شورای ملی و معاون اول شورای اخوت اسلامی بود. نگاه: راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان، ص: ۳۴۹.

(مردمی اند که بدون روابط خویشاوندی، تنها به خاطر خدا با هم دوست شدند و محبت کردند).

﴿فَوَاللَّهِ إِنْ وُجُوهُهُمْ لَنُورٌ، وَإِنَّهُمْ عَلَى نُورٍ﴾

(به خدا سوگند، گویا در موجی از نور قرار دارند و همه اطرافشان نور است).

﴿لَا يَخَافُونَ إِذَا خَافَ النَّاسُ﴾

(در لحظاتی که مردم در واهمه و ترس به سر می‌برند، آن‌ها هیچ پروایی ندارند).

﴿وَلَا يَحْزَنُونَ إِذَا حَزَنَ النَّاسُ﴾^۱

(غمگین نمی‌شوند، وقتی که مردم غمگین می‌باشند).

یعنی در آن روزی که همه می‌گویند که سرنوشت ما چه خواهد شد و به کجا می‌رویم؟ خدا با ما چه معامله می‌کند، گناه‌های ما را می‌بخشد یا نمی‌بخشد، جایگاه ما کجاست؟

بعد از آن پیغمبر / این آیت را خواند:

﴿أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾^۲

(آگاه باشید که بر دوستان خدا خوف هیچ‌گاهی چیره نمی‌شود).

پس اسلام ایجاب اخوت و اخوت ایجاب محبت را می‌کند، یقیناً وقتی این اصول در میان مسلمانان ایجاد شود، دیگر ما شاهد کشمکش و بحران‌های امنیتی، فساد اداری و بدبختی‌ها نخواهیم بود؛ زیرا پیغمبر / مسلمان را برادر مسلمان می‌خواند، مسلمان چیزی را که به خود نمی‌پسندد، به دیگران هم نمی‌پسندد.^۳

۱. متن کامل حدیث مبارک این گونه است: «أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ > ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ / إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَأَنْبَاسًا مَا هُمْ بِأَنْبِيَاءَ، وَلَا شُهَدَاءَ يَعْطِفُ عَلَيْهِمُ الْأَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بِمَكَانِهِمْ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تُخْبِرُنَا مَنْ هُمْ، قَالَ: هُمْ قَوْمٌ تَحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ أَرْحَامٍ بَيْنَهُمْ، وَلَا أَمْوَالٍ يَتَعَاطَوْنَهَا، فَوَاللَّهِ إِنْ وُجُوهُهُمْ لَنُورٌ، وَإِنَّهُمْ عَلَى نُورٍ لَا يَخَافُونَ إِذَا خَافَ النَّاسُ، وَلَا يَحْزَنُونَ إِذَا حَزَنَ النَّاسُ وَقَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»
نگاه: سنن أبی داود، شماره حدیث: ۳۵۲۷.

۲. یونس / ۶۲.

۳. منظور رهبر شهید W ؛ این سخن رسول الله / است که امام بخاری و امام مسلم آن را چنین روایت کرده‌اند: «لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ» نگاه:



اگر فرهنگ اخوت به عنوان یک مَشْ عَمَلی ما مسلمانان و به خصوص سرزمین ما افغانستان پیاده شود، آن وقت شاهد دولت و ملت قدرتمند می‌باشیم، اختلافات رخت سفر خواهد بست و بدامنی‌ها از بین خواهد رفت و ما وارد یک مرحله سیاسی، ملی و فرهنگی باثباتی خواهیم شد. مسئولیت عمده ما و به خصوص علمای بزرگوار، ائمه مساجد، اهل قلم، استادان دانشگاه‌ها و مدارس و رسانه‌های ماست که این ابتکار را به عنوان یک عمل مقدس ملی و یک ضرورت امروز و فردای کشور، به یک فرهنگ تبدیل بکنند.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللهَ لِي وَلَكُمْ،^۱ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ.

صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۳ و صحیح مسلم، شماره حدیث: ۱۷۰.
۱. گذشت.

خطابهٔ چهل و هفتم

در مراسم افتتاح مسجد حضرت بلال > ؛

مکان: شهرستان بهارک، پنجشیر؛

زمان: ۳ عقرب ۱۳۸۷ هـ ش.

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَسَلَامٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ؛^۱
با سلام به همه فرماندهان عزیز و دلیر مردان صف شکن، در حماسه های
فراموش ناشدنی تاریخ کشور که از خود شاهکار و دست آوردهای بزرگی
به جا گذاشته اند.

یقیناً امروز ما در یکی از پایگاه های افتخار آفرین جهاد و مقاومت در
ولایت پنجشیر قرار داریم، ضمن سپاس از برادر محترم حاجی حسن که
این مسجد را اساس گذاشته اند، لازم می دانم یادآوری کنم، در مسیری که
ما تا این جا آمدیم، در پنجشیر خیلی آبادی صورت گرفته، پل ها، مکاتب
و دیگر تأسیسات اعمار شده است، البته این دست آوردها به همت والی
جوان^۲ پنجشیر صورت گرفته که یکی از فرزندان جهاد و مقاومت است.
این امر دلیل بر این حقیقت است که هرزه سرایی های عناصری که
جز تهمت کردن و نفرین گفتن به مجاهدین هنر دیگری ندارند، بی اساس
است، این عناصر می گویند: مجاهدین جنگ سالارند و جز جنگ به کار
دیگری بلدیت ندارند، همه می دانند که اگر بازسازی و آبادی ای در جایی
صورت گرفته، بیشتر توسط مجاهدین و فرماندهان جهاد و مقاومت

۱. ستایش تنها برای پروردگار جهانیان است و بس و درود و سلام به رسول الله، آل و همه
یاران او.

۲. در این وقت بهلول بهیج والی ولایت پنجشیر است.



صورت گرفته‌است، شما ببینید، اگر در غربِ کشور آبادی شده، یا در مرکز و شمال و جاهای دیگر، همه مربوط به مجاهدین می‌باشد و تحت ادارهٔ آن‌ها صورت گرفته‌است.

البته به ارتباط مسجد باید گفت: مسجد در دین و در فرهنگ اسلامی ما، تجلی‌گاه عزّت و عظمت مسلمانان است و مظهر یک پارچگی امت اسلامی است، اولین بنایی که در جهان اسلام به دست پیامبر گرامی ما / گذاشته شده، بنای مسجد است، آغاز تمدن اسلامی، آغاز تحوّل بزرگی که اسلام در جهان آورد، از مسجد شروع شد، خداوند ' در قرآن کریم می‌فرماید:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾^۱
(مسلمانان کسانی‌اند که اگر آنان را در زمین مسلط بگردانیم، نماز برپا می‌کنند، زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده امر می‌کنند و از کارهای بد باز می‌دارند و سرانجام کارها از آن خداوند است.)
اولین پایگاهی را که مسلمانان می‌سازند، پایگاه نماز و عبادت خداست، روی همین اصل می‌بینیم که پیامبر گرامی / ، اولین گامی که در جهت ایجاد جامعه و تشکیل نظام و دولت در مدینه می‌برد، ساختن مسجد است.^۲

مسجد در فرهنگ اسلامی، در پهلوی اینکه یک مرکز عبادت و خداپرستی است، مرکز اداره و رهبری، مرکز سیاست و فعالیت‌های نظامی، مرکز پخش ارزش‌های فرهنگی و خدمات اجتماعی - نیز - می‌باشد.
تحوّلات بزرگی که در جامعه اسلامی پدید آمده، از مسجد شروع شده‌است، وقتی ما حتّی یک نگاه کوتاه به تاریخ اسلامی اندازیم، می‌بینیم

۱. حج / ۴۱.

۲. نخستین مسجدی که پس از بعثت رسول اکرم / بنا شده‌است، مسجد قُباست، این مسجد در دو میلی شهر مدینه قرار دارد که نخستین سنگ‌بنای آن توسط رسول اکرم / گذاشته شده‌است، این مسجد بارها بازسازی شده‌است، نخستین بار در زمان حضرت عثمان > و آخرین بار در سال ۱۴۰۵هـ.ق. نگاه: سیرت نبوی، درس‌ها و اندرزها، از مصطفی سباعی، ترجمه فضل الرحمن فاضل، ص: ۵۷.

که در زمان اوج قدرت و عظمت مسلمانان، در زمانی که بناهای با شکوه مسلمانان به عنوان شاهکار در فن معماری ساخته شد، در این میان مسجد نقش عمده‌ای داشته‌است.

پیامبر گرامی / تصامیم مهم و تاریخی خود را در مسجد می‌گرفتند و خلفای مسلمان هم با پیروی از پیامبر بزرگ اسلام / همین کار را می‌کردند.

خلفای مسلمان می‌کوشیدند، تصامیم‌های نظامی و سیاسی‌شان را در مسجد بگیرند و حتی مسجد در پهلوی اینکه منبر دعوت و مرکز عبادت است، مرکز پخش علم و دانش، فکر و فرهنگ - نیز- است، سلجوقی‌ها^۱ که یکی از سلسله‌های سلاطین مسلمانان می‌باشند، در پهلوی مسجد، شفاخانه‌ای را که عملیات قلب را انجام می‌داد، بنا کردند.

این دست‌آورد علمی در آن زمان بی‌سابقه بوده و طبیبان مسلمان در این شفاخانه که در جوار مسجد بود، عملیات قلب را انجام می‌دادند، مسجد مرکز آشتی فرهنگ و مرکز رشد تفکر انسانی است، در گذشته، در مساجد رواق‌های مختلفی وجود داشت که دانشمندان مختلف و ائمه بزرگ هریک در رواق خاصی خود، شاگردان و پیروان خود را آموزش می‌دادند و تربیه می‌کردند. پیروان امام عظم ابوحنیفه،^۲

۱. سلجوقیان یا آل سلجوق؛ طایفه‌ای از ترکمانان غز بودند که روی هم‌رفته پنج شعبه مختلف از آنان به عناوین: سلاجقه بزرگ، سلاجقه عراق، سلاجقه کرمان، سلاجقه روم و سلافة شام، در فاصله سال‌های ۴۲۹ هـ.ق. تا اوایل قرن هشتم در بلاد خراسان، عراق، کرمان، شام و قسمتی از بلاد روم فرمانروایی کرده‌اند، سلاجقه منسوبند به سلجوق ابن دقاق، از امرای ترکمانان غز که فرزندان او مؤسس دولت و قدرت شدند، از آغاز کار این طایفه و سبب مهاجرت آن‌ها از ترکستان به ماوراءالنهر، اطلاعاتی موثق در دست نیست. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، ص: ۶۱۷ - ۶۲۲.

۲. نام این فقیه و متکلم؛ نعمان بن ثابت بن زوطی مرزبان، مشهور به امام اعظم است، کنیه‌اش ابوحنیفه، یکی از امامان مشهور اهل سنت است، امام اعظم G در شهر کوفه در زمان خلافت عبدالملک بن مروان خلیفه اموی، در سال ۸۰ هـ.ق. به دنیا آمد و در ۱۵۰ هـ.ق. چشم از جهان فرو بست، امام G از تبحر زیادی در علوم از قبیل: فقه، کلام، علم حدیث، اصول و علم تفسیر برخوردار بودند، امام شاگردان زیادی داشت که مشهورترین آن‌ها عبارت بودند از: امام ابویوسف یعقوب بن ابراهیم، محمد بن الحسن بن فرقد الشیبانی و زفر بن هذیل بن قیس X . نگاه: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.





امام مالک،^۱ شافعی،^۲ احمد بن حنبل^۳ -رحمة الله عليهم- و گروه‌هایی که تفکرات فلسفی داشتند، مانند: معتزلی‌ها^۴ و سایر مفکرین هم جایگاه بحث و صحبت‌شان مساجد بود.

مسجد جای نشر تفکر، فقه و اندیشه اسلامی بود؛ اما متأسفانه جایگاه مسجد کم‌کم در جامعه مسلمان کم‌رنگ شده، هستند کسانی که با تبعیت از فرهنگ‌های غیر اسلامی، فکر می‌کنند که مسجد جای سیاست نیست، در حالی که اگر ما مسجد را از سیاست دور بسازیم، در حقیقت ارزش اسلام را پایین آوردیم و این‌گونه القا می‌کنند که گویا اسلام هم با دین خود ساخته و تحریف‌شده‌ای مسیحیت کنونی یکی است، در حالی که هیچ دینی، نه دین یهودی و نه مسیحی، از سیاست جدا بودند.

۱. نام این محدث بزرگوار؛ مالک بن انس بن مالک بن انس، مشهور به مالک بن انس، دومین امام از ائمه اهل سنت بود، مادرش العالیة بنت شریک اسدی است، امام در سال ۹۳هـ.ق، در واحای به نام «ذوالمرّة» به دنیا آمد، پیروان مالک بن انس به مالکی مشهورند، الموطأ، تفسیر غریب القرآن، رساله الی ابن وهب فی الرد علی القدریة، رساله فی الأفضیة، رساله فی الفتوی الی أبی غسان، کتاب السرور، رساله الممتنه الی الیث بن سعد از آثار اوست، این امام و محدث بزرگوار، در ۱۹۳هـ.ق، به عمر ۸۶ سالگی در مدینه منوره چشم از جهان فرو بست و در «جنة البقیع» مدفون گردید. نگاه: دکتر مصطفی الشکعة، الأئمة الأربعة، دارالکتاب اللبنانی، چاپ بیروت، سال انتشار ۱۹۸۵م.

۲. محمد بن ادريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن السائب بن عبید بن عبد یزید بن هاشم بن المطلب بن عبد مناف القرشی بود، در ماه رجب ۱۵۰هـ.ق، در غزه و به قولی در سوریه به دنیا آمد، امام شافعی G، یکی از امامان اهل سنت است، الأم، الرسالة القديمة، الرسالة الجديدة، اختلاف الحديث، جماع العلم، ابطال الاستحسان، احکام القرآن، صفة الأمر والنهی، السنن، المبسوط والمسنند، از جمله آثار اوست، سرانجام این امام بزرگوار در ۲۰۴هـ.ق، با جهان ما وداع کردند. نگاه: دایرة المعارف طهور، امام محمد شافعی.

۳. ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل؛ متکلم و فقیه مسلمان، در ۱۶۶هـ.ق، در بغداد به جهان آمد، پدر و مادرش از اعراب ساکن مرو بودند، پیروان احمد بن حنبل به حنبلی مشهورند. المسند، التفسیر، المقدم والمؤخر فی القرآن، جوابات القرآن، المناسک الكبير، المناسک الصغير، المصدر و کتاب مسایل از تألیفات این امام بزرگوار است، سرانجام این فقیه مسلمان در ۲۴۱هـ.ق، در بغداد درگذشت. نگاه: الأئمة الأربعة، دکتر مصطفی الشکعة، دارالکتاب اللبنانی، چاپ بیروت، سال انتشار ۱۹۸۵م.

۴. معتزله؛ عنوان گروهی با صبغه کلامی است که در نیمه اول قرن دوم هجری، در بصره بنیان گذاشته شد و بعداً یکی از مهم‌ترین مکاتب کلامی اسلام شد، در زبان اعتزال به معنای دوری‌گزیدن و کناره‌گرفتن است، عقیده معتزله مبنی بر پنج اصل استوار است: توحید؛ عدل؛ وعید؛ منزلت میان منزلتین؛ امر به معروف و نهی از منکر. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، ص: ۳۷۲ - ۳۷۷ و فرهنگ معاصر عربی - فارسی.

سیاست چیست؟

«هنر ادارهٔ جامعه را سیاست می‌گویند.»^۱

آیا ممکن است ادارهٔ جامعه در مقدس‌ترین مکان مورد بحث نباشد، آیا درست است بحث اداره و جامعه، نظم و ارزش‌های قانونمندی را از مقدس‌ترین جای حذف کنیم؟!

مسجد - اصلاً - جای امر به معرف و نهی از منکر است، امر به معروف؛ یعنی اصلاحات اجتماعی، پخش و ترویج کارهای نیکو و اصلاح جامعه، نهی از منکر همین مَبَارَزَه با مفاسد و کارهای زشت، بهترین جایگاهی‌ای که این پیام به مردم باید برسد مسجد است، اینجاست که نمی‌توان این حرف‌های نادرست را پذیرفت که دین از سیاست جداست، چه کسانی که نمی‌خواهند در مسجد، برای مردم سیاست مطرح نشود؟

نظام‌های جَبَّار و دیکتاتورها و نظام‌هایی که بر ملت‌ها تحمیل شده و نمی‌خواهند که وجدان مردم بیدار شود، مردم متوجه مسئولیت‌های‌شان شوند، این‌ها نمی‌خواهند که حقیقت‌ها و واقعیت‌ها از طریق مسجد به گوش مردم برسد.

مسجد جای خوبی برای مطرح کردن حرف‌های مهم و سرنوشت‌ساز است؛ زیرا در بهترین حالت که انسان حرف‌ها را می‌پذیرد، حالتی است که تمام هوش و حواس او متوجه منبر و امام است و هرآن چیزی که از زبان امام می‌شنود، در عمق وجدان، مغز و تفکر انسان اثر می‌کند.

اینجاست که بعضی‌ها نمی‌خواهند، سیاست در مسجد وجود داشته باشد؛ اما یقیناً جامعهٔ افغانستان و ملت مسلمان ما هرگز این حرف‌ها را نمی‌پذیرند؛ لذا کسانی که مسجد را اساس می‌گذارند، گام بسیار عمده و مهمی را در جهت اصلاح جامعه گذاشته‌اند.

یک نکتهٔ دیگری را که ناگفته نگذاریم این است که اگر تعمیر مسجد هر قدر خوب و زیبا باشد؛ ولی مسئولان ادارهٔ مسجد - که علمای دینی‌اند - برای جلب مردم، برای دعوت مردم به سوی مسجد، مسئولیت خویش را ادا نکنند، باز هم این‌ها وظیفهٔ خود را درست انجام نداده‌اند؛ لذا

۱. نگاه: بنیادهای علم سیاست، از عبدالرحمن عالم.



آن‌چنان که در بنای مسجد توجّه صورت می‌گیرد، باید در قسمت توصیه انسانی که به مسجد می‌آید و نماز می‌خواند و در قسمت تربیت فرزندان مسلمانان توجّه شود؛ تا نماز بخوانند و به‌عنوان یک نسل دین‌دوست و مسجد‌دوست، در آینده مسئولیت‌های خود را به خوبی انجام دهند، این کار از وظایف علمای دینی ماست، آن تعداد از مسلمانان خیر‌خواه که مسجد را ساختند، مسئولیت خود را انجام دادند.

اینک مسئولیت به دعوت‌گران مسلمان است که چگونه از این مسجد در راه هدایت و سعادت مسلمانان استفاده کنند، البته این بسیار وظیفه سنگین و مهم است.

پیامبر / در مورد اینکه دعوت چگونه صورت بگیرد؛ به دعوت‌گران مسلمان می‌فرماید:

﴿يَسْرُوا وَلَا تَعْسُرُوا، وَبَشِّرُوا وَلَا تُنْفِرُوا﴾^۱

(شما محبت مردم را به دین و دیانت زیاد کنید و مردم را از دین و دیانت متنفر مکنید.)

برهمن بنا بود که در زمان پیامبر اکرم / محبت مسلمانان به‌سوی اسلام هرروز بیشتر و بیشتر می‌شد، کسانی که دشمنان اسلام بودند، با تأثیر از اخلاق عالی و دعوت حکیمانه پیامبر اکرم / به صفوف اسلام می‌پیوستند؛ چون پیامبر / طبق دستور قرآن دعوت می‌کرد.

قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ..﴾^۲

(مردم را با حکمت و موعظه نکو دعوت کن، با شدت و خشونت و

۱. نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۶۹.

۲. بخشی از آیه ۱۲۵ سوره مبارکه نحل است که می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾

(ای پیغمبر! مردمان را با سخنان استوار و بجا و اندرزه‌های نیکو و زیبا به راه پروردگارت فراخوان و با ایشان به شیوه هرچه نیکوتر و بهتر گفت‌وگو کن؛ چرا که بی‌گمان پروردگارت آگاه‌تر به حال کسانی است که از راه او منحرف و گمراه می‌شوند و یا اینکه رهنمود و راهیاب می‌گردند.)

روشی که مردم را از مسجد و از عبادت متنفر می‌سازد، دعوت مَکَید).

در جای دیگر، قرآن کریم می‌فرماید:

﴿وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ..﴾^۱

یعنی ای پیامبر اگر تو آدم سخت‌دل و باخسوت می‌بودی، مردم از تو دور می‌شدند.

باید امامان مساجد، علمای دینی و دعوت‌گران و البته همه مسلمانان دعوت‌تگرند؛ زیرا خداوند^۱ می‌فرماید:

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ..﴾^۲

یعنی هر مسلمان وظیفه و رسالت دارد امر بالمعروف و نهی عن المنکر کند، امر بالمعروف و نهی از منکر در فرهنگ اسلامی، عنوان یک نظارت ملی را دارد؛ یعنی همه در این نظارت ملی سهم دارند، تنها علمای دینی نیستند؛ بلکه تمام کسانی که ولو آشنایی اندک به دین دارند، در دعوت امر به معروف و نهی از منکر سهم دارند.

باردیگر برای برادری که این مسجد را ساخته، دعای خیر می‌کنیم.
وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

۱. بخشی از آیه ۱۵۹ سوره مبارکه آل عمران است که می‌فرماید: ﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَنِتَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ﴾

(از پرتو رحمت الهی است که تو با آنان نرمش کردی و اگر درشت‌خوی و سنگ‌دل بودی، از پیرامون تو پراکنده می‌شدند، پس از آنان درگذر و برای‌شان طلب آمرزش کن و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن و هنگامی که تصمیم به انجام کاری گرفتی بر الله توکل کن؛ چرا که الله توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد.)

۲. بخشی از آیه ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران است که می‌فرماید: ﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ﴾

(شما بهترین امتی‌اید که به‌سود انسان‌ها آفریده شده‌اید، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به الله ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان بیاورند، برای ایشان بهتر است، [از باور و آیینی که برآند؛ ولی تنها عده‌ای کمی] از آنان باایمان‌اند و بیشتر ایشان فاسق‌اند.)

خطابهٔ چهل و هشتم

در همایش سالگشت شهدای پانزدهم عقرب بغلان؛

مکان: کابل، افغانستان؛

زمان: چهارشنبه ۱۵ عقرب ۱۳۸۷ هـ.ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى^۱
حضار گرامی!
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

بار دیگر در سالگرد حادثه خونین بغلان^۲ - که یک سال قبل صورت گرفت و شخصیت‌های ارجمندی در رأس‌شان مرحوم شهید مصطفی کاظمی^۳ و جمعی از کودکان، قربانی آن حادثه دردناک شدند - بر روان

۱. گذشت.

۲. گذشت.

۳. سید مصطفی کاظمی فرزند سید گل؛ در سال ۱۳۴۲ هـ.ش، در ولایت پروان شهرستان «سرخ پارسا» به دنیا آمد، تحصیلات خود را در کابل آغاز کرد و تا مقطع لیسانس ادامه داد، با آغاز جهاد مردم مسلمان افغانستان، در سنگر مبارزه و جهاد قرار گرفت و با شجاعت و درایتی که در دوران جهاد از خود نشان داد، به‌هیئت یک‌فرمانده برانزده و دلیر در جمع پاسداران جهاد اسلامی افغانستان تبارز کرد، او عضو فعال شورای رهبری دولت اسلامی افغانستان بود، بعد از سقوط طالبان، در حکومت انتقالی و مؤقت به‌هیئت وزیر تجارت تعیین گردید و یکی از وزرای فعال و دلسوز در کابینه به‌شمار می‌آمد که خدمات فراوانی را در طی دوران مسئولیت خویش به انجام رساند، پس از تعیین دولت انتخابی با توجه به تحولات جدید سیاسی در کشور، حزب اقتدار ملی را بنیان نهاد که از طرف اعضای حزب به‌هیئت رهبر حزب اقتدار ملی برگزیده شد، هم‌چنان آقای کاظمی به‌هیئت نماینده مردم کابل در شورای ملی و رئیس کمیسیون اقتصادی آن شورای، ایفای وظیفه کرد، هم‌چنان به‌عنوان رئیس کمیسیون سیاسی و سخنگوی جبهه ملی به رهبری شهید پروفسور برهان‌الدین ربانی برگزیده شد، سرانجام وی در مسیر خدمت به مردم و کشور در ۱۵ عقرب ۱۳۸۶ هـ.ش، هنگامی که از سوی پارلمان کشور برای بررسی وضعیت مردم به ولایت بغلان رفته بود، در یک عمل تروریستی



آنان و بر روان همه شهدای افغانستان و به‌خصوص به روح شهید حبیب‌الله جان اتحاف دعا می‌کنم.

یقیناً حادثه بغلان؛ یک فاجعه ملی بود؛ اما غم‌انگیزتر این است که این حادثه بسیار مهم توسط مسئولان نظام و قوه اجرائیه کشور، تعقیب و پیگیری نشده است، آنانی که در کشمکش‌های فعلی کشور نقش دارند، آن‌ها هم این حادثه را تعقیب کردند، پس سوال اینجاست که چه کسانی در پشت این حوادث قرار دارند؟

اگرچه کشور ما از سال‌ها به این سو، هرروز شاهد حوادث غم‌انگیزی است، چنانچه چند روز قبل در حادثه اسفناکی شماری کشته شد و هرروز در اثر راکت‌های کور آن‌هایی که به نام تأمین امنیت و ثبات به کشور ما آمده‌اند، مردم مظلوم، زنان و کودکان بیچاره ما به خاک و خون کشانده می‌شود؛ ولی در این اواخر، برخی از مسئولان نظام که در گذشته‌ها از این حملات استقبال می‌کردند، اظهار انزجار می‌کنند؛ اما این حرف‌ها به عقیده من حنای بعد از عید است.

ما امروز در اجتماعی قرار داریم که در آن از شخصیت‌های شهید و در رأس از کاظمی شهید یادآور می‌شویم.

کاظمی از چهره‌های تابناک و پرافتخار جهاد و مقاومت بود، کاظمی مرد حرف و عمل بود، کاظمی در سنگر فکر و در سنگر دفاع از کشور، در پیشاپیش صف قرار داشت، او امروز در میان ما نیست، اگرچه یاران او در صحنه هستند؛ اما جای او برای همیشه خالی است، اگرچه کاظمی شهید و یاران هم‌سنگر او به آرزوی شهادت بودند؛ اما فقدان‌شان بزرگ‌ترین خساره و حادثه غم‌انگیزی است که تا سالیان دراز، قلب‌های مردم ما را سخت آزار می‌دهد، البته ما در شرایط بحرانی و دشوار قرار داریم و اکنون به چنین شخصیت‌های نیاز داریم.

کاظمی شهید به لقاءالله پیوست؛ اما من یقین دارم که دوستان او

به همراه تعدادی چند از نمایندگان مردم در شورای ملی و تعداد کثیری از مردم و کودکان به شهادت رسید. نگاه: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۲-۷، دور ششم، سال ششم، شماره ۲۵، شنبه ۱۹ عقرب ۱۳۸۶ هـ. ش.



در جبهه ملی، در گروه‌های جهادی، در حزب اقتدار ملی با قاطعیت آرمان‌های او را در میان ملت پیاده خواهند کرد؛ اما نباید بیش از این بگذاریم، این حادثه در ابهام بماند، دولت باید بی‌تفاوتی را کنار بگذارد. اگرچه شوری هم باید تلاش‌هایی می‌داشت؛ اما ناگفته نگذاریم، چه بسا از تصمیم‌های دل‌سوزانه شوری از طرف دولت لاجواب مانده‌است. شوری ارگانی است که قوه اجرائیه امروز در بسا موارد کم‌تر حرف‌های آن را می‌شنود؛ اما با این حال باید این مسئله تحقیق شود و هریکی ما باید آن را تعقیب کنیم؛ زیرا اگر چنین حوادث بزرگی فراموش گردد، کسانی که می‌خواهند کشور به‌طرف بحران حرکت کند، خوشحال خواهند شد و ما در آینده شاهد هزاران حادثه دردناک دیگری خواهیم بود.

امروز ما شاهد اختطاف‌ها و قتل‌های بی‌رحمانه، دزدی‌ها و حملاتِ ظالمانه‌ای می‌باشیم که به خانه‌ها و منازل مردم صورت می‌گیرد و حتی در اجتماعات عروسی‌شان - قسمی که در «شاه‌ولی کوت»^۱ صورت گرفت - بمباران می‌شود.

به هر حال؛ ما باید در ارتباط حادثه بغلان که از حوادث غم‌انگیز است تحقیق کنیم، اگر دولت به این کار توجهی ندارد، باید تجمعات صورت گیرد و صدای مردم بلند شود؛ تا معلوم شود که جنایت‌کار در کجاست و پشت‌سر این حادثه کیست؟

ما بدانیم چه کسانی‌اند که می‌خواهند به‌طور دقیق افرادی را انتخاب کنند و نابود سازند و شخصیت‌هایی را که افراد کلیدی در کشور بوده و حیات و مرگ‌شان برای ملت اهمیت زیاد دارد، از میان بردارند. حاضرین گرامی!

در شرایط بسیار خاصی به‌سر می‌بریم، بی‌امنیتی‌ها و مشکلات زیادی دامن‌گیر کشور ماست، دنیا هم در توفان حوادث حرکت می‌کند، حوادث مختلف و تغییرات عجیبی در دنیا به‌میان می‌آید، نتایج انتخابات اخیر

۱. شاه‌ولی کوت؛ یکی از شهرستان‌های ولایت قندهار است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۱۳۱.



امریکا در تاریخ جهان یک پدیده نو و باورنکردنی است؛ تا پیش از انتخاب اوپاما،^۱ کسی فکر نمی کرد که در قصر سفید یک سیاه‌پوست راه پیدا کند؛ اما این حادثه اتفاق افتاد، این چه معنا می دهد؟

به عقیده من چنین حادثه‌ای محصول کارهای نادرست نظام‌های حاکم آن کشور است، نظام قبلی امریکا اقداماتی انجام داد که همه به ستوه آمدند و به فکر این شدند که از این ورطه خود را نجات دهند، چنین تمایل و خواستی در کشور ما هم وجود دارد، مردم از وضعیت کنونی به‌جان آمده‌اند، به فکر تغییرند، بیش از این کسی نمی تواند این حالت را تحمل کند.

استراتژی جنگ و استراتژی سرکوب ملت‌ها باید تغییر یابد، استراتژی‌ای که می‌خواستند افراد و گروه‌های به‌خصوص را به گردن ملت‌ها سوار کنند و برادری و برابری ملت‌ها را از بین ببرند، فکر می‌کنم که زمان این سیاست‌ها گذشته است و زمان آن فرا رسیده تا خود ملت‌ها تصمیم بگیرند - قسمی که ما دیدیم - در امریکا با یک اکثریت عظیم، به‌خصوص نسل جوان، نسلی که خواهان تغییر بود، تغییر آمد، این خواسته تنها مربوط امریکاییان نیست، این خواسته را نسل جوان ما هم دارند، یک سلسله تمایلاتی در گذشته‌ها در میان ما معمول بود که تصمیم‌گیری‌های سیاسی در کشورهای عقب‌مانده، به‌خصوص در افغانستان مربوط به قدرت‌های بزرگ دانسته می شد، مردم می پرسیدند که انتخاب قدرت‌های بزرگ چیست؟ آن‌ها کدام چهره را انتخاب می کنند؛ اما حالا دیگر نباید منتظر انتخاب آن‌ها باشیم، ما باید خود تصمیم بگیریم، ملت افغانستان باید بدانند که تصمیم و اراده‌شان بالاتر از اراده

۱. باراک حسین اوپاما؛ در اگست ۱۹۶۱م، در ایالت هاوایی به دنیا آمد، او فرزند یک کنیایی سیاه‌پوست و یک زن سفیدپوست از اهالی ویجیتا ایالت کانزاس است، زمانی که اوپاما شش سال داشت، مادرش از پدر اوّلی جدا شد و با مردی اندونزیایی ازدواج کرد، اگرچه پدر و پدرخوانده او هر دو مسلمان بودند؛ اما او یک مسیحی بار آمد، اوپاما در جنوری ۲۰۰۵م، وارد سنای امریکا شد، باراک اوپاما در انتخابات ریاست جمهوری امریکا در ۲۰۰۸م، که در ۴ نوامبر برگزار شده بود، با کسب آرای بلند رقیب خود «جان مک‌کین» را شکست داد و به پیروزی رسید، باراک اوپاما، در انتخابات ۲۰۱۲م، در برابر «میت رامنی» از حزب جمهوری خواه - نیز - پیروز شد و فعلاً به‌عنوان رئیس جمهور امریکا است. نگاه: وبسایت فردا نیوز.

و تصمیم قدرت‌های بزرگ بین‌المللی است، اگر این‌ها تصمیم بگیرند، یقیناً خواست و اراده آن‌ها از طرف خداوند بزرگ^۱ مورد حمایت قرار می‌گیرد.

تحولات بین‌المللی اخیر، حرف‌های زیادی را بیان می‌کند، دنیای ما در مرحله جدیدی قرار گرفته است، دیروز چه حرف‌هایی گفته می‌شد، نویسندگان، پایان تاریخ^۱ را نوشتند و گفتند: نظام سرمایه‌داری آخرین نظام انسان‌هاست و هیچ نظام دیگری نمی‌تواند جای آن را بگیرد؛ اما امروز ما می‌بینیم که نظام سرمایه‌داری دچار تزلزل شده است، آن مفکر و شخصیتی که تا دیروز کتاب پایان تاریخ را می‌نوشت، امروز می‌نویسد که نظام سرمایه‌داری در حال سقوط است، ما می‌بینیم که در طی عمر خویش چه تحولاتی را دیدیم، دستگاه هولناک کمونیسم^۲ بین‌المللی و اتحاد شوروی سقوط کرد و شاهد استقلال کشورهای کوچک بودیم،

۱. پایان تاریخ؛ نظریه‌ای است از فرانسیس فوکویاما، معاون بخش برنامه‌ریزی سیاسی در وزارت خارجه آمریکا که در سال ۱۹۸۹م، در نشریه «منافع ملی» مطرح گردید، وی نظریه خود را نخست؛ به صورت مقاله و سپس با انتشار کتابی تحت عنوان «پایان تاریخ و واپسین انسان» مطرح کرد، به اعتقاد وی «لیبرال دموکراسی» شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است، تاریخ بشری - نیز- مجموعه‌ای منسجم و جهت‌داری است که بخش اعظمی از جامعه بشری را به سوی لیبرال دموکراسی سوق می‌دهد، فوکویاما، در تشریح نظریات خود، ابراز می‌دارد: «پایان تاریخ زمانی است که انسان به شکلی از جامعه انسانی دست یابد و در آن عمیق‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای بشری برآورده شود، بشر امروزه به جای رسیده است که نمی‌تواند دنیای ذاتاً متفاوت از جهان کنونی را تصور کند؛ چرا که هیچ نشانه‌ای از امکان بهبود بنیادی نظم جاری وجود ندارد. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۱۵۲ - ۱۵۳ و نظریه برخورد تمدن‌ها، ص: ۱۶۹ - ۱۸۰.

۲. کمونیسم؛ این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونیس» به معنای اشتراکی گرفته شده است، اصطلاح کومون یا جامعه اشتراکی نخستین بار در فرانسه، در سال ۱۸۳۹م، به کار رفت، به قول طرفداران این اصطلاح، گویی این نظام بدون طبقه است، کمونیسم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آور اجتماعی محبوس می‌کند، هم‌چنان کمونیسم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش از دریچه چشم اقتصاد نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایه مستحکم نظام خود قرار داده، آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد، خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیسم این باشد که گرایش به این مکتب، به معنای تباهی گوهر انسانیت، اغفال و اغراء انسان از توجه به کنه حالت خودش، خودفراموشی و پایمال کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز- به معنای تنزل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامه سیاسی، ص: ۲۶۱-۲۶۳ و مقاله‌ای، «ارزش خون در کمونیسم و اسلام»، شهید محمدکاظم شارقی، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، سال ۱۳۶۰ ه.ش.





شاهد تغییر جغرافیا و تاریخ هم بودیم، حالا می‌بینیم که تفکرات نظام سرمایه‌داری هم در آستانه تغییر است.

در افغانستان باید راجع به این تغییرات درست بیندیشیم، مسئله آشتی ملی یکی از قضایایی بود که پارلمان آن را عنوان کرد؛ اما آن برنامه شورای ملی مورد توجه کسی قرار نگرفت؛ اما امروز تلاش‌های مخفی و در پشت دروازه‌های بسته به جریان افتیده‌است، ما هر مذاکره‌ای را به‌خاطر حل قضیه و حل بحران افغانستان باشد تأیید می‌کنیم، سهم‌گیری هر کشور مسلمان و برادر را تأیید می‌کنیم؛ اما نباید این قضایا به‌عنوان اسرار و راز باشد.

مسایل ملی را باید توسط نهادهای ملی حل کرد، توسط پیوندهای شخصی و فردی و وابستگی‌های فامیلی نمی‌توان در قضایای ملی تصمیم گرفت؛ اما متأسفانه روند مذاکرات کنونی به همین بنا استوار شده‌است، نشود که -خدای ناخواسته- این تلاش‌های مرموز، پیامدهای داشته باشد که به نفع ملت نباشد، باید همه مسایل شفاف و روشن باشد؛ تا همه بدانند که این جریان از کجا آغاز شده و به کجا می‌انجامد؟ در شرایط کنونی، ما در آستانه یک تغییریم، در امریکا یک سیاه‌پوست چندی بعد وارد قصر سفید می‌شود، او حضور مردم محروم و طبقه پایین را عنوان سیاست خود قرار داد، شما می‌دانید در جهت مقابل، سرمایه‌داران بزرگ و شرکت‌های کثیرالملیتی قرار داشت؛ اما او باما از چه کسانی شروع کرد؟ از شاگردان دانشگاه‌ها، از مردم فقیر و محروم که تنها می‌توانستند پنج دالر بپردازند، بالاترین رقم توسط سرمایه‌داران جمع نشد، شرکت‌های کثیرالملیتی و نهادهای بزرگ مالی جهان، پولی را که برای «مک‌کین»^۱ جمع کردند، بسیار کم‌تر از پولی بود که فقیران برای او باما جمع کردند. در اینجا بجاست که حدیث پیامبر اکرم / را به یاد بیاوریم که فرموده‌اند:

۱. جان مک‌کین؛ در اگست ۱۹۳۶م، به دنیا آمد، وی نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۰۸م، ایالات متحده امریکا از حزب جمهوری‌خواه بود، که سرانجام با اختلاف زیاد در مقابل باراک اوباما نامزد حزب دموکرات شکست خورد. نگاه: وبسایت همشهری آنلاین.

﴿هَلْ تُنْصَرُونَ وَتُرْزَقُونَ إِلَّا بَضْعَائِكُمْ﴾^۱

(ای مردم آیا نمی‌دانید که رزق و روزی و پیروزی‌های شما، توسط مردم مستعضعف صورت می‌گیرد.)

یقیناً دهقان و کارگر، فقیر و شاگرد، عناصر تغییرند، امیدواریم - قسمی که در جهان امروز، زمزمه تغییر به عنوان یک واقعیت عملی در معادلات سیاسی و بین‌المللی مطرح است - در کشور ما هم این مسئله به عنوان یک مسئله جدی مطرح گردد و ما باید به خودباوری برسیم و اجازه ندهیم که سرنوشت ما توسط حلقات مرموز تعیین شود، بار دیگر به روان پاک شهید کاظمی، وکلای محترم و کودکان و شهدای شاه ولی کوت، درود بی پایان می‌فرستیم.

خطابه چهل ونهم

به مناسبت سالگرد شهادت عبدالحی حقجو آمر
عمومی جمعیت اسلامی افغانستان در ولایت بغلان؛

مکان: کابل، افغانستان؛

زمان: چهارشنبه ۱۵ عقرب ۱۳۸۷ هـ ش.

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى^۱
با درود و سلام بر روان همه شهدای عزیز! خاصتاً شهید عبدالحی حقجو^۲
و سلام بر شما مردم متدین، هم‌سنگران عزیز و همراهان این شهید
بزرگوار!

امروز ما یاد یکی از چهره‌های تابناک جهادگران را گرامی می‌داریم،
یک شخصیت بسیار عزیز و گران‌قدر و یک الگو و معلم جهاد و اخلاق
عالی و الگوی برای نسل‌های امروز و فردای افغانستان.
برادر ارجمند آقای رشید؛ قصه‌های زیادی از زندگی آن مجاهد عزیز
بیان کرد، من هم تا جایی او را می‌شناختم.

حقجو؛ مؤمن راستین، مجاهد وارسته و انسان با تقوایی بود که
زندگی خود را برای دین و مردم خود وقف کرد، او به‌عنوان یک سپاهی
اسلام، مطابق به آیه قرآنی:

﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۳

همه چیزهای خود را وقف خدا کرده بود، برای خود و برای فامیل

۱. گذشت.

۲. گذشت.

۳. انعام / ۱۶۲. (بگو: نماز و عبادت و زیستن و مردن من از آن الله است که پروردگار جهانیان است.)



خود نمی‌اندیشید، فقط برای دین، مردم و آزادی کشور و ساختن یک افغانستان مستقل و سربلند و اسلامی می‌اندیشید، او تنها یک مرد نظامی نبود، او یک انسان اندیشمند - نیز - بود که در روزهای سخت جهاد و مقاومت - که از آسمان راکت می‌بارید - به فکر ساختن مادی و معنوی افغانستان بود، او در همان روزها به فکر ساختن مکتب، مدرسه و سرک بود، دیگران گمان نمی‌کردند که افغانستان دوباره آزاد می‌شود؛ اما مجاهدان، با نور خدا می‌دیدند^۱ که حتماً سرزمین‌شان آزاد می‌شود و باید از همین حالا خشت‌هایی برای تعمیر کشور بگذارند.

آن‌ها عقیده داشتند که نباید نسل جوان افغانستان بی‌تعلیم و مکاتب ما بی‌معلم و مدارس ما بی‌عالم بماند، کلینیک صحتی می‌ساختند، در جاهایی سرک می‌ساختند که در سال‌های طولانی، حکومت‌های قبلی در آنجا یک بیل هم نزده بودند.

همه ما می‌دانیم که در بخشی از ولایات کشور، به‌خصوص ولایت بغلان، اقوام مختلف به‌سر می‌برند و متأسفانه هنوز هم به علت عدم آگاهی و یا عدم توجه به ارزش‌های دینی، عصبیت‌های قومی وجود دارد؛ اما شهید حقجو به‌عنوان محور وحدت در میان اقوام مختلف در ولایت بغلان، با همه اطراف و اقوام، روابط صمیمانه و دلسوزانه داشت.

در تعالیم اسلامی، خداوند^۱ برای ما چه هدایت می‌دهد؟
خداوند^۱ می‌فرماید:

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبِهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهَ الشَّاكِرِينَ﴾^۲

خداوند به مؤمنان و مجاهدان تذکر می‌دهد که شما یک حقیقت

۱. اشاره به این حدیث مبارک دارد که می‌فرماید: ﴿إِنْتَقُوا فَرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ﴾ (از زیرکی و هوشیاری مؤمن، خود را نگاه دارید؛ زیرا او به نور الله می‌بیند). نگاه: سنن ترمذی، شماره حدیث: ۳۱۲۷.

۲. آل عمران / ۱۴۴. (محمد جز پیغمبری نیست و پیش از او پیغمبرانی بوده و رفته‌اند؛ آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، چرخ می‌زنید و به عقب برمی‌گردید؟! و هرکس به عقب باز گردد، هرگز کوچک‌ترین زیانی به الله نمی‌رساند و الله به سپاسگزاران پاداش خواهد داد).

را نباید فراموش کنید که جز خداوند کسی حتّی پیامبر؛ یعنی حضرت محمّد / ، زندگی جاویدانه ندارد؛ امّا پیروان اسلام، نسلی پس از نسلی می آیند و راه خداوند و سنّت فرستاده او را ادامه می دهند و منحرف نمی شوند.

﴿وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا﴾

(کسانی که از تعالیم اسلام سرپیچی می کنند، به خدا هیچ ضرری نمی رسانند).

قرآن کریم به ما می آموزاند که فقدانِ پیشوایان و نبود شخصیت های بزرگ، نباید باعث آن شود که ما راه و رسمی را که آن ها در زندگی گذاشته اند، فراموش کنیم.

بلی، باید راه و رسم نیکان تعقیب شود، امروز مسئولیت یارانِ حق جوسست که مَشْ عَمَلی او را در زندگی پیاده کنند، ملّت ما در دوران جهاد و مقاومت، شخصیت های بسیار بزرگی را از دست داد، در افغانستان امروز و فردا، هرجرانی که به قدرت برسد و هردست آوردی که در کشور ظهور کند، همه از برکت تلاش و جهاد و مجاهد مردانِ مؤمن به دست می آید.

ما مردمان بسیار خوبی داریم؛ امّا مردم هایی هم داریم که ناشکر و حق ناشناس اند، ما دیدیم که در یک مرحله، چه بسا تهمت ها و غوغاهایی به آدرس مجاهدان - توسط دولت مردانِ ما که به برکتِ آن ها امروز تکیه بر اریکه قدرت زده اند - گفته نشد.

اگر مجاهدین مانند دیگران کشور را رها می کردند، امروز افغانستانی هم نمی داشتیم، به عنوان یک ملّت باقی نمی ماندیم و جزئی از اعمار شوروی می بودیم؛ مگر با تأسف، ما دیدیم که بعد از تشکیل حکومت جدید، در مطبوعات رسمی کشور، تهمت هایی علیه مجاهدین گفته شد، حرکت مجاهد زدایی و دشمنی با فرهنگ جهاد در کشور اوج گرفت، این ها تنها توسط خارجیان صورت گرفت؛ بلکه توسط کسانی صورت گرفت که به برکت جهاد و مبارزات مجاهدان به قدرت رسیده بودند.



امروز همه ما باید متوجه این حقیقت باشیم و دنیا هم کم‌کم دارد متوجه این حقیقت می‌شود، مسئله امنیت که امروز به موضوع پرتش تبدیل شده است، مجاهدان موفقیت‌های زیادی را در این زمینه داشته‌اند، اگر وضع کنونی افغانستان را با دوران جهاد مقایسه کنیم، در دوران جهاد نه انتحاری بود، نه اختطاف و نه دزدی، در دوران جهاد، وقتی منطقه‌ای آزاد می‌شد، در آنجا اداره به میان می‌آمد و امنیت تأمین می‌شد، مردم در آرامش به سر می‌بردند، در دوران مقاومت هم ما در مناطق تحت کنترل خویش امنیت داشتیم.

به‌خاطر دارم، خانمی از کشور ناروی^۱ که در ارتباط به تعلیم و تربیه خدماتی را به مردم فقیر انجام می‌داد، روزی تقاضا کرد تا خودش مواد آموزشی را با هلیکوپتر انتقال دهد، یک زن خارجی به دورترین نقاط کشور سفر می‌کرد و موضوع ترس و اختطاف در میان نبود.

در دوران مقاومت ملت افغانستان تنها گذاشته شد، نه اینکه تنها گذاشته شد؛ بلکه در سطح جهانی علیه ما توطیه کردند، لشکر طالبان با تعدادی از عناصری که امروز آن‌ها را تروریست می‌نامند، با حمایت کشورهای غربی و شرقی، وارد قلمرو افغانستان شدند.

در افغانستان آنچه بعد از پیروزی به‌وقوع پیوست و مظاهر ناروا و زشتی صورت گرفت، در عقب این همه پدیده‌های ناروا، برنامه‌های دشمنان بود که از طرف قدرت‌های بزرگ دنیا برنامه‌ریزی شده بود، آن‌ها این برنامه‌ها را پنهان نمی‌کردند، آن‌ها کوشیدند، طرح‌هایی را برای سرکوبی مجاهدین روی‌دست بگیرند، به این منظور در میان صفوف اختلاف انداختند، متأسفانه آن‌ها کامیاب هم شدند و فتنه آفریدند، از این‌رو توصیه من به نسل جوان این است که افتخارات بزرگ جهاد، شخصیت‌های ارزشمندی؛ چون حق‌جوی شهید را به الگوی در زندگی

۱. ناروی یا نورژ؛ یکی از کشورهای شمال اروپاست، مساحت آن ۳۲۳۷۵۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۴۸۸۸۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن نورژی، واحد پول آن «فرانک سی اف‌آ» و پایتخت آن شهر اسلو می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۱.

خود تبدیل کنید و راه او را ادامه بدهید، نسل جوان ما و نسل های امروز و فردای ما نباید دوره های پرافتخار جهاد خود را از یاد ببرند، باید این فرهنگ را -که افتخار فرهنگ ملی و دینی ماست- حفظ کنیم.

بزرگ ترین عزّت و افتخار برای یک ملت این است که دست آوردهای تاریخی خود را حفظ کنند، ما باید وحدت ملی را از این پیشوایان جهاد، از حقجوی عزیز و یاران او بیاموزیم، او مظهر وحدت ملی بود، امروز جامعه ما مخصوصاً حکومت ما که در فساد غرق شده است، کارمندان و مسئولان این حکومت نیاز دارند؛ تا از این الگوها درس فداکاری و تقوی و طهارت بیاموزند.

افغانستان عزیز! در شرایط فعلی به امنیت ضرورت دارد، از این مجاهدان بیاموزیم که چگونه در قلمروشان مشکل بی امنیتی را حل می کردند، امروز در افغانستان دست هایی فعالیت دارد که باردیگر می خواهند کشمکش های قومی را دامن بزنند، در ارگان های دولتی این مسئله را به شدت دامن می زنند، این فتنه گری و جاهلیت است که می خواهند در میان ملت ما درز ایجاد کنند و ما را در یک کشمکش داخلی به جان هم بیندازند.

گروه بندی سیاسی، فکری، فقهی نباید باعث کشمکش و برخوردهای مسلحانه شود، ما باید از این به بعد یک فرهنگ جدید؛ یعنی فرهنگ اخوت را از اسلام عزیز بیاموزیم و در زندگی خود آن را عملی کنیم، ما نباید فراموش کنیم، به خصوص برادران مجاهد متوجه این مسئله باشند که دیروز ما اگر با سلاح مبارزه می کردیم، امروز دیگر آن دوران گذشته است، امروز دوران مبارزه فکری و فرهنگی و سیاسی آغاز گردیده است، این صحنه اصلی جهاد است، در این مبارزه هم نباید میدان را به دیگران بگذارند.

توصیه می کنم و شما هم به دوستان خود بگویید که اگر پروسه توزیع کارت رأی دهی آغاز می شود، کارت بگیرند و باید هر کدام شما کوشش کنید که برای انتخابات آماده باشید، نظر ما و نظر مجاهدین این



است که باید تغییر در کشور به‌میان آید، وضع سیاسی دیگر قابل پذیرش نیست، این جریان به نفع ثبات و امنیت کشور نیست، متأسفانه اوضاع کنونی خود عامل بحران و بدامنی شده‌است، باید تغییر اساسی در نظام افغانستان به‌میان بیاید، امروز این تحوّل، خواست ملی و خواست زمان است، البته این تغییر باید به‌صورت سیاسی و منطقی و سازنده صورت بگیرد.

نسل‌های مؤمن و مجاهد و عناصر وطن‌دوست باید در تغییر برای آینده سهم بگیرند و ما وارد مرحله جدیدی از زندگی سیاسی در کشور باشیم، ما طرفدار این مسئله بودیم و هستیم، گروه‌هایی که نظم و امنیت را مختل می‌سازند، نباشند، نهادهای دولتی تقویت شود، سلاح به‌دست افراد غیرمسئول نباشد؛ اما دولت‌داران در این زمینه صادقانه عمل نکردند، یک‌نوع عمل تناقض‌آمیز در نظام فعلی ما جریان دارد، از یک‌طرف می‌بینیم که پروسه جمع‌آوری سلاح جریان دارد و از طرف دیگر می‌بینیم، جریان ملیشه‌سازی شروع شده‌است، اگر خارجی‌ها این پروسه را می‌خواستند تطبیق کنند؛ چرا مجاهدین را که نیروهای باتجربه در قسمت تأمین امنیت و آزادی کشور بودند، به‌بهانه اینکه افراد نامنظم‌اند، حذف کردند؟ امروز باز حرکت ملیشه‌سازی برای چیست؟ چرا نمی‌خواهند توسط وزارت دفاع و وزارت داخله امنیت را تأمین کنند؟

یقیناً این حرکت‌ها بجای اینکه امنیت را تأمین کند، تنش‌های دیگری را به بار می‌آورد.

اولاً؛ این جریان جنگ‌های داخلی دیگر را به‌وجود می‌آورد، مثلاً در یکی از مناطق ناامن، تعدادی از افراد را مسلح می‌سازند تا قوم خود را سرکوب کنند، شکی نیست که حتماً دیگران هم در فکر انتقام برمی‌آیند، در نتیجه یک جنگ داخلی فرسایشی^۱ آغاز خواهد شد.

۱. این جنگ؛ یک راهبرد نظامی است که در آن یک‌طرف جنگ سعی دارد با واردکردن مستمر خسارات جانی و تجهیزاتی طرف دیگر را از پای درآورد و پیروز شود، پیروز جنگ معمولاً طرفی است که مقدار بیشتری از منابع را دارد، نظریه‌پردازان نظامی و راهبردی، اغلب معتقدند که باید از این شیوه دوری جست. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۴۸.

من به خانواده شهید عزیز، به فرزند ارجمندش و به دیگر برادران و به همه یاران و هم‌سنگران‌ش و به همه شما توصیه می‌کنم که دست‌آوردهای آن شهید را حفظ کنید.

من مطمئنم که اگر مردم ما از این شخصیت‌های ارجمند، الگوگیری کنند، جامعه ما گام‌های بلندی به‌سوی اصلاح برخواهد داشت، همه مجاهدین طرفدار ثبات و استحکام در کشورشان‌اند، طرفدار تأمین امنیت و آبادی و شگوفایی کشورشان‌اند و ما باید بکوشیم که بدبختی‌ها از کشورمان ناپود شود و بیش از این نپذیریم که مردم در جهل و فقر و محرومیت به‌سر ببرند.

اجازه ندهیم که کشورمان میدان کشمکش‌های قدرت‌ها و کشورهای مختلف باشد، اجازه مدهیم که سرزمین افغانستان میدان تجربه سلاح‌های کشتار جمعی کشورهای مختلف باشد، ما باید بکوشیم افغانستان به‌جای جنگ به‌سمت وسوی صلح و گفت‌وگو برود، ما طرفدار جدی مذاکره با کسانی‌ایم که آن‌ها می‌جنگند؛ اما مذاکره و آشتی ملی باید فراگیر باشد، کسانی را که امروز می‌جنگند و ادار بسازیم که بیایند و سلاح را بگذارند و با سایر مردم در عملیه سیاسی شریک شوند، امیدوارم که افغانستان بیش از این شاهد کشمکش و جنگ‌ها نباشد، یک‌سال پیش، در پانزدهم عقرب در حادثه بغلان^۱ تعدادی از هم‌وطنان بغلانی ما، متعلمین، کودکان معصوم، مظلومانه شهید شدند، به روح همه‌شان درود می‌فرستم و باتمام خانواده‌ها ابراز همدردی می‌کنم، صبر و استقامت برای‌شان می‌خواهم و از بارگاه اقدس الهی با دست دعا التجا دارم که دیگر در کشور شاهد صحنه‌های غم‌انگیز نباشیم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ^۲، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

۱. گذشت.

۲. گذشت.

خطابه پنجاهم

در کنفرانس بین‌المللی اخوت اسلامی افغانستان؛

مکان: کابل، هوتل انترکانټیننټال؛

زمان: ۱۸ عقرب ۱۳۸۷ هـ ش.

علما و مهمانان گرامی!
السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

با سپاس از برادران محترم - و به خصوص از جناب آیت الله محسنی در شورای اخوت - که این مجلس را برگزار کردند، امیدواریم، نشست های دو روزه ما به نتایجی منتج شود که به نفع کشور ما و همه مسلمانان جهان باشد.

اولاً؛ به ارتباط اخوت اسلامی، این حقیقت را باید به یاد داشته باشیم، چنان که آیه قرآنی می فرماید:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾^۱

اسلام دین وحدت و دین اخوت است، انتخاب کلمه «اخوت اسلامی» از طرف شورای علمای مسلمان در افغانستان، مفهوم فراتر از مسئله تقریب دارد.

موضوع تقریب از جمله قضایای مهم و نیازهای مبرم جهان اسلام به خصوص در جهان امروزی ماست، قابل ذکر است که در دوره های

۱. انبیاء / ۹۲. (این امت یگانه ای بوده و من پروردگار همه شمایم، پس تنها مرا عبادت کنید).



گذشته، در دورهٔ اموی‌ها^۱ و بعداً در دورهٔ عباسی‌ها،^۲ کشمکش‌های بسیار خونین در میان اهل مذاهب -به‌خصوص در میان پیروان دو مذهب بزرگ، اهل سنت و تشیع- شروع شد که نتایج نامطلوب داشت؛ اما این اختلافات بیشتر توسط دولت‌ها و نظام‌های سیاسی به‌میان آمد و در میان علما و مردم، آن‌چنان کشمکش‌ها وجود نداشت، البته عده‌ای بودند که کشمکش‌ها را دامن می‌زدند؛ اما برخلاف این عده بازهم در مقاطع مختلف ما شاهد حرکت‌های تقریب بودیم، در عصر امروزی؛ این حرکت به‌صورت بسیار عمده و اساسی آن در میان علمای الأزهر^۳ و علمای ایران^۴ آغاز شد و مسئلهٔ تقریب به‌عنوان یکی از نیازها، از سوی علمای الأزهر و به‌خصوص از طرف شیخ شلتوت^۵ و آیت‌الله

۱. خلافت اموی‌ها؛ از ۴۰ تا ۱۳۲هـ.ق، ادامه داشت، نخستین خلیفهٔ اموی حضرت معاویه بن ابی سفیان > و آخرین آن مروان بن محمد بود. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، از دکتر حسن ابراهیم حسن.

۲. خلافت عباسی‌ها؛ مدت پنج‌قرن ادامه داشت که از سال ۱۳۲هـ.ق، شروع و تا سال ۶۵۶هـ.ق، ادامه پیدا کرد، ابوالعباس عبدالله بن علی از خاندان حضرت عباس > اولین کسی است که از این خاندان به قدرت رسید و تا زمانی که بغداد به‌دست «هلاکو خان» مغول سقوط کرد، حکومت کردند. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، از دکتر حسن ابراهیم حسن.

۳. جامع الأزهر؛ یکی از معتبرترین نهادهای علمی و دانشگاهی دنیاست که در کشور مصر قرار گرفته که قدامتی هزارساله دارد و به‌عنوان اولین مؤسسهٔ دینی، علمی و اسلامی در قاهره پایتخت مصر در دوران فاطمیان ساخته شد و بعدها این نهاد علمی توسط «صلاح‌الدین ایوبی» وسعت و برنامه داده شد و تا اکنون به منظور اشاعهٔ اعتدال و میانه‌روی، فعالیت‌های بسیاری انجام می‌دهد، مساحت آن در حدود ۱۲ هزار متر مربع است و دارای ۵ مناره می‌باشد، البته این مؤسسهٔ علمی در کنار مدارس و دیگر نهادهای علمی، دانشگاه آن دارای ۶۰ دانشکده بوده که ۴۳ دانشکده برای پسران و ۱۷ دانشکده برای دختران است، الأزهر مصر دارای مراکزی؛ چون مرکز بیماری‌های خاص، مرکز میکروبیولوژی، مرکز بین‌المللی اسلامی، تحقیقات و مطالعات محیط زیست و مرکز اقتصاد اسلامی است. جهت معلومات بیشتر نگاه شود: وبسایت رَحْمَا و دایرةالمعارف انقلاب اسلامی ویژهٔ جوانان و نوجوانان، جلد اول.

۴. ایران؛ در جنوب غربی قارهٔ آسیا و در منطقهٔ خاورمیانه موقعیت دارد، مساحت آن ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۳۸۸۷۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، پایتخت آن شهر تهران و واحد پول آن «ریال ایران» است، دین رسمی آن اسلام و زبان رسمی آن فارسی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹.

۵. شیخ محمود شلتوت؛ محقق، مفسر، فقیه اصولی، ادیب لغوی مصری و شیخ الأزهر و از مؤسسان دارالتقریب بین المذاهب الإسلامیه بود، این اندیشمند مسلمان در ۱۳۱۰هـ.ق، در یکی از شهرهای مصر به دنیا آمد و در سال ۱۳۸۳هـ.ش، به رحمت حق پیوست، از این اندیشمند بزرگ جهان اسلام آثار فراوانی به‌جا مانده‌است، فقه القرآن والسنة، مقارنة المذاهب، القرآن

بروجردی^۱ و دیگر علما به عنوان یک حرکت عملی شروع شد و نتایج بسیار ارزشمندی هم داشت.

حضار گرامی!

آیا جای تعجب نیست، در حالی که گفت‌وگوی مذاهب به عنوان یک اصل در جهان مطرح می‌شود و در ملل متحد هم به عنوان یک نیاز جهانی مطرح می‌شود، مسلمانان بگذارند، میان خودشان کشمکش‌ها و اختلافات به نام این مذهب و آن مذهب جریان داشته و مسلمانان را پارچه‌پارچه بسازد و دست‌های‌شان را در میان امت اسلامی دراز بکنند و مصیبت‌های ما را چند برابر بسازند، بنابراین مسئله تقرب و اخوت یک نیاز کاملاً جدی است، اختلاف در میان انسان‌ها یک مسئله فطری است و در میان مسلمانان وجود دارد؛ اما اختلاف به معنای افتراق نیست، اختلاف به معنای آزادی تفکر در میان مسلمانان است که یکی از امتیازات و برجستگی‌های اسلام است.

خداوند آزادی تفکر را من حیث یک حق فطری به انسان‌ها بخشیده و مسلمانان حق دارند در مورد استنباط احکام و استنباط ارزش‌ها از نصوص، آزادانه فکر کنند، مسلمانان پیرو هردو مذهب، یقیناً بعد از انتساب به کتاب الله و سنت پیغمبر و یاران رسول اکرم / به تفکر مذهبی و به تفکر فقهی - نیز - خود را منسوب می‌دانند.

باید توجه کرد که آداب اختلاف در میان آن‌ها چگونه بود؟ نخستین اختلافی که در جهان اسلام به میان می‌آید، سر مسئله تشکیل دولت و نظام سیاسی صورت گرفت، در تاریخ اختلافات اسلامی، ما دو نوع اختلاف داریم: اختلافات سیاسی و اختلافات فلسفی، کشمکش‌ها در

و القتال، منهج القرآن فی بناء المجتمع، رسالة المسؤولية المدنية والجناية فی الشريعة الإسلامية، القرآن والمرأة، تنظیم العلاقات الدولية الإسلامية، الإسلام والوجود الدولي للمسلمین، الإسلام عقيدة و شریعة و الفتاوی از جمله آثار اوست. نگاه: وبسایت رُحما.

۱. سید حسین طباطبایی بروجردی؛ از عالمان بزرگ اهل تشیع است که در سال ۱۲۵۴ ه. ش، در بروجرد به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۰ ه. ش، به عمر ۸۶ سالگی به اثر بیماری قلبی درگذشت، حاشیه علی کفایة الأصول، الآثار المنظومة، أنیس المقلدین، مناسک الحج، جامع احادیث الشیعة، تجرید أسانید الأمانی، تجرید اسانید الإستبصار، از جمله آثار اوست. نگاه: وبسایت همشهری آنلاین.



طول تاریخ بیشتر در بُعد سیاسی بوده؛ اما در بعد فقهی و بعد فلسفی و فرهنگی کشمکش نیست، ما باید آداب اختلاف را بیاموزیم، از پیشوایان بزرگ حضرت ابوبکر، عمر، عثمان و علی^۱ بیاموزیم، از انصار^۲ و مهاجرین^۳ بیاموزیم.

اولین اختلافی که در میان اصحاب به میان آمد، بعد از رحلت پیامبر اکرم / برسر جانشینی پیامبر اسلام / به میان آمد، این اختلافات میان مهاجرین و انصار به میان آمد، در سقیفه بنی ساعده،^۴ انصار می‌خواستند برای خود رهبر تعیین کنند، مهاجرین آمدند و گفتند که این مورد پذیرش ما نیست و - به اصطلاح - امروزی می‌گفتند: اکثریت مسلمانان را قریش تشکیل می‌دهد، قدرت واقعی آنان‌اند و باید از جمله قریش باشد؛ یعنی از جمله اکثریت باشد، اختلاف بالاخره منجر به این شد که از میان حزب اکثریت که قریش باشد، حضرت ابوبکر > برگزیده شد، وقتی حضرت ابوبکر > برگزیده شد، انصار که مخالف بودند، آمدند و دست بیعت دادند و اختلاف را کنار گذاشتند.

۱. جهت معلومات بیشتر، در مورد زندگی این یاران باوفای رسول آزادی و انسانیت، به کتاب «خلفای راشدین از خلافت تا شهادت» از دکتر صلاح عبدالفتاح الخالدی، ترجمه عبدالعزیز سلیمی مراجعه شود.

۲. انصار؛ در تاریخ به آن دسته از مسلمانان اهل مدینه گفته می‌شود که پس از هجرت رسول اکرم / از مکه به مدینه، بدو گرویدند و او را یاری و حمایت کردند و اینان بیشتر از قبیله اوس و خزرج بودند. نگاه: لغت‌نامه دهخدا.

۳. مهاجرین؛ گروهی که با رسول الله / ، از مکه به سوی مدینه هجرت کردند، قرآن کریم در سوره توبه، آیه ۱۰۰، در مورد می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَوَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، الله از آنان خشنود است و ایشان هم از الله خشنودند و الله برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر آن رودخانه جاری است و جاویدانه در آن جا می‌مانند، این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ). نگاه: لغت‌نامه دهخدا.

۴. سقیفه بنی ساعده؛ جایگاه و ایوانی سرپوشیده و دارای سقف در مدینه که مربوط به قبیله بنی ساعده بوده و مردمان در مشاورات‌شان در آن گرد می‌آمده‌اند، پس از درگذشت رسول الله / عدای از اصحاب وی که به انصار شهرت داشتند و اهل مدینه بودند، در آن محل برای تعیین خلیفه بعد از پیامبر / به دعوت سعد بن عبادہ رئیس قبیله خزرج جمع شدند و بعد از جروبحت‌های زیاد، ابوبکر > را به عنوان خلیفه انتخاب کردند. نگاه: تاریخ کامل ابن اثیر، ج: ۳، ص: ۱۱۹۹ و تاریخ الطبری، ج: ۲، ص: ۴۱۲ - ۴۱۳.

حضرت علی J و خاندان بنی هاشم^۱ هم نظر خاص خود را داشتند، آن‌ها فکر می‌کردند که حضرت علی J سزاوارتر است تا مدتی به این نظر خویش پافشاری داشتند؛ اما بالاخره حضرت علی J خلافت حضرت ابوبکر > را پذیرفت، خلافت حضرت عمر و حضرت عثمان E را هم پذیرفت؛ تا جایی که حضرت عمر > می‌گوید:

﴿لَوْلَا عَلِيٌّ لَهْلَكَ عُمَرُ﴾^۲

(اگر علی نمی‌بود، عمر تباه شده بود.)

یعنی همه من حیث یک تیم کار می‌کردند، نه به‌عنوان اینکه مربوط به کدام تفکرات خاص فقهی‌اند.

به هر حال؛ ما از آن‌ها بیاموزیم، نیاموزیم از کشمکش‌های اموی‌ها و عباسی‌ها که دست به کشمکش زدند، برضد یکدیگر فتوا دادند، ما باید از منابع اصیل اسلامی که عبارت از همان اصحاب پیامبر / است، از آداب اختلاف آن‌ها بیاموزیم، اختلاف آن‌ها برای تفرقه نبود، اختلاف دیدگاه‌ها بود، وقتی مسئله حل می‌شد، آنجا اختلاف کنار گذاشته می‌شد، منظور از تقریب مذاهب و اخوت اسلامی چیست؟

منظور از تقریب مذاهب، این است که اول همان پنج اصلی که در اسلام است^۳ را باید مراعات کنیم.

پیامبر / می‌فرماید:

۱. خاندان بنی هاشم؛ نسبت خاندان هاشم و قبیله قریش به اسماعیل پسر ابراهیم R می‌رسد که عرب نبودند، چنان‌که ابن حزم در جمهره أنساب العرب می‌گوید: پسران بنی هاشم چهار نفر بودند که جز از عبدالمطلب از هیچ کدام‌شان ادامه‌ای نماند و عبدالمطلب ده پسر داشت که یکی آن عبدالله بود که پدر رسول اکرم / است و یکی دیگری آن ابوطالب است که پدر حضرت علی > است. نگاه: و بسایت اسلام ویب.

۲. نگاه: الإستیعاب، ج: ۳، ص: ۳۹، الریاض، ج: ۲، ص: ۱۹۴ و طبقات ابن سعد، ج: ۲، ص: ۳۳۹.

۳. اشاره به این حدیث مبارک دارد که می‌فرماید: ﴿عَنْ ابْنِ عُمَرَ V ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ / بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ﴾ (از ابن عمر E روایت است که رسول الله . فرمود: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نخست؛ گواهی دادن بر اینکه الله یکی است و جز او معبود برحق وجود ندارد و محمد . رسول الله است؛ دوم؛ اقامه نماز؛ سوم؛ دادن زکات؛ چهارم؛ ادای حج؛ پنجم؛ روزه گرفتن ماه مبارک رمضان.) نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۴۵۱۴.





﴿تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُم بِهِمَا كِتَابُ اللَّهِ وَسُنَّةُ رَسُولِهِ﴾^۱

و یا:

﴿عِثْرَتِي﴾^۲

تا زمانی که شما به این دو تمسک می‌جوئید، گمراه نمی‌شوید، کتاب خداوند و سنت پیامبر / ، این چنین می‌فرمایند:

﴿لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ﴾^۳

(بعد از من شما طوری رفتار نکنید که یکی گردن دیگر را بزند.)

ما وقتی که تقریب مذاهب می‌گوییم، تقریب مذاهب به معنای توحید مذاهب نیست، به معنای این نیست که سنی شیعه و شیعه سنی شود؛ اما دو برادرند و هر دویشان در پهلوی همدیگر از اسلام دفاع می‌کنند، از ارزش‌های اسلامی دفاع می‌کنند، نباید یکدیگر خود را کافر و یا مبتدع^۴ بگویند.

تقریب مذاهب باید محدود به نخبه‌ها نباشد که نخبه‌ها بنشینند و حرف برادری بزنند؛ اما امت و عوام را بگذارند که یکدیگر خود را بکشند، ما باید تفکر وحدت و تقریب را به درون جامعه انتقال بدهیم؛ تا مردم احساس بکنند که ما همه مسلمان و برادریم، بلی از لحاظ مذهبی

۱. نگاه: الموطأ، شماره حدیث: ۲۶۱۸ و التمهید، از ابن عبدالبر، ۳۳۱/۲۴.

۲. این حدیث را به این عبارت امام ترمذی در سنن خود، در کتاب المناقب، چنین آورده است: ﴿عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ / فِي حَجَّتِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ وَهُوَ عَلَى نَاقَتِهِ الْقَصْوَاءِ يَخْطُبُ فَمَسَمَعْتُهُ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابُ اللَّهِ وَعِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي﴾ نگاه: صحیح ترمذی، شماره حدیث: ۴۱۵۵.

۳. بخشی از حدیث مبارک است که می‌فرماید: ﴿أَلَا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي بِلَدِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا أَلَا هَلْ بَلَغْتُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ ثَلَاثًا وَيْلَكُمْ، أَوْ وَيْحَكُمْ أَنْظِرُوا لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ﴾ نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۴۴۰۳.

۴. مبتدع؛ به معنای بدعت‌گذار، تعریف بدعت هم این است: ریشه زبانی بدعت؛ از حروف «ب، د، ع» برگرفته شده است که در زبان به معنای؛ چیزی نوپیدا، نو بیرون آمده بر مثالی و رسم و آیین نو، و در اصطلاح «طریقه فی الدین مختَرَعَة، تَضَاهِي الشَّرْعِيَّةِ يُقْصَدُ بِالسُّلُوكِ عَلَيْهَا الْمُتَابَعَةُ فِي التَّعَبُّدِ لِلَّهِ سُجَّانَهُ» (روشی است نوپیدا شده در دین، که به شریعت هم‌سانی دارد، منظور از انجام دادن آن، زیاده‌روی در عبادت الله است.) نگاه: الإعتصام، ص: ۳۷ و لغت‌نامه دهخدا.

اختلاف داریم؛ اما ما دشمن یکدیگر نیستیم.

پیام دیگری تقریب مذاهب این است که ما در یک صف واحد در برابر دشمن واحد قرار بگیریم و در برابر توطیه‌هایی که همه مسلمانان را هدف می‌گیرد، قرار بگیریم، آماج توطیه‌ها تنها سنی و یا شیعه نیست، آماج توطیه اسلام و هم مسلمانان است.

به این اساس ما هرگز اجازه م‌دهیم و بگویم که چه فرق می‌کند، اگر فعلاً سنی‌ها سرکوب می‌شوند، ما شیعه‌ها تماشا می‌کنیم، یا شیعه‌ها سرکوب می‌شوند ما سنی‌ها تماشا بکنیم؛ بلکه همه باید با یک مشت واحد بر فرق هر توطیه‌گری بکوبیم.

ما شاهدیم که در همین عصر ما، چه توطیه‌هایی در لبنان^۱ به میان آمد، بعد از پیروزی که در لبنان توسط حزب الله^۲ صورت گرفت و یقیناً که یک افتخار بزرگی برای جهان اسلام بود، نزدیک بود در آنجا هم فتنه‌ای ایجاد شود؛ اما دیدیم که با درایت زعمای سنی و شیعه لبنان، این اختلافات کنار گذاشته شد.

در عراق چه خون‌ریزی‌ها و کشمکش‌هایی میان سنی و شیعه به میان آمد، می‌خواستند مسجد را منفجر بکنند و به نام شیعه اعلان کنند، مزار ائمه را منفجر بسازند و به نام سنی اعلان بکنند، این فتنه‌ها یقیناً آثار بسیار بدی به میان آورد؛ اما بالاخره علما متوجه شدند و آن را حل کردند؛ اما در افغانستان، اگرچه دست‌های بوده و هست و در بعضی مراحل آن‌ها کامیاب هم شدند و منجر به یک سلسله خون‌ریزی‌های هم شد؛ اما در اثر اخلاص، درایت، صدق و صفای علما و سیاست‌مداران سنی و سیاست‌مداران و علمای شیعه، جلوی این فتنه‌ها گرفته شد و امروز ما در

۱. لبنان؛ در غرب آسیا موقعیت دارد، مساحت آن ۱۰۴۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰، ۴۱۲۵۰۰۰ نفر تخمین شده است، واحد پول آن لیره لبنان، زبان رسمی آن عربی و پایتخت آن شهر بیروت است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۹.

۲. حزب الله لبنان؛ سازمان سیاسی - نظامی در لبنان است، این حرکت در اوایل سال‌های ۱۹۸۰م، و با الهام از ایدئولوژی اسلام سیاسی خمینی در لبنان ظهور کرد، در زمان جنگ داخلی لبنان این گروه به کمک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، تعلیم نظامی داده شده و تحت حمایت مالی و سیاسی آن قرار گرفت، رهبر این گروه سیدحسن نصرالله است. نگاه: وبسایت فارسی شبکه خبری العالم.



افغانستان شاهد مجلس اخوت اسلامی‌ایم.

این مجلس اگرچه بسیار متواضع است، گاهی در یک مسجد اجلاس دایر می‌کند، گاهی در خانه‌ای و یا در دفتر محقری؛ اما از لحاظ عظمت اثرات مهمی داشته؛ به عنوان مثال: برای بار اول عید فطر را مسلمانان شیعه و سنی در مزار شریف، در پشت یک امام بجا آوردند، اکنون مجالس مشترکی در روزهای مانند عاشورا، از طرف علمای شیعه گرفته می‌شود، سنی‌ها هم عاشورا را برگزار می‌کردند و در یکی از این مجالس در مسجد عیدگاه،^۱ علمای شیعه را دعوت کردند، این حرکت یک تیوری نیست؛ بلکه من حیث یک پروژه عملی در تعاملات سنی‌ها و شیعه‌های افغانستان حضور دارد.

در تقریب مذاهب، باید سیاست‌مداران جهان اسلام - نیز - حضور داشته باشند؛ زیرا قسمی که آیت‌الله محسنی اشاره کرد؛ مگر کشورها نمی‌خواهند که وحدت ملی داشته باشند، متحد باشند؟ وحدت ملی وظیفه دولت‌ها و پیام احزاب سیاسی است.

پس وقتی که ما وحدت ملی می‌گوییم؛ لذا تقریب مذاهب عنصر اساسی در وحدت ملی است و هیچ عنصری در وحدت ملی قوی‌تر از دین نیست، در زمانی که ما می‌گوییم، ملت خود را واحد می‌سازیم، نمی‌توانیم به نام این قوم و آن قوم، به نام این مذهب و آن مذهب، ملت را متحد بسازیم.

چیزی که ما را متحد می‌سازد دین و اسلام است، در زمان جهاد ما شاهد این حقیقت بودیم، امروز کوچی‌ها^۲ در برابر مردم بهسود^۳ تحریک می‌شوند و این‌ها در برابر هم قرار می‌گیرند؛ اما دیروز همین کوچی‌ها به

۱. مسجد عیدگاه؛ میان باغ علی مردان و چمن حضوری در شهر کابل قرار دارد، این مسجد در سال ۱۳۱۱ هـ.ق، بنا نهاده شده و کار تعمیر آن در سال ۱۳۱۵ هـ.ق، پایان یافت.

۲. کوچی‌ها؛ گروهی از مردم افغانستان‌اند که به شیوه کوچ‌نشینی زندگی می‌کنند، کوچی‌ها اغلب از پشتون‌های غلجایی‌اند، طایفه‌های خروتی، احمدزی و اندر از مهم‌ترین طوایف پشتون‌های کوچی محسوب می‌شوند. نگاه: تاریخچه نژادها و اقوام در افغانستان، از دکتور عنایت الله شهرانی.

۳. گذشت.

برادران شیعه‌شان سلاح می‌بردند و برای‌شان کمک‌های دیگری - نیز - می‌کردند، کوچی‌های آن زمان می‌دانستند که این جهاد به‌خاطر اسلام است.

دین؛ مال مشترک ماست؛ لذا باید تقریب مذاهب یا اخوت اسلامی تنها منحصر به علما نباشد، اخوت اسلامی باید پیام دولت‌داران باشد و زمامداران جهان اسلام برای توحید و یک‌پارچگی جهان اسلام، باید در جهت نزدیکی مذاهب کار کنند، زمامداران باید بدانند دولتی که برای وحدت مسلمانان کار نمی‌کند، جایگاه و پایگاهی در میان مسلمانان ندارد.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ.^۱

۱. گذشت.

خطابه پنجاه و یکم

به مناسبت روز عاشورا، در مسجد محمدیه؛

مکان: کابل؛ مسجد محمدیه؛

زمان: ۱۷ / ۱۰ / ۱۳۸۷ هـ.ش.

الْحَمْدُ لِلَّهِ قَاسِمِ الْجَبَّارِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، الَّذِي بَلَغَ
الرِّسَالَةَ وَأَدَّى الْأَمَانَةَ وَنَصَحَ الْأُمَّةَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَعَلَى
آلِهِ وَصَحَابَتِهِ وَمَنْ دَعَى بِدَعْوَتِهِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ؛^۱

برادران و خواهران عزادارا!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

همه ماوشما امروز به یاد فاجعه‌بارترین حادثه‌ای گردهم آمدیم که
زلزله بزرگی را در جهان اسلام ایجاد کرد، از این حادثه بزرگ که یقیناً
باب جدیدی را به روی بیداری امت اسلامی گشود و درس جاویدانی‌ای
را برای همه نسل‌ها، در طول قرن‌ها، الی قیام قیامت داد، باید مسلمانان
چیزهای زیادی را بیاموزند، این چنین حادثه شهادت سَیِّدِ شَبَابِ
أَهْلِ الْجَنَّةِ^۲، نواده گرامی پیامبر / بخش‌های عمده دیگری را - نیز - در
زندگی هراسان و به‌خصوص مسلمانان دارد.

۱. ستایش برای خدایی است که درهم‌شکننده جباران است و درود بر پیامبری که پس از او
دیگر پیامبری نیست، پیامبری که رسالتش را رساند و امانت را ادا کرد، امت را سفارش کرد
و در راه الله آن‌گونه که می‌باید جهاد کرد، پس درود بر او در آن روزی که زاده شده و در آن
روزی که جهان را بدرود گفته و درود بر آل و یارانش و برآنانی که تا روز واپسین به دعوت او
فرا می‌خوانند و در راه او به جهاد می‌پردازند.

۲. اشاره به این حدیث رسول الله دارد: ﴿عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ > أَنَّ النَّبِيَّ / قَالَ: الْحَسَنُ
وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ﴾ نگاه: المعجم الکبیر للطبرانی، شماره حدیث: ۲۵۳۴.



بخش‌های عاطفی آن، خیلی‌ها مهم و بسیار با ارزش است، بلی یاد آن حادثه خونین و آن سفاکی‌هایی که در کربلای حسینی صورت گرفت، چشم هرانسان را پراشک و وجدان و قلبش را جریحه‌دار می‌سازد. روزی، در لحظات دردناک دیگری؛ یعنی زمانی که پیامبر گرامی / به لقاءالله پیوستند و اصحاب و یاران پیامبر جسدِ قُدسی را دفن کردند و چون یاران پیامبر / به خانه برگشتند، حضرت زهرا^۱ در حالی که برگونه‌های قُدسی‌اش اشکِ غم فرو می‌بارید، خطاب به مسلمانانی که جسد قُدسی پیامبر خود را دفن کرده بود، فرمود:

﴿أَطَابَتْ أَنْفُسُكُمْ أَنْ تَحْثُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ / التُّرَابَ﴾^۲

(آیا دل‌تان شد که به‌روی پیغمبر خاک بریزید.)

احساس پاکِ زهرا، چنین بود که آیا دل مسلمانانی می‌شود که به‌روی جسد قُدسی پیامبر / ، - حَتّی بعد از رحلتش هم - خاک بریزد؛ اما نمی‌دانست که انسان‌های سفاک و بی‌رحمی هم پیدا می‌شود که به‌روی نوادهٔ پیامبر شمشیر می‌کشند، انسان‌هایی که دل‌شان از آهن و پولاد سخت‌تر و هیچ عاطفه‌ای هم ندارند.

این بخش عاطفی که بخش بسیار عمده و مهمی است، چیزهایی را می‌رساند؛ اما از سوی دیگر می‌بینیم که قاتلانِ حضرت حسین > چه خصوصّیاتی داشتند؟

تاریخ می‌نویسد: این‌ها از چند طبقه مردم تشکیل می‌شدند، یکی هم، زمامداران فاسد و بی‌رحمی که در رأس قدرت قرار داشت؛ یعنی یزید^۳ و اساساً فسادهای بزرگ در جوامع از زعامت‌های فاسدی که قدرت سیاسی

۱. برای معلومات بیشتر در مورد زندگی و شخصیتِ حضرت فاطمه U نگاه شود به: فاطمه زهرا از خود دفاع می‌کند، از ابوب گنجی.

۲. نگاه: صحیح البخاری، شمارهٔ حدیث: ۴۴۶۲ و برای آگاهی بیشتر در مورد صحنه‌های جانکاهِ رحلت رسول اکرم / به کتاب «خلفای راشدین از خلافت تا شهادت» از دکتر صلاح عبدالفتاح الخالدی، مراجعه فرمایید.

۳. یزید پسر حضرت معاویه > ؛ در ۲۵ یا ۲۶ هـ.ق، به دنیا آمد، بعد از وفات حضرت معاویه > در سال ۶۰ هـ.ق، به مسند خلافت تکیه زد، واقعهٔ کربلا و شهادت حضرت امام حسین > با هفتاد و دوتن از یارانش در زمان وی به‌صورت بسیار فجیع و بی‌رحمانه صورت گرفت، یزید در ۶۴ هـ.ق، درگذشت. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، ص: ۳۱۵.

را به دست دارند، شروع می شود، آن گونه که اگر اصلاحات بزرگی هم صورت می گیرد، اصلاحات هم به دست مصلحین بزرگ و زعامت های سیاسی ای که در قدرت هستند، صورت می گیرد؛ یعنی آنان اند که اصلاحات را ایجاد می کنند.

بلی قیام ها را ملت ها به راه می اندازند؛ اما اصلاحات توسط زعامت های سیاسی به میان می آید، مقوله ای است از حضرت عثمان^۱ خلیفه سوم > که می گوید:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَيَزَعُ بِالْسلْطَانِ مَا لَا يَزَعُ بِالْقُرْآنِ﴾^۲

(خداوند با قدرت و با نظام سیاسی صالح و درست، مانع کارهایی می شود که با قرآن نمی شود مانع آن شد.)

یعنی هر قدر از فراز منبر برای مردم تبلیغ شود؛ تا قدرت اجرایی دست به کار نشود، کم تر قوانین پیاده می شود، اصلاً در عقب قانون دستگاه اجرایی صادق و صالح نبوده باشد، قانون و دستگاه قضایی به ذات خود به نوشته های هرزه ای می ماند؛ یعنی فیصله ها و حکم محاکم، ورق پارچه های بی اهمیتی است که تنها در میان انسان ها دست به دست می شود و زمانی قانون و فیصله های قضایی اهمیت پیدا می کند که قدرت های اجرایی مصمّمی در پشت سرشان بوده باشد.

سخن ما که از قیام امام حسین > است، می بینیم که در دورانی که حضرت حسین > و اهل بیت پیغمبر / شهید می شوند، در رأس امور زعامت فاسد سیاسی قرار دارد و در میان مردم هم تعدادی از فقها یا -

۱. عثمان پسر عفان > ؛ در سال ششم عام الفیل؛ یعنی شش سال بعد از تولد رسول الله / به دنیا آمد، عثمان > پنجمین نفری بود که اسلام آورد، عثمان > مردی بود که جان و مالش را فدای رسول الله / کرد، اخلاق او، الگوی خوبی برای مسلمانان بود، مهربان و باحیا بود، یکی از افتخارات دیگر عثمان این است که با دو دختر رسول الله ازدواج کرد؛ یعنی بعد از وفات یکی با دیگری ازدواج کرد، به این سبب ذی النورین گفته می شود؛ جغرافیای اسلام در دوران خلافت حضرت عثمان توسعه پیدا کرد که می توان از: طبرستان، افغانستان، گرجستان، آذربایجان، قبرس، بخشی از آفریقا، کرمان، شیراز، بلوچستان و.. بود، عثمان > بعد از ۱۲ سال خلافت در ۱۸ ذی الحجة ۳۵ هـ، به عمر ۸۱ سالگی به شهادت رسید. نگاه: تاریخ الخلفاء، ص: ۱۵۰، طبقات ابن سعد، ج: ۳، ص: ۵۵ و سیره ابن هشام، ج: ۳، ص: ۳۳۰.

۲. گذشت.



به اصطلاح - نیم‌چه ملاح‌های متحجر هستند که این‌ها همیشه در جوامع اسلامی مصدر مصیبت‌ها بودند، این‌ها کسانی‌اند که پس از شهادت حسین > در میان خود بحث می‌کردند که آیا خونِ مگس جامه را طوری پلید می‌سازد که بدون غسل آن، نماز در آن جواز دارد، یا نه؟ کسی از آن‌ها می‌پرسد: ای انسان‌های جاهل! وقتی خون حسین را ریختید، در مورد آن نپرسیدید، اکنون از خون مگسی پرسیان می‌کنید؟!^۱ چنین انسان‌های متحجری که اصلاً دین را طوری که هست نمی‌فهمند؛ به مسایل کم‌اهمیت ظاهری بسیار متمسک‌اند. در کنار اینکه عامل بدبختی در کشورهای مسلمان، زعامت‌های فاسد سیاسی و انسان‌های متحجری‌اند که دعوی اسلام و دیانت می‌کنند، گروه‌های مزدور و اجیری که به‌خاطر به‌دست آوردن پول و امکانات و سهم‌گیری در قدرت و نظام‌های فاسد سیاسی، هزاران جنایت را مرتکب می‌شوند، نیز عامل بدبختی‌اند، این سه عامل باعث فاجعه بزرگی در جهان اسلام شده‌است.

در آنجا اگر انسان‌ها و فقهای مؤمن و روشندلی مثل: امام ابوحنیفه G^۲ و مانند امام احمد بن حنبل G^۳ - که حتی به روایتی نفرین گفتن، بر یزید را ضروری و واجب می‌دانست^۴ - می‌بود، این فاجعه به‌میان نمی‌آمد، هرچند شاید در گوشه‌هایی فقها و علمای زیادی بودند؛ اما در زمانی که این تصمیم فاسد، گرفته می‌شد، در کوفه^۵ چنین علمایی

۱. مطلب فوق؛ مفهوم این حدیث مبارک است که می‌فرماید: ﴿أَخْبَرَنَا أَبُو عَرُوبَةَ بَحْرَانُ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي يَعْقُوبَ، قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ أَبِي نُعْمٍ، قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عُمَرَ، وَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ شَيْءٍ، قَالَ شُعْبَةُ: سَأَلَهُ عَنِ الْمُحْرَمِ يَقْتُلُ الذَّبَابَ؟ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ: يَسْأَلُونِي عَنْ قَتْلِ الذَّبَابِ وَقَدْ قَتَلُوا ابْنَ بَنْتِ رَسُولِ اللَّهِ / وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ / : هُمَا رِيحَانَتَايَا مِنَ الذَّبَابِ / نَگاه: صحیح ابن حبان، شماره حدیث: ۶۹۶۹.

۲. گذشت.

۳. گذشت.

۴. برای تفصیل این مطلب به این اثر نگاه کن: الرد علی المتعصب العنید المانع من ذم یزید، از امام ابن الجوزی.

۵. کوفه؛ شهری است که در عراق موقعیت دارد، این شهر در ۱۷۰ کیلومتری جنوب بغداد و در استان نجف واقع شده‌است، این شهر در زمان حضرت علی > به‌عنوان مرکز خلافت ایشان انتخاب شده بود، از همین جهت در نزد مسلمانان قابل اهمیت است. نگاه: کوفه از پیدایش

نبودند.

اگر زعامت فاسد سیاسی این چنین نمی بود، چنین تصمیمی ناروایی گرفته نمی شد و اگر انسان های مزدور و اجیری نمی بودند، به خاطری که سرلشکری یا «گورنری»^۱ و یا هم وظیفه دیگری که یزید در اختیارشان گذاشته و می گذاشت، دین و دنیای خود، خلاصه همه چیز خود را نمی فروختند - چون اگر به ظاهر چیزی را به دست آوردند؛ اَمّا نفرین خدا و خلق را برای همیشه نصیب شان شد - چنین رویدادی به وقوع نمی پوست.

به همه حال؛ به ارتباط حادثه دردناک و المناک فاجعه کربلا، چند موضوع را باید از نظر دور نداشته باشیم:

اول؛ قیام حضرت حسین > قیامی بود در مسیر قیام انبیا P و باید برای نجات جوامع این قیام ها صورت بگیرد؛ چون تا زمانی که چنین قیام هایی صورت نگیرد، ملت ها در مصیبت ها و در فجایع غرق می شوند؛

دوم؛ چنان که گفتم، انسان ها باید قیام بکنند و قیام هم معمولاً توسط ملت ها شروع می شود؛ ولی باید توسط زعامت های دل سوز، ملی و دینی که در میان ملت ها هستند شروع و رهبری شود.

پس حضرت امام حسین > در آن لحظاتی احساس می کند که منکرات تا سطح بالایی در نظام پیش رفته و در میان جامعه دارد مفسد رشد می کند، اینجاست که او هرگز آماده نیست که تماشا بین بوده باشد و این درس را هم برای رهبران مسلمان می دهد که اگر شما در جوامع تان در برابر باطل خاموش می باشید، مطابق به فرموده پیغمبر / ، شیطان گنگ اید، بلی؛

﴿مَنْ سَكَتَ عَنِ الْحَقِّ فَهُوَ شَيْطَانٌ أَخْرَسٌ﴾^۲

(کسانی که از گفتن حق لب می بندند، شیطان های گنگ اند.)

تا عاشورا، ج: ۱.

۱. Governor؛ والی یا استاندار.

۲. نگاه: شرح النووی علی مسلم، شماره حدیث: ۶۷.



لذا حضرت حسین > می‌دانست که باید قیام بکند و به همان اساس فرمودند:

«من قیام نکردم؛ مگر به‌خاطر اینکه اصلاحی در میان امتِ جَدَم به‌میان بیاورم.»^۱ یعنی قیام من یک قیام اصلاحی است و به‌خاطر جاه و منصب نیست.

این در حالی است که هم از لحاظ شریعت و هم از لحاظ منطق انسانی و حق انسانی، انسان‌هایی که حق رهبری و حق زعامت را دارند، نباید که حق خود را نادیده بگیرند؛ زیرا آن حق، تنها حق خود افراد نیست؛ بلکه حق ملت‌هاست؛ لذا باید آن‌ها جامعه را رهبری بکنند و دست‌به‌کار شوند؛ اما به همه‌حال، حضرت حسین > به‌خاطر گرفتن زعامت نیامده بود؛ بلکه به‌خاطر اصلاح زعامت آمده بود.

حجاج بن یوسف؛^۲ که خود یک انسان ستمگر بود؛ اما گاهی می‌شود که یگان گپ حق از زبان انسان‌هایی که برحق نیستند هم شنیده شود، او روزی جمعی از اهل عراق همان زمان را مخاطب قرار داده و گفت:

﴿..یا أهل العراق، یامعدن الشقاق والنفاق.. إنی لأری رؤوساً قد أینعت وحن قظافها، وإنی لصاحبها..﴾^۳

یعنی ای عراقی‌ها، ای معدن شقاق و نفاق، یقیناً من سرهایی را می‌بینم که مثل میوه‌ها پخته شده و وقتی آن‌ها فرا رسیده که من این سرها را از بدن‌شان جدا بسازم.

پس این سخن به این معناست که در این میان، مردم‌های منحرفی رشد کرده بودند و حضرت امام حسین > متوجه شد که نباید مسلمان‌ها را بی‌رهبری بگذارد؛ لذا حضرت امام به‌خاطر امر بالمعروف و نهی عن المنکر قیام کرد؛ زیرا او از قرآن آموخته بود که خداوند^۱ می‌فرماید:

۱. نگاه: بحار الأنوار، ۹۴ / ۳۲۸.

۲. حجاج بن یوسف؛ در ۴۱ هـ، به دنیا آمد و در ۹۵ هـ، به اثر مرض سرطان معده در گذشت، بعد از قتلِ زبیر از سال ۷۳ تا ۷۵ هـ، فرماندار حجاز بود. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، ص: ۳۳۷.

۳. برش‌هایی از خطبه حجاج پس از تولی اوست. نگاه: موقع‌المهندس محمد‌النوايسه.

﴿لَعْنُ الدِّينِ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١﴾

طبیعی است که حضرت امام می دانست که قرآن می فرماید: خداوند به زبان داود و عیسی بن مریم، بنی اسرائیل را به خطاری که امر بالمعروف و نهی عن المنکر نمی کردند، ملعون خوانده است؛ لذا حضرت امام به خاطر امر بالمعروف و نهی عن المنکر قیام کردند.

قیام ها در مجموع تلفاتی دارند؛ و به خصوص قیام های بزرگ بدون تلفات نمی شود، گواه انسان های صادق و قیام هایی که صادقانه شروع شده این است که قیام کنندگان تا کدام مرحله در سنگر دفاع از رسالت و پیام خود ایستاده اند، آیا معامله می کنند یا خیر؟!

اما امام حسین > می دانست که بعد از این قیام، نباید خواست یزید را -که بیعت با اوست و فشار اساسی هم بالایش از همین خاطر بود- بپذیرد.

لذا حضرت امام به یزید می گفت: به من اجازه دهید که به سرزمین های دور از مکه و مدینه^۲ بروم؛ اما این به معنای این نیست که به زعامت تسلیم می شوم، نه هرگز به تو بیعت نمی کنم و فرمودند: ﴿هَیْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ﴾^۳

(من چطور ذلت را قبول بکنم، به این زعامت فاسد تسلیم شوم).
لذا قیام حضرت حسین > درسی است برای همه ما و شما، درسی است برای مسلمانان که در زندگی خود چه نوع حرکتی را برای اصلاح جامعه بکنند و کار خود را در چه وقت شروع بکنند؟
در وقتی که می بینند زعامت های سیاسی فاسد می شود و می بینند

۱. مایده ۷۸ - ۷۹. (از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند، این [کیفر] به خاطر آن بود که عصبان ورزیده و [از فرمان الله] تجاوز می کردند، [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می شدند، یکدیگر را باز نمی داشتند، راستی چه بد بود آنچه می کردند).

۲. گذشت.

۳. (تن به خواری و زبونی دادن، از ما به دور است). نگاه: احتجاج از طبرسی، ۲ / ۹۹.





که فرهنگ‌های منحرف دارد در میان جامعه ریشه می‌دواند و یک‌عده انسان‌های متحجر و کسانی هستند که اسلام و ارزش‌های اسلامی را غلط معرفی می‌کنند، اینجاست که نباید خاموش باشیم.

این هم که پیداست، خون‌دادن‌ها در میان ملت‌ها تاریخ می‌آفریند و عظمت‌ها را ایجاد می‌کند، ملت‌هایی که فرزندان خود را قربانی می‌دهند، تاریخ می‌سازند و ملت‌های خود را زنده می‌دارند.

اگرچه فلسطینیان فراوان مظلومانه شهید شدند و در کربلای نوار غزه روزی نیست که ده‌ها کودک و زن و جوان شهید نشود؛ اما این‌ها دوباره دارند فلسطین را نجات می‌دهند، این قربانی‌ها روزنه‌امیدی است که جهان اسلام را بیدار ساخته و می‌سازد.

بلی؛ قیام امام حسین > درس بیدارگری الی قیام قیامت خواهد بود، امروز رهروان امام حسین در نوار غزه را می‌بینیم که تا آخرین لحظه حیات‌شان دست از قیام نبرداشتند و این‌چنین به مادران و خواهران زینب 8 می‌بینیم که وقتی برای‌شان گفته می‌شود، کودکان و برادران‌تان را یهود ظالمانه کشته‌است، در پاسخ می‌گویند:

﴿..حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾^۱

یعنی با این همه تسلیم نمی‌شوند، شما می‌بینید که دیگران از غزه‌ای که در خون غرق است، فرار می‌کنند؛ اما جوانان و مادران فلسطینی لحظه‌ای که معبر رفح^۲ باز می‌شود، می‌خواهند که فوج‌فوج به داخل غزه

۱. بخشی از آیه ۱۷۳ سوره مبارکه آل‌عمران است که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند، پس از آن بترسید [ولی این سخن] بر ایمان‌شان افزود و گفتند: الله ما را بس است و نیکو حمایت‌گری است).

۲. گذرگاه رفح؛ نام یکی از شهرهای نوار غزه‌است که این معبر دسترسی جنوبی نوار غزه تقاطع رفح در نقطه مرزی با مصر که هم‌چنین به‌عنوان خط فیلادلفیا - نیز - شناخته می‌شود، می‌باشد، در رفح تونل‌های زیرزمینی وجود دارند که توسط ساکنان برای رفت‌وآمد به مصر حفر شده‌اند، از این تونل‌ها بیشتر برای تهیه وسایل بنیادی زندگی استفاده می‌شود، این گذرگاه به مرز میان شهر رفح در غزه و شهر رفح (مصر) گفته می‌شود، دولت مصر گذرگاه رفح را در سال ۲۰۰۷م، زمانی که حماس کنترل غزه را به‌دست گرفت بست، طبق احصایه سال ۲۰۰۶م، جمعیت این گذرگاه ۷۱۰۰۳ نفر تخمین شده‌است. نگاه: وبسایت مشرق نیوز و وبسایت فارسی بی بی سی.

بیایند، این‌ها همه بیانگر این حقیقت است که قیام‌هایی که منجر به دادن شهادت‌ها می‌شود، باعث این می‌شود که ملت‌ها دوباره به خود بیایند و وارد مرحله جدیدی از عزت و عظمت شوند.

در جایی که قیام و جهاد نباشد، آنجا مسلمان‌ها ذلیل می‌شوند، حدیثی است از پیغمبر / که همین مفهوم را می‌دهد:

﴿مَا تَرَكَ قَوْمٌ الْجِهَادَ إِلَّا عَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ﴾^۱

(هیچ قومی نیست که جهاد را ترک کرده باشند؛ مگر اینکه ذلیل شوند و عذاب الهی آنان را فرا می‌گیرد.)

در افغانستان عزیز؛ ملت ما هم، با فراگرفتن از قیام حسینی در برابر انگلیس‌ها و در برابر اتحاد شوروی، مردانه قیام کردند، هرچند شهدای بی‌شماری دادیم؛ اما تاریخ بزرگی را هم ایجاد کردیم، برای اولین بار بریتانیای بزرگ که آفتاب در امپراتوری‌اش غروب نمی‌کرد، طعم شکست را توسط جهادگران مؤمن در سرزمین ما چشید.

اتحاد شوروی؛ بزرگ‌ترین و هولناک‌ترین قدرت نظامی و سیاسی متوقفی که همه از او می‌ترسیدند، قدرت‌های قدرت‌مند غربی نه تنها از او در هراس بودند که شب‌ها از بیم او خواب‌شان نمی‌برد، این قدرت قلدر به دست ملت مظلوم، به برکت جهاد و قیام‌شان شکست خورد و از بین رفت؛ اما سوال اصلی این است که بعد از این پیروزی‌های بزرگ، ما در چه مرحله‌ای قرار داریم؟

شکی نیست؛ مثلی که در جسد امت اسلامی با به میان آمدن زعامت یزید، یک سلسله مصیبت‌ها و بدبختی‌های به میان آمد، بعد از پیروزی هم حتی در میان ما کسانی که منسوب به جهاد و به سنگرهای جهاد و مقاومت بودیم، کم‌کم یک نوع سستی، رخاوت و یک نوع تجمل‌پسندی و رفاه‌گرایی - نیز - حاکم شده است و این خود زنگ خطری است که باید سخت متوجه آن بوده باشیم؛ زیرا سنت قرآنی است که خداوند^۱ می‌فرماید:

۱. نگاه: السلسلة الصحيحة، از الألبانی، ج: ۶، ص: ۳۵۲، شماره حدیث: ۲۶۶۳ و أخرجه الطبرانی فی الأوسط، ج: ۲، ص: ۲۲۸، شماره حدیث: ۳۸۳۹.





﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا﴾^۱

خداوند در اینجا می‌گوید که سنت و قانون من و طبیعت در حیات ملت‌ها این است که چون ملت‌ها به اسراف و به رفاه بی‌حد مشغول شوند و از محرومیت محرومان در یک حالت بی‌غم‌باشی قرار بگیرند و در برابر آنان بی‌تفاوت بمانند و تنها به تجمل مادی مصروف باشند، اینجاست که غضب خداوند^۱ بالای ملت‌ها نازل می‌شود و این ملت‌ها نابود می‌شوند و از بین می‌روند.

قیام حسینی برای ما درس برگشت به خود را می‌دهد، باری به خود ببینید که چه بودیم و چه هستیم؟

و از خود پرسیم که برای ما چه دست داد که دارد در میان ما مشکلات عمیق می‌شود و ما باید در این اجتماعات که یقیناً برای ما منبرِ پند و دعوت و رهبری و هدایت است، این پرسش‌ها را از خود داشته باشیم و باید برای اصلاح خود، به‌خود بیاییم و متوجه شویم.

چون اوضاع کنونی به هیچ صورتی قابل قبول نیست، به‌خصوص اوضاع سیاسی ما قابل قبول نیست، اگر این وضع دوام بکند، یقیناً که مصیبت‌ها بیشتر و بیشتر می‌شود و می‌ترسم که عذاب خداوند برای ما نازل نشود، هرچند این زلزله‌ها و تکان‌ها شاید از لحاظ طبیعی، عوامل طبیعی‌ای را در خود داشته باشد؛ اما در پشت این عوامل طبیعی، دست قدرتی است که این عوامل را به حرکت در می‌آورد.

به این اساس؛ گاه‌گاه هنگامی که تکان‌ها را می‌بینم، به‌خود می‌گویم نشود که یک‌نوع پیغام و اخطار الهی بوده باشد، برای ملت افغانستان که ای ملت افغانستان، متوجه شوید و در فساد غرق نشوید.

می‌دانیم کسانی هستند که می‌خواهند فرهنگ، هویت و ارزش‌های دینی، ملی، تاریخی و فرهنگی این ملت را از بین ببرد و در نتیجه این

۱. الاسراء/ ۱۶ (و چون بخواهم شهری را نابود بسازیم، به خوش گذرانانش دستور می‌دهیم [در نتیجه آنان از فرمان ما سر باز می‌زنند و] در آن‌جا دست به تباهی می‌زنند و در نتیجه عذاب بر آن شهر لازم گردد، پس آن را یک‌سره زیرورو کنیم)

ملت را یک ملت منحرف، مزدور و وابسته بسازد، زمانی که ما - خدای ناخواسته - تسلیم فرهنگ‌های منحرفی که از بیرون به کشور ما سرازیر می‌شود، شویم، باز - خدای ناخواسته - این اجتمعات عاشورایی را ما نخواهد داشتیم، پیوندان - خدای ناخواسته - با حسین > و با ارزش‌های دینی‌مان قطع می‌شود که یقیناً نسل مؤمن، غیرتمند، بااحساس، بااراده و جوان‌مان، هرگز به این امر اجازه نمی‌دهند.

البته در میان زعامت‌های سیاسی جهاد، هستند کسانی که به پیمانی که با خدا و با یاران هم‌سنگر و یاران شهید خود بسته بودند، استوارند و در برابر تمام توطیه‌ها مبارزه می‌کنند، سنگر را نگذاشتند و تسلیم هم نشدند، در مقابل دین و در مقابل ملت خود معامله نکردند و نمی‌کنند، پیوسته تلاش می‌کنند و شب‌وروز مبارزه می‌کنند؛ تا تحول مثبتی در حیات سیاسی و ملی کشور به میان بیاید و از خطری که در انتظار ماست، خود را باید بیرون بیاوریم و اگر چنین نشود، یقیناً همه ما - خدای ناخواسته - در یک پرتگاه سقوط ابدی و شرمندگی تاریخی قرار می‌گیریم که خداوند همه ما را از آن نجات بدهد و نگاه بکند و من یقین دارم که هستند کسانی که این اعلام خطری را که خداوند ' کرده می‌دانند؛

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ...﴾^۱

بسی؛ تعداد زیادی از مجاهدان و رهبران جهادی ما، علمای برحق دینی و پیشوایان مذهبی ما این را می‌دانند که خدا اخطار کرده که ای مردم و ای مسلمانان!

۱. بخشی از آیه ۵۴ سوره مبارکه مایده است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده‌اید هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی الله گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان - نیز - او را دوست دارند، [اینان] با مؤمنان فروتن [و] برکافران سرفرازند، در راه الله جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند، این فضل الله است، آن را به هر که بخواهد می‌دهد و الله گشایشگر داناست).



﴿مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ﴾

هرگاه کسانی از شما از راه و رسم و آیین و دین خود بر می گردند، متوجه باشند که خدا به آنان احتیاجی ندارد.

﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ﴾

و اگر کسی هم ﴿يَرْتَدَّ﴾ منحرف شود، به زودی خدا قوم و ملت دیگری را به راه اسلام هدایت می کند.

﴿فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ﴾

یعنی عناصر مؤمن و فداکار دیگری را خدا ایجاد می کند که آن‌ها در راه خدا جهاد و مبارزه می کنند و از ملامتی ملامت کنندگان نمی ترسند و در برابر توطیه‌ها تسلیم نمی شوند.

این فضل و احسان خداست که به هر که خواست می دهد.

ما یقین داریم که همه متوجه این حقیقتیم و در این لحظاتی که این خاطره بزرگ و جاویدانی تاریخ را؛ یعنی قیام بیدارگر حسینی، نهضت بزرگ حضرت سیدالشهدا را به یاد می آوریم، فراموش نمی کنیم که برادرانِ مظلوم‌مان هم در نوار غزه، با کربلای خونین دیگری روبه‌رویند؛ اما با همان پایمردی حسینی مبارزه و جهاد می کنند، نباید آن‌ها را تنها گذاشت و نباید فراموش‌شان کرد و هر چه در توان داریم، نباید از حمایت‌شان دریغ کنیم.

از این بیشتر وقت دوستان را نمی گیرم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،^۱ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

خطابه پنجاه و دوم

به مناسبت روز عاشورا؛ در مسجد عیدگاه؛

مکان: مسجد عیدگاه، کابل افغانستان؛

زمان: ۱۸ / ۱۰ / ۱۳۸۷ هـ.ش.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ؛

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى حَبِيبِنَا وَسَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَى آلِهِ
وَصَحْبِهِ وَمَنْ وَالَاهُ^۱!

برادران بسیار عزیز!

نخست به دلایل اینکه من نتوانستم برسر وقت برسم، امیدوارم که
تأخیر رسیدن و معذرت مرا دوست‌ها بپذیرند.

برادران عزیز!

امسال کربلای^۲ حضرت حسین^۳ و ایام پرافتخار قیام حضرت

۱. به نام خداوند بخشنده و مهربان، ستایش خداوند بزرگ راست، درود و سلام بر حبیب و
سید ما، محمد رسول الله و به خانواده و یارانش.

۲. کربلا؛ در ۱۰۵ کیلومتری جنوب غربی بغداد و در کنار صحرای غرب فُرات قرار دارد، از
شمال به ولایت انبار، از جنوب به نَجَف و از شرق به حَلَه و بخشی از بغداد و از غرب به
وادی شام و عربستان سعودی محدود می‌شود، مرکز آن شهر کربلاست که این شهر در جنوب
عراق قرار دارد، شهرت این شهر با بُرد کربلا در دهم محرم ۶۱ هـ.ق، و شهادت حضرت
امام حسین > با جمعی از یاران و خانواده‌اش پیوند دارد، این شهر تا سال ۶۱ هـ.ق، بیابانی
بوده‌است به نام‌های نَبَسوا، غاضریه و طف؛ اما بعد از رویداد دهم محرم و شهادت حضرت
امام حسین > و هفتاد و دو تن از یارانش، به نام کربلا شهرت پیدا کرد. نگاه: وبسایت بیانات.

۳. حسین بن علی بن ابی طالب؛ فرزند دخت رسول الله / است که پس از برادر بزرگ‌ترش
حسن بن علی V در ماه شعبان سال ۴ هـ.ق، متولد شد و به تاریخ ۱۰ محرم ۶۱ هـ.ق، در
کربلا به شهادت رسید، وی در دوران کودکی رسول الله / را درک کرد و در هنگام وفات



حسین > را در شرایطی ما برگزار می‌کنیم که کربلای دیگری در جهان اسلام به‌دست سفاکان بی‌رحم و ستمگران آدم‌کش صهیونیست‌ها در نوار غزه جریان دارد، آن‌چنان که در کربلای حسینی کودکان به‌دست افراد بی‌رحم یزید^۱ ذبح می‌شدند، در کربلای فلسطین^۲ هم صدها کودک به‌دست جلاّدان صهیونیست از زمین و هوا، با تانک و خم‌پاره مورد تهاجم قرار گرفته، جسدهای پاره‌پاره و تکه‌تکه آنان و مادران‌شان، هرروز از طریق رسانه‌ها به‌اطلاع همگان در جهان می‌رسد؛ اما اینکه چه عکس‌العمل‌هایی در جهان ماست؟

همه شاهد آنیم؛ لذا می‌خواهم با توجّه به عکس‌العمل‌هایی که امروز از طرف ملّت‌های مسلمان در سراسر جهان به راه افتاده و با توجّه به بی‌تفاوتی نظام‌های سیاسی و زمامداران اکثر کشورهای مسلمان، درسی را که امام حسین > به مسلمانان آموخت، مورد بررسی قرار بدهم.

حضرت امام حسین > به این مطلب خوب آگاه بود که برای نجات مسلمانان، تنها قیام در برابر استعمار^۳ و تجاوز خارجی یک وجیهه

رسول الله / هنوز کودک بود، پس از رسول الله / خلیفه بزرگوارش ابوبکر صدیق > وی را گرامی می‌داشت و پس از او عمر بن خطاب و عثمان بن عفان V - نیز- او و دیگر بزرگواران اهل بیت را بسیار گرامی می‌داشتند. نگاه: داستان شهادت حسین بن علی > و سخنی در باره ماه محرم.

۱. شناسه یزید گذشت.

۲. فلسطین؛ بخشی از بلاد شام است که در ساحل شرقی دریای مدیترانه و در تقاطع سه قاره بزرگ آسیا، اروپا و افریقا موقعیت دارد، مساحت آن ۲۷۰۲۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۰۹م، ۳۹۳۵۲۴۹ نفر تخمین شده‌است، زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن شهر رام الله است، بیت المقدس؛ یعنی نخستین قبله مسلمانان و اسراگاه رسول اکرم / نیز در آن موقعیت دارد، است. نگاه: لغت‌نامه دهخدا و وبسایت مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین.

۳. استعمار یا استعمارگری؛ در لغت به معنای آبادانی خواستن است؛ اما معنای دیگری آن، که امروزه به‌کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا فرهنگی ملت قدرتمند بر یک قوم یا ملت ضعیف است، مفهوم استعمار امروز با مفهوم امپریالیزم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود و ناگفته نماند که قرآن کریم دو خاصیت را برای آن برمی‌شمارد. ۱- ﴿إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا﴾ (هنگامی که وارد منطقه آبادی می‌شوند، آن را به تباهی و ویرانی می‌کشاند). ۲- ﴿وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا أَذَلَّةً﴾ (و عزیزان اهل آنجا را خوار و پست می‌گردانند). اما تاریخ مفهوم جدید آن، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود، درکل، تاریخ استعمار را از دوره باستان تاکنون می‌توان به چهار دوره بخش کرد: ۱- دوره باستان؛ ۲- دوره استعمار جهانی؛ ۳- قرن‌های نوزدهم و بیستم؛ ۴- دوره استعمار نو. نگاه:

نیست؛ بلکه قیام در برابر استبداد داخلی هم وجیهه عمده مسلمانان است. شکی نیست که مسلمانان همیشه از دو طرف مورد تهاجم قرار می‌گیرند، یا توسط طاغوتان و قُلدران خارجی مورد حمله و تجاوز قرار می‌گیرند، یا توسط جَبّاران و مستبدانی که در داخل بالای مسلمانان حکمرایی می‌کنند، مورد تجاوز قرار می‌گیرند؛ لذا بر مسلمانان است که در برابر هردو بی‌تفاوت باقی نمانند و امروز هم ما به چشم‌سر می‌بینیم که چه کسانی در برابر تجاوز خارجی‌ها به‌پا می‌ایستند؟

و در گذشته هم دیدیم که حکومت‌ها با تجاوزگران یکجا وارد کشور شدند، زمامداران وقت، از تانک‌های اتحاد شوروی زمان، استقبال کردند و آن‌ها را گل‌پاشی می‌کردند؛ اما این مردم و ملت بودند که به‌پا خاستند و سرانجام پیروزی بزرگ نصیب ملت مسلمان افغانستان شد.

امام حسین > ؛ این درس را به مسلمانان آموزاند که قیام واقعی و دفاع صادقانه تنها توسط قیام‌های ملی و جریان‌های مردمی و حرکت امت اسلامی صورت می‌گیرد و می‌تواند قدرت‌های استعمارگر را سرکوب بسازد و یا جَبّارانِ مستبدِ داخلی را به‌جای خود بنشانند.

و برای اینکه این درسِ جاویدانی را ما آموخته باشیم، حضرت امام حسین > شخصاً خودشان وارد معرکه شدند، هرچند اگر تعادلِ قدرت موضوع بحث می‌بود، هرگز حضرت امام حسین > قیام نمی‌کرد و اگر تعادلِ قدرت مورد نظر بوده باشد، در دنیا هیچ قیامی به‌میان آمده نمی‌تواند و در برابر هیچ قدرتِ سرکوبگر و استعمارگر داخلی و خارجی مقابله صورت نمی‌گیرد، مسئله تعادلِ قدرت اگر بوده باشد به فلسطینی‌ها ببینید، یک‌مشت مردم بیچاره و مظلومی که سه سال تقریباً در محاصره‌های سیاسی و اقتصادی و به‌خصوص شش ماه اخیر کاملاً در محاصره اقتصادی، سیاسی به‌گونه‌ای قرار دارند که نه دوا دارند، نه آب آشامیدنی و نه مواد خوردنی، نه شفاخانه و نه هم برق؛ یعنی هیچ چیز در اختیارشان نیست؛ اما شما می‌بینید که امروز، روز یازدهم است که در





برابر پنجمین قدرت نظامی جهان مُقاوَمَت می‌کنند، این در حالی است که ما در ۱۹۶۷م، شاهد بودیم که تمام قدرت‌های نظامی کشورهای عربی، در ظرف چند ساعت، در برابر اسرائیل^۱ به کُلی از پا درآمدند، مناطق مختلفی از چندین کشور، مصر^۲ و سوریه^۳ و قسمت‌هایی از لبنان^۴ و اردن^۵ اشغال شد؛ اما ما می‌بینیم که فعلاً تعداد معدودی از انسان‌های گرسنه و پابرهنه، اعم از کودکان، علمای دینی و چند جوانِ باایمان، در

۱. اسرائیل؛ به آن بخشی از خاک اشغال‌شده سرزمین فلسطین گفته می‌شود که توسط رژیم غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸م، اشغال شد که در آن حدود ۸۰۵۱۰۰۰ نفر زندگی می‌کند و مساحت آن ۲۰۷۰۰ کیلومتر مربع است و زبان رسمی آن عبری و عربی است. نگاه: خطر اليهودية العالمية على الإسلام والمسيحية، از عبدالله التل.

۲. مصر؛ کشوری است که در شمال شرق قاره آفریقا موقعیت دارد، مصر یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای آفریقایی و خاورمیانه است، آثار باستانی متعدد موجود در این کشور که مهم‌ترین آن‌ها اهرام سه گانه است، گردشگران زیادی را جذب این کشور می‌کند، مصر در سال ۱۹۵۲م، با کودتای بدون خون‌ریزی افسران آزاد ارتش، علیه «ملک فاروق» صاحب حکومت جمهوری شد؛ اما دیری نگذشت که «جمال ناصر» علیه نخستین رئیس‌جمهور مصر «محمدنجیب» کودتا کرد و او را به زندان انداخت و خود را رئیس‌جمهور مصر اعلام کرد و پس از او «سادات» و پس از ترور سادات «مبارک» به قدرت رسید؛ اما انقلاب سال ۲۰۱۱م، مصر به حکومت سی ساله حسنی مبارک در این کشور پایان داد و قانون اساسی جدیدی در این کشور تدوین شد و در پی انتخابات ریاست جمهوری مصر، در ۱۷ جون ۲۰۱۲م، «دکتور محمدمرسی» به عنوان نخستین رئیس‌جمهور منتخب مصر انتخاب شد، در جون ۲۰۱۳م، مخالفان او در سالگرد تحلیف دکتور محمدمرسی علیه حکومت مشروع و قانونی او کودتا کردند، در ۳ جون ۲۰۱۳م، در نتیجه کودتای ارتش، دکتور محمدمرسی از قدرت برکنار شد، این عمل ارتش باعث شد که ملت مصر به جاده‌ها بریزند و علیه حکومت کودتا به تظاهرات میلیونی خویش ادامه دهند و میدان رابعه والنهضة و تمام نقاط حساس در مصر، میدان اعتراض‌های میلیونی گردید و سرانجام پس از به شهادت رساندن و اسیر شدن هزاران انسان بی‌گناه، السیسی در پی یک طرح کودتایی دیگری به نام انتخابات که بیشتر از ۸۰ درصد مردم مصر آن را مقاطعه کردند، خود را رئیس‌جمهور معرفی کرد، مصر از دیدگاه سیاسی و فرهنگی، یکی از مهم‌ترین کشورها در جهان عرب و خاورمیانه است. نگاه: کنتُ رئیساً لمصر، از محمدنجیب و وبسایت‌های الجزیره و اخوان اونلاین.

۳. سوریه؛ در جنوب غرب آسیا موقعیت دارد، مساحت آن ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۲۲۱۹۸۰۰۰ نفر تخمین شده است، پایتخت آن شهر دمشق، زبان رسمی آن عربی و واحد پول آن پوند سوریه است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵.

۴. گذشت.

۵. اُردُن؛ در کرانه شرقی رود اردن موقعیت دارد، پایتخت آن عمان و مساحت آن ۸۹۳۲۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۶۰۴۶۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن عربی، واحد پول آن دینار اُردُن و دین رسمی آن اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۶.

برابر تهاجم وحشیانه‌ایکه یازده روز مسلسل از بحر و بر، از آسمان و زمین بر سرشان عذاب می‌بارد و با آنکه، پیشرفته‌ترین وسایل جنگی در اختیار صهیونیست‌هاست، با وجود این هم، بازهم مُقاوَمَت می‌کنند و اعلان تسلیمی نمی‌دهند.

یزید از حضرت امام حسین > چه می‌خواست؟
یزید می‌گفت: «هر امتیازی که می‌خواهی در اختیارت می‌دهم؛ اما به من بیعت بکن، تسلیم شو، بیرق سفید بلند بکن.»
حضرت امام حسین > این را می‌دانست که اگر امروز نواسهٔ پیامبر گرامی / اعلان تسلیمی بکند، این یک درس شکست‌خوردگی به مسلمان‌ها، در برابر مستبدان و عناصر مفسد می‌شود، اینجاست که نباید ولو هر قدر با مشکلات سختی هم روبه‌رو شود، خود و خانواده‌اش هم شهید شوند؛ اما این سنتِ سیئه را در میان مسلمان‌ها نگذارد. به‌عین شکل می‌بینیم که از مردمِ مظلوم غزه می‌خواهند که حماس^۱ بیاید تسلیم شود و اعلان بکند که اسرائیل را به رسمیت می‌شناسم و تسلط اسرائیل در مناطق اشغالی را مثل که دیگرها پذیرفتند، بپذیرد.

این مجموعه‌ای از مسلمان‌ها که یقیناً مُمَثِّل اکثریتِ قریب به اتفاق ملت فلسطین است، آمادهٔ تسلیم شدن نیستند و به جرم اینکه از آزادی، حق انسانی و حق مشروع خود دفاع می‌کنند، مورد نسل‌کشی و هولوکاست^۲ قرار می‌گیرند که یقیناً این خود درس دیگری برای مسلمان‌هاست، شاید

۱. حماس؛ اختصار حرکت مُقاوَمَت اسلامی فلسطین است، این جریان به‌دست شیخ احمد یاسین همراه با جمع دیگر از شخصیت‌های اخوان‌المسلمین، مثل: عبدالعزیز رنتیسی و دکتور محمود زهار تأسیس شد، هرچند این حرکت تحت نام حماس در ۱۹۸۷م، ظاهر شد؛ اما پیش از این، تحت نام‌های «المراطون علی أرض الإسرائ» و «حركة الكفاح الإسلامی» فعالیت می‌کرد، هم‌چنان گردان‌های عزالدین قسام از شاخه‌های نظامی حرکت حماس است. نگاه: وبسایت الجزیره.

۲. هولوکاست؛ یا «همه‌سوزی»، به کشتار دسته‌جمعی و نسل‌کشی نزدیک به یازده میلیون نفر به‌خصوص شش میلیون یهودیان بر پایهٔ نژاد، مذهب و ملیت در طی جنگ جهانی دوم به‌دست آلمان نازی و از ۱۹۴۱ تا انتهای ۱۹۴۵م، در اردوگاه‌های مرگ آلمان نازی، اطلاق می‌شود؛ اما برخی‌ها به این باورند که این عمل جز توطیه چیز دیگری نیست. نگاه: هولوکاست، از دیوید دیوک، ترجمهٔ محمدرضا جان و واژه‌نامهٔ آزاد.





زیادی از مردم فلسطین در نوار غزه، جان‌های شیرین‌شان را از دست بدهند؛ اما شکی نیست که این خون‌های پاک ضایع نشده و نمی‌شوند؛ بلی من یقین دارم کسانی که حوادث را از طریق اخبار و تلویزیون‌ها تعقیب می‌کنند، به این حقیقت می‌رسند که این خون‌های پاک و این مُقاوَمَت‌های شجاعانه، نتیجهٔ بسیار بزرگی داده‌است، ما می‌بینیم سیلی از مَلّت‌ها در کشورهای مختلف، روحیهٔ قیام و مُقاوَمَت در میان‌شان زنده شده، میلیون‌ها تن در شهرهای مختلف؛ چون جمهوری ترکیه^۱، المغرب^۲، در کشورهای مختلف عربی، در جمهوری اسلامی ایران^۳ و در کشور ما، هرچند که فرهنگ تظاهرات خیابانی تا هنوز در میان ما به آن شکلی که باید و شاید وجود ندارد، با وجود آن هم، ما احساس پاکِ مردم خود را می‌بینیم، این‌ها همه نتیجهٔ این مُقاوَمَت، پایدردی و شجاعت مَلّتِ مظلومی است که در نوارِ غزه مُقاوَمَت می‌کنند.

برادران عزیز!

در دنیای امروز سروسادهایی زیادی را به نام حقوق بشر، به نام دموکراسی زیاد شنیدیم، غوغای دموکراسی خواهان، گوش دنیا را کر ساخت؛ اما ما می‌بینیم که از حرف تا عمل چقدر فاصله و صداقت وجود دارد؟!

دو مَلّت مسلمان در خون تر می‌شود، به خاطر چه؟ به خاطری که تجربه‌ای را به نام تجربهٔ دموکراسی این مَلّت‌ها عملی می‌سازند؛ مَلّت

۱. ترکیه؛ کشوری است که در جنوب غرب آسیا و شرق میانه واقع است و بخش کوچک آن به نام تراکیه در منطقهٔ بالکان قرار دارد، مساحت آن در حدود ۷۷۹۴۵۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۳۰۸۵۰۰۰ تخمین شده‌است، پایتخت آن شهر «انقره» می‌باشد، بنا بر آخرین آمار موجود در ترکیه حدود ۹۸ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان و ۲ درصد را مسیحیان و کلیمیان و پیروان دیگر ادیان تشکیل می‌دهند. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۱۰۱.

۲. المغرب؛ در فارسی به نام مراکش معروف است، در شمال غربی افریقا موقعیت دارد، مساحت آن ۴۴۶۵۵۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۲۱۱۹۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، دین رسمی آن اسلام و زبان رسمی آن عربی است، واحد پول آن درهم مراکش و پایتخت آن شهر رباط می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیئاشناسی، ص: ۱۱۰.

۳. گذشت.

الجزایر^۱ در یک انتخابات، به نام انتخابات آزاد و دموکراتیک شرکت کردند؛ اما نتیجه چه شد؟!

وقتی که جبهه آزادی بخش الجزایر^۲ آرای بیش از دو ثلث را از خود می کنند، پیش از اینکه اعلان حکومت بکنند، توسط علم برداران دموکراسی و اجیران داخلی شان، طوری سرکوب می شوند که مپرس و تا فعلاً، ده ها هزار الجزایری به جرم اینکه در انتخابات پیروز شده بودند، به خاک و خون کشانده می شوند.

باردیگر عین تجربه را در فلسطین می بینیم، انتخاباتی صورت می گیرد و به صورت بسیار شفاف بیش از دو ثلث را حماس در این انتخابات آزاد به دست می آورد و حکومتی را هم تشکیل می دهند؛ ولی به محضی که اعلان حکومت می شود، باردیگر سرکوب گری شروع می شود که نتیجه اش هم این نسل کشی است که امروز ما با آن روبه رویم.

حقوق بشر کجاست؟

آیا این کودکانی را که هرروز در آغوش مادران شان تکه پارچه می شوند، دنیا می بیند؟ اگر بلی، پس چرا صدایی بلند نمی شود؟

ما همه دیدیم وقتی در گرجستان^۳ حادثه ای پیش شد و در میان عساکر گرجستانی و فدراتیف روسیه برخوردی صورت گرفت، تمام دنیای مغرب زمین شوریدند و حتی کشورهای مسلمان هم برای توقف

۱. الجزایر؛ کشوری است که در شمال قاره آفریقا موقعیت دارد، مساحت آن ۲۳۸۱۷۴۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۳۵۸۶۶۰۰۰ نفر تخمین شده است، دین رسمی آن اسلام، زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن الجزیره و واحد پول آن دینار الجزایر است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۸.

۲. جبهه آزادی بخش ملی الجزایر؛ تشکلی که جنگ استقلال الجزایر برضد استعمار فرانسه را سازماندهی کرد و پس از استقلال، تنها حزب حاکم در این کشور شد، با آغاز استعمار الجزایر و اشغال این کشور به دست فرانسویان در ۵ جون ۱۸۳۰م، قیام های گسترده ای برضد استعمار فرانسه شکل گرفت که از آن جمله قیام بزرگ عبدالقادر الجزایری در ۱۸۳۳ - ۱۸۴۷م، بود. نگاه: التاریخ السیاسی للجزائر، للأستاذ عمار بوحوش، ص: ۱۰۸ - ۱۲۰.

۳. گرجستان؛ کشوری است در قفقاز که بین دریای خزر و دریای سیاه قرار گرفته است، مساحت آن ۶۹۷۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۴۳۵۶۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن گرجی، واحد پول آن لاری و پایتخت آن شهر تفلیس است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۸.



جنگ دست به کار شدند؛ اما یازده روز از این حادثه خونین می‌گذرد، حتی زعمای عرب هم جمع نمی‌شوند، شورای امنیت^۴ نمی‌تواند فیصله‌ای صادر بکند؛ مگر فلسطینی‌ها انسان نیستند؟

من فکر می‌کنم که حتی اگر جای فلسطینی‌ها حیوان هم می‌بود، در برابرشان با این بی‌تفاوتی عمل نمی‌شد.

به همه‌حال؛ این‌ها چه را نشان می‌دهد؟

این حقیقت را نشان می‌دهد که ملت‌های مسلمان باید بیدار بوده باشند، ملت‌های مسلمان بی‌تفاوت منشینند، ملت‌های مسلمان تا از خود دفاع نکنند، دیگر کسی نیست که از آن‌ها دفاع بکند و من یقین دارم که اگر ملت‌های مسلمان متحدانه از خود دفاع بکنند، هم عظمت سیاسی خود را به دست می‌آورند، هم به عنوان بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی عرض‌اندام می‌کنند و هم از لحاظ وزن بین‌المللی به عنوان بزرگ‌ترین جهت در دنیای معاصر مطرح می‌باشند.

پس ما باید به خود بیاییم و امام حسین > این درس را دادند که فرقی نمی‌کند که تعداد وسایل و افرادی که در مبارزه شرکت می‌کردند، کم و اندک باشد، قطرات خون پاک امام حسین > باعث شورش و قیام و تسلیم‌ناپذیری مسلمان‌ها به عنوان یک درس عملی باقی ماند و می‌ماند.

در تاریخ شخصیت‌ها، سیاست‌مداران و دانشمندان بزرگی را ما شاید به‌خاطر داشته باشیم؛ اما چه کسانی در حافظه تاریخ و در وجدان ملت‌ها،

۴. شورای امنیت؛ یکی از ارکان شش‌گانه «سازمان ملل متحد» است، این شوری پانزده عضو دارد که پنج عضو آن، امریکا، انگلستان، شوروی، چین و فرانسه اعضای دائمی آن‌اند و ده عضو غیردائمی را «مجمع عمومی» برای مدت دو سال انتخاب می‌کند، به موجب منشور ملل متحد، اعضای سازمان موافقت کرده‌اند که تصمیم‌های شورای را به اجرا گذارند، در مسایل مربوط به نظام‌نامه، رأی‌گیری با اکثریت ۹ رأی از میان کل اعضا به عمل می‌آید؛ اما در دیگر مسایل هرپنج عضو دائمی باید رأی موافق بدهند؛ تا تصویب شود، شورای امنیت، به موجب منشور ملل متحد، در تشخیص آنکه عمل تهدید علیه صلح و عمل تجاوزکارانه به‌شمار می‌آید یا نه، صلاحیت دارد و در این مسایل توصیه‌هایی می‌کند و یا برای بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی از راه دخالت مستقیم اقدام می‌کند. شورای هرچندگاه، کمیسیون‌ها و کمیته‌هایی را برای امور خاص مأمور می‌کند. نگاه: دانشنامه سیاسی، ص: ۲۱۹-۲۲۰.

برای همیشه حفظ است و نام‌شان از صفحه ذهن تاریخ و ملت‌ها حذف نمی‌شود، آنان کسانی‌اند که آماده شدند، جان خود را در راه آرمان و هدف خود قربان کنند، امام حسین > را از این قماش مردم است، هم‌چنان آن عده از شخصیت‌های بزرگ دیگری که در جهان اسلام خون دادند، شهید شدند، آنان هم به‌عنوان قهرمان‌های ملی و شخصیت‌های بزرگ تاریخ امت اسلامی و ملت‌های مسلمان باقی بوده و به‌عنوان اسوه و الگو باقی می‌ماند، مردم تنها به حرف گوش نمی‌دهند، عمل را می‌بینند که آیا واقعاً کسانی که چیزی را می‌گویند، به آن عمل هم می‌کنند؟

به همه‌حال؛ ما امروز در حالی‌که به روان پاک سیدالشهدا حضرت امام حسین > و یارانش در کربلا درود می‌فرستیم، به روان همه شهدای جهاد و مقاومت کشورمان در افغانستان و به روح پاک شهدای مظلوم فلسطین دعا کرده و از بارگاه اقدس الهی به‌دست دعا نیاز می‌کنیم که ملت‌های مسلمان را در پناه عنایت خود حفظ بکند و ما ایمان داریم که دشمنان اسلام با سرکوب، تهاجم و کشتارهای خونین و با نسل‌کشی‌های شان هرگز نمی‌توانند، دین اسلام و قیام‌های اسلامی و نهضت‌های اسلامی را نابود بسازند، شاید تعدادی از فرزندان مسلمانان جان‌های شیرین خود را از دست بدهند؛ اما هر قطره خون آن‌ها، صدها جوان باایمان و بااحساس دیگری را به‌میان و میدان می‌آورد که آن‌ها هرگز سنگرها را خالی نمی‌مانند، بلی این سخن مطابق با آیه قرآنی است که خداوند ^۱ در آن می‌فرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۱

در این آیه به وضاحت می‌بینیم که خداوند وعده داده که مسلمانان صادق، راه و رسم‌شان این است که تعدادی جان‌های شیرین خود را در معرکه‌های پرافتخار جهاد و مقاومت از دست می‌دهند؛ اما دیگری هستند که سنگرها را خالی نمی‌گذارند.





دعا می‌کنیم که خداوند به یمن خون شهدای کربلا و به یمن خون شهدای جهاد و مقاومت افغانستان و سرانجام به یمن خون شهدای ملت مظلوم فلسطین، ملت‌های مسلمان را وحدت و یکپارچگی و اخلاص و صمیمیت در میان‌شان به‌میان بیاورد و به یمن این روزها، در میان همه طوایف مسلمان، سنی و شیعه و سایر گروه‌های مسلمان، اقوام و ملت‌ها، وحدت و یکپارچگی را به‌میان بیاورد و خداوند کشور عزیز ما افغانستان را ثبات و امنیت قوی و مستحکم و دوامدار نصیب بکند و برای ما و همه مسلمان‌ها و به‌خصوص به نسل جوان ما خداوند توفیق عنایت بفرماید که تا به راه جاویدانی که توسط امام حسین > و پیشوایان بزرگ دینی ما پی‌ریزی شده، قدم بگذارند و شکار تهاجم فرهنگ‌های منحرف و دین‌ستیز نشوند.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ^۱، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

خطابه پنجاه و سوم

در مراسم یادبود عاشورای حسینی؛

مکان: کابل، افغانستان؛

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى؛^۱ و بعد:
 با درود و سلام به روان پاک شهدا، به خصوص شهدای کربلا^۲ و سایر
 شهدای صدر اسلام و اُمت اسلام که در دوره‌های مختلف به‌خاطر آزادی
 و سربلندی اسلام، جان‌های شیرین خود را از دست داده‌اند.
 حادثه کربلا؛ یکی از فاجعه‌های غم‌انگیز در تاریخ اسلام است
 که در آن شخصیتی؛ چون امام حسین > و اعضای خانواده و یاران
 جان‌نثارش، بی‌رحمانه به‌دست جلادان به شهادت رسیدند.
 حضرت امام حسین > پیشوای بزرگ جهان اسلام، رهبر محبوب و
 آزاده بود، بنابر حدیثی که امام بخاری روایت می‌کند، امام در ایام طفولیت
 بر شانه‌های پیامبر / بازی می‌کرد.^۳

۱. ستایش تنها برای پروردگار جهانیان است و بس، درود و سلام بر بندگان برگزیده او.
 ۲. گذشت.

۳. متن این حدیث را حاکم در المستدرک، چنین آورده است: ﴿عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَدَّادِ بْنِ الْهَادِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ / فِي إِحْدَى صَلَاتِي الظُّهْرِ أَوْ الْعَصْرِ وَهُوَ حَامِلٌ أَحَدَ ابْنَيْهِ الْحُسَيْنِ أَوْ الْحُسَيْنِ، فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ / فَوَضَعَهُ عِنْدَ قَدَمِهِ الْيُمْنَى، فَسَجَدَ رَسُولُ اللَّهِ / سَجْدَةً أَطَالَهَا، قَالَ أَبِي: فَرَفَعْتُ رَأْسِي مِنْ بَيْنِ النَّاسِ، فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ / سَاجِدٌ، وَإِذَا الْغُلَامُ رَاكِبٌ عَلَى ظَهْرِهِ فَعُدْتُ فَسَجَدْتُ، فَلَمَّا انْصَرَفَ رَسُولُ اللَّهِ / ، قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَقَدْ سَجَدْتَ فِي صَلَاتِكَ هَذِهِ سَجْدَةً مَا كُنْتَ تَسْجُدُهَا أَفْشَىءَ أَمَرْتُ بِهِ؟ أَوْ كَانَ يُوحَى إِلَيْكَ؟ قَالَ: كُلُّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ وَلَكِنْ ابْنِي ارْتَحَلَنِي، فَكَرِهْتُ أَنْ أَعْجَلَهُ حَتَّى يَقْضَى حَاجَتُهُ، هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ، وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ﴾ نگاه: المستدرک، ج: ۳، ص: ۱۶۵.



حضرت رسول اکرم / در مورد او و برادر حسن فرموده بود:

﴿اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُمَا فَأَحِبَّهُمَا..﴾^۱

(ای خدایا من حسین را دوست دارم و تو هم او را دوست داشته باش.)

ترمذی روایت کرده که رسول الله / در مورد حسین فرموده است:

﴿حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ..﴾^۲

(من از حسینم و حسین از من است.)

چنین شخصیت بزرگ، زمانی که می‌بیند استبداد داخلی چهرهٔ اصیل اسلام را وارونه می‌سازد، دست به قیام می‌زند، استبداد زمینه‌ساز مصیبت است، ویرانی‌ها، عقب‌ماندگی‌ها و محرومیت‌ها در دنیای اسلام توسط اُم‌الفساد که عبارت از نظام‌های مستبد داخلی است به میان می‌آید، نظام‌های فاسد و نابکار، مسلمانان را به ذلت، محرومیت، فقر و بیچارگی می‌کشاند، علل عقب‌ماندگی در فقر و محرومیت در جوامع اسلامی و عقب‌افتادگی آنان از تمدن بشری، نظام‌های مستبد، فاسد و بیکاره است، امام حسین > درست تشخیص کرده بود که اصلاحات باید از کجا آغاز شود؟ اصلاحات را از مُبارزه با استبداد باید آغاز کرد، اگر استبداد و دیگر مفاسد در جامعه شیوع پیدا کند و کسی قیام نکند، جامعه به سوی فساد می‌رود.

﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ..﴾^۳

بر و بحر، خلاصه همه جا را فساد می‌گیرد.

اینجاست که امام حسین > با این درس بزرگی که از آغوش جد

۱. بخشی از این حدیث مبارک است: ﴿هَذَا ابْنَايَ وَأَبْنَا ابْنَتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُمَا فَأَحِبَّهُمَا وَأَحِبَّ مَنْ يُحِبُّهُمَا﴾ نگاه: سنن الترمذی، کتاب المناقب، باب: مناقب الحسین والحسين رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ.

۲. بخشی از حدیث مبارک است که می‌فرماید: ﴿حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حُسَيْنٌ سَبَطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ﴾ نگاه: سنن ترمذی، باب: مناقب حسن و حسین، جزء: ۱۳، ص: ۳۹۵، شمارهٔ حدیث: ۴۱۴۴.

۳. بخشی از آیه ۴۱ سوره مبارکه روم است که می‌فرماید: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند، باشد که بازگردند.)

امجد خود آموخته بود، کالبدشناسی فساد در جامعه را درست فهمیده بودند که جامعه از کجا آسیب‌پذیر می‌شود و چه کاری باید بکند؟
 بناء حضرت امام حسین > قیام کرد، هدف وی اصلاح بود و احیای سنت جدش پیامبر اکرم / .

حضرت امام حسین > وقتی مورد تهدید لشکریان یزید قرار می‌گیرد، امام حسین می‌توانست مانند برخی سیاست‌مداران معامله‌گر با گرفتن یک سلسله امتیازات عقب‌نشینی بکند، برایش حتماً گفتند:
 «ای فرزند پیامبر / چه می‌خواهید؟! تو نور دیده‌ی مایی، هر چه می‌خواهی برایت می‌دهیم؛ اما تو در دسر برای حکومت ما ایجاد مکن، بیا بیعت بکن و به این نظام تسلیم شو.»

اما ما می‌بینیم که امام حسین > چه می‌گوید: در لحظاتی که وجود گرامی‌شان، خانواده‌ارجمند، اطفال و زنان، همه در معرض کشتار خونین قرار دارد، می‌گوید:

﴿هَيْهَاتَ مِنَّا الذَّلَّةُ﴾^۱

(هرگز من به ذلت تسلیم نمی‌شوم.)

پیام قیام حسین > برای انسان‌هایی که به ذلت تسلیم شدند، اشتباه کرده‌اند، از انسان‌های ضعیف در برابر قدرت استبدادی حمایت نکردند و همیشه بیرق سفید بلند می‌کنند و در برابر محرومیت، فقر و بیچارگی ملت خود خاموش می‌مانند؛ پیام مبارزه با ذلت است؛ چون او باور داشت که عزت از آن مسلمان است و ذلت را هرگز نمی‌پذیرد.

امام سرانجام به دست عناصر سفاک و بی‌رحم شهید می‌شود و این فاجعه دردناک، در جهان اسلام زلزله‌ای ایجاد کرد که هنوز پس‌لرزه‌های آن ادامه دارد و هرگز این درد و رنج در میان مسلمانان خاموش نمی‌شود، شهادت امام، ملت‌های مسلمان را بیدار کرد و به مسلمانان آموزاند که زعامت‌های سیاسی، پیشوایان سیاسی و تحولات بزرگ بدون مبارزات انسان‌های مؤمن در سَنَگَر به وجود نمی‌آید، راه نجات جز از این طریق،



از مسیر دیگری نمی‌گذرد.

جریان تاریخ و مسیر فساد و بدبختی‌ها، توسط شهادت‌ها تغییر می‌خورد، ملت‌ها با شهادت زنده می‌مانند، از اینجاست که شهیدان همیشه زنده‌اند، خداوند^۱ می‌فرماید:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾^۲

این چنین:

﴿بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾^۳

(شما کسانی را که در راه خدا کشته شدند مرده گمان مکنید؛ بلکه آنان زنده‌اند؛ مگر شما این را احساس نمی‌کنید و [بلکه آنان در نزد خداوند زنده‌اند و روزی می‌خورند].)

امروز با کربلای دیگری روبه‌روایم، کربلای فلسطین، کربلای غزه،^۴ رهروان راه حسین > بازهم به جرم اینکه می‌خواهند سربلند و آزاد زندگی کنند، به ذلت تن در نمی‌دهند، آن‌ها هم مثل پیشوای بزرگشان حضرت امام حسین > می‌خواهند سربلند زندگی داشته باشند و می‌گویند:

﴿هِيَاهُتِ مِنَ الذَّلَّةِ﴾^۵

امروز حماس و مردم صابر و مقاوم فلسطین در غزه، به چه گناهی قتل‌عام می‌شوند؟

۱. بقره / ۱۵۴. (و کسانی را که در راه الله کشته می‌شوند، مرده مخوانید؛ بلکه زنده‌اند؛ ولی شما نمی‌دانید.)

۲. بخشی از آیه ۱۶۹ سوره مبارکه آل‌عمران است که می‌فرماید: ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾ (و کسانی را که در راه الله کشته می‌شوند، مرده شمار؛ بلکه آنان زنده‌اند و بدیشان نزد پروردگارشان روزی داده می‌شود.)

۳. این حمله و وحشتناک زمینی و هوایی اسرائیل؛ در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۹م، رخ داده بود که ۲۲ روز ادامه داشت که حدود ۱۳۰۰ نفر شهید، ۵۰۰۰ زخمی و بیش از ۵۰۰۰ ساختمان خراب و ۵۰ هزار نفر از مردم مسلمان غزه بی‌خانمان شده بودند و اکثر قربانیان را کودکان و زنان تشکیل می‌داد. جهت معلومات بیشتر نگاه شود: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۵ و ۸، دور ششم، سال هفتم، شماره سی و چهارم، سال ۱۳۸۷هـ. ش.

۴. گذشت.

گناه‌شان اینکه به ذلت تن در نمی‌دهند، به حيله‌های بسیار شرم‌آور قدرت‌های فاسد که می‌خواهند در فلسطین پیاده شود، تن در نمی‌دهند، می‌خواهند آزاد و سربلند زندگی کنند.

ماه‌هاست که آن‌ها از تمام ضروریات زندگی محروم‌اند، نه آب دارند و نه نان و برق و.. نه تنها تمام راه به‌روی‌شان بسته شده؛ بلکه مدت‌هاست توسط توپ و تانگ رژیم صهیونیستی مورد هجوم قرار گرفته‌اند، در این چند هفته اخیر، قتل عام‌شان شروع شده‌است، کودکان‌شان مانند کودکان اهل بیت پیغمبر / تکه‌وپارچه می‌شوند، امروز در دنیا به جز از مسلمانان دل‌سوز و مخلص که یقیناً شب‌وروز به فکر آنان‌اند، دیگر زمامداران در کشورهای مسلمان و غیر مسلمان در حالت بی‌تفاوتی و تعدادی در توطیه شریک‌اند، یقیناً این فاجعه سخت غم‌انگیز است، دیروز بیش از چهل زن و کودک در پناهگاهی که گفته می‌شد مربوط به ملل متحد است، جام شهادت نوشیدند؛ اما در شورای امنیت^۱ سازمان ملل متحد،^۲ جایی که به ظاهر، به گفته فیلسوف شرق:

بهر تقسیم قبور انجمنی ساخته‌اند^۳

در آنجا آماده نیستند تا طرح یک آتش‌بس را مطرح کنند، اگر به‌جای مردم فلسطین یک نفر مسیحی و یهودی کشته می‌شد، در دنیا شور به‌میان نمی‌آمد؟! اما چنان‌که پیش از این در جای دیگری گفتم، این

۱. گذشت.

۲. سازمان ملل متحد؛ سازمان بین‌المللی است که در سال ۱۹۴۵م، تأسیس و جایگزین جامعه ملل شد، این سازمان، توسط ۵۱ کشور تأسیس و در سال ۲۰۱۱م، ۱۹۳ کشور عضو داشته‌است، اعضای آن تقریباً شامل همه کشورهای مستقلی می‌شود که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند، مقر سازمان ملل متحد در نیویارک است و کشورهای عضو و مؤسسات وابسته در طول هر سال با تشکیل جلسات منظم در مورد امور بین‌المللی و امور اجرایی مربوط به آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند، سازمان ملل در پایان جنگ جهانی دوم از سوی کشورهای پیروز در آن جنگ، شکل گرفت و سازمان و روال حاکم بر فعالیت آن نشان از شرایط جهانی بعد از جنگ دوم دارد. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۳۳۴ - ۳۳۶.

۳. مصرعی از شعر علامه اقبال لاهوری W است که می‌فرماید:

برفتد تا روش رزم در این بزم کهن ** درمندان جهان طرح نو انداخته‌اند
من از این بیش ندانم که کفن دزدی چند ** بهر تقسیم قبور انجمنی ساخته‌اند. نگاه: کلیات اقبال لاهوری، ص: ۱۸.





قربانی‌ها ضایع نخواهد شد که این خون‌های پاک جهان اسلام را بیدار خواهد ساخت، امروز در دنیای اسلام میلیون‌ها انسان آزاد بر خلاف اراده حکومت‌های مستبد به خیابان‌ها ریختند و با عشق و صلابت وارد صحنه‌ها شدند و از مردم مظلوم غزه حمایت و پشتیبانی کردند، شهادت‌ها در غزه باعث ایجاد حرکت و جهش جدید در میان مسلمانان شده‌است. طوری که امام حسین > با شهادت خود درس بیداری به مسلمانان داد، امروز می‌بینیم که مسلمانان غزه با شهادت‌شان مسلمانان را دوباره بیدار می‌سازند، این خون‌ها ضایع نشده و بدون شک تحوّل بزرگی به‌میان می‌آید و به‌گفته شاعر عربی:

إِذَا الشَّعْبُ، يَوْمًا، أَرَادَ الْحَيَاةَ
فَلَا بُدَّ أَنْ يَسْتَجِيبَ الْقَدَرُ
وَلَا بُدَّ لِلَّيْلِ أَنْ يَنْجَلِيَ
وَلَا بُدَّ لِلْقَدِيدِ أَنْ يَنْكَسِرَ^۱

(روزی که ملت‌ها بخواهند آزاد و سربلند زندگی کنند، تقدیرات الهی - نیز - آن‌ها را به‌سوی پیروزی هدایت می‌کند، شب‌های ذلت به صبح روشن عزت تبدیل می‌شود، زنجیرها درهم می‌شکند.)

امیدوارم ملت مظلوم فلسطین که در کربلای خونین‌شان قرار دارند، به آزادی کامل برسند، حمایت از مردم فلسطین وظیفه تمام مسلمانان دنیا از جمله مردم مسلمان افغانستان است که در این روزهای محرم و روزهای یادآوری از حادثه خونین کربلای معلا، رهروان راه حسین را در نوار غزه نباید فراموش بکنیم، آن‌ها هم در این مسیر گام گذاشته‌اند، دست خالی و ایمان‌های استوار قیام کردند و نشان دادند که ما هرگز به ذلت تسلیم نمی‌شویم.

﴿هَيِّهَاتِ مِنَ الذَّلَّةِ﴾^۲

شعارشان است و با این شعار مبارزه می‌کنند.

بدون شک اوضاع داخلی کشور سخت غم‌انگیز است، با سقوط

۱. نگاه: دیوان شابی، قصیده «أرادہ الحیاة»، ص: ۷۶.

۲. گذشت.

طالبان و به میان آمدن وضع جدید، انتظارات فراوانی وجود داشت، ما همه منتظر بودیم که تغییری در وضع زندگی مردم به میان بیاید، وضعیت سیاسی بهتر شود و بازسازی صورت بگیرد؛ اما دیده شد که وضعیت به گونه دیگری شد.

چند روز قبل، از طریق نشرات شبکه الجزیره،^۱ صحنه دردانگیزی را دیدم، خیمه‌هایی که پاره‌پاره بود و مردم در بدترین وضعیت زندگی داشتند، آن هم در شهر کابل، مهاجرین مظلومی از ولایت هلمند^۲ را نشان می‌داد، کودکان و زنان پابرنه‌ای را که در ایام سرد زمستان می‌لرزیدند، مادر مظلوم و محرومی به خبرنگاران می‌گفت: «پدر این اطفال رفته تا این دختر هفت‌ساله را که در پهلویش قرار داشت، در بدل ۳۰۰ دالر امریکایی به فروش برساند؛ تا دیگر اطفالم زنده بماند.»^۳

این است کمک‌های بین‌المللی برای افغانستان، این است توجه حکومت به مردم بیچاره‌ای که از ولایت هلمند آمده و در شهر کابل زندگی می‌کند، در کشور ما بسیار کم دیده شده‌است که یک افغانی فرزند خود را به فروش برساند، در بدترین شرایط قرار داریم، پس نباید بنشینیم و نظاره‌گر باشیم.

حکومت در فساد فرو رفته‌است، امکانات و پول‌ها را در کمپاین انتخابات آینده مصرف می‌کنند، میلیون‌ها دالر از طریق مختلف برای افراد مخصوص داده می‌شود؛ تا آن‌ها - به اصطلاح - برای دوره بعدی کمپاین کنند، آیا حکومت کردن در برابر بیچاره‌ساختن ملت خویش درست است؟ آیا هدف یک نظام سیاسی باید همین باشد که ملتش ضعیف شود

۱. الجزیره نام شبکه تلویزیونی خبری ماهواره‌ای است که مرکز آن در شهر دوحه در قطر قرار دارد، الجزیره کانال‌های متعدد خاص تلویزیونی را علاوه بر کانال اخبار به کار گرفته‌است، این کانال‌ها شامل، یک کانال زبان انگلیسی، مستند الجزیره، کانال ورزشی الجزیره، یک کانال عمومی ورزشی به زبان عربی، پخش زنده الجزیره، که همایش‌ها را در زمان واقعی خود، بدون هیچ گونه ویرایش یا اعمال نظر، پخش می‌کند و نیز یک کانال تلویزیونی برای کودکان می‌باشد. برای معلومات بیشتر نگاه شود. وبسایت الجزیره.

۲. گذشت.

۳. برای معلومات بیشتر در مورد این خبر، نگاه شود: هفته‌نامه مجاهد، ص: ۵، دور ششم، سال هفتم، شماره سی و دوم، سال ۱۳۸۷ ه.ش.





و حتّی فرزندان خود را به فروش برساند و آن‌هم یک‌مهاجری باشد که توسط طالبان سرکوب شده‌است.

وضعیت امنیتی نگران‌کننده‌است، طوری که حتّی شهر کابل هم در محاصره قرار گرفته‌است، این نیروهایی که از کشورهای قدرتمند دنیا آمده‌اند، دست‌آوردشان چیست؟

روزبه‌روز امنیت بدتر می‌شود، ما و دیگر جریان‌های سیاسی تلاش داریم که باید در برابر این فساد سیاسی، نظامی و اقتصادی‌ای که امروز وجود دارد، کاری صورت بگیرد و اصلاحاتی به‌میان بیاید؛ تا جایی که به جبهه ملی ارتباط دارد، شعارهای امام حسین؛ یعنی اصلاح را سرمشق خویش قرار داده‌ایم.

ما نمی‌خواهیم و نخواستیم که زلزله‌ای ایجاد بکنیم و نظامی را که شکننده‌است، شکننده‌تر بسازیم؛ بلکه با گام‌های سنجیده، پیشنهادها و نظریات خود را به مسئولان گفتیم و برای تحولات بعدی هم نظریات و پیشنهادات خود را داریم، شاید بسیاری انتظار داشتند که ما موضع تندتری می‌داشتیم، باید شور و غوغای جدی ایجاد می‌شد؛ اما به‌خاطر وضع امنیتی آسیب‌پذیر و نظام اداری و سیاسی شکننده، نخواستم بحران شدیدتر شود؛ اما بر این عقیده‌ایم که در تصمیم‌گیری‌هایی که برای آینده کشور گرفته می‌شود؛ تا حدی ممکن اجماع ملی ایجاد شود، ما به این عقیده‌ایم که نباید موضوع انتخابات به‌عنوان یک عملیه بحران‌آفرین، بحران‌های جدیدی را در کشور ایجاد بکند، می‌دانیم که در بسا از کشورها، ناسنجیدگی‌ها و عدم پختگی سیاست‌مداران، در جریان انتخابات به‌جای اینکه برای ملت‌ها امید بیاورند، تغییرات مفیدی به‌میان بیاورد، کشمکش‌های زیادی را به‌وجود آورده‌است، ما سخت از این مسئله برحذریم و به همین اساس کاندیدای جبهه را تا به اکنون به تأخیر انداختیم، ما تلاش داریم تا یک ائتلاف وسیع ملی را به‌وجود بیاوریم، بیرون از جبهه ملی کسانی که با ما نیستند، با آن‌ها هم گفت‌وگو کنیم، گاه‌گاهی در مطبوعات حرف‌های شنیده می‌شود که برخی از رهبران جبهه ملی با رئیس دولت گفت‌وگوها

و حرف‌هایی دارند، این یک حقیقت است، باید داشته باشیم؛ اما تا هنوز با آقای کرزی به هیچ قول و قراری نرسیده‌ایم.

حرف‌های ما این است که بیا باید به‌سوی یک اجماع ملی برویم، کسی را پیدا کنیم که تا حد ممکن اجماع ملی ایجاد شود، ما تا هنوز در قسمت مُعرفی کاندیدای جبهه تصمیم نگرفته‌ایم، در حقیقت آن را به تأخیر انداختیم؛ اما این موضوع را به تعلیق نمی‌اندازیم، در وقت مناسب فیصله مناسب خود را اعلان خواهیم کرد، حرف‌هایی را که آقای سانچارکی^۱ در این مورد گفته‌اند، حرف‌های جبهه ملی و حرف‌های رهبری جبهه است.

گفت‌وگو با طالبان، عرصه‌ای بود که دولت تلاش می‌کرد، دست‌آورد داشته باشد، جبهه ملی مدت‌ها پیش این سیاست را اعلام کرده بود؛ اما از نظر ما گفت‌وگو با طالبان، باید در چارچوب منافع ملی انجام شود و نباید در برابر هرخواسته آن‌ها تسلیم شویم، باید خواسته‌های اساسی ملی مطرح شود که از جمله قطع جنگ، روی آوردن در عملیه مشارکت سیاسی و دیگر پیشنهادهای معقول از هرطرفی که باشد، همه مورد بحث قرار گیرد و پذیرفته شود.

جبهه خواهان حسن روابط با همه کشورهاست، دیروز آقای زرداری^۲ رئیس جمهوری پاکستان به افغانستان آمده بود، ما روابط خوب را با کشورهای همسایه که از جمله نیازهای ملی ماست، حمایت می‌کنیم. ما به این عقیده‌ایم که کشورهای منطقه در حل مشکل افغانستان که به‌عنوان یک مشکل منطقه‌ای و اقلیمی هم است، سهم داشته باشند.

خواهران و برادران!

امیدواریم با یمن واقعه خونین کربلا و قیام حضرت امام حسین > ، احساس بیداری هرچه بیشتر قوت پیدا کند و بکوشیم بر محور قیام حسینی و تمسک به آن حدیث پیغمبر / که فرمودند:

۱. سیدآقا حسین فاضل سانچارکی؛ در این وقت سخنگوی جبهه ملی است.

۲. این سفر رئیس‌جمهور پاکستان، در زمان حکومت حامد کرزی در ماه جدی ۱۳۸۷ هـ.ش، صورت گرفته بود.



﴿تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنِ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةَ رَسُولِهِ﴾^۱

و در روایت دیگر:

﴿كِتَابُ اللَّهِ وَعِترَتِي﴾^۲

با تمسک با پیام پیغمبر و عترت پیغمبر / همه ما یک پارچه و متحد باشیم، اجازه ندهیم که دشمنان ما را به نام این قوم و آن قوم، این مذهب و آن مذهب از یکدیگر جدا بکنند، روزهای عاشورا، روزهای عاطفه برانگیز است، باید در این روزها به فکر امت اسلامی باشیم، اجازه ندهیم که دشمنان بگویند که گویا یزید به یکی از طبقات و گروه‌های مسلمانان ارتباط داشت، اصلاً چنین نیست، هر مفسد و سیاست‌مداری که از خط اسلام منحرف شود، مربوط به هیچ گروه و مذهب و طبقه‌ای نمی‌باشد؛ اما حضرت امام حسین > مربوط به همه ماست، او را از جان و دل دوست داریم؛ لذا در چنین محور، همه با هم یک پارچه متحد باشیم، خدا را سپاس‌گزاریم که در افغانستان دشمنان نتوانسته‌اند با وجود همه دسیسه‌ها در میان سنی و شیعه، فاصله ایجاد بکنند، امیدواریم توطیه‌های دیگری که بر محور نفاق قومی وجود دارد هم ناکام شود.

در اخیر؛ به روح همه شهدای بزرگ اسلام، شهدای افغانستان، قهرمان ملی کشور، شهید ارجمند کاظمی شهید و سایر شهدا درود می‌فرستیم، به روح شهدای ارجمند نوار غزه درود می‌فرستیم، امیدواریم هر آنچه در توان داریم، برای مردم فلسطین دریغ نکنیم؛ زیرا قضیه فلسطین تنها قضیه فلسطین نیست؛ بلکه به جهان اسلام ارتباط می‌گیرد و قضیه همه مسلمانان است.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ.^۳

۱. گذشت.

۲. گذشت.

۳. گذشت.

خطابه پنجاه و چهارم

به مناسبت فراغت دانشجویان دانشکده شرعیات

مکان: کابل، افغانستان؛

زمان: ۲۹ / ۱۰ / ۱۳۸۷ هـ ش.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ أَشْرَفِ الْأَنْبِيَاءِ
وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ دَعَى بِدَعْوَتِهِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ إِلَى
يَوْمِ الدِّينِ؛^۱

استادان و شاگردان عزیز! برادران و خواهران!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

در آغاز، صمیمی‌ترین تبریکات خود را به مناسبت فراغتِ جمعی از
شاگردان عزیز «پوهنچیِ شرعیات»^۲ به همه جوانان عزیز و به خانواده‌ها،
پدر و مادر و دوستان‌شان مبارکباد می‌گوییم و از خداوند عزیز برای‌شان
در زندگی بعد از تکمیلِ تحصیل‌شان، موفقیت و پیروزی‌های زیادی را
آرزو مندیم.

دیروز، دغدغه و تشویش شما در دوران تحصیل، کامیابی و موفقیت
درسی بود - که این دغدغه و تشویش بیشتر مربوط به خود شما بود - اما

۱. ستایش الله راست که پروردگار جهانیان است و درود و سلامتی بر نیکوترین پیامبران و
رسولان و بر خانواده و یارانش و بر دعوتگران دعوت او و بر آنانی که در راه او تا دم رستاخیز
جهاد می‌کنند.

۲. دانشکده شرعیات دانشگاه کابل؛ در سال ۱۳۳۰ هـ.ش، برای تدریس علوم قدیم و جدید؛
یعنی علوم عقلی و نقلی و علوم اسلامی تأسیس شد و در نخستین سال تحصیلی آن شانزده
محصل ثبت‌نام کرد، قابل تذکر است که استاد پوهاند غلام‌محمد نیازی و پروفیسور برهان‌الدین
ربانی شهید، از جمله دانشجویان ممتاز و بعداً استادان دانشکده شرعیات بودند. نگاه: و بسایت
پوهنتون کابل.



امروز بعد از فراغت، جامعه و مردم منتظرند که در صحنه کار و عمل چه پیروزی‌هایی به‌دست می‌آورید؟!

امیدوارم که در این مرحله‌ای از حیات پربار زندگی‌تان، هم پیروزی‌های زیادی نصیب شما شود؛ در همه دوره‌ها و به‌خصوص در عصری که شما به‌سر می‌برید، برای ملت‌های جاهل جایگاه مطلوبی در میان جهان نیست، ملت‌هایی از جایگاه قابل احترام برخوردارند که می‌توانند با دانش و بینش و با علم و فرهنگ خود را مسلح بسازند، جوامعی که از امتیاز دانش بی‌بهره‌است، جوامع ذلیل، فقیر، بی‌ارزش و دنباله‌رو است.

اینجاست که همه ما و به‌خصوص نسل تحصیل‌کرده ما، باید علم‌دوستی را به‌عنوان فرهنگ زندگی با مردم و ملت خود عرضه کنند و ما به‌یاد بیاوریم که ما وارث تاریخ و فرهنگی‌ایم که در دوره‌هایی که جهان دیگر در ظلمت جهل و عقب‌ماندگی به‌سر می‌برد، بهترین و بزرگ‌ترین دست‌آوردهای دانش بشری، در میان ملت ما وجود داشت، به‌علتی که آن‌ها علم‌دوست بودند.

داستانی را از یک دانشمند مسلمان -از زبان کسانی که با او در آخرین لحظات زندگی یکجا بودند- برای‌تان حکایت می‌کنم و شما پس از خواندن و شنیدن این داستان قضاوت کنید که گذشتگان و اسلاف ما تا چه حد به دانش علاقه‌مند بودند.

نام «البیرونی»^۱ را یقیناً به‌عنوان یکی از دانشمندان بزرگی که نه تنها در جهان اسلام جایگاه بسیار بزرگی دارد؛ بلکه در مغرب‌زمین هم به‌عنوان

۱. ابوریحان محمد بن احمد بیرونی؛ در سنبله ۳۵۲ هـ.ش، در خوارزم که در قلمرو سامانیان بود، به دنیا آمد و زادگاه او که در آن زمان روستای کوچکی بود، «بیرون» نام داشت. این عالم مسلمان پدر علم انسان‌شناسی، زمین‌سنجی، هندشناسی، بنیان‌گذار مکانیک تجربی، نجوم تجربی، پیشگام در روان‌شناسی تجربی و شرکت در بسیاری از زمینه‌های علمی بود، آثار و تألیفات فراوانی از این عالم بزرگ جهان اسلام به‌جا مانده‌است، تحقیق مالهند، قانون مسعودی، التفهیم لأوائل صناعة التنجیم، الجماهیر فی معرفة الجواهر، آثار الباقیة عن القرون الخالیة، استیعاب الوجوه الممكنة فی صناعة الإصطلاب، از آثار اوست، سرانجام این اندیشمند جهان اسلام، در قوس ۴۲۷ هـ.ش، در غزنه به رحمت حق پیوست. نگاه: آثار الباقیة، ابوریحان بیرونی.

یکی از بزرگ‌ترین دانشمندان، در ابعاد مختلفِ دانش انسانی معروف است، شنیده‌اید.

چنان‌که پیش از این بارها گفتیم، در لحظاتی که البیرونی در آخرین مراحل زندگی خود قرار داشت، جمعی از دوستان و اعضای خانواده او، در اطراف البیرونی بودند و البیرونی هم داشت آخرین نفس‌های خود را می‌کشید و بعد از آن، با این جهان وداع می‌کرد، کسانی که در آن جمعیت بودند، در میان خود گفت‌وگو و صحبتی داشتند، چه صحبتی؟! آیا در مسایل مرگ و عزا گپ می‌زدند، یا در غم رحلت یک دانشمندشان صحبت می‌کردند؟

نه‌خیر؛

آن‌ها روی یکی از قضایای علمی به ارتباط علم میراث صحبت داشتند، کدام مسئله بسیار پیچیده‌ای را در میان خود بحث می‌کردند تا این مسئله را به یکدیگر شرح کنند و آن را بیاموزند.

البیرونی هم که گاهی بی‌هوش می‌شد، در لحظه‌ای که کمی به هوش آمد، متوجه صحبت‌شان شد، از آنان پرسید: بالای چه حرف می‌زنید؟ گفتند: ما خودت را آزار نمی‌دهیم، تو به حال خود باش؛

گفت: نه‌خیر؛ برایم بگویید، روی چه صحبت داشتید؟

گفتند: ما روی یکی از مسایل بسیار پیچیده میراث بحث داشتیم؛ گفت: من آرزو داشتم که جواب مسئله را برایم بگویید، آخر نتیجه چه شد و جواب صحیح مسئله از چه قرار بود؟

کسی از جمله حاضرین پرسید: شما حالتان خوب نیست و در این لحظات شما، چه احتیاجی به جواب این مسئله پیچیده علم میراث دارید؛ تا آن را بشنوی و یاد بگیری؟!

ابوریحان گفت: من ترجیح می‌دهم که در پیشگاه خداوند حشر شوم و جواب این سوال را بفهمم؛ نه اینکه من نسبت به آن، جاهل باشم. فراموش نکنیم؛ در لحظاتی که یک انسان دارد از این جهان می‌رود، همه حواس و احساس او، این است که خدایا بعد از زندگی سرنوشت



من چه خواهد بود؟

اما دغدغه و تشویش دانشمند مسلمان، این بود که نشود به پیشگاه خدا بروم و محشور شوم؛ اما یکی از مسایل علمی را که باید من در آخرین فرصت‌های زندگی آن را یاد می‌گرفتم، آن را یاد نداشته باشم.

با چنین تفکری است که در جوامع اسلامی و در جهان ما ابتکارات بزرگی به میان می‌آید؛ اما زمانی که علم دوستی از جوامع ما رخت برمی‌بندد، آنجاست که ما به عقب می‌رویم و در میان ملت‌ها به عنوان یک ملت عقب مانده، فقیر و ملتی که اکثر داشته‌های خود را از دست می‌دهد.

اینجاست که توصیه من به شما جوانانی که شهادت‌نامه گرفتید، این است: اگرچه شما به مرحله رشد جوانی و قسمت علمی خود رسیدید؛ اما دوره تحصیل شما پایان نیافته، شما باید فکر کنید که یک مرحله‌ای از تحصیل علمی شما پایان یافت؛ اما علم یک بحر بی کرانه‌ای است که هر قدر در آن شنا کنید و به سرعت حرکت بکنید، پایان پذیر نیست.

اینجاست که در نتیجه تعالیم پیغمبر / ، فرهنگی برای ما انتقال می‌کند که ما را به این امر می‌کند:

«از گهواره؛ تا گور دانش بجوی»^۱

یعنی تا آخرین لحظات زندگی به فکر کمال علمی و عقلی خود باش.

موضوع دیگری را که می‌خواهم در اینجا به آن اشاره بکنم؛ این است: بلی، این درست که شما در یکی از مجموعه‌های از دانشجویانی اید که در یکی از دانشکده‌های مختلفی یکی از دانشگاه‌ها درس را فرا گرفتید؛ اما باید شما جایگاه خود را بفهمید، بفهمید که چه رسالتی دارید؟

خداوند^۱ در قرآن کریم، در آیات اخیر سوره حدید می‌فرماید:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ

۱. آری؛ ترغیب دین به آموزش دانش، چنان است که زیادی از مردم این سخن علما را سخن رسول الله / دانسته‌اند. مرکز تدوین.

وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلْيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ^۱
 جوانانی که از مراکز علمی مختلف فارغ می شوند، هر کدام رسالت هایی دارند؛ اما رسالت شما را خداوند با این آیت چنین تشریح می کند:
 ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ﴾

(ما پیامبران خود را همراه با نشانه های آشکار و با حجت ها فرستادیم.)

﴿وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ﴾

(همراه با نشانه ها و حجت ها، کتابی را هم همراهی شان فرستادیم.)

﴿وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾

سیستم عدالت را هم - که چگونگی تطبیق عدالت را در جامعه بیان می کند - در اختیارش گذاشتیم؛

هدف از بعثت شان چیست؟

﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾

یعنی تا عدالت در جامعه پیاده شود.

به این اساس شما جوانانی که از شرعیات فارغ شدید، علم برداران پیام رسالت انبیاید، شما کسانی اید که عدالت را باید به مردم درس بدهید و برای تطبیق و پیاده کردن آن - که اساس یک جامعه پیشرفته و متمدن است - سعی بورزید و ارزش های عدالت را در جامعه عملی و پیاده کنید و نباید فراموش کنید که شما در کتاب، چه چیزها را برای مردم رهنمایی می کنید، راه رسیدن به سعادت ابدی در دنیا و آخرت را.

یقیناً هر محصل و هر جوان تحصیل کرده، در جامعه ارزش خود را دارد؛ اما شما جوانان و منسوبین شرعیات، عنوان «قطب نما»^۲ را در جامعه

۱. حدید / ۲۵. (به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم؛ تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوریم؛ تا الله معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می کند، آری؛ الله نیرومند شکست ناپذیر است.)

۲. قطب نما؛ وسیله کوچکی است به اندازه ساعت جیبی و یا کمی بزرگ تر و مانند آن، دارای صفحه مدرج و عقربه است، صفحه مدرج آن از صفر تا ۳۶۰ یا ۴۰۰ گراد و یا ۶۴۰۰ میلیم تقسیم بندی می شود، به کمک قطب نما می توانیم گرای مقناطیسی کلیه امتدادهای مورد نظر را اندازه گرفته و با در دست داشتن گرای مقناطیسی یک امتداد، جهت یابی بکنیم، در کشتی ها و



دارید، سمت حرکت و جهت حرکتِ جامعه را تعیین می‌کنید که جامعه به کدام سمت حرکت بکند؛ کشتی‌هایی که از خود قطب‌نما نداشته باشند و مسیر حرکت کشتی تعیین نشود، شاید کشتی‌ها غرق شوند، حتی گاهی اوقات هنگامی که انسان می‌خواهد به سمت کعبه نماز بخواند، توسط قبله‌نما و با قطب‌نما جهت را تعیین می‌کند.

شما هم در جامعه‌تان جهت حرکت جامعه و سمت حرکت ملت خود را تعیین می‌کنید که به کدام سمت حرکت بکند؟!

شما امتیاز دیگری - نیز- دارید، شما پاسدار هویت ملی کشورتان‌اید، مبنای عمده هویت ملی افغانستان را چه تشکیل می‌دهد؟

بدون شک دین و ارزش‌های دینی عمده‌ترین بنای هویت ملی ما را تشکیل می‌دهد و یقیناً جامعه انسانی به این ارزش‌های دینی نیاز بزرگ دارد.

دنیای امروز ما - با وجود پیشرفت‌هایی که در دانش معاصر داشت- بازهم بر لبه پرتگاه خطرناکی قرار گرفته که اگر انسان متوجه این ارزش‌های عمده در زندگی خود نشود، پیوندش را به ارزش‌های دینی مستحکم نسازد؛ تمدن و انسان امروز را به نابودی خواهد کشاند.

به این اساس شما باید این موضوع را هم، به عنوان یکی از ارزش‌های عمده زندگی خود بدانید و هویت جامعه خود را که عبارت از وجود ارزش‌های اصیل دینی در میان جامعه‌تان است، پاسداری کنید.

یقیناً شما مسئولیت‌های بسیار عمده و بزرگ دیگری هم دارید که من زیاد به آن تماس نمی‌گیرم؛ اما یقین دارم که امروز چلنج بزرگی که در جامعه ما و در جوامع مختلف بر ما حاکم است، چلنج علمی و چلنج فرهنگی و اخلاقی است.

چلنج علمی؛ قسمی که گفتم، امت‌های جاهل در جوامع انسانی جایگاه قابل احترام ندارد، ملت‌های با دانش‌اند که از خود جایگاه

هواپیماها برای جهت‌یابی از آن استفاده می‌شود؛ در صنایع نظامی کاربرد وسیعی دارد، از جمله دیده‌بان‌ها در مناطق عملیاتی به کمک آن جهت‌یابی می‌کنند، در صنایع مخابرات، کارهای پژوهشی و ساختمان، قبله‌نماها به کار برده می‌شود. نگاه: وبسایت دانشنامه رشد.

بسیار عمده‌ای دارند؛ اما علم بدون ارزش دینی و ارزش‌های انسانی و هویت‌های حقیقی، ارزشی ندارد، به گفتهٔ مولانا:

علم چون بر دل زند یاری شود

علم چون بر تن زند باری شود^۱

به علت اینکه اگر دانش انسانی توسط علم دینی، فرهنگ و ارزش‌های انسانی کنترل نشود، علم بلای بزرگی است که انسان امروز را تهدید می‌کند.

امروز ما می‌بینیم که جهان متمدن در برابر یک جنایت بزرگ قرن که در غزه^۲ صورت می‌گیرد خاموش نشسته‌است، اسرائیل از لحاظ علمی جامعه پیشرفته‌است؛ اما چون وجدان دینی‌شان مرده و جهان انسانی هم که وجدان دینی خود را از دست داده، در برابر این قتل‌عام و این کشتار بی‌رحمانه، چنان‌اند که گویا مسابقهٔ فوتبال را تماشا می‌کنند؛ بلی انگار در برابر دو تیم قرار دارند و منتظرند که کدام یک از این دو تیم‌ها غالب می‌شوند، اگر انگیزهٔ دینی قوی می‌بود، ضمیر مردهٔ جهان انسانی با این بی‌تفاوتی به این قضیه نمی‌دید و یکی از مصیبت‌هایی که دنیای امروزی را تهدید می‌کند و چیزی که هم مایهٔ تعجب و هم قابل تأسف است، این است که وقتی سلاح‌های جدیدی را که کارخانه‌های سلاح‌فروشی - در دنیای به اصطلاح متمدن - می‌سازند، تجربه می‌کنند و شاید هم بیست نوع سلاح را تجربه کنند؛ صاحبان کارخانه‌ها هم در اسرائیل آمدند که نحوهٔ

۱. مثنوی، دفتر اول، بیت: ۳۴۵۳.

۲. غزه؛ این شهر فلسطینی عرب‌نشین در شمال نوار غزه بر کرانهٔ بحر متوسط واقع است که ۷۸ کیلومتر از شهر قدس فاصله دارد، این شهر تقریباً در ۱۵۰۰ قبل از میلاد، تأسیس شده که حدود ۴۵ کیلومتر مربع مساحت داشته و جمعیت آن در سال ۲۰۰۶م، به ۴۰۹۶۸۰ نفر می‌رسید، در گذر تاریخ این شهر تحت اشغال جنگجویانی قرار گرفته‌است که در تاریخ معاصر خود زیر اشغال انگلیس قرار گرفت و در نتیجهٔ جنگ عرب و اسرائیل در ۱۹۴۸م، مصر سرزمین‌های باریکهٔ غزه را به‌دست گرفت و در سال ۱۹۶۷م، اسرائیل نوار غزه را اشغال کرد؛ مگر در ۱۹۹۳م، این شهر به‌دست قدرت‌های ملی فلسطین افتاد و پس از انتخابات سال ۲۰۰۶م، به دلیل اینکه جنبش فتح از تسلیم قدرت به حماس که در نتیجهٔ انتخابات برنده شده بود، ابا ورزید، جنگی میان جنبش فتح و جنبش مقاومت اسلامی حماس در گرفت که سرانجام غزه در کنترل حماس قرار گرفت؛ ولی از آن زمان به بعد غزه تحت محاصرهٔ اسرائیل و مصر قرار گرفت، پس از انقلاب مصر گذرگاه رفح به‌روی غزه باز شد. نگاه: وبسایت القدس العربی.



تطبیق سلاح خود را ببینند، خوب این سلاح بالای که تطبیق می‌شود؟ بالای کودکان ناتوان، جوانان برومند، زنان فقیر و محروم یک ملت، این خود دلیل روشنی است به فقر فرهنگ دینی در میان جوامع انسانی که متأسفانه، فقط در فکر به دست آوردن پول‌اند و لو به قیمت کشتار انسان‌ها باشد، دیگر چیزی به نام ارزش‌ها و کرامت‌های انسانی و حقوق انسانی؛ چون حق آزادی و حق خودارادیت و ده‌ها حق دیگر، هیچ برای شان ارزشی ندارد.

چیز دیگری را که برای تان می‌خواهم تأکید بکنم، این است که در جوامع تنها چیزی که بسیار با ارزش بوده و مهم است و جامعه را می‌سازد تنها پول نیست؛ یعنی جامعه را تنها سرمایه‌های مادی نمی‌سازد؛ بلکه جامعه را انسان‌ها می‌سازند، انسان‌های معتقد، انسان‌های با دانش و انسان‌های با ایمان.

روزی حضرت عمر فاروق > به جایی رفته بودند، دیدند تعدادی از یاران و اصحاب پیغمبر / در جایی نشسته‌اند و با هم فکر می‌کنند و -به اصطلاح- آرزوهای خود را باهم تبادل می‌کنند، یکی می‌گوید: مه در زندگی این آرزو را دارم و دیگری چیز دیگری؛ اما وقتی که خلیفه می‌آید، همه خاموش می‌شوند.

می‌پرسد: چرا خاموش نشستید؟

گفتند: ما آرزوها و تمناهای خود را با همدیگر در میان گذاشتم و حالا می‌خواهیم که تو هم آرزوی خود را در زندگی بگویی؛ که خلیفه چه آرزو دارد؟

او می‌گوید: بلی؛ من هم آرزویی دارم، تمنای من در زندگی ام این است که شخصیت‌های مثل «ابوعبیده جراح»^۱

۱. ابوعبیده بن الجراح الفهری؛ از یاران باوفای رسول الله / بود که به راهنمایی حضرت ابوبکر صدیق > به اسلام مشرف شد، همراه با مهاجران اول به حبشه هجرت کرده و سپس به مدینه منوره رفت؛ در همه جهادها و غزوها از بدر گرفته تا پایان عمر مبارک رسول الله / همراه ایشان شرکت داشت، در غزوۀ بدر پدرش که مشرک بود هربار جلوی ابوعبیده > را می‌گرفت که با او بجنگد و ابوعبیده > مسیرش را تغییر می‌داد و از او دور می‌شد، وقتی دید پدرش دست‌بردار نیست به او حمله‌ور شد و او را کشت، در همین مورد، خداوند تعالی آیه ۲۲

- که به نام امین امت^۱ پیغمبر / یادش می‌کردند؛ چون او انسان بسیار امانت‌داری بود- و سالم^۲ مولای حدیفه- که هرچند در آغاز او یک غلام بود؛ اما در دوران اسلامی آزاد شد و به یک شخصیت بسیار برجسته‌ای تبدیل شد- در نظام ما وجود داشته باشد که توسط آنان من این جامعه را بسازم.^۳

آری؛ توسط پول، جامعه ساخته نمی‌شود، توسط انسان‌های بزرگوار مثل ایشان جامعه ساخته می‌شود.

امیدوارم که شماها هم، چنین شخصیت‌هایی باشید.

نکته دیگری که مهم است، این است که اصلاح در جامعه، از کجا شروع می‌شود؟

اصلاح‌گری از شخص شروع می‌شود، انسانی که صالح نباشد، اصلاحات را به‌میان آورده نمی‌تواند، ما هر قدر اصلاح، اصلاح بگوییم؛ تا زمانی که صالحی نباشد، اصلاحی به‌میان آمده نمی‌تواند، انسان‌های

سوره مجادله را نازل فرمود، این صحابی جلیل‌القدر بعد از رحلت رسول الله / نیز در بسیاری از جنگ‌ها و مبارزاتی که بین لشکر اسلام و کفار در زمان حضرت ابوبکر صدیق > و عمر فاروق > رخ داد، اشتراک کرد و پیروزی‌های زیادی نصیب اسلام و مسلمانان شد، سرانجام این یار با وفای رسول الله / به عمر ۵۸ سالگی در ۱۸ هجری در طاعون عمواس در محل فحل و بنا به قولی در جاییه در جهاد شام درگذشت و معاذ بن جبل > بر وی نماز خواند و در محل بیسان دفن شد. نگاه: ابن کثیر، البدایة والنهایة، ج: ۵، ص: ۱۶۹ و حلیة الأولیاء، ج: ۱، ص: ۵۲ و معرفة الصحابة لأبی نعیم الأصبهانی، ج: ۱، ص: ۶۵.

۱. در مورد «امین امت» که لقب ابوعبیده بن جراح است، امام بخاری G از انس بن مالک > روایت می‌کند که رسول الله / فرمودند: ﴿إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَمِينًا وَإِنَّ أَمِينَنَا أُتْبِهَا الْأُمَّةُ أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ﴾ (هر امتی امینی دارد و ابوعبیده بن جراح امین این امت است). نگاه: صحیح البخاری، ۹۳/۷، فی فضائل الصحابة، باب مناقب أبی عبیده بن الجراح > .

۲. سالم >؛ اوّلین شخصیتی که از اهل فارس شرف و افتخار ملاقات با رسول الله / و ایمان به وی را کسب کرد، سالم غلام ابوحذیفه بود که در تمام نبردها در رکاب رسول الله / با دشمنان جنگید؛ تا اینکه رسول الله / از دنیا رحلت کرد و امور مسلمین به خلیفه‌اش ابوبکر صدیق > واگذار شد، دیری از خلافت ابوبکر صدیق > نگذشته بود که توطئه مرتدین خبر از پیکار سخت و جانفرسا را داد و آن نبرد یمامه بود، سرانجام این یار با وفای رسول الله / در نبرد یمامه به شهادت رسید. نگاه: صحیح البخاری، مسند امام احمد، سیر أعلام النبلاء- للذهبی، اسدالغایة فی معرفة الصحابة- لابن اثیر و رجال حول الرسول- لخالد محمد خالد و وبسایت بیداری اسلامی.

۳. راجع به اینکه حضرت عمر > آرزو داشتند که این دو شخصیت؛ در نظام می‌بودند، به کتاب: تاریخ المدینة، مقتل عمر بن خطاب > از ابن شبة مراجعه فرمایید.



صالح‌اند که اصلاحات را در جامعه به‌میان می‌آورند؛ اصلاح فرد، خانواده و جامعه منجر به اصلاح همه جهان بشری می‌شود.

امیدوارم که شما شاگردان عزیز! به‌عنوان عناصر صالح، مصلح و گوهرهای بسیار باارزشی در جامعه، سمت حرکت جامعه خود را طوری تعیین کنید که همگام با هویت ملی شما باشد؛ زیرا ملت‌هایی که دیروز را نداشته باشند، امروز و فردا را نمی‌داشته باشند، داستانی است که آن را مختصر برای تان بیان می‌کنم و بعد گپ‌های خود را ختم می‌کنم.

می‌گویند: در عراق کسی بود به‌نام «ابوالیقظان»^۱ یعنی آدم بسیار هوشیار، همیشه صحبت‌هایی می‌داشت و همیشه بسیار فکر می‌کرد که چگونه می‌توان خرابی‌های جامعه را اصلاح کرد؟

روزی به صحرایی رفت و با خود فکر می‌کرد، او به قدری در چُرت و فکر خود غرق شده بود که چنان پیش رفت که در میان صحرا راه را گم کرده بود که از کجا آمده و به کجا می‌رود؟!

در لحظاتی که نزدیک بود از بین برود از قضا قافله‌ای در رسید، از او پرسیدند که در این صحرای خشک و بی‌آب و علف چه می‌کنی؟ و به کجا می‌خواهی بروی؟

ابوالیقظان به قدری حواسش پرت و پریشان شده بود که گفت: کسی نفهمد که از کجا آمده؟! سمت رفتنش را کی می‌فهمد.

در جامعه هم باید ما سمت حرکت خود را که تعیین بکنیم و بفهمیم که جهت حرکت ما از کجا آغاز شده و به کجا می‌رویم؟ لذا کسانی که خواسته باشند با فرهنگ‌های سیکولاریستی^۲ که اصلاً در اینجا در تاریخ

۱. ابوالیقظان؛ اسم او عامر بن حفص و لقبش سجیم است، ابوالیقظان عالم به اخبار و انساب و مآثر و مثالب و در روایت ثقة بود، وفات این عالم بزرگ را سال ۱۹۰ هـ.ق، گفته‌اند. نگاه: لغت‌نامه دهخدا.

۲. سکولاریزم یا گیتی‌گرایی؛ عقیده‌ای است، مبنی بر جداسدن نهادهای حکومت و کسانی که بر مسند دولت می‌نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام‌های مذهبی، از آنجا که اصطلاح سکولاریزم در موارد مختلفی استفاده می‌شود، معنای دقیق آن براساس نوع کاربرد متفاوت است، در حکومت معنای سکولاریزم، عدم دخالت باورهای مذهبی در امر حکومت است، در جامعه‌شناسی، سکولاریزم به هر موقعیتی که در آن جامعه مفاهیم مذهبی در تصمیم‌گیری‌ها کم‌تر دخالت داشته باشد، اطلاق می‌گردد، واژه سکولار در زبان لاتین به‌معنای «این جهانی»،

ما وجود نداشته باشد، سمت حرکت را از نقطه‌های دور از ارزش‌های دینی و هویت دینی و ملی ما شروع بکنند، به یک صحرای می‌رود که جهت‌شان به پرتگاه سقوط می‌رود.

پس جهت حرکت را، شما باید دقیقاً تعیین کنید و باید این حرکت را از تاریخ، هویت دینی و ارزش فرهنگی خود آغاز کنیم و به همین جهت به پیش برویم، فرهنگ‌های بیگانه و دین‌ستیز اصلاح را در جامعه و در میان ملت نمی‌آورد و مصیبت امروز ما و داد و اوویلا مان از فساد و بدبختی هم، به همین علت است که نقطه آغاز حرکت خود را درست تشخیص ندادیم؛ تا سمت آینده خود را تشخیص بدهیم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ^۱، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

«دنیوی»، «گیتیانہ» و متضاد با «دینی» یا «روحانی» است و در عربی آن را به معنای علمانیت برگردان کرده‌اند؛ چون اگر آن را به معنای اصلی آن برگردان می‌کردند، حساسیت برانگیز بود؛ لذا به علمانیت در عربی و عین اصطلاح را در فارسی به کار بردند. نگاه: فرهنگ واژه‌ها، ص: ۳۲۷ - ۳۴۲ و والتطرف العلمانی فی مواجهة الإسلام، از دکتر یوسف قرضاوی. ۱. گذشت.

خطابه پنجاه و پنجم

در گردهمایی جوانان جمعیت اسلامی افغانستان؛

مکان: کابل؛

زمان: ۲۵ / ۱۱ / ۱۳۸۷ هـ ش

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ؛^۱ وبعده:

جوانان عزیز!

خوشحالم که امروز در جمع شما قرار دارم، با دیدن شما خاطراتِ روزگار جوانی و تحصیل به یادم آمد که چگونه با افکاری راجع به سرنوشت آینده سیاسی کشور سرگرم بودیم.

شما امروز در برابر امتحان تاریخ قرار دارید، گروه‌های سیاسی تا زمانی که به صورتِ هماهنگ کار نکنند، اثرگذار نمی‌باشند، مجموعه‌های کوچک نمی‌توانند در مسیر تحولاتِ فعلی، اثرگذاری داشته باشند، اینجاست که باید مجموعه‌هایی که پراکنده کار می‌کنند، به صورتِ هماهنگ کار کنند، شما جوانان -که رهبران آینده‌اید- باید رهبری تفکراتِ سیاسی و اجتماعی جامعه خود را به دستِ خود بگیرید، شما وقتی می‌توانید موفقانه این رسالت را انجام بدهید که یکدیگر خود را بشناسید، با همدیگر کار کنید و با اندیشه‌های یکدیگر آشنایی پیدا بکنید، سنتِ تاریخ است که نسلی به سال رسیده، مسئولیت‌ها، هدف‌ها و اندیشه‌ها را به نسل بعدی می‌سپارد، رسالتی را که نسل ما به دوش کشیده بود، از این به بعد مربوط به شماست، شما وارثِ برحقِ این ارزش‌هایید،

۱. ستایش برای پروردگار بزرگ است و پس، درود و سلام به رسول الله.



وارث برحق این سرزمین‌اید، باید جایگاه خود را در رهبری و در عرصه تفکرات و اصلاحات اجتماعی در جامعه تثبیت کنید.

از همین حالا باید کار را شروع کنید، وقتی فردا مصروف شدید، شاید نتوانید کار زیادی را به پیش ببرید، در این مرحله که علم می‌آموزید، باید در این مرحله خود را سازماندهی هم بکنید.

بر همین مبنا بود که از همه برادران عزیز خواستم هماهنگ شوند که البته این یک گام نخست است، کارهای زیادی باید انجام بدهید و با یک اراده شکست‌ناپذیر کار و تلاش کنید، کاری که در جوانی آغاز می‌گردد، باید پیگیری شود، نباید کار مقطعی و فصلی باشد، فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و با هرکار دیگری که صورت می‌گیرد، باید با اراده قوی و با پشت‌کار صورت گیرد.

واضح است که دشواری‌هایی پیش‌روی انسان قرار می‌گیرد، زندگی کشمکش و تلاش همیشگی است، اگر در زندگی مشکلات نباشد مبارزه مفهوم خود را از دست می‌دهد، تقوی، ایمان و پاکی ویژگی‌های عمده‌ای است که باید شما در نظر داشته باشید، در همه کارها و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی‌تان باید پاکیزگی و تقوی را از یاد ببرید.

دوّمین ویژگی که باید در کارهای‌تان وجود داشته باشد، این است که مصمّم و با اراده باشید، وقتی کاری را که شروع کردید، کوشش کنید که آن را به نتیجه برسانید، کارهای خود را در نیمه‌راه رها نکنید، انسان‌هایی که کاری را در نیمه‌راه می‌گذارند و کار دیگری را شروع می‌کنند، هیچ چیزی از دست‌شان بر نمی‌آید، بکوشید کشمکش‌ها و اختلافات شخصی، قومی، زبانی و سمتی را کنار بگذارید، روی باورهای دینی و مصالح ملی جمع شوید، بکوشید که از همین حالا اختلافات خود را کم بسازید.

شکی نیست که انسان‌ها محصولات ماشینی نیستند، تفکرات مختلف و نظریات مختلف دارند؛ اما نباید افکار متفاوت باعث تفرقه و اختلاف شود؛ بلکه باید باعث تکامل و ترقی جامعه گردد، هر قدر که جامعه از



تفکرات مختلف شکل گیرد، به همان اندازه جامعه متکامل می‌شود.

من یقین دارم که نسل امروز، نسل بسیار هوشیاری است، فهم وسیعی در رابطه به جامعه دارد، در روزگار ما وضعیتی خوبی نبود، رسانه‌های آزاد اصلاً وجود نداشت، کتاب بسیار کم بود، به یاد دارم که کتابی در ایران برضد تفکرات مارکسیستی نوشته شده بود، یک نسخه آن را که به دست ما رسیده بود، آن را صدها نفر خواندند، یکی به دیگری می‌فرستادند و عده‌ای نسخه‌برداری می‌کردند، این کتاب‌ها و روزنامه‌هایی که امروز در اختیار شما قرار دارد، در دوران ما نبود، رسانه‌ها و انترنت^۱ و وسایل دیگری که در اختیار شماست، در روزگار ما نبود، امکانات امروز بسیار فراوان است، حالا شما می‌توانید، در پشت یک کامپیوتر بنشینید و توسط انترنت تمام دنیا را ببینید، روزنامه‌های تمام دنیا را بخوانید، رادیوها را بشنوید و به همه اطلاعات دسترسی پیدا کنید.

به این اساس شرایط و امکانات برای شما آگاهی بیشتر و نیرومندی بیشتر می‌بخشد، من به این عقیده‌ام که شما با همدیگر در رابطه باشید، از جوانانی که فعلاً در میان شما نیستند، بخواهید که با شما پیوندند، برنامه‌های‌تان را هماهنگ بسازید.

چیز دیگری را که بسیار مهم است و برای‌تان توصیه می‌کنم، این است که باید انگیزه کار و فعالیت را در وجود خویش تقویت کنید، برای هر جنبش و فعالیتی، انگیزه حتمی است، به اصطلاح الفبای هر حرکت وجود انگیزه است، شما انگیزه‌های نیرومندی دارید.

اول؛ انگیزه اعتقادی دارید؛ یعنی شما برای دین کار می‌کنید؛

دوم؛ اینکه شما جوان‌اید و سرشار از عشق به کار و فعالیت؛

سوم؛ شما در برابر یک نوع تهاجم فکری و فرهنگی قرار دارید.

۱. انترنت «Internet»؛ سامانه‌ای جهانی از شبکه‌های رایانه‌ای به هم پیوسته است و به عبارت دیگر انترنت، شبکه شبکه‌هاست که از میلیون‌ها شبکه خصوصی، عمومی، دانشگاهی، تجاری و دولتی در اندازه‌های محلی و کوچک تا جهانی و بسیار بزرگ تشکیل شده است که با اراییه وسیعی از فناوری‌های الکترونیکی و نوری، به هم متصل شده‌اند، ریشه این شبکه عظیم جهانی به دهه ۱۹۶۰م، باز می‌گردد. نگاه: اصول مهندسی انترنت، از دکتر ملکیان.



«هر عمل یک عکس‌العمل دارد.»^۱

وقتی ارزش‌های ما زیر پا می‌شود، وقتی کشور ما در حالت بدبختی و افسردگی به سر می‌برد، پس بالطبع ما نمی‌توانیم در برابر آن آرام باشیم؛ چهارم؛ انگیزه دیگر جوانان این است که می‌خواهند حضور داشته باشند؛ یعنی در سیاست و در تحولات اجتماعی تأثیرگذار باشند؛

پنجم؛ دیگر اینکه شما با این باور که وارث مجموعه‌ای از افتخارات بزرگ تاریخی و ارزش‌ها و دست‌آوردهایید؛ یعنی وارث برحق این سرزمین‌اید، این انگیزه هم شما را به حرکت و کار و فعالیت وادار می‌کند و به همین اساس، هم‌چشمی و رقابت با دیگر گروه‌ها و مجموعه‌ها می‌تواند، برای نسل جوان انگیزه ایجاد بکند، این‌ها همه برای جوانان انگیزه ایجاد می‌کنند.

من شب گذشته سایت‌های اینترنتی را می‌دیدم، سایتی یافتم، تحت عنوان «جوانان بیدار» از بررسی مطالب و عکس‌ها دانسته می‌شد که یک‌گروه چپی و مارکسیستی‌اند، در این سایت به ارزش‌های دینی توهین شده بود و مردم را به بی‌دینی فرا می‌خواندند، آن‌ها در راستای باورهای نادرست خویش می‌کوشند، در حالی که شاید آنان مجموعه‌های بسیار کوچکی باشند.

توصیه ما این است که شما باید سایت‌های اینترنتی داشته باشید، شرایط برای شما خیلی مساعد است، وقتی ما به مبارزه شروع کرده بودیم، جایی برای نشستن نداشتیم، ما در زمستان‌های سرد آن زمان، زیر بیست درجه زیر صفر، در «باغ بابر»^۲ از طرف شب روی زمین یخ‌بسته جلسه می‌گرفتیم و پیام خود را با یکدیگر تبادل می‌کردیم؛ اما امروز آن شرایط نیست، شما می‌توانید در تالارهای بسیار سرگشاده در حضور

۱. جمله فوق؛ قانون سوم نیوتن است.

۲. باغ بابر؛ یکی از باغ‌های تاریخی شهر کابل است که قدامت دیرینه دارد، این باغ در منطقه گذرگاه در ناحیه هفتم شهرداری کابل با مساحت ۵۵ جریب در دامنه غربی کوه شیر دروازه اخذ موقع کرده‌است، گفته می‌شود که این باغ توسط ظهیرالدین محمد بابر بنیان‌گذار امپراتوری گورکانیان هند، پس از آنکه کابل را به تصرف خود درآورد، بنا نهاده شد، از همین‌رو این باغ به نام وی مسمی گردیده‌است. نگاه: وبسایت رادیو آزادی.

رسانه‌های جمعی، حرف‌های خود را بیان کنید، شرایط تغییر کرده، فعلاً ماوشما در اوضاع بهتری قرار داریم؛ لذا توصیه می‌کنم که از شرایط استفاده زیاد کنید، اگر چنین نکنید، عرصه را به دیگران می‌گذارید، سنت زندگی همین است که در تنازع بقاء، میدان از کسی است که نیرومند باشد. خداوند^۱ در قرآن کریم می‌فرماید:

«ای مسلمانان کسی از شما که از دین خود مرتد می‌شود، خداوند مردمی را خواهد آورد که خداوند را دوست می‌دارند و خداوند هم آنان را دوست می‌دارد، آنان در برابر مؤمنان متواضع و در برابر کافران سرفراز خواهند بود، در راه خدا مبارزه می‌کند و در برابر ملامت ملامت‌کننده هراسی ندارند؛ یعنی مردمان دلیر و شجاع‌اند.»^۱

بر این اساس، اگر شما صحنه را برای دیگران بگذارید و کسانی که معتقد به دین نیستند، بیایند رهبری جامعه را آن‌ها بگیرند، نسل دیگری که بهتر از شماست جای‌تان را خواهد گرفت، بناءً اجازه دهید که حاکمیت فکر و اندیشه از دست شما برود، شرایط مساعد است، باید زیاد کار کنید، یقیناً جوانانی که در اینجا هستند، کسانی‌اند که در سنگرهای پرافتخار جهاد در دوره‌های مختلف نقش داشتند، همه شما در یک پیوند فشرده قرار دارید، از یکدیگر بیاموزید، کسانی که تجارب بیشتر دارند، باید پیشرو باشند، جوانان دیگر که تازه به میدان آمده‌اند، باید بیاموزند، با گذشته‌های خود ارتباط فکری داشته باشند.

موضوعی که توجه شما را به آن جلب می‌کنم، این است که یک‌نوع هجومی علیه فکر و فرهنگ ما در جریان است، مخصوصاً قدسیت‌ها را می‌خواهند پامال کنند، مثلاً می‌خواهند جهاد و مبارزه مردم افغانستان را با افتراآت بدنام سازند، مجاهدین را جنگ‌سالار و تفنگ‌سالار می‌نامند و یا اینکه می‌گویند: افغانستان را ویران کردند، کسانی این حرف‌ها را می‌گویند، خودشان در افتخارات مقاومت و جهاد و آزادی وطن حضور

۱. ترجمه معانی بخشی از آیه ۵۴ سوره مبارکه مایده است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾



نداشتند، آن‌ها اکنون احساس تقصیر و خجالت می‌کنند، آن‌ها می‌بینند که در سنگرهای دفاع و مقاومت حضور نداشتند، وقتی ملت با پای برهنه در برابر اتحاد شوروی جهاد می‌کرد، آن‌ها از دور مسخره می‌کردند و در خواب خرگوشی خود بودند، وقتی آمدند می‌خواهند اکنون حرفی برای گفتن داشته باشند؛ اما حرف‌های نادرستی می‌گویند و به ارزش‌های جهاد و مقاومت ناجوان‌مردانه حمله می‌کنند، باید از تاریخ پرافتخار جهاد خود دفاع بکنیم، این جهاد نه تنها در تاریخ افغانستان بی‌نظیر بوده؛ بلکه در تاریخ جهان کم‌مانند است، اینکه یک سلسله مشکلات پیدا شد و عناصر مفسدی کارهای نادرستی را انجام دادند، نمی‌توانند سیمای درخشان جهاد و مجاهدین را لکه‌دار سازد.

شما تحولات تاریخی کشورهای دیگر را مطالعه کنید، در برخی انقلاب‌ها، میلیون‌ها انسان کشته شد، در کشورهای شرقی طبعاً تلفات زیاد است، در همین کشورهای غربی که خود را عاظم‌بردار آزادی و حقوق بشر می‌دانند، تاریخ‌شان مملو از جنگ‌های خونین است، اروپا دو قرن تمام با یکدیگر جنگیدند.

انقلاب‌های فرانسه که همه اروپا به آن افتخار هم می‌کنند، یکی از این انقلاب‌هاست که بیشترین خون‌ها پس از پیروزی انقلاب کبیر فرانسه^۱ ریزانده شده، نود هزار نفر - که شماری از آن‌ها انقلابیون هم بودند - سر بریده شدند؛ اما غربی‌ها آن انقلاب را به‌نام انقلاب کبیر می‌گویند.

هنگام تأسیس ایالات متحده آمریکا، سفیدپوستان اروپایی حدود ده میلیون سرخ‌پوست را در آمریکای شمالی و جنوبی کشتند و مدت‌های زیادی درگیر جنگ داخلی بودند، بعد از اینکه جنگ‌های‌شان خاتمه یافت، آن روز را به‌نام روز آزادی و استقلال نام نهادند.^۲

حرکت‌های مسلحانه که در مغرب‌زمین صورت گرفت، زیربنای تمام

۱. انقلاب فرانسه (۱۷۸۹ - ۱۷۹۹ م)؛ دوره‌ای از دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی در تاریخ سیاسی فرانسه و اروپا بود، این انقلاب، پس از فرازونشیب‌های بسیار، منجر به تغییر نظام سلطنتی به جمهوری لایک در فرانسه انجامید. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۱۱۳.

۲. چهارم جولای؛ روز استقلال ایالات متحده آمریکا.

نظام‌های سیاسی کنونی است، آن‌ها را هیچ‌کس حرکت‌های تروریستی و تفنگ‌سالار نخوانده‌است، «دوگول»^۱ جنگ کرد، وقتی آزادی فرانسه را از آلمان^۲ گرفت، او به‌عنوان قهرمان بزرگ نه‌تنها در فرانسه؛ بلکه در جهان امروزی شناخته شد، حزب دوگول^۳ به‌عنوان حزب قدرتمند فرانسه - که سارکوزی رئیس‌جمهور کنونی،^۴ عضو آن است - در آن کشور دارای نفوذ زیادی است، حکومت‌های فرانسه یکی بعد از دیگری در اختیار این حزب قرار می‌گیرند، احزاب دموکرات و جمهوری‌خواه در امریکا و همین‌طور در انگلستان^۵ و هند کبیر احزابی‌اند که در اوج تنش‌ها اساس‌گذاری شده‌اند؛ اما امروز در رهبری جامعه‌شان نقش اصلی دارند؛ اما در افغانستان وقتی در برابر اتحاد شوروی مُبارزه صورت گرفت، بعد از پیروزی، داستان جنگ‌سالار و تفنگ‌سالار سر داده شد و خواستند که

۱. شارل آندره ژوزف ماری دوگول؛ معروف به جنرال دوگول، در ۲۲ نوامبر ۱۸۹۰ م، در شهر «لیل» فرانسه چشم به جهان گشود، از مدرسه نظامی «سنت‌سیر» فارغ‌التحصیل گردید، در بست‌های فرمانده نیروهای فرانسه آزاد، رئیس حکومت مؤقت جمهوری فرانسه، نخست‌وزیر فرانسه و وزیر دفاع فرانسه کار کرده بود، در ۹ نوامبر ۱۹۷۰ م، در دهکده «کولومبه - له - دو - اگلیز» فرانسه چشم از جهان فرو بست. نگاه: دنیای مشاهیر، ص: ۶۰ - ۶۱.

۲. جمهوری فدرال آلمان؛ کشوری در قاره اروپاست، مساحت آن ۳۵۷۰۲۲ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۸۱۶۴۴۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، واحد پول آن یورو، زبان رسمی آن آلمانی و پایتخت آن شهر برلین است، بنابر آمار منتشره از طرف دولت آلمان، در سال ۱۹۹۹ م، تعداد مسلمانان در این کشور حدود سه میلیون نفر بود، مسلمانان بعد از پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها سومین فرقه مذهبی آلمانی‌اند. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۶ و وبسایت راسخون.

۳. در فرانسه بعد از اشغالی که در زمان «هیتلر» صورت گرفت، دو نفر مدعی تفکرات ایدئولوژیک بودند؛ یکی آن جنرال دوگول بود که امروز گلیست یا دوگلیست‌ها که به تنهایی خودشان جریان حزبی‌اند و تفکر خاصی را در فرانسه دنبال می‌کنند و خود را منسوب به حزب دوگلیست‌ها می‌دانند. نگاه: احزاب سیاسی در فرانسه، از دکتر حجت‌الله ایوبی، ص: ۲۸۶.

۴. نیکلا سارکوزی؛ از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ م، رئیس‌جمهور فرانسه بود. نگاه: جناح راست فرانسه: از دوگول تا سارکوزی، از حجت‌الله ایوبی.

۵. انگلستان؛ نام نیمه جنوبی جزیره بریتانیای کبیر و یکی از چهاربخش کشور پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی است، این کشور در منابع فارسی اغلب به‌طور خلاصه انگلیس خوانده می‌شود، مردم انگلیس مسیحی و اکثراً پروتستان‌اند، در سرشماری سال ۲۰۰۱ م، نزدیک به یک‌ونهم میلیون مسلمان در انگلستان و «ولز» وجود داشت، مساحت این کشور ۲۴۴۱۰۰ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۶۲۲۷۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، شهر «لندن» پایتخت انگلستان و در عین حال پایتخت پادشاهی بریتانیاست. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی و وبسایت همشهری آنلاین.



با پخش شایعات و اتهامات، نسل جوان را دچار تردید کنند و آن‌ها را به گذشتهٔ پرافتخارشان بی‌باور سازند، گذشته‌ای که تاریخ را ساخت، جغرافیا را تغییر داد و ملت‌های زیادی را آزاد کرد، ملت‌هایی که حرکت خود را بر مبنای افتخارات تاریخی خود استوار نسازند، ملت‌های بی‌هویت می‌باشند، آن‌ها نمی‌توانند به عنوان یک واقعیت، موجودیت خود را تثبیت کنند.

توصیهٔ من برای شما این است که خود را در برابر این توطیه‌ها آماده بسازید، به خود ببالید و افتخار بکنید، امیدوارم آن روزها بسیار نزدیک باشد که شما به موج خروشانی تبدیل شوید و تحوّل بزرگی در سرزمین تان بیاورید، جوانان زیادی را بر محور آرمان‌های بلند خود جمع کنید، بایمان و تصمیم قاطع باید خود را آماده بسازید، هر تحوّل اصلاحی که به نفع ملت و مردم تان باشد، شما در پیشاپیش آن تحوّل باشید؛ زیرا شما نسلی اید که صاحب پشتوانهٔ بزرگی از حماسه‌های تاریخی می‌باشید، شما به دیگران پیام ایمان و تقوی و طهارت را برسانید. من یقین دارم، از این به بعد احزابی که معتقد به انتخابات و آرمان‌های جهاد و مبارزه‌اند، احزاب تاریخ‌ساز می‌باشند، شما جوانانی اید که آینده را می‌سازید، کسانی که برای کشور کاری نکردند، آن‌ها نباید جای کسانی را بگیرند که برای کشورشان حماسه آفریده‌اند، آن‌ها هیچ‌گاهی با شما برابر نخواهند بود.

در میان شما برادرانی هستند که در عمق تحولات بوده‌اند و هستند، علمای جوان، آقای ریگستانی،^۱ آقای واقف،^۲ آقای شمس‌الله خان، این‌ها

۱. صالح محمد ریگستانی فرزند قباد خان در سال ۱۳۴۲هـ.ش، در روستای بازارک ولایت پنجشیر به دنیا آمد، وی فارغ دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل است، از سال ۱۳۵۹هـ.ش، به صف جهاد پیوست و از سال ۱۳۷۶ الی ۱۳۷۹هـ.ش، به حیث اتشۀ نظامی در تاجیکستان و از سال ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۳هـ.ش، اتشۀ نظامی در روسیه و نمایندهٔ مردم در شورای ملی کار کرده‌است، هم‌چنان ایشان از اعضای جمعیت اسلامی افغانستان است. نگاه: وبسایت شورای ملی افغانستان.

۲. ایشان در پاسخ پرسش روزنامه‌نگاری خودش را چنین معرفی می‌کند: من عبدالشکور نام دارم و واقف حکیمی تخلص می‌کنم، در فیض‌آباد بدخشان زاده شدم دورهٔ ابتدائیه مکتب را در همان‌جا به پایان رسانیدم و در سال ۱۳۵۸هـ.ش، در نظام کمونیستی مورد پیگرد قرار گرفتم، با آنکه هنوز صنف نهم مکتب بودم، به ولسوالی شغنان تبعید شدم؛ اما از رفتن به

کسانی اند که در این رابطه با شما همکار خواهند بود.
أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ.^۱



شغنان خودداری کردم؛ لذا به مکتب شیرخان قندز، تبعیدم کردند، مدت یک ماه در قندز درس خواندم؛ اما به دلیل اینکه از طرف نظام کمونیستی بازهم تعقیب می‌شدم و متوجه شدم که به گرفتاری‌ام می‌انجامد، به کابل آمدم، می‌خواستم با جمعی از جوانان دانشگاهی به پاکستان مهاجر شوم؛ اما «میراحمد مستمند» رهنمای ما که محصل دانشکده ادبیات دانشگاه کابل بود با شماری از جوانان دستگیر شدند و من دوباره به طرف قندز برگشتم، در آنجا تا آخر سال تعلیمی با جمعی از دوستان تبعیدی به کارهای شاقه پرداختیم و در آخر سال تعلیمی دوباره به بدخشان باز گشتم و وارد جبهات جهاد شدم و در سال بعدش به پاکستان مهاجر شدم و در آنجا دوباره به تحصیلاتم ادامه دادم و در سال ۱۳۶۸ هـ.ش، از دانشگاه دعوت و جهاد فارغ‌التحصیل شدم و پس در رشته علوم اسلامی از دانشگاه بین‌المللی اسلام‌آباد ماستری گرفتم. ازدواج کرده‌ام، پنج فرزند دارم که دوتا دختر است و سه تا پسر و قابل ذکر است که در سال ۵۷ به صفوف مبارزان جمعیت اسلامی پیوستم. نگاه: وبسایت بام دنیا.

۱. گذشت.

خطابه پنجاه و ششم

به مناسبتِ بزرگداشت از قیام سوّم حوت ۱۳۵۸ هـ ش؛

مکان: کابل؛

زمان: یکشنبه، سوّم حوت، ۱۳۸۷ هـ ش.

الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى^۱؛ وبعد:
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

درود فراوان بر روان فرزندانِ صدیقِ این سرزمین، خواهران و برادرانی که در صبحگاه جوانی در راه دفاع از دین، مردم و سرزمین‌شان، در سوّم حوت ۱۳۵۸ هـ ش،^۲ قیام کردند و جان‌های شیرین خود را قربان کردند و درود بر روان همه شهیدان و در رأس سپه‌سالار شهید احمدشاه مسعود. و از جوانان عزیزی که در تجلیل از قیام بزرگ سوّم حوت کابل، این جلسه را تنظیم کردند، اظهار سپاس و شکران می‌کنم.

بجاست که نسل جوان ما چنین رسالتی را به‌دوش بگیرد؛ زیرا رستاخیز اسلامی ما در حقیقت نهضت نسل جوان بود، البته جوانان همیشه چنین رسالتی را بردوش داشته‌اند.

پیامبر گرامی / خود به این حقیقت گواهی می‌دهد، جایی که می‌فرمایند:

﴿اتَّقُوا اللَّهَ فِي الشَّبَابِ فَإِنِّي كُلَّمَا بَدَأْتُ بِالدَّعْوَةِ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ وَحَالَفَنِي الشَّبَابُ﴾^۳

۱. گذشت.

۲. نگاه: کرونولوژی حوادث تاریخی افغانستان، ص: ۴۱.

۳. گذشت.



ای مسلمانان در مورد جوانان ترس خدا را در نظر داشته باشید؛ زیرا من وقتی به دعوت آغاز کردم، پیرمردان مخالفت کردند، جوانان از من پشتیبانی کردند).

از حماسه‌های فراموش‌ناشدنی در تاریخ انسانیت، قیام‌های بزرگی است که ملت افغانستان در برابر جبّاران انجام دادند، باید نسل جوان از این قیام‌ها پاسداری کنند و از یک نسل به نسل دیگر این افتخارات را انتقال بدهند - به لطف خداوند - این رسالت را جوانان امروز ما به‌دوش گرفته‌اند؛ اما باید بدانند که نسل پیرتر امروز، روزگاری مثل شما جوان بودند، با شور و اشتیاق فراوان مبارزه کردند و قربانی دادند، در همین محفل چهره‌های بزرگواری از آن نسل افتخارآفرین در برابر ما قرار دارد، انجینر شهید زمانی که با مبارزه را آغاز کرد، نوجوانی بیش نبود.

حبیب الرحمن شهید^۱ که او هم جوان بود، روزی برایم گفت: «در لیسه استقلال^۲ نوجوان با استعدادی است، احمدشاه^۳ نام دارد و من در سیمای او نشانه‌های آینده درخشان را می‌بینم.»

قیام سوّم حوت؛ پیام‌های بزرگی داشت، یکی از پیام‌های آن قیام، این بود که نشان داد قلب افغانستان از حرکت باز نمانده است، در این قلب، هنوز شور و شوق انقلاب و تحرّک وجود دارد، این قیام برای جهانیان نشان داد که قلب افغانستان، در برابر تجاوزگر، خاموش نمی‌باشد، این پیام را مردم افغانستان گرفتند و به دنبال آن قیام‌های خونین دیگری در سراسر کشور صورت گرفت، ملت ما بعد از تلفات و قربانی‌های سنگین در صحنه‌های پرافتخار و حماسه‌آفرین، امروز وارد یک مرحله جدیدی شده است، اگر امروز حکومت داریم، اگر برای بازسازی و ثبات برنامه‌هایی وجود دارد، همه این‌ها محصول قربانی‌های بی‌دریغ، به‌خصوص قیام شهروندان کابل در سوّم حوت می‌باشد.

۱. نگاه: یادى از دو شهید، از شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی.

۲. این مکتب؛ در سال ۱۳۰۱ هـ.ش، در زمان حکومت امان‌الله خان تأسیس شد. نگاه: تاریخ معارف افغانستان، ص: ۲۹.

۳. منظور؛ قهرمان ملی کشور؛ شهید احمدشاه مسعود است.

اگرچه آرمان‌های زیادی در ضمیر شهدای عزیز ملت ما نهفته بود که هنوز ما به آن آرمان‌ها نرسیده‌ایم، هنوز هم مشکلات زیادی در مسیر کشور و مردم ما قرار دارد، هنوز صدای تفتنگ‌ها و انفجار بمب‌ها خاموش نشده‌است، هنوز امنیت در کشور استقرار نیافته؛ اما به مرحله رسیده‌ایم که استقلال، عزت و آزادی خود را پاسداری کنیم، ما می‌توانیم بحران‌های باقی‌مانده را حل کنیم، مسئولیت‌های زیادی است که در برابر ما قرار دارد، چند لحظه قبل یکی از دوستان گفتند: «ما در برابر تهاجم فرهنگی قرار داریم.»

شکی نیست که چنین حالتی وجود دارد، امروز کشور ما در معرض ورود فرهنگ‌های بیگانه قرار گرفته‌است، در برابر چنین اوضاع و احوال، هرفردی به‌جای خود مسئولیت دارد، مسئولیت نسل جوان بزرگ‌تر است؛ زیرا هدف این تهاجم نسل جوان است، چه باید کرد؟

با نفرین فرستادن و لعنت گفتن هیچ کاری نمی‌توان کرد، اگر ما با تاریکی، با نفرین مقابله کنیم، تاریکی از بین نمی‌رود، به‌خاطر از بین بردن تاریکی، بهتر است چراغی روشن کنیم،^۱ با روشن کردن این چراغ، می‌توان با تاریکی مقابله کرد.

هرگاه در برابر ارزش‌های دینی ما هجومی صورت می‌گیرد، مسئولیت همه ماست که برای تقویت فرهنگ و ارزش‌های خود، محورهایی را ایجاد کنیم، این مسئولیت‌ها در شرایط فعلی متوجه همه ماست، در پهلوی مسئولیت بزرگان، مسئولیت نسل جوان ما بسیار عمده‌است، طرف خطاب من شما جوانان‌اید، شما در برابر تهاجم فرهنگی بیدار باشید و به مبارزه علیه تاریکی‌ها بروید؛ اما به یاد داشته باشید که دوره کشمکش‌های مسلحانه گذشته‌است، نسل جوان ما باید از اندیشه‌ها و حرکت‌های افراطی و کارهای بی‌برنامه پرهیز کنند، جوانان باید به این فکر نشوند که تمام دروازه‌ها به‌روی‌شان بسته‌است و راه دیگر ندارند، جز اینکه به سمت گروه‌های انتحاری و گروه‌های افراطی بروند، با این

۱. اشاره به این سخن «کنفسیوس» فیلسوف چینی دارد که می‌گوید: «به‌جای آنکه به تاریکی لعنت بفرستید، شمع را روشن کنید.»



طرز تفکر، نه خدا راضی می‌شود و نه به اسلام و ملت خود خدمت کرده می‌توانیم؛ زیرا حیات انسان در دین ما، بسیار با ارزش است.

پیامبر گرامی / می‌فرماید:

«قسم به خدا ویران‌کردنی دنیا به نزد خدا کم‌اهمیت‌تر است، نسبت به اینکه یک قطره خون انسان، بیگناه ریخته شود.»^۱

باید نسل جوان ما با تفکر اعتدال‌گرایانه اسلامی که مسلمانان را به‌سوی عقلانیت و کارهای پلان‌شده و انسانی دعوت می‌کند آراسته شوند، ما باید با فرهنگ بیگانه با فکر و عقل مقابله کنیم، جنگ با فرهنگ مهاجم، با فرهنگ صورت می‌گیرد، با کارد و تیر و توپ نمی‌توانیم به مصاف فرهنگ مهاجم برویم.

جوانان ما باید مطمئن باشند که آینده خوبی پیش‌روی آن‌هاست، امروز بزرگ‌ترین گروه اجتماعی در کشورهای اسلامی جوانان‌اند.

به این اساس دین اسلام دین جوانان است، تصوّر من این است که اعلان جنگ علیه تروریسم باید اعلان جنگ علیه فقر، ظلم، بی‌عدالتی باشد، این‌ها ریشه تروریسم‌اند، لازم بود با عوامل تروریسم مبارزه می‌شد، اگر چنین می‌شد، امروز نتایج بهتری به‌دست می‌آمد، با وسایل نظامی ما هرگز بر مخالفین خود غالب نمی‌شویم؛ زیرا آن‌ها وسایل بسیار پیشرفته‌تری دارند، اگر ما بخواهیم تفکرات اسلامی را از طریق نظامی پیاده کنیم، هرگز این کار ممکن نیست، ما سلاح بسیار قوی‌تری داریم که آن عبارت از سلاح منطق و خرد است، بناءً ما ضرورت نداریم که با جنگ و خون‌ریزی کسی را به اسلام دعوت بکنیم؛ چرا از طریق مهر و محبت، انسان‌ها را به دین دعوت نکنیم؟

ما تاریخ اسلام را بخوانیم، فتوحاتی که از طریق دعوت و نرمش صورت گرفته‌است، به مراتب بیشتر از فتوحاتی است که توسط جنگ‌ها به‌دست آمده‌است، اندونیزیا^۲ بزرگ‌ترین کشور اسلامی است، هیچ

۱. منظور این حدیث مبارک است: ﴿لَوْ أَلَّ الدُّنْيَا أَهْوَنَ عَلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِ مُؤْمِنٍ بَغَيْرِ حَقٍّ﴾ رواه ابن‌ماجه.

۲. اندونزی؛ کشوری است که در آسیای جنوب‌شرقی و اقیانوسیه قرار دارد، مساحت آن

مسلمانی در آنجا شمشیر نکشیده است، مسلمانان تاجر که اخلاق عالی داشتند، مردم اندونیزیا را دعوت کردند، بت پرستان به خاطر اخلاق آنها به اسلام گرویدند، همین طور با مصرف پول هم نمی شود کسی را مسلمان ساخت، توصیه من این است که با ارزش های اخلاقی خود را مسلح بسازید و از این طریق بکوشید، ارزش های اسلامی را نشروپخش کنید.

به ارتباط قضایای سیاسی کشور، می خواهم چند مطلبی را بیان کنم - چنان که گفتم - افغانستان در یک مرحله خاصی قرار دارد، دنیا همه آمده است تا به مردم افغانستان همکاری کنند، در جریان همکاری شان اشتباهاتی را مرتکب شدند، بمب هایی را بالای خانه ها و قریه ها ریختند که تلفات زیادی را به بار آورده است و این کار نادرستی است که باید اصلاح شود، اگر چه این کار قصدی هم نباشد؛ اما نتایج نامطلوبی بجا می گذارد، مشکل حکومت ما این است که از حضور دنیا در افغانستان استفاده درست نکرده است، ما نباید به این امید باشیم که دنیا برای همیشه، برای امنیت افغانستان قربانی می دهد و پول مصرف می کند، اگر سیاستمداران افغانستان به این امید باشند که امنیت افغانستان همیشه توسط خارجی گرفته می شود و امنیت خودشان هم همیشه توسط محافظان خارجی گرفته می شود، این فکر نادرستی است، ما باید بدانیم که خارجی ها تا یک مرحله ای در سرزمین ما هستند.

من یقین دارم کشورهای هستانند که به فکر ماندن در این سرزمین نمی باشند، اگر به این فکر هم باشند، ملت افغانستان اجازه آن را نمی دهد که سرزمین شان همیشه تحت حمایت کشورهای خارجی باشد، آزادی و استقلال جزئی از خواسته های فطری این ملت است، یک مرحله مهم دیگری را ما پیش روی داریم که عبارت از انتخابات است، من اکنون روی این موضوع تماس نمی گیرم که حکومت طی هفت سال گذشته،

۱۹۰۴۴۳۳ کیلومتر مربع، جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۲۳۲۵۱۷۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن باهاسا - اندونزیایی، واحد پولی آن روپیه اندونزی و پایتخت آن شهر جاکارتا است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۸.





چه دست‌آوردهایی داشته؛ اما معلوم است که کارهای منفی دولت نسبت به کار مثبت آن زیادتر بوده و دست‌آوردهای مهمی نداشته‌است.

به هر حال؛ روی آن تمرکز نمی‌کنم؛ اما می‌خواهم بگویم که نابسامانی کنونی کشور از جمله مخالفت‌های مسلحانه به علت ضعف‌های دولت به‌میان آمده‌است، علت نیرومندی مخالفان مسلح در این نیست که آن‌ها قوی‌اند و من یقین دارم که قوت طالبان باعث حضورشان در ولایات مختلف نیست؛ بلکه ضعف و ناتوانی دولت ما و بی‌اعتمادی‌ای که دولت ما ایجاد کرده، مردم را در پهلوی مخالفان قرار داده‌است.

ما در برابر یک امتحان بزرگ تاریخی قرار گرفته‌ایم، در این مرحله تاریخی باید تصمیم‌های مسئولانه بگیریم، اگر ما بازهم تنها به کامیابی خود فکر کنیم، وحدت ملی افغانستان، ثبات و امنیت افغانستان را فدای خواسته‌های فردی و شخصی خود بکنیم، یقیناً نه خود چیزی به دست می‌آوریم و نه برای ملت‌مان چیزی به ارمغان خواهیم آورد.

اگرچه می‌بایست انتخابات مطابق قانون اساسی برگزار می‌شد؛ اما به علت مشکلات زیادی که بوده، دولت هیچ آمادگی در برگزاری انتخابات نداشته‌است، برگزاری انتخابات در زمان معین ناممکن به نظر می‌رسد.

پس از اول جوza حالت بی‌سابقه در کشور به‌میان می‌آید، شایعاتی است که گفته می‌شود، چه مردم بخواهند چه نخواهند، حکومت فعلی کارش را ادامه می‌دهد و پس از انتخابات هم می‌خواهد وجود داشته باشد، می‌خواهند به مردم بگویند که صندوق‌ها در اختیار ماست، ولایت‌ها همه در اختیار ماست، مسئولان ولایات در اختیار ماست، بازهم برنده ما خواهیم بود، برنده کسی خواهد بود که اکنون هم در رأس دولت قرار دارد، من فکر می‌کنم، این هواو هوس به نفع هیچ‌کسی نیست، باید پس از اول جوza یک حکومت و اداره مؤقت در کشور به‌میان بیاید.

شاید برخی‌ها بگویند که فعلاً قومندان‌اعلی رئیس دولت است، اگر وی از قدرت کنار برود جنگ را که رهبری خواهد کرد؛ اما این قومندانی‌اعلی در واقع یک نام تشریفاتی است که از جنگ خبری ندارد،

والی کاپیسا^۱ - آقای مراد^۲ - برایم گفت: «هنگام تهاجم طالبان بالای تگاب،^۳ شخصاً در سنگر رفتم، به ریاست دولت تماس گرفتم و اطلاع دادم که کاپیسا سقوط می‌کند و ما وسایل و مهمات نداریم؛ تا دفاع کنیم، هیچ جوابی از آنجا شنیده نشد، به همین ترتیب به وزارت داخله تماس گرفتم، هیچ‌کس حتی جواب تلفون‌هایم را نداد، وقتی روز شد با یکی از تلفون‌های وزارت داخله تماس برقرار شد، گفتم: جناب فلانی؛^۴ ما در وضعیت بسیار بدی قرار داریم، نه شما جواب می‌دهید و نه ریاست دولت، او چیزی نداشت، برایم بگوید.»

منظورم این است که اگر رئیس دولت کنار برود، هیچ آبی از آب تکان نمی‌خورد، اگر رئیس دولت کاندید است، بیاید مانند دیگر کاندیداها مصروف کارزار انتخاباتی خود شود، هستند کسانی که از این سرزمین دفاع می‌کنند، وزارت دفاع، داخله، امنیت ملی می‌توانند وظایف خود را در پهلوی جامعه جهانی مستقر در افغانستان انجام بدهند، همیشه کارها را افراد و گروه‌های مسلکی انجام می‌دهند، راه درست نه تنها در افغانستان؛ بلکه در کشورهای شبیه افغانستان این است که به‌خاطر شفافیت انتخابات، قدرت باید به اداره انتقالی واگذار شود و این کار باعث ایجاد اعتماد در میان مردم می‌گردد.

در اخیر می‌خواهم به‌شما جوانان، چند توصیه داشته باشم:
اول؛ باید وقت خود را در دادن شعارهای بی‌محتوا ضایع نکنید، باید خود را با دانش و تحصیل آراسته کنید؛

دوم؛ به مسایل کشور بی‌تفاوت نباشید، جوانان ما نباید از سیاست و مسایل سیاسی دور باشند، هستند کسانی که می‌گویند: جوانان باید

۱. کاپیسا؛ از ولایات مرکزی افغانستان است، مساحت آن ۱۸۷۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹ هـ. ش، ۳۷۴۰۹۸ نفر تخمین شده است، مرکز آن شهر محموددرقی است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۱۴ - ۱۵.

۲. استاد عبدالستار مراد؛ از مجاهدان چیزفهم و مخلص دوران جهاد و مقاومت، عضو شورای رهبری جمعیت اسلامی و فعالاً وزیر اقتصاد در حکومت وحدت ملی افغانستان است.

۳. تگاب؛ یکی از ولسوالی‌های ولایت کاپیسا است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۱۴.

۴. در این وقت؛ حنیف اتمر وزیر امور داخله افغانستان بود.



سیاست نکنند، اگر جوانان کاری به سیاست نداشته باشند، چه کسی باید به سیاست کار داشته باشند؟

سوّم؛ جوانان باید از خشونت پرهیز کنند، با منطق و شیوه‌های عقلانی با قضایای سیاسی کشور خود برخورد کنند؛

چهارم؛ وحدت ملی افغانستان بسیار مهم است، پیشتر خالد جان به آن اشاره کرد، برخی‌ها می‌کوشند، بین اقوام ساکن در افغانستان به نام این و آن فتنه ایجاد کنند، وحدت ملی باید توسط نسل جوان به میان بیاید و نسل جوان است که افغانستان متحد و ملت متحد می‌سازد.

ما محورهای زیاد وحدت داریم، وحدت دینی، تاریخ واحد، فرهنگ واحد، دردورنج مشترک، خواسته‌های مشترک و چیزهای دیگر که باید این محورها را تقویت کنیم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ^۱، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

خطابه پنجاه و هفتم

به مناسبت میلاد خجسته رسول آزادی / ؛

مکان: کابل، افغانستان؛

زمان: ۱۹ / ۱۲ / ۱۳۸۷ هـ ش،

الْحَمْدُ لِلَّهِ؛

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا، مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ
سَيِّدِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَعَلَى آلِهِ وَصَحْبِهِ وَمَنْ دَعَى بِدَعْوَتِهِ وَجَاهَدَ فِي
سَبِيلِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ. قَالَ اللَّهُ -تَبَارَكَ وَتَعَالَى- فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ وَهُوَ
أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ؛^۱

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا
وَنَذِيرًا﴾ * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا * وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِّنَ
اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا * وَلَا تَطْعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا^۲

صَدَقَ اللَّهُ مَوْلَانَا الْكَرِيمَ.

در آغاز، میلاد با سعادت پیامبر گرامی / ؛ یعنی این روز بزرگ،

۱. ستایش الله راست که پروردگار جهانیان است و درود و سلامتی بر نیکوترین پیامبران و
رسولان و بر خانواده و یارانش و بر دعوتگران دعوت او و بر آنانی که در راه او تا دم رستاخیز
جهاد می کنند؛ الله بزرگ و بلندمرتبه در استوارترین کتابش - در حالی که او راستگوترین
گویندگان است - فرموده است.

۲. احزاب / ۴۵-۴۸. (ای پیغمبر! ما تو را به عنوان گواه و مژده رسان و بیم دهنده فرستادیم * و
به عنوان دعوت کننده به سوی الله، طبق فرمان الله و به عنوان چراغ تابان * [ای پیغمبر!] به مؤمنان
مژده بده که ایشان از سوی الله نعمت فراوانی دارند * و از کافران و منافقان فرمان برداری
مکن و اعتنایی به ادبیت و آزارشان نداشته باش و بر الله تکیه کن و همین بس که الله حامی
و مدافع باشد.)



روز میلاد نور و رحمت را به همه و امت اسلامی و به‌خصوص مردم متدین و نسل جوان کشورمان و شما جوانان عزیز و حاضرین مجلس! مبارکباد می‌گویم و با سپاس و شکران از اینکه شما این روز بزرگ را تجلیل کرده‌اید و در راه پیامبر گرامی‌تان، با صدق و خلوص و ایمان -إن شاء الله- گام برمی‌دارید، در حق‌تان دعای خیر می‌کنم.

شکی نیست که میلاد پیامبر گرامی / ؛ میلاد یک جهان نو و عصر جدیدی در جهان انسانی است، میلاد پیغمبر یقیناً که میلاد نور بود، دلِ ظلمت‌ها را شگافت، ظلمت جهل، ظلمت جاهلیت، ظلمت بی‌عدالتی، خلاصه میلاد پیامبر / همه ظلمت‌ها را از بین برد و راه را به‌سوی روشنایی در برابر جهان انسانی باز کرد.

میلاد پیغمبر - صلوة الله علیه و سلامه - چنان که قرآن کریم می‌فرماید، میلاد رحمت است:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۱

بلی، پیامبر برای انس و جن و برای همه موجودات هستی، پیام رحمت را آورد، ما زمانی که در سیرت پیامبر گرامی / تعمق می‌کنیم، می‌بینیم که رسول اکرم / عملاً هم پیام رحمت را برای همه موجودات ابلاغ کردند، البته در سرآغاز، این پیام رحمت، برای انسان‌هاست و شکی نیست که انسان به‌عنوان گل سرسبد هستی و به‌عنوان خلیفه خدا در زمین، مورد توجه خاص پیامبر گرامی‌مان و دعوت اسلام قرار دارد؛ زیرا صلاح و فساد جهان ما، همه مربوط به صلاح و فساد انسان است.

اگر ما انسان‌های صالح داشتیم، خانواده‌های صالح، جامعه صالح و دنیای صالح هم می‌داشته باشیم و اگر انسان فاسد شد، خانواده‌ها، جوامع و بالاخره دنیای انسانی همه به فساد و به بدبختی روبه‌رو می‌شود.

ما زمانی تاریخ را می‌خوانیم می‌بینیم که چه تحوّل و چه تغییری بعد از میلاد پیغمبر / در جهان به‌میان آمده‌است؛ اما به‌صورت کوتاه، جهان قبل از میلاد را می‌توان چنین بررسی کرد:

۱. انبیاء / ۱۰۷. [ای پیغمبر!] ما تو را جز به‌عنوان رحمت جهانیان نفرستاده‌ایم.

کانون‌های دانش و فرهنگ و دین و آیین، در دو قاره عمده و مهم اروپا و آسیا^۱ مایه گرفتند، بلی ما می‌بینیم که در این جا فرهنگ‌های مختلف، ادیان مختلف و تفکرات مختلفی در دوره‌های مختلف تاریخ وجود داشته؛ ولی پرسش این است که هم‌زمان با ظهور اسلام، چه اوضاعی بر تفکر و احوال انسانی، این جوامع حاکم بود؟

یونان قدیم؛^۲ یکی از پایگاه‌های دانش و فکر و فلسفه انسانی در آن عهد بود و روم،^۳ در بخش قدرت‌نمایی نظامی دست بلند داشت؛ اما در یونان قدیم، بیشتر تفکر فلسفی حاکم بر زندگی بود، قبل از ظهور اسلام و میلاد پیغمبر گرامی، انسان نه در فکر و فلسفه یونانی مقام شایسته خود را داشت و نه هم در مشرب نظامی‌گری یا قدرت امپراتوری رومی.

این چنین انسان‌ها، در فلسفه یونانی به طبقه‌های مختلف تقسیم می‌شدند و به طبقه زنان ارزش انسانی قایل نبودند و در روم هم به‌عین شکل، انسان‌ها به‌عنوان وسیله‌ای برای تفریح و خوش‌گذرانی قدرتمندان روز بود.

در میدان‌های سپورتنی روم و یا ایتالیای^۴ امروز، انسان‌ها علیه یکدیگر در مبارزات بسیار خشن سوق داده می‌شدند و در نتیجه یکدیگر خود

۱. آسیا؛ پهناورترین و پرجمعیت‌ترین قاره کره زمین است که مساحت آن ۴۴۵۷۹۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۴۱۶۴۲۵۲۰۰۰ نفر تخمین شده است؛ یعنی ۸۰۷٪ از مساحت سطح زمین و ۳۰٪ از مساحت خشکی‌های این سیاره را در بر می‌گیرد، ۶۰٪ جمعیت کره زمین - نیز - در این قاره زندگی می‌کنند، بزرگ‌ترین و پرشمارترین کشورهای جهان در این قاره هستند، آسیا به همراه اروپا خشکی بزرگ اوراسیا را می‌سازند، این قاره از شمال به اقیانوس منجمد شمالی، از جنوب به اقیانوس هند، از شرق به اقیانوس آرام و از غرب به دریای مدیترانه و بخش میانی روسیه مرزبندی شده است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۲۲.

۲. یونان قدیم یا باستان؛ به تمدنی گفته می‌شود که متعلق به دوره‌ای از تاریخ یونان است که از دوره باستانی هشتم تا ششم قبل از میلاد شروع شده و تا عصر کلاسیک به طول انجامید، بلافاصله بعد از این دوران، آغاز اوایل قرون وسطی و امپراتوری روم شرقی بود. نگاه: یکتایی، مجید، مبانی تمدن یونان.

۳. روم؛ پایتخت کشور ایتالیا، بزرگ‌ترین و پرجمعیت‌ترین شهر این کشور با ۲۶۴۹۷۲۴ سکنه و هم‌چنین مرکز ناحیه لاتزیو می‌باشد، هم‌چنین روم با مساحت ۱۳۶۲۸۷ کیلومتر مربع، وسیع‌ترین شهرداری ایتالیا به حساب می‌آید. نگاه: اسرار تمدن روم باستان، از بهنام محمد پناه.

۴. ایتالیا؛ کشوری است که در جنوب اروپا موقعیت دارد، مساحت آن ۳۰۱۳۲۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۶۰۴۸۷۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن ایتالیایی، واحد پول آن یورو و پایتخت آن شهر روم می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹.





را به صورت بسیار بی‌رحمانه می‌کشتند و از این هم وحشتناک‌تر اینکه انسان‌ها را با حیوان‌های درنده می‌جنگاندند؛ یعنی انسان وسیله تفریح و ساعت تیری‌شان بود و انسان مظلوم هیچ جایگاهی در این تمدن نداشت. در تمدن ساسانی هم در ایران به عین شکل؛ انسان‌ها وسیله خوش‌گذرانی نظام‌های سیاسی و امپراتوری‌ها و پادشاهان ساسانی بود، از لحاظ مذهبی اگرچه در ظاهر گاه‌گاهی دم از انسان و از حقوق انسان زده می‌شد؛ اما مذاهب چون: زردشتی،^۱ مانی^۲ و مزدکیان^۳ همه این‌ها به انسان به عنوان یک وسیله و به عنوان یک متاع نگاه می‌کردند. در هند هم طبقه‌بندی انسان‌ها معروف است که از لحاظ مذهبی، برهمن‌ها^۴ در رأس و سودرها^۵ به عنوان طبقه بسیار محروم و مظلوم، در طبقه‌بندی دینی و فرهنگی هندی‌ها قرار داشت.

۱. زردشتی منسوب به زردشت؛ قومی از مجوس اصحاب زردشت بن نوذر است که در زمان گشتاسب ظاهر شد و مردمان را از دین صائبان باز داشت و به مجوسیت دعوت کرد، گشتاسب بدو بگروید و به «زند» خواندن مشغول شد و اباحت اظهار کرد، زعم ایشان آن است که زردشت پیغمبر بود. نگاه: حاشیه برهان به نقل از دهخدا.

۲. مانی؛ آیین عرفانی و ترکیبی از ادیان مسیحیت، زرتشتی و گنوسی بود، در این دین از مسیحیت ایده مسیح منجی وارد شده است و از دین زرتشتی یا زروانی اعتقاد دوگانه به نیکی و بدی، تأثیرپذیری دین مانی از مذهب بودایی نیز به صورت ورود اصل تناسخ به این مذهب مشهود و آشکار است، دین مانی بر پایه ثنویت استوار است و همین مورد آن را مانند دین مندایی در رسته ادیان ایرانی قرار می‌دهد. نگاه: لغت‌نامه دهخدا.

۳. مزدک [مَ دَ]؛ مزدک، مردی از نسا و گویند: از استخر فارس بود، دو قرن پیش از مزدک مردی به نام «زردشت بونده (بوندس)» پسر خرگان از مردم پسا (فسا) که مانوی بود، آیینی به نام «دریست دین» پی افکند و مزدک که مرد عمل بوده، این آیین را رواج داد. برای معلومات بیشتر نگاه شود: لغت‌نامه دهخدا.

۴. در هند طبقات چهارگانه ذیل وجود دارند: ۱. براهمن «Brahman» روحانی؛ ۲. کشر «Kshatriya» (کشری، کشریه، چتر، کهر) (سپاهی) (فرمانروا) ۳. ویش «Vaisya» (بیش) بازرگان؛ ۴. سودرا «Sudra» (شودرا) کشاورز. نگاه: اوپانیشاد، ترجمه سید محمد رضا جلالی نایینی.

۵. برهمن؛ واژه‌ای است که از زبان هندی به زبان فارسی آمده و به معنای پیشوا و روحانی برهمنی است، هم‌چنین طبقه برهمنان برجسته‌ترین طبقه در میان گروه‌های مردم در هندوستان بوده‌اند. نگاه: لغت‌نامه دهخدا.

۶. سودرا یا شودرا؛ پست‌ترین طبقه در نظام طبقاتی (کاست) هند هستند، حتی لمس افراد این طبقه - نیز - عمل نادرست است، آن‌ها از کم‌ترین امکانات زندگی برخوردارند و هیچ مالکیتی بر روی وسایل و اموال خود ندارند، این طبقه عمدتاً از پاراوان‌ها و افراد نژاد دراویدی و اقوام پیش‌آریایی هند تشکیل شده است. نگاه: هند در یک نگاه، ص: ۹۶.

در جزیره العرب^۱ هم که تمدن‌هایی در آنجا وجود داشت، مانند: تمدن سبا^۲، تمدن معبد، تمدن عادی‌ها، تمدن احقاف در حَضْرَمَوْت^۳ و تمدن ثمودی‌ها در حجاز^۴، در این تمدن‌ها هم می‌بینیم که انسان‌ها ارزشی نداشتند؛ بلکه همیشه در خدمت قدرتمندها و ستمگرها قرار داشتند و به‌خصوص زنان به حدی بی‌ارزش بودند که دختران را زنده به گور هم می‌کردند.

در چنین اوضاعی -که به انسان نه در تفکر دینی و نه در تفکر فلسفی و نه در نظام‌های سیاسی تمدن آن روز هیچ ارزشی نمی‌دادند- اولین پیام پیامبر گرامی / به بشریت - قسمی که قرآن کریم می‌فرماید- پیام رحمت بود؛ بلی، قرآن می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾^۵

(و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.)

اینجاست که تحوّل بزرگی در انسان‌ها به‌میان می‌آید، رسول اکرم / از انسان‌های دوران جاهلیت - مانند: ابوجهل^۶ که انسان سرسخت و

۱. جزیره العرب یا شبه جزیره عربستان؛ پهناورترین شبه جزیره جهان، واقع در جنوب غربی آسیاست، جزیره العرب میان آب‌های خلیج فارس، دریا‌های عمان و عرب در مشرق، اقیانوس هند و خلیج عدن در جنوب و دریای سرخ در مغرب قرار دارد و به‌سبب جریان رودها، از جمله فرات، در قسمت شمالی آن، که شبه جزیره را تقریباً به‌صورت جزیره در آورده‌است، اکثر جغرافیه‌نویسان و مؤرخان قدیم و جدید آنجا را جزیره العرب نامیده‌اند، جزیره العرب شامل این کشورهاست: عربستان سعودی، یمن، عمان، امارات متحده عربی، کویت و قطر. نگاه: معجم قبائل العرب القديمة والحديثة، ص: ۵-۷ و قلب جزیره العرب، ص: ۱۱-۱۳ و گیتاشناسی نوین کشورها، ص: ۱۱۹، ۲۹۹، ۳۰۱، ۳۲۸.

۲. سبا؛ نام شهر بلقیس بنت هدهاد در بلاد یمن، است. نگاه: لغت‌نامه دهخدا.

۳. حَضْرَمَوْت؛ سرزمینی پهناور در مشرق یمن، این سرزمین در جنوب جزیره العرب قرار دارد و بر دریای عرب و خلیج عدن مشرف است، استان حَضْرَمَوْت با مساحت بالغ بر ۱۵۵۰۰۰ کیلومتر مربع ۲۸ فیصد از مساحت کشور یمن دارای ۲۹ شهرستان و جمعیتی در آمار سال ۲۰۰۰ م، ۸۷۱۰۰۰ نفر تخمین شده‌است. جهت معلومات بیشتر به این کتاب‌ها مراجعه شود: اطلس تاریخی اسلام، جمهوری الیمنیه، ص: ۳۵، حجری یمنی، ج: ۱، جزء: ۲، ص: ۲۶۴، یاقوت حموی و طبری.

۴. حجاز؛ نام تاریخی ناحیه غرب شبه جزیره عربستان است، این ناحیه، زادگاه اسلام و محل قرارگرفتن کعبه مبارکه‌است و شهرهای مهم مکه مکرمه و مدینه منوره در این ناحیه قرار دارند. نگاه: وبسایت دانشنامه اسلام.

۵. انبیاء / ۱۰۷. ترجمه معانی آیت مبارکه گذشت.

۶. ابوالحکم عمرو بن هشام مخزومی مشهور به «ابوجهل» از اشراف قریش و مشرکان معروف



زُمنخت و بی‌رحم و به اندازۀ در کفر و عِنادِ خود پیش رفت که حتّی تا لحظۀ مرگ هم دست از این کفر و عناد برنداشت، انسان‌هایی که با کمال بی‌رحمی، دخترانِ جوانِ خود را زنده‌به‌گور می‌کردند - انسان‌های نیک‌سرشتی را ایجاد می‌کند.

مثلاً به حیات حضرت عمر > نگاه کنیم، عُمَری که بعد از اسلام، حتّی از شکستن پای بُزی که در نتیجۀ سرکِ درست هموارنشده در عهد او، احساس مسئولیت می‌کرد، همین عمر > در دوران جاهلیت چهرۀ دیگری داشت، روایت است که حضرت عمر روزی در مجلسی تبسم کردند و لحظۀ بعدتر اشک‌های‌شان ریخت و گریستند؛ کسی از حضرت عمر > پرسید: یا امیرالمؤمنین؛ علّت این خنده و گریانِ شما در این مجلس چه بود؟

حضرت عمر > فرمودند: علّت خنده‌ام این بود که من به یاد روزگار جاهلیت افتیدم و یادم آمد که ما در آن روزها چه انسان‌های ساده و احمقی بودیم، تفکّر جاهلی، ما را تا چه حد احمق تربیه کرده بود. او می‌فرماید: رسم بود زمانی که ما به مسافرت می‌رفتیم، توشه تهیه می‌کردیم و از جمله توشه‌هایی که تهیه دیده می‌شد، تلخانِ گندم^۱ بود که - البته در کشور ما هم در گذشته‌ها رایج بود، شاید هنوز هم در قریه‌ها رواج داشته باشد - این توشۀ خود را به شکل بُت^۲ می‌ساختیم و در هر جایی که می‌رفتیم، این را پیش‌روی خود می‌گذاشتیم و عبادت می‌کردیم و از او کمک می‌خواستیم؛ اما در حین سفر، زمانی که گرسنه

مکه، او را از آن جهت که عناد و تعصب بیجا، با اسلام و پیغمبر / داشت، مسلمانان و پیامبر او را «ابوجهل» نامیدند، پدرش هشام بن مغیره، از بزرگان مکه و رئیس قبیله «بنی مخزوم» شاخه‌ای از قریش بود، مادرش «اسماء» دختر «مخرّبه بن جندل حنظلی» از قبیله «بنی تمیم» بود. برای معلومات بیشتر، نگاه شود: سیره ابن هشام، ج: ۲، ص: ۶۲۳، دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ج: ۵، ص: ۳۰۵، الطبقات، ج: ۲، ص: ۹، یعقوبی، ج: ۲، ص: ۴۵ و قرطبی، ج: ۱۸، ص: ۱۴۳. ۱. تلخان؛ غذایی است که از میده کردن توت و چهارمغز و گندم‌بریان و خرما ساخته می‌شود، در صورتی که رطوبت به آن برای مدت‌ها کیفیت خود را از دست نمی‌دهد. نگاه: لغت‌نامه دهخدا. ۲. بُت؛ تندیس از سنگ، چوب، فلز یا هر چیز دیگری است که به شکل انسان یا جانور یا هر شکل خیالی یا راستینی بسازند و پرستش کنند و در تعالیم اسلامی عملی که انسان را از پرستش الله باز دارد و باعث شرک آوردن به الله شود بت است. نگاه: فرهنگ فارسی معین.



می شدیم، باز آن را تگه تگه می کردیم و می خوردیم، زمانی که این صحنه یادم آمد، خنده ام گرفت که ما چه انسان های ساده لوحی بودیم، ما به چه شکل از تلخان گندمی، که آن را خود معبود خود ساخته بودیم و او نمی توانست که از خود دفاع بکند، از او حاجت خود را می خواستیم، علت خنده ام همین حادثه دوران جاهلیت بود که به یادم آمد؛ اما علت گریه ام این بود که روزی دخترم جوان شده بود، برای مادرش گفتم: کالایش را بپوشان و سرو صورتش را تمیز کن - و البته مطابق عادت جاهلیت از پیش هم قبری را برایش حفر کرده بودم - وقتی که دخترک، این حرف را شنید، از کمال خوشحالی - طبعاً اطفال وقتی که فکر می کنند، پدر و مادرشان آنان را به جایی با خود می برند، خرسند می شوند - گاهی این طرف و گاهی آن طرف می دوید و می پرید و از من می پرسید: پدر جان! کجا می رویم؟!

خوب؛ من چیزی برایش از این حادثه نمی گفتم؛ تا اینکه به آن حفره ای که به خاطر دفن او ساخته بودم، رسیدم و با کمال قساوت و بی رحمی، او را در داخل آن حفره پرتاب کردم و او صدا می کرد: پدر جان! پدر جان! اکنون که صداهایش به گوشم طنین می اندازد، قلبم را تکان می دهد که ما تا چه اندازه بی رحم بودیم که برسر فرزندان خاک و سنگ می ریختیم و آنان را زنده به گور می کردیم؛^۱ اما بعد از اینکه عمر مسلمان می شود، می بینیم که ضمن هدایاتش می فرماید: قسم به خدا اگر پای بزی در پلی در عراق، به خاطر اینکه خلیفه و حکومت اسلامی آن را درست هموار نساخته باشد، بشکند، من مسئولم و همین عمر روزی شتری را می بیند که بسیار لاغر شده و شتر دیگری را می بیند که بارش سنگین شده، مالک شترها را می خواهد و مورد تعقیب و فشار قرار می دهد و به خاطری که مالک آن ها به حیوان ظلم کردند، عقاب و جزای شان می دهد.

این فرهنگی است که پیغمبر / به مسلمان ها می آموزد؛ بلی در حدیثی رسول اکرم / می فرماید:

۱. نگاه: أضواء البیان فی ایضاح القرآن، ۸ / ۴۳۹ و عبقریة عمر از استاد عقاد، ص: ۲۲۱.



﴿دَخَلَتْ امْرَأَةً النَّارَ فِي هِرَّةٍ﴾

رسول الله / به مسلمانان دستور می‌دهد که به حیوانات ترحم بکنید، به علت اینکه در عهد بنی اسرائیل، زنی از زنان بنی اسرائیل به‌خاطری که بالای گربه‌ای ظلم کرد داخل دوزخ شد.

چنان‌که در حدیث آمده‌است، گربه را محبوس ساخت و نگذاشت که از خانه بیرون شود و خودش تغذیه کند و خود از او هم برای او چیزی نداد؛ در نتیجه خداوند این زن را در برابر این گناهی که مرتکب شده بود به دوزخ انداخت^۱ و در مقابل، پیغمبر / در مورد یک زن بدکاره‌ای دیگری که سراسر زندگی او پر از عصیان و گناه بود، می‌فرماید: به‌خاطر اینکه به سگ تشنه‌ای که به اطراف چاهی از شدت تشنگی می‌گشت، از چاه آب کشید و به سگ آب داد و در نتیجه سگ از مرگ نجات یافت، زن مذکور در پی این کار نیک داخل بهشت شد، مسلمانان از رسول الله / پرسیدند: مگر در برابر حیوانات هم ما اجر و پاداش داریم؟ پیغمبر / فرمودند: در برابر ترحم بر هر صاحب جگری تر، شما مورد لطف و عنایت الهی قرار می‌گیرید.^۲

پس به یقین که پیغمبر / رحمتی برای همه جهانیان و در رأس رحمت برای انسان‌ها بود.

این چنین؛ اخلاق، رحمت، لطف و محبت پیامبر گرامی / شامل اقشار مختلف انسانی می‌شد، به کودکان بسیار لطف و مهربانی و محبت

۱. متن حدیث مبارک این است: ﴿عَنْ ابْنِ عُمَرَ E عَنِ النَّبِيِّ / قَالَ: دَخَلَتْ امْرَأَةً النَّارَ فِي هِرَّةٍ رَبَطَهَا فَلَمْ تَطْعَمْهَا وَلَمْ تَدَعْهَا تَأْكُلْ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ﴾ نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۳۳۱۸.

۲. متن حدیث مبارک این گونه‌است: ﴿عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ > قَالَ رَسُولُ اللَّهِ / غُفِرَ لَأَمْرَأَةٍ مَوَسَّةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلَى رَأْسِ رَكْبٍ يَلْهَثُ قَالَ كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ فَنَزَعَتْ خِفِّهَا فَأَوْقَعَتْهُ بِخِمَارِهَا فَنَزَعَتْ لَهُ مِنَ الْمَاءِ فَغَفَرَ لَهَا بِذَلِكَ قِيلَ: إِنَّ لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا قَالَ فِي كُلِّ رَطْبَةٍ أَجْرٌ﴾ (رسول الله / فرمودند: زن فاحشه‌ای به‌خاطر این عمل بخشیده شد که او در حال رفتن بود، دید که در کنار چاهی، سگی زبانش را از شدت تشنگی بیرون آورده و نزدیک به مرگ است، آن زن موزه خود را از پا بیرون آورده و آن را به روسری، خود بسته از چاه آب کشید و آن سگ را سیراب کرد، کسی از رسول الله / پرسید: آیا به‌خاطر حیوانات به ما ثواب می‌رسد؟ آن حضرت / فرمودند: در احسان کردن بر هر صاحب قلبی ثواب است.) نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۳۳۲۱.

می کردند، در حالی که شاید بازی کردن با کودکان در بعضی فرهنگ‌ها و در فرهنگ‌های شرقی بسیار خوش آیند نبوده باشد؛ اما رسول اکرم / گاه‌گاهی با کودکان در بازی‌های‌شان شرکت می‌کرد.

در حدیثی از انس > روایت است که حضرت انس > می‌فرمایند: من برادری داشتم و این برادر خردسال من، چندتا گنجشکی داشت، رسول اکرم / هرگاه می‌خواست از کودکان دیدار کند، به دیدن این کودک می‌رفت و از او پرسان می‌کرد.

چند روزی رسول الله او را ندید، پرسیدند: فلانی کجاست؟ حضرت انس > می‌گوید که گفتیم: او در خانه است؛ رسول اکرم / رفت و از او پرسان کرد: عُمَیر با گنجشک‌هایت چه کردی؟

چون رسول اکرم / خبر شده بود که گنجشکش مرده؛ پیامبر به او تسلی می‌داد تا او در غم و رنج مرگ گنجشک خود نبوده باشد.^۱ وقتی پیغمبر / به راه می‌رفتند، پیره‌زنی از مدینه دستش را می‌گرفت و او را همراهی خود می‌برد و به او می‌گفت: بیا من کاری دارم و رسول اکرم / هم به دنبال آن پیره‌زن می‌رفت؛ تا زمانی که طرف، دست پیغمبر را رها نمی‌کرد، هرگز پیغمبر / دست خود را نمی‌کشیدند.^۲ این ترحم و این اخلاق، درواقع به انسان‌ها می‌آموزاند که شما هم باید سخت مهربان باشید، به کودکان و به زنان مهربان باشید.

لذا در حدیثی می‌فرمایند:

﴿لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَلَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا﴾^۳

۱. متن حدیث مبارک این است: ﴿عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ / أَحْسَنَ النَّاسِ حُلْفًا وَكَانَ لِي أَخٌ يُقَالُ لَهُ أَبُو عُمَيْرٍ - قَالَ أَحْسِبُهُ قَالَ - كَانَ فَطِيمًا - قَالَ - فَكَانَ إِذَا جَاءَ رَسُولَ اللَّهِ / فَرَأَاهُ قَالَ «أَبَا عُمَيْرٍ مَا فَعَلَ النَّعِيرُ» قَالَ: فَكَانَ يَلْعَبُ بِهِ﴾ نگاه: صحیح مسلم، شماره حدیث: ۵۷۴۷.

۲. منظور استاد شهید این حدیث مبارک است: ﴿حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ، وَسَلَمُ بْنُ قُتَيْبَةَ، قَالَا: حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: إِنْ كَانَتْ الْأُمَةُ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ لَتَأْخُذَ بِيَدِ رَسُولِ اللَّهِ / ، فَمَا يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْ يَدِهَا حَتَّى تَذْهَبَ بِهِ حَيْثُ شَاءَتْ مِنَ الْمَدِينَةِ، فِي حَاجَتِهَا﴾ نگاه: سنن ابن ماجه، شماره حدیث: ۴۱۷۷.

۳. نگاه: سنن ترمذی، شماره حدیث: ۱۹۱۹.



(کسانی که به بزرگان خود احترام نکنند و بر خردسالان خود ترحم نداشته باشد، از جمله ما نیست.)

پس توجّه به انسان؛ در محراق توجّه رسول اکرم / قرار داشت و این هم یک حقیقت است که اگر انسانی در زندگی خود مشکلاتی را احساس می‌کند و یا جامعه بشری مشکلاتی را در زندگی خود دارند، بیشتر آن از دست خود انسان است؛ چون در طول تاریخ انسان‌ها از هیچ حوادث طبیعی آن‌قدر متضرر نشدند و نمی‌شوند که از طرف خود انسان‌ها مورد ضرر و مورد اذیت و آزار قرار گرفتند و می‌گیرند.

ما می‌بینیم اگر انسانی در مقابل شیر یا حیوانات درنده دیگر قرار می‌گیرد، می‌تواند با وسایل مختلفی از خود دفاع بکند؛ اما وقتی در برابر خود انسان قرار می‌گیرد، دفاع مشکل می‌شود و این یک مشکل همیشگی انسان‌ها بوده، انسان بم اتم^۱ را به‌خاطر چه می‌سازد؟ سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی را به‌خاطر چه می‌سازد؟ و کشورها و دولت‌ها در برنامه‌های - به‌اصطلاح - دفاع استراتژیک‌شان، همیش در اندیشه چه‌اند؟ آیا از این می‌ترسند که خیلی از حیوانات درنده و وحشی بالای کشورشان حمله می‌کند؟

نه‌خیر؛

تشویش و ترس‌شان از این است که کشوری شبیه این کشور که با سلاح پیشرفته مسلح است، بالای کشورشان حمله نکند.

پس دغدغه و تشویش انسان‌ها، مظلومیت و محرومیت انسان‌ها همیش از طرف خود انسان بوده، اینجاست که فرهنگ اسلامی، پیام پیغمبر و دعوت اسلام، در این نقطه خلاصه می‌شود که باید اولین اصلاح و اولین تحوّل که صورت می‌گیرد، از انسان صورت بگیرد:

﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ...﴾^۲

۱. بمب اتمی؛ نام رایج وسایل انفجاری است که در آن‌ها از انرژی آزادشده در فرایند شکافت هسته‌ای، یا گداخت هسته‌ای برای تخریب استفاده می‌شود، اختراع این سلاح، ریشه طولانی در تاریخ علم فزیک و شیمی دارد؛ اما استفاده از دانش به‌دست‌آمده، برای ساخت بمب اتمی بیشتر به «رابرت اوپنهاইمر» و ادوارد تلر نسبت داده می‌شود.

۲. بخشی از آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد است که می‌فرماید: ﴿لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ

یعنی هیچ تحوّل در جامعه به‌میان نمی‌آید؛ تا تحوّل در انسان به‌میان نیاید، اینجاست که مهم‌ترین توجّهی که پیغمبر / داشت به اصلاح انسان بود و این انسان‌های صالح بودند که تحوّل بزرگی را به‌میان آوردند.

چنان‌که گفتیم، در جزیره‌العرب، تمدن‌هایی وجود داشت؛ اما این تمدن‌ها، تمدن‌های طاغوتی و ظالمانه‌ای بود، هرچند شماری از این تمدن‌ها مثل تمدنی که در یمن بود، کارهایی مثل اینکه بندها و انهار را ساخته بودند و یا هم به دلیل وجود بلقیس^۱ در آنجا سیستم مشوره و تصمیم‌گیری شورایی به‌عنوان یک اصل قرار داده شده بود؛ مثلاً وقتی که حضرت سلیمان^۴ پیامی به بلقیس فرستاد که تو فوراً به سرزمین و پایتخت من بیا، بلقیس در این مورد از اطرافیانش مشوره خواست، هرچند این مشورت‌ها در محدوده بسیار خردی صورت می‌گرفت؛ اما به‌صورت کلی نظام‌ها، نظام‌های طاغوتی بود و انسان‌ها کدام ارزش و مقامی در آن‌ها نداشتند، حتی در همان پرسیان بلقیس هم که مشوره‌ای از اهل مشوره‌اش می‌خواهد، می‌بینیم که آنان در پاسخ بلقیس می‌گویند: همه کار و قدرت به‌دست توست، تو می‌توانی هرکاری انجام بدهی و بکنی؛ یعنی ما تابعیم.

این مشوره‌ها در واقع در حد یک استشاره بود، نه اینکه الزامی بوده باشد؛ اما همین انسان‌هایی که هیچ اهلیتی را در خود، در این مدنیت‌ها

يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُعَيِّرُوهُ مَا بَنَفْسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ ﴿١﴾ (برای او فرشتگانی است که پی‌درپی او را به فرمان الله از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند، در حقیقت الله حال قومی را تغییر نمی‌دهد؛ تا آنان حال خود را تغییر دهند و چون الله برای قومی آسیبی بخواهد هیچ برگشتی برای آن نیست و غیر از او، حمایت‌گری برای آنان نخواهد بود.)

۱. بلقیس یا ملکه سبا؛ بنا به روایاتی دختر هدهاد بن شرحبیل و ملکه سرزمین سبا بود، او زنی یمنی و از اهالی مأرب بود که پس از پدرش بر مأرب حکومت می‌کرد، یکی از حاکمان منطقه برای تسخیر مأرب حمله کرد؛ اما موفق نشد و با کشته‌شدن او بلقیس تمام یمن را تحت سیطره خود گرفت و سبا را پایتخت خود قرار داد، سلیمان، توسط هدهدی از وجود او و مردمانش آگاه شد و طی نامه‌ای از او دعوت کرد تا خود و مردمان سرزمین سبا که خورشیدپرست بودند، به خداوند یگانه ایمان بیاورند و نزد او بروند، بلقیس نزد سلیمان رفت و سلیمان استقبال با شکوهی برای او ترتیب داد، سرانجام بلقیس به حقایق حضرت سلیمان پی برد و ایمان آورد، مردم ممالک او نیز همه موحد و خداپرست شدند، برای آگاهی بیشتر از داستان بلقیس و سلیمان O به آیات ۳۳ و ۳۶ سوره نمل مراجعه کنید.



نمی‌دیدند و به‌خصوص در جزیره‌العرب و بالأخص در آن دورانی که پیغمبر گرامی - صلواةالله‌علیه‌وسلامه - ظهور کردند، انسان‌ها در همه امور و مخصوصاً در برابر قدرتمندان هیچ اراده و اختیاری نداشتند، زمانی که اسلام آمد و بعد از اینکه پیغمبر - صلواةالله‌علیه‌وسلامه - نسلی را تربیه می‌کند، می‌بینیم که این بدوی‌ها، این شترچران‌ها و این انسان‌هایی که اصلاً هیچ جایگاهی نداشتند، به‌عنوان انسان‌های فاضل و انسان‌های طاغوت‌شکن، در برابر قدرت‌های بزرگ اظهار موجودیت می‌کنند.

یکی از این کسانی که در مکتب پیغمبر - صلواةالله‌علیه‌وسلامه - تربیه شده، ربیع بن عامر نام دارد؛ حضرت عمر > این ربیع بن عامر - که یک انسان بدوی بود - را به دربار ساسانی‌ها^۱ می‌فرستد، البته ساسانی‌ها در آن دوران، به‌عنوان بزرگ‌ترین مرکز قدرت و یک نمونه عظمت در روی زمین بود، عرب‌ها که اصلاً در برابر قدرت ساسانی هیچ شکلی احساس حتی موجودیت را نداشتند و هیچ‌نوع قدرت مقابله با ساسانیان را در خود نمی‌دیدند؛ اما همین ربیع بن عامر، زمانی که به دربار ساسانی‌ها می‌رود، رستم وقتی او را مورد تأدیب و حتی سوال قرار می‌دهد و از او می‌پرسد که شما را چه شده و به‌اصطلاح سرتان را مار کنده اصلاً برای چه اینجا آمدید؟ حالا شما چنان می‌کنید که گویا شما از خود نظامی داشته و حکومتی داشته باشید و علیه قدرت‌های بزرگ جهانی مخصوصاً قدرت امپراتوری ساسانی، با آن مقابله بکنید؟ نان می‌خواهید و یا کدام حمایت دیگر می‌خواهید؟

حضرت ربیع بن عامر > که سیاه‌چرده و قد نسبتاً کوتاه داشت و شمشیری بسیار خردی را - نیز - با خود داشت، وقتی که از مجلس

۱. ساسانیان؛ نام دودمان ایرانی است که از سال ۲۲۴ تا ۶۵۱م، بر ایران فرمانروایی کردند، بنیان‌گذار این شاهنشاهی را «اردشیر» گذاشته بود، ساسانی‌ها آخرین دودمان پیش از دوره اسلامی در ایران بودند، پایتخت ایران در این دوره، شهر «تیسفون» در نزدیکی بغداد در عراق امروزی بود، جامعه ساسانی به‌صورت طبقاتی اداره می‌شد، دین رسمی شان زردشتی بود و اوستا و زند منابع اصلی حقوقی و دینی حکومتی‌شان محسوب می‌شد، حکومت ساسانیان در زمان خلافت حضرت عمر > سقوط کرد و اسلام در آن سرزمین پخش و نشر شد. نگاه: لغت‌نامه دهخدا.

پرشکوه ساسانی‌ها می‌گذشت؛ با مسخرگی از او نام می‌بردند و به گونهٔ تمسخرآمیز به شمشیر کوتاه‌اش دوک^۱ می‌گفتند؛ اما هنگامی که در برابر رستم، در برابر یک جنرال پر قدرت ساسانی قرار می‌گیرد، او چنان با شهامت و با عظمت گپ می‌زند که در دوره‌های مختلف تاریخ، کم‌ترین مبارزین و ظلم‌ستیزانی هستند که در برابر ستمگران و طواغیت با همان لهجه و با همان قوت و جرأت صحبت بکنند.

به رستم می‌گوید: تو اشتباه کردی، ما نان گم نکردیم، ما امروز او انسان‌های دیروز نیستیم.

﴿إِنَّ اللَّهَ يُتَعَنَّا لِنُخْرِجَ النَّاسَ مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ وَحْدَهُ..﴾
گفت: ما را خداوند مبعوث ساخته؛ تا انسان‌ها را از بندگی بندگان آزاد بسازیم و به بندگی خدا فرا بخوانیم و ما امروز علم آزادی دنیا را به‌دوش داریم.

یعنی ما دیگر امروز او انسان‌های نیستیم که قبل از میلاد پیغمبر / بودیم، اکنون تغییری در ما به‌وجود آمده، ما ناجیان بشریت شدیم.^۲
این همان مردمی بودند که اگر یک پیامی برای‌شان از طرف یکی از نماینده‌های ساسانی‌ها می‌رسید، سراپا تسلیم آن بودند؛ اما امروز خود را ناجیان بشریت می‌دانند، در برابر قلدران و ستمگران و طواغیت، هیچ نوع اظهار ترس و هراسی را به خود راه نمی‌دهند.
این یک تحوّل بزرگی بود در بُعد انسان‌سازی که پیغمبر اکرم /

۱. دوک؛ آهن دراز که در چرخهٔ ریسمان باشد و ریسمان ریسند، آله‌ای که بدان پنبه و پشم ریسند، چوب تقریباً به طول نیم‌گز یا بیشتر که در یک‌سر آن نیم‌کرهٔ چوبی قرار دارد و در سر دیگر آن نیم‌کرهٔ قلابی آهنین نازک سرکج تعبیه شده‌است، زنان دوک‌ریس، سر رشته را بدان قلاب می‌پیچانند و با یک‌دست دوک را روی زانو تاب می‌دهند و با دست دیگر پشم یا پنبه را که از یک‌سر به‌صورت باریکی به رشتهٔ سر چنگک متصل است به آرامی به تاب درمی‌آورند و همین‌که رشته به درازای فاصلهٔ دست و زانو؛ یعنی حدود یک‌گز رشته شد آن را به دور چوب می‌پیچند و دوباره به تافتن رشتهٔ دیگر می‌پردازند و این کار را هم‌چنان ادامه می‌دهند؛ تا تودهٔ قطور مخروطی‌شکل از رشتهٔ پشم یا پنبه فراهم آید و آن تودهٔ مخروطی‌شکل را دوکچه نامند. نگاه: لغت‌نامهٔ دهخدا.

۲. متن کامل سخنان حضرت ربیع بن عامر این است: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُتَعَنَّا لِنُخْرِجَ النَّاسَ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ وَحْدَهُ، وَمَنْ ضَيَّقَ الدُّنْيَا إِلَى سَعَةِ الْآخِرَةِ، وَمِنْ جَوْرِ الْأَدْيَانِ إِلَى عَدْلِ الْإِسْلَامِ﴾ نگاه: البداية والنهاية، از ابن کثیر، جزء: ۷، غزوة القادسیه.





با این کار عملاً نشان دادند که می‌توان در یک مدت کمی انسان‌هایی را که با طبیعت غلامی به‌سر می‌بردند و در لجن‌زارهای فساد و بدبختی قرار داشتند به‌عنوان انسان‌های با تقوی، مهربان و دل‌سوز و به‌عنوان عَلم‌برداران آزادی تبدیل کرد، دیروز به طفل خود، به خانواده خود، به دختر خود ترحم نمی‌کردند؛ اما امروز این‌ها به همه بشریت؛ بلکه به همه موجودات هستی، مهربان، دل‌سوز و با مَحَبَّت‌اند، این تحوّل؛ تحوّل است که به برکت پیام پیامبر و میلاد پیغمبر - صلواة الله علیه و سلمه - در جهان انسان ایجاد شد.

میلاد پیغمبر / یک فاصله و یک خطی را در میان دو مرحله‌ای از تاریخ انسانی رسم کرد، مرحله جهل و ظلمت و بدبختی و مرحله علم و دانش و عقل‌گرایی بشریت که بعد از آن، بشریت به‌سوی علم و به‌سوی معرفت سوق داده شد.

شکی نیست که ما وقتی تاریخ بعد از ظهور اسلام را می‌خوانیم، شاهدیم که دنیایی از معارف جدید و تفکر عقل‌گرایی در جهان انسانی بروز می‌کند، هرچند تفکر عقل‌گرایی - قسمی که گفتیم - در بعضی حوزه‌های تمدنی بود؛ اما آن‌هم به سطحی بود که آمیخته با نوعی از عصبیت‌ها و با نوعی از قُلدری، ظلم و برتری‌خواهی‌ها بود؛ اما زمانی که تمدن و عصر اسلامی - بعد از میلاد پیغمبر / - شروع می‌شود، اصلاحات وسیعی در جهان انسان به‌میان می‌آید، دانش انسانی شسته می‌شود، نظام‌های سیاسی که قُلدَر و طاغوتی‌اند، یکی بعد از دیگر سقوط می‌کنند، انسان‌ها با یکدیگر روش‌شان را تغییر می‌دهند، احساس آزادی و آزادی‌خواهی در جهان ظهور می‌کند، تمام این‌ها ارزش‌هایی‌اند که در تعالیم پیغمبرمان و یاران او دیده می‌شود، چنان‌که حضرت عمر > زمانی احساس می‌کند که والی از والیان او ظلم می‌کنند و انسان‌های تحت سلطه خود را مورد ترحم قرار نمی‌دهند، خطاب به والی مذکور می‌فرمایند:

﴿مَتَى اسْتَعْبَدْتُمُ النَّاسَ وَقَدْ وَلَدْتَهُمْ أَمْهَاتُهُمْ أَحْرَارًا﴾^۱

۱. (از چه زمانی مردم را برده ساخته‌اید؟ در حالی که مادران‌شان آنان را آزاد زاده‌اند.) نگاه:

(شما انسان‌ها و مردم را از چه زمانی غلام خود ساخته‌اید، در حالی که خداوند این‌ها را از مادران‌شان آزاد به دنیا آورده‌است.)

پس آزادی انسان، اعلامیه آزادی و حقوق انسان، اعلامیه حقوق زن، حقوق بشر، تمام این اعلامیه‌هایی که در این عصرهای اخیر به میان آمده، همه این‌ها یقیناً متأثرند از همان تعالیم والایی که اسلام داشته و یقیناً که، اسلام این حقوق را به صورت بسیار مکمل موردنظر داشته‌است.

ما می‌بینیم با وجودی که اعلامیه حقوق بشر وجود داشته و دارد؛ اما انسان‌های بسیاری از حقوق خود محروم بودند و هنوز هم محروم‌اند؛ یعنی می‌بینیم قدرت‌های استعمارگر با وجودی که خودشان دعوادر اعلامیه حقوق بشر بودند؛ اما اگر در کشورهای خود تا حدی این اعلامیه را تطبیق می‌کنند؛ ولی در کشورهای دیگری تطبیق نکردند و نمی‌کنند، برای بار اول است که عملاً در ایالات متحده آمریکا یک سیاه‌پوست حق پیدا می‌کند که وارد «کاخ سفید»^۱ شود؛ اما ما شما شاهد بودیم که چه تهدیدهایی نبود که حیات او را تهدید نمی‌کرد، قسمی که چندی پیش‌تر بر سر کافی‌ها و هتل‌های‌شان نوشته می‌کردند:

سگ و سیاه‌پوست به اینجا داخل شده نمی‌تواند؛

هنوز هم تعدادی از عناصر سفیدپوست متعصب به همین ذهنیت‌اند؛ یعنی این تفکر هنوز هم در مغزشان هست؛ اما در تمدن اسلامی و در پیامی که پیغمبر اکرم / به بشریت اعلان کردند، چنین تبعیضی را هرگز نخواهی یافت و از سوی دیگر این تعالیم، تعالیمی نبود که به زور پیاده شود؛ بلکه این تعالیم برای خود در وجدان، عقل و ضمیر انسان‌ها، راه باز کرد.

به همین اساس است که زمانی حکم حرمت شراب صادر می‌شود، بدون اینکه پولیسی به دکان‌ها و به خانه‌های مردم برود، مردم همه وسایلی را که در آن شراب داشتند، در بازارها و کوچه‌های مدینه درهم

فتوح مصر و اخبارها، از ابن عبدالحکم، ص: ۲۹۰ و حیاة الصحابة، ج: ۲، ص ۸۸ و منتخب کنز العمال، ج: ۴، ص: ۴۲۰.

۱. منظور؛ محل کار و اقامت‌گاه رسمی رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا است.





شکستند و به یکبارگی شراب از شهر مدینه از میان مسلمان‌ها رخت برپست و نابود شد؛ اما در کشورهای غربی بار بار ممنوع بودن شراب را اعلان کردند؛ ولی نتوانستند که آن را عملی بکنند، البته شراب را به‌خاطری غیرقانونی اعلان می‌کردند که به حیات‌شان بسیار مضر واقع شد؛ اما کسی این قانون را نپذیرفته و نمی‌پذیرد.

به هر حال؛ فرق مهمی که در میان پیام رحمت الهی - که توسط پیغمبر اکرم / به جهان انسانی عرضه شد - با دیگر پیام‌های انسانی در این است که پیام رحمت در عمق روح و عقل و وجدان انسانی راه خود را باز کرده و الی ماشاء الله ادامه پیدا می‌کند.

امروز بهترین وسیله‌ای که می‌تواند حیثیت، عزّت، حیثیت و آبروی فردی، اجتماعی و ملی شما نسل جوانی را که در اوضاع جدیدی در وطن تان قرار دارید حفظ بکند، تمسک به سیرت، اخلاق و هدایات پیغمبر اکرم / است:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ
الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾^۱

یقیناً کسانی که خدا و سعادت دنیا و آخرت را می‌خواهند، انسان‌های صالح‌اند، سیرت و تعالیم پیغمبر، اسوه حسنه آنان است.

رسول اکرم / به‌خاطر نجات مسلمان‌ها می‌فرمایند:
﴿تَرَكْتُ فِيكُمْ أُمُورَيْنِ لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُم بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَسُنَّةُ
نَبِيِّهِ﴾^۲

(دو چیز را برای شما گذاشتم، اگر به آن تمسک بجوید، هرگز گمراه نمی‌شوید، کتاب خدا و سنت پیامبرش).

یعنی سنت قولی و فعلی^۳ پیغمبر و اخلاق پیغمبر است که باعث

۱. احزاب / ۲۱. (قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول الله سرمشق نیکوست، برای آن کس که به الله و روز بازپسین امید دارد و الله را فراوان یاد می‌کند).

۲. گذشت.

۳. سنت به سه بخش تقسیم شده است: سنت قولی عبارت از همان گفتارهای رسول الله است که به ما رسیده است؛ سنت فعلی عبارت از همان کردارهایی رسول الله است که به ما نقل شده است؛ سنت تقریری همان است که در حضور رسول الله صحابی عملی را انجام دادند، رسول

نجات و صلاح و خوشبختی انسان‌ها می‌شود.

اینجاست که برای تان توصیه می‌کنم که کتاب‌های سیرت را بسیار زیاد بخوانید، در کتاب‌های سیرت، شما جهانی از خوشبختی‌ها و عظمت‌ها را پیدا می‌کنید، ببینید که پیغمبر اکرم / در دوران کودکی و طفلی چه نوع زندگی کرده بودند، ایام جوانی‌شان به چه شکل سپری شد، شما امروز شاهدید که کسانی هستند که خدمات اجتماعی می‌کنند، مؤسسه‌ای به نام خدمت به مردم را ایجاد می‌کنند و حتی در میان کشورهای غیر مسلمان هم این امر رایج است و البته این یک کار پسندیده هم است؛ یعنی حل پرابلم‌ها و مشکلاتی که مابین مردم‌اند یک کار نیکوست، رسول اکرم / هم که هنوز در دوران جوانی‌شان بودند، به محضی که از چنین مسایلی خبر می‌شدند، حتماً در آن شرکت می‌کردند، مثلاً؛ روزی خبر شدند که جوانان در منزل کسی به نام عبدالله بن جُدعان جمع شدند؛ تا از مظلومان دفاع کنند؛ لذا رسول الله هم به خانه ایشان رفتند و با آن‌ها یکجا در همان پیمان و تعهدی که در عرصه خدمات انسانی و در حمایت از مظلوم داشتند، شریک شدند و بعد از پیغمبری در حدیثی می‌فرمایند:

«قسم به خدا، اگر در دوران نبوت هم باردیگر چنین مؤسسه‌ای یا چنین مجموعه‌ای به میان بیاید که از مظلوم دفاع بکند، من هم به عنوان یکی از اعضای آن مجموعه افتخار عضویت آن را حاصل می‌کنم.»^۱

یعنی ما می‌بینیم نه تنها پیغمبرمان پیش از پیغمبری‌شان با یک‌عده عناصری که آن‌ها متدین نبودند، پیمان ظلم‌ستیزی بستند؛ بلکه بعد از پیغمبری‌شان هم، می‌گوید: اگر یک مجموعه‌ای به وجود بیاید که و لو مسلمان هم نبوده باشند؛ ولی کار خیر را انجام بدهند، من هم آماده‌ام که با آن مجموعه سهم بگیرم.

درواقع پیغمبر با این کارش به ما درس می‌دهد که ما باید در هر مجموعه خیری سهم بگیریم و لو ابتکار آن به دست غیر مسلمان هم

الله به نحوی آن را تأیید کردند، البته سنت تقریری هم در ذیل سنت فعلی می‌آید. نگاه: إرشاد الفحول، از امام شوکانی به نقل از وبسایت اسلام ویب. ۱. گذشت.





باشد؛ اما به نفع انسان کاری را انجام بدهد، مسلمان باید خود را از آن کار دور نسازد.

این‌چنین در دوران جوانی رسول اکرم / پرابل‌هایی پیش می‌شد که عرب‌ها در کشمکش می‌افتیدند، مثلاً؛ قبایل عرب برسر اینکه حجرالأسود افتیده از دیوار کعبه را کدام قبیله جابجا بکند؟! نزدیک بود که در میان قبایل عرب خون‌ریزی شود؛ چون هر قبیله‌ای می‌خواست که این افتخار را او به عهده خود داشته باشد و مربوط به قبیله او باشد، در این هنگام رسول اکرم / می‌آید و می‌بیند که کم است که مردم باهم دست‌به‌گریبان شوند و حتی دست به سلاح بزنند، بالاخره فیصله براین شد که هرکسی که فردا اول از دروازه شَیبه داخل مسجدالحرام شد، به فیصله او همه راضی می‌باشیم، رسول الله / اولین کسی بود که از آن باب داخل شد و حکمت رسول اکرم / اینجا متجلی می‌شود که چادری را هموار می‌کند و سنگ را گرفته بالای آن می‌مانند و بعد هریکی از قبایل عرب را دعوت می‌کند که شما بیایید و از گوشه‌های چادر بگیرید و بالا کنید و وقتی که چادر بالا می‌شود، شخصاً خودشان به دست‌های مبارک‌شان سنگ را جابجا می‌کنند.^۱

می‌بینیم که این کشمکش و این پرابل‌های بسیار عمده‌ای که در میان عرب‌ها ایجاد شد، با این حکمت عملی پیغمبر / حل می‌شود. رسول الله / در دوره‌های مختلف زندگی‌شان، درس‌های زیادی را به ما آموزاندند، در بخش‌های تعالیم دینی‌مان، در احکام شرعی و در مسایل زندگی، این‌چنین در باب آداب و اخلاق، پیغمبر / روش‌هایی را برای ما و شما آموختاندند که هرکدام از آن برای نسل جوان ما و برای همه مسلمان‌ها خیلی‌ها آموزنده‌است.

برای جوانان درس محبت و مهربانی با یکدیگر را دادند که نسل جوان سخت نیازمند آن است و یقیناً در میان جوامعی که محبت و دوستی حاکم بوده باشد، آن جوامع، جوامع متحد و یکپارچه می‌باشند؛ بلی

۱. نگاه: السیرة النبویة از ابن اسحاق، ج: ۱، ص: ۱۵۵ والبدایة والنهاية از ابن کثیر، ج: ۲، ص:

ملت‌هایی که در میان‌شان مَحَبَّت حاکم باشد، جنگ و نفرت و ظلم و بدبختی در میان‌شان رخنه نمی‌کند.

ببینید، چیزی که برای ساختار دولت و ملت‌سازی‌ها بسیار مهم است؛ یعنی برای اینکه یک ملت فشرده و واحدی ساخته شود، باید افراد ملت در یک باهمی و در یک فضای پر از مَحَبَّت به‌سر ببرند.

رسول الله / در این مورد یک درس عملی را به ما می‌دهد که همگان و به‌خصوص نسل جوان باید متوجه آن باشند، آیا می‌دانید که از جمله کسانی که در قیامت مورد لطف و مهربانی خداوند قرار می‌گیرد، کیست؟

﴿رَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ...﴾^۱

یعنی همان مردمانی‌اند که با هم پیمان بستند که به‌خاطر خدا با هم دوست و مهربان می‌باشند، دوستی و مهربانی در میان همگان و به‌خصوص جوانان باعث می‌شود که فضای مَحَبَّت و صمیمیت در کشورها و در میان ملت‌ها حاکم شود.

بلی، وقتی که فضای مَحَبَّت و دوستی در میان جوامع حاکم شود، پرابلم‌ها، ظلم و بی‌رحمی و تجاوزی که در میان جوامع هست، از بین می‌رود، این چنین برای فشرده‌ساختن ملت‌ها، پیغمبر / می‌فرمایند:

﴿كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَ أَدَمُ مِنْ تُرَابٍ، لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ إِلَّا بِالْتَّقْوَى﴾^۲

انسان‌ها همه باید متوجه باشند که آنان همه باید در یک فضای همکاری به‌سر ببرند؛ زیرا انسان‌ها وقتی که متوجه اصل خود شوند، در

۱. بخشی از حدیث مبارک است که می‌فرماید: ﴿حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَامٍ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ عَنْ حُثَيْبِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَفْصِ بْنِ عَاصِمٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ / قَالَ: سَبْعَةٌ يُظَاهِمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَشَابٌّ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ فِي خِلَاءٍ فَفَاضَتْ عَلَيْهِ وَرَجُلٌ مَعْلُقٌ فِي الْمَسْجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالَ إِلَى نَفْسِهَا قَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا صَنَعَتْ بِمِثْنِهِ﴾ نگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۶۸۰۶.

۲. در روایتی این گونه آمده است: ﴿لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لَأَسْوَدَ عَلَى أَبْيَضَ وَلَا لَأَبْيَضَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالْتَّقْوَى، كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَ أَدَمُ مِنْ تُرَابٍ﴾ نگاه: مسند احمد، شماره حدیث: ۲۴۲۰۴.



اصل همه اولاد آدم‌اند و همه با هم برادر، در میان عجم و عرب و در میان سیاه‌پوست و سرخ‌پوست، هیچ تفاوتی نیست.

این درسی برای همه جهان انسانی است، مشکلی که امروز در دنیا هست، آپارتاید^۱ و مسایل نژادی است که نه تنها به سطح ملت‌ها مطرح است؛ بلکه در میان خود ملت‌ها هم به عنوان یک پرابلم و یک مشکل اساسی همیشه بوده است؛ اما رسول اکرم / این درس را دادند که نه‌خیر؛ شما باید متوجه باشید، شما همه از یک خانواده‌اید، از خانواده حضرت آدم، همه با هم برادریم، مهربانی و احترام اسلام به انسان تنها این نیست که حتماً انسان باید مسلمان بوده باشد، غیر مسلمان هم به نزد خدا و در پیش پیغمبر / او، از خود عزت، حیثیت و کرامتی دارد، به همین اساس، رسول اکرم / هرانسانی را مکرم و قابل احترام می‌خواندند و لذا در حدیثی آمده که روزی رسول اکرم / جای نشسته بودند که جنازه یهودی‌ای از آنجا گذشت، رسول الله / به احترام او به پا خاستند؛ یاران‌ش پرسیدند: یا رسول الله / اینکه جنازه یهودی بود؛

گفتند: مگر او یک نفس نبود.^۲

یعنی او یک انسان است و هرانسان محترم و مکرم است، یقیناً این فرهنگ، فرهنگی است که بشریت را - از تمام بدبختی‌هایی که امروز هست - نجات می‌دهد، ما می‌بینیم که چه جنگ‌هایی در تاریخ بر اساس نژاد نبوده است! جنگ‌های بسیار خطرناک تاریخی، مثل جنگ‌های هتلر،^۳

۱. آپارتاید؛ واژه آفریقایی است، به معنای جدایی که در اصطلاح به سیاست تبعیض نژادی - که توسط حزب ملی آفریقای جنوبی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۴م، اعمال می‌گردید - گفته می‌شد، سیاست آپارتاید، مبتنی بر برتری کامل قوم سفید و تبعیض مطلق نسبت به غیرسفیدهاست و از لحاظ نظری، معتقد به جدایی کامل کلیه نژادها و امکانات آن‌هاست. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۳.

۲. متن حدیث مبارک این گونه است: ﴿حَدَّثَنَا آدَمُ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ مَرْثَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبِي لَيْلَى، قَالَ: كَانَ سَهْلُ بْنُ حَنْبَلٍ، وَقَيْسُ بْنُ سَعْدٍ قَاعِدَيْنِ بِالْقَادِسِيَّةِ فَمَرُّوا عَلَيْهِمَا بِجَنَازَةٍ فَقَامَا، فَقِيلَ لَهُمَا: إِنَّهَا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ أَى مِنْ أَهْلِ الذَّمَّةِ، فَقَالَا: إِنَّ النَّبِيَّ / مَرَّتْ بِهِ جَنَازَةٌ فَقَامَ، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّهَا جَنَازَةُ يَهُودِيٍّ، فَقَالَ: أَلَيْسَتْ نَفْسًا؟ نَگاه: صحیح البخاری، شماره حدیث: ۱۲۳۵.

۳. آدولف هیتلر؛ رهبر حزب ملی سوسیالیست کارگران آلمان (حزب نازی) بود، وی در ۲۰ اپریل ۱۸۸۹م، به دنیا آمد، او بین سال‌های ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵م، صدر اعظم آلمان و از ۱۹۳۴م، به بعد، هم‌زمان در مقام پیشوای رایش آلمان بزرگ نیز حکومت کرد، هیتلر به عنوان

موسولونی^۱ و جنگ‌هایی که میان سیاه و سفید و در میان نژادهای مختلف، قبایل مختلف، در طول تاریخ، بر اساس تفرقه‌های نژادی به وقوع پیوسته است؟

امّا پیغمبر / به معیار انسانی و اخوت انسانی، همه انسان‌ها را جزئی از یک خانواده می‌خواند؛^۲ قرآن کریم هم می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾^۳

یک کهنه‌سرباز نشان‌دار جنگ جهانی اول، در سال ۱۹۲۰م، به حزب نازی پیوست و در سال ۱۹۲۱م، به ریاست آن رسید، او در سال ۱۹۲۳م، به‌خاطر شرکت در کودتایی نافرجام معروف به «کودتای آجوفروشی مونیخ» به تحمل ۵ سال زندان محکوم شد و در همین زمان کتاب «نبرد من» را نوشت، او پس از آزادی از زندان با ترویج اندیشه‌های ملی‌گرایی، ضد کمونیستی، یهودستیزی و ایراد سخنانی‌ها برضد پیمان ورسای، حامیان بسیاری در کشور آلمان به‌دست‌آورد و در سال ۱۹۳۳م، به مقام صدراعظمی رسید، سرانجام در ۲۹ اپریل ۱۹۴۵م، در روزهای پایانی نبرد برلین با «اوا براون» که برای سال‌های طولانی معشوقه او بود، ازدواج کرد و در ۳۰ اپریل؛ یعنی یک روز پس از ازدواجش به همراه همسرش خودکشی کرد. نگاه: نبرد من، اثر معروف هیتلر.

۱. بنیتو موسولینی؛ رهبر ایتالیای فاشیست طی دوران جنگ جهانی دوم بود، در ۲۹ جون ۱۸۸۳م، به دنیا آمد و در ۲۸ اپریل ۱۹۴۵م، درگذشت، در حین جنگ جهانی اول وی به درجه استواری نایل آمده بود، از نارضایتی مردم ایتالیا استفاده کرد و حزب فاشیسم را تشکیل داد، او با تشکیل این حزب ادعا می‌کرد که می‌خواهد عظمت روم باستان را برای ایتالیا احیا کند، موسولینی توانست در سال ۱۹۲۲م، فرمان نخست‌وزیری را از پادشاه ایتالیا بگیرد و به خود لقب دوچه یا پیشوا بدهد، سرانجام موسولینی در پایان جنگ جهانی دوم در حالی که به اتفاق معشوقه‌اش در حال فرار از ایتالیا بودند، در مزرعه‌ای توسط پارتیزان‌های ایتالیایی دستگیر شده و در همان‌جا به همراه سایر همراهان‌شان که از مقامات حکومت فاشیستی بودند، پس از محاکمه صحرایی به اعدام محکوم شدند و در ۲۸ اپریل ۱۹۴۵م، هنگام اعدام شخصی با چاقو به او ضربه زد و موسولینی نیمه‌جان از شکنجه به زمین افتاد و مردم به او حمله کردند و با لگد بر روی جنازه او رفتند که جمجمه او متلاشی شد که با تیراندازی هوایی جنازه را رها کردند، هدف از این عمل هم ناامیدکردن فاشیست‌ها از ادامه جنگ و هم گرفتن انتقام از نیروهای محور که بسیاری از پارتیزان‌ها را به همان شیوه اعدام کرده بودند، محسوب می‌شد. نگاه: وبسایت راسخون.

۲. منظور استاد شهید این حدیث مبارک است: ﴿الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِبَالُ اللَّهِ، فَأَحَبُّ الْخَلْقِ إِلَيَّ اللَّهُ أَتَقَهُمْ لِعِبَالِهِ﴾ (مردم همه خانواده خداوند است و محبوب‌ترین‌شان پیش خدا، سودمندترین‌شان به مردم است). نگاه: شعب‌الایمان، شماره حدیث: ۷۰۴۶.

۳. بخشی از آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ (ای مردمان! ما شما را از یک نر و ماده آفریده‌ایم و شما را تیره تیره و قبیله قبیله کرده‌ایم؛ تا همدیگر را بشناسید، بی‌گمان گرامی‌ترین شما در پیشگاه الله با تقواترین شماست، خداوند



همه بشریت عنوان یک خانواده را دارد، درواقع این آیت پیام محبت، پیام دوستی، پیام همکاری، پیام خدمات اجتماعی، پیام پخش علم و دانش، پیام مبارزه با فساد و طواغیت، پیام اینکه انسان‌ها همه باید احساس کرامت و عزت بکنند و هرانسانی خود را علم‌بردار آزادی، علم‌بردار حق، علم‌بردار خیر و فضیلت بداند و انسان‌ها در کنار همدیگر به مهربانی، اخوت و به تواضع زندگی کنند و قلدری، طاغوت‌مشی و استبداد در جوامع انسانی حاکم نبوده باشد، در خیر، همه انسان‌ها شریک باشند، شر و فساد از جوامع انسانی رخت بپندد را به دنیای انسان می‌دهد. بهشت و یا اتوپییایی^۱ را که افلاطون^۲ داشت و یا آن زندگی و بهشت خیالی‌ای را که مارکسیزم^۳ خوابش را می‌دید؛ پیغمبر اکرم /

مسلماً آگاه و با خبر است.)

۱. اصل واژه utopia: یونانی است و معنای آن «جایی که وجود ندارد» یا «ناکجاآباد» می‌باشد، اتوپیا Utopia واژه‌ای است مرکب از OU (او) یونانی به معنای «نفی» و کلمه TOPOS (توپوس) به معنای «مکان» می‌باشد؛ بنابر این از لحاظ لغوی به معنای «لامکان» می‌باشد، Utopia یا آرمان‌شهر، برای نخستین بار توسط «تامس مور» در سال ۱۵۱۶م، در کتابی به همان عنوان به کار گرفته شد، پیش‌تر مفهوم‌های مشابهی از این واژه در آرای فلاسفه یونان باستان (افلاطون و ارسطو) عرضه شده و در فلسفه اسلامی از آن به عنوان «مدینه فاضله» یاد شده‌است، آرمان‌شهرخواهی (Utopianism) عبارت است از: دل‌بستگی به ایجاد یا خیال‌پردازی در باره یک نظم اجتماعی آرمانی. برای معلومات بیشتر نگاه شود: دانشنامه سیاسی، ص: ۱۹ و فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۶۱۶ - ۶۱۹.

۲. افلاطون؛ یکی از بزرگ‌ترین فلاسفه جهان به شمار می‌رود، در آتن در سال ۴۲۸ ق.م، در یک خانواده متشخص آتنی متولد شد، نام اصلی او «آریستو کلس» بود و نام افلاطون، بعدها به مناسبت پیکر تنومندش به او داده شد، وی در سال ۳۴۸ ق.م درگذشت، از افلاطون آثار بسیار بر جای مانده‌است که شامل همه موضوعات مهم فلسفه و علوم انسانی می‌شود؛ مانند: فزیک، سیاست، اخلاق، منطق، زیبایی‌شناسی و غیره... نگاه: تاریخ فلسفه کاپلستون، ج: ۱، ص: ۱۶۰-۱۶۰ و بسایت دانشنامه رشد.

۳. مارکسیسم؛ مکتب سیاسی و اجتماعی است که تحت تأثیر اندیشه‌های کارل مارکس، فیلسوف آلمانی در اواخر قرن نوزدهم پیدا شد، به معنای وسیع کلمه مارکسیسم یک مکتب فلسفی سیاسی و اشتراکی است که شاگردان روسی مارکس پلخانف و لنین اند، علامه شهید سید قطب G در اوج این اندیشه، در مورد آن چنین گفته بود: «مارکسیسم که در آغاز ظهورش شمار زیادی را در شرق - و حتی در غرب - به‌خاطر تلقی کردن آن به عنوان یک سیستم ایدئولوژیک به خود جذب کرد، از ناحیه طرز فکر عقب‌نشینی بسیار واضحی داشته‌است و تقریباً هم اینکه به دولت و نظام‌های آن محدود می‌باشد که از اصول سیستم فاصله بسیار زیادی گرفته‌اند و در کل مارکسیسم با طبیعت فطرت بشری و مقتضیات آن در تضاد است و جز در یک محیط درهم‌شکسته یا محیطی که روزگاران دراز با نظام دیکتاتوری خو گرفته باشد، نمی‌تواند رشد کند و حتی در این محیط‌ها - نیز - در بُعد مادی اقتصادی - که زیربنا و

با درس‌های عملی‌شان این همه را به انسان‌ها آموزاند و این ارزش‌ها داشتند پیاده می‌شدند و انسان‌ها با این ارزش‌ها خو کرده بودند و در نتیجه در میان‌شان دوستی، محبت و برادری حاکم شد و هم‌چنان ما می‌بینیم که در آن دوران، حتی غیر مسلمان‌ها هم، در نظام‌های سیاسی اسلام حضور پیدا کردند؛ اما امروز وقتی که ما خود و اوضاع خود را با گذشته مسلمان‌ها مقایسه می‌کنیم؛ یقیناً به علت دوری از تعالیم اسلامی و از ارزش‌های دینی و از سیرت رسول اکرم / ، می‌بینیم بدبختی‌ها و مصیبت‌های زیادی بر زندگی ما مسلمان‌ها حاکم است؛ اما امیدواریم که شما نسل جوان با یک تعهد جدید در برابر خدا و تعالیم پیغمبرتان، تحول عمده‌ای را هم در خود و هم در جامعه‌تان بیاورید و هم‌چنان امیدواریم که شما طلیعه یک تحول بسیار با ارزشی در حیات انسان‌ها باشید، همین‌طور جوانان مسلمان در نقاط مختلف جهان، با الهام از سیرت پیغمبرشان پیام نویی را به دنیا ابلاغ بکنند.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ؛^۱ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛^۲ وَالسَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

مایه مباهات آن است - به تدریج به شکست مواجه می‌شود. نگاه: نشانه‌های راه، ص: ۱-۲ و فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۵۱۶ - ۵۲۱.

۱. گذشت.

۲. بخشی از آیه ۳۶ سوره مبارکه فصلت است که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ (و اگر از جانب شیطان دست‌خوش و سوسه‌ای شدی، به الله پناه ببر که او خود شنوای داناست.)



خطابه پنجاه و هشتم

در میان مردم ننگرهار؛

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى؛ اما بعد:
 أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿...يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ
 آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾^۱
 صَدَقَ اللَّهُ مَوْلَانَا الْكَرِيمَ

ډیر معزز او وګرانقدر علماوو!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

زه تاسو ته هر کلي وایم، او ډیر زیات شکرګزاریم، او ډیر خوشحالمه چی
 الحمد لله زموږ جهادی علماوو، د خپل ستر مسئولیتونه، چې د خدای په نزد،
 او د مسلمانانو په مقابل کې لری ښه محسوس کړی، او د شورایې او د وحدت
 و اتحاد یووالی په هکله خپل کارونه په ننگرهار^۲ او کنړ^۳ کی شروع کړی، دا
 ډیر یو مهم زیری او ډیر ښه خبره ده، یوازی زما د پاره نه؛ بلکه د ټولو مسلمانانو

۱. بخشی از آیه ۱۱ سوره مبارکه مجادلہ است که می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ (ای کسانی که ایمان آورده اید؛ چون به شما گفته شود در مجالس جای باز کنید، پس جای باز کنید؛ تا الله برای شما گشایش حاصل کند و چون گفته شود برخیزید. پس برخیزید، الله [رتبه] کسانی از شما را که به ایمان گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلندی گرداند و الله به آنچه می کنید، آگاه است.)
 ۲. ننگرهار؛ یکی از ولایات شرقی افغانستان است، مساحت آن ۷۶۱۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۷۹ هـ ش، ۱۱۱۴۸۴۲ نفر تخمین شده است، مرکز آن شهر جلال آباد است. نگاه:
 جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۲۵ - ۲۸.

۳. گذشت.



د پاره.

شک نشته، لکه چې یو د عبدالله بن مبارک، چې فرمایي:
 «صَنَفَانِ مِنَ النَّاسِ إِذَا صَلَحَا صَلَحَ النَّاسُ وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَ النَّاسُ: الْعُلَمَاءُ
 وَالْأَمْرَاءُ»^۱

په اسلامي دنيا کې يقيناً دوه طبقه خلک دي، چې ټولو اصلاحات،
 فساد، هدايت او گمراهي، د دوی په وسيله منځ ته راځي، يو علما دی، او بله
 واکداران او سياسي زمامداران دی.

او اصلاً دا تعبير هم؛ يعنی اختلاف لفظی ده، او په حقيقت کې، لکه
 چې مولوی صاحبان وويل: هغه کس چې په يو اسلامي ملک کې حکومت په
 لاس کې لري، بايد د ديني تعليماتو، او د علماوو د سلا مشورې لاسره خپل
 حکومت، او خپل اداره وچله يی، او د اسلامي دنيا مصيبت له هغه وخت نه
 منځته راځي، چې د سياسي نظام، او د شرعي احکام په منځ کې جلاوالی او
 بيلتون منځ ته راځي، او حکومتونو دهغو خلکو په لاس کې پريوته، چې دوی
 د اسلامي شريعت نه بې خبره وه، او يا اسلامي شريعت سره دښمنی يې درلوده،
 دا په اسلامي دين، او په اسلامي شريعت کې، د سياست او د شريعت، د
 ديني عالم او د سياسي هلې ځلې په منځ کې نه يوازې فرق نشته؛ بلکه اصلي
 سياست، د علما په لاس کې بايد وچليږي؛ لکه چې د رسول اکرم / هغه
 حديث دی، چې فرمایي:

«كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ»^۲

انبيا ټول سياستمداران وه؛ ولي اوس چې زه نبی آخرالزمان یم، پس له ما
 نه پيغمبر نشته، دا علما دی، چې زما وارثين دی.

۱. نگاه: هرچند که شيخ ألبانی این حديث را به دليل وجود «محمدالبشکری» در آن موضوع
 می داند؛ اما این روايت را از یکسو ابونعیم در «الحلیة» و سیوطی در «الجامع الصغير» و المنأوی
 در شرح «الجامع الصغير» ضعیف می دانند؛ نه موضوع، از سوی دیگر، امام غزالی این روايت
 را در الإحیاء.. به صیغه جزم ذکر می کند و در کنار این ها، معنای این حديث را روح اسلام و
 واقعیت های زندگی و تاریخ اسلام تأیید می کند.

۲. بخشی از حديث مبارک است که می فرماید: «كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسُوسُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ كُلَّمَا هَلَكَ
 نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَسَيَكُونُ خُلَفَاءُ فَيَكْتُمُونَ قَالُوا: فَمَا تَأْمُرُنَا قَالَ قُوا بِبَيْعَةِ الْأَوَّلِ
 فَلَا أَوَّلَ أُعْطَوْهُمْ حَقَّهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ سَائِلُهُمْ عَمَّا اسْتَرْعَاهُمْ» نگاه: صحيح البخاری، شماره حديث:
 ۳۴۵۵.

یعنی دا خلک باید اسلامی سیاست و چله بی، او دا سیاست باید، دوی په لاس کې شی، برخلاف حتی دا د مسیحیت هم تعلیمات نه ده، د سیکولریزم،^۱ دا دهغه غریبانو چې د مسیحیت هم ندی، هغوی دسی جلاوالی منځ ته راوستو، چې ویلی:

«الدین لله والوطن للجميع»

(دین د خدای دی، او وطن د ټولو.)

«مال لله و مالقیصر لقیصر»

(هرڅه چې د خدای دی، د خدای دوی او هرڅه چې د قیصر دی د قیصر

دوی.)

دوی داسې بیلاوالی او جلاوالی منځ ته راوړه، چې یعنې قیصر د دوی سیاسي زمامدارانو ویلی، هغه کسان چې اهل دین او اهل کلیسا^۲ د هغوی بیل دی، دوی د سیاست او د تدبیر په منځ کې بیلوالی او جلاوالی راوستو، او په اوسنی نړۍ کې خومره بد بختیګانې، مصیبتونه نن مونږ ګورو، جنګونه، کشمکشونه، مصیبتونه د دې ټولو اساسي عامل دا دی، چې بی دین سیاستمداران منځ ته راغلل، او ظلم او استبداد و بی رحمی چې دوی کول، او کوم چې د دوی د ارادې مانع کیده او دوی دیني او وجداني محسوس وکړی، دوی محسوس او نکړ، له دې کبله، دا مصیبتونه په دنیا کې راغلي دي، او بدبختی دا ده چې دا سوغات له غریبانو په اسلامی دنیا ته منتقل شو، او دا خبره اوس را روانه ده، چې علمانیت و سیکولریزم، دین د سیاست نه بیل وی، باید علما په سیاست کې مداخله ونکړی، دا غیر دیني او غیر شرعي او غیر انساني تبلیغات دی.

زه په دې باوریم چې؛ الحمد لله زموږ جهادی علماوو، او پوه علما دی مطلب ته ملتفت ته دی، چې دوی اصلاً هیڅ کله ځان د دې خلکو د مشکلات نه د اداری، سیاسي، فرهنګي، تعلیمي، اقتصادي له قضانه لری، نه ساتی او فکرونکړه چې زه دغو کارونو سره هیڅ غرض نلرم.

۱. گذشت.

۲. کلیسا؛ اصلاً واژه یونانی است که به معنای گردهمایی می باشد و به اجتماع انسان هایی که با یکدیگر جمع شده اند و عقاید مذهبی مشترکی دارند، اشاره می کند؛ اما در اصطلاح به مکان عبادت مسیحیان اطلاق می شود. نگاه: لغت نامه دهخدا.



لکه چې مونږ او تاسو پوهیږو چې حضرت عثمان -رضی الله تعالی عنه- مقوله دی چې فرمایي:

﴿إِنَّ اللَّهَ يَزَعُ بِالسُّلْطَانِ مَا لَا يَزَعُ بِالْقُرْآنِ﴾^۱

د عثمان -رضی الله تعالی عنه- د اجرایی قدرت، او د سیاسی قدرت، اهمیت دوی او فرمایي: دومره مهم دی که په چا په لاس کې سلطه او اقتدار نه یی خلکو ته قرآن کریم ورته ووايي اکثراً نه مني بیا چې سلطه او اقتدار وی مجبور وی چې ومنی د دی معنی داده د حضرت عثمان > خبره داده، چې مسلمانانو به د سیاست نه ځان لری ونه ساتی.

شک نشته چې له مسلمانانو سره ډیر زیات خلک، دشمنی کوی، او هغه خلکو چې اوس هم راغلی دی، دی ملک ته.

شک نشته چې دوی د خیر د پاره نه دی راغلی، د خپل هدف د پاره راغلی دی، دا تشویش ماسره وه، او ددی موضوع لپاره ما مجاهدینو ته تنبیه ورکوله او دوی ته وایمه چې تاسو متوجه او ملتفت واوسېږی.

لومړنیو شپه ورځو کی دلته کابل کې ولسوالی ګاني جوړیده ما تصمیم و نیوه چې په ټولو دغوه اجتماعاتو کې چې نوی ولسوالی فعالیت پری زه به لاړ شم او خلکو ته خبری به وکړم، چې نوی اوضاع چې راغلی ده تاسو ورته هوښیار هوښیږی، زه دغه اول وخت کې هغه ولسوالی چې کابل کې فعاله شو قره باغ^۲ د کابل ولسوالی چې فعال شو، زه ورغلم ګڼ تعداد خلک هلته راغلی وه.

بیا ما دغه خلکو ته وویل چې: وروڼو مجاهدینو!

زه یوه خبره تاسو ته کومه، دا خلک چې راغلی دی، ستاسو دپاره، نه بلکې خپل ګټو لپاره راغلي او دوی ځان دپاره منفعت لری.

زه دا پیغام تاسو ته هم وایمه: او دوی ته هم وایمه که دوی زمونږ د دین پر ضد، څه کار وکړی، هغه څه چې روسانو سره مونږ مقابلې کړی، دوی سره هم مقابلې کوو، که زمونږ دین سره دوی غرض ونلری، بیا که مونږ سره نوری همکاري کو، څه نه وایو او منتظر اوښیږو، زما دا خبره چې وشو صبا د

۱. گذشت.

۲. قره باغ؛ یکی از ولسوالی‌های ولایت کابل است که جمعیت آن ۶۷۷۰۰ نفر تخمین شده است، مرکز آن قره باغ است. نگاه: جغرافیای ولایات افغانستان، ص: ۲.

پاکستان په جرايد کې نشر شوی چې: استاد رباني اعلان جهاد وکړل.

صبايي وختي وه چې، د ملل متحد نماينده زما کورته راغلی.

استاد رباني تاسو ولی اعلان جهاد کړی؛

ما وویل چې: ما دا اعلان په دې شرط کړی، چې: که څوک زمونږ د دين

پرضد، هغه که هر څوک وی هر ملک وی، زمونږ پر حريم تجاوز وکړی، لکه

خنګه چې مونږ روس سره مقابله وکړه دوی سره یی هم کو؛

دوی وویل چې: دا خلک داسی کوم کار نه کوی ما ویل چې مونږ هم ورسره

کار نه لرو؛

مقصد مې دا ده چې، دا تشویش له مونږ سره وه، او شته، البته مونږ

کوشش کوه چې بی برنامه بی پروگرام مونږ تاسو باید کارونه ونکړو، چې ددی

نه نورو خلکو بهانه جوړ وکړی، اولاً تاسو په قرآن بڼه پوه یاست، چې قرآن کریم

د مسلمانانو د پاره د اعداد آمادګی د هر کار د پاره، اسباب و وسایل هغه ته ټول

د پاره دوی ته هدایت ورکړی، او کله، داسی شته چې:

﴿وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ﴾^۱

او لاکن مهمه خبره چې په اوسنی حالت او شرایط کې لرو او باید او ورته

متوجه و او سپړو او هغه سه شی دی او مونږ تاسو ورباندی اشاره وکه هغه

اساسی خبره دا ده که چیرې د مسلمانانو په منځ کی اتحاد یووالی وررولی

په منځ کی راشی، زه یقین لرمه دا ملک - إن شاء الله - هیڅ دشمن نشی کولای

خپل ناکام عزایم په دی ملک کی عملی وکړی کیدای شی یو څو مو داسی غلط

کارونه به وشي اما په آخر کی شرمنده شکست خورده هر څوک په دی ملک کی

شکست ته مواجه کیږی مهمه خبره دا ده چې مونږ مسلمانان آیا په خپل منځ کی

اتحاد لرو که نلرو اتفاق لرو که نلرو پروگرام لرو که نلرو بی پروایی بی اتفاقی

بی له کوم دقیق نظم و انضباط نه سومره فعالیت وکړی هغه بی نتیجه ده له دی

کبله پکار دا دی چې اول سر کی مونږ دی موضع ته ملتفت و سپړو په اوسنی

حالاتو کی څه مشکل سره مونږ مخامخ یو اول داده چې ځان به بی تفاوت ځان

۱. بخشی از آیه ۲۵ سوره مبارکه احزاب است که می فرماید: ﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغِظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا﴾ (و الله آنان را که كفر ورزيده اند

بی آنکه به مالی رسیده باشند، به غيظ [و حسرت] برگرداند و الله [زحمت] جنگ را از مؤمنان

برداشت و الله همواره نیرومند شکست ناپذیر است.)



دغسی نظارہ گرنہ وسیرو باید پہ ٲول مسایل پہ ٲول قضا یا و کی ٲان دخیل و بولو کار و کو تاسو د شورایی خبرہ یاد کر د شوری چی داخیلیدل یقیناً یعنی ٲوک چی پہ ریاست دولت کی وخت تیر کر ٲوی بیا ٲان د عضو شوری د ٲارہ کاندیدانکری لکن زما هدف ٲه شی و ہ هدف می دا و ہ چی نوروتہ و ایم چی ورونو تاسو میدان نوروتہ مہ ٲری ٲدی را ٲی چی ٲول پہ دی کہ ٲارلمان ٲول فعالیتونو ٲسی دا مسلمانان برخہ واخلی او دغہ صلاحیت پہ ٲیل لاس کی واخلی نوروتہ اجازہ ورنکری چی سیکولرو بی دین خلک شوری وزارتونو و حکومت و اجرائی ہغہ ٲول شیانون لاس کی واخلی لہ دی کبلہ ہغہ میدان چی ٲاتی دی ہغہ تاسو حتماً اشغال کر ٲی پہ دی کی داخل شی لہ دی کبلہ دا کار وشو کہ ٲه ہم ہغہ چی زمونہ آرزو گانی پہ شوری سرتہ ندی رسیدلی مشکل دا دہ چی یو نوعہ... آگاہی مسلمانانو پہ منہ کی متأسفانہ علمی شونیدہ و زینی مسلمانان ٲاتی دیر کمہ دہ دیر قضا یا دی چی اکثر ا دسی ورونہ شتہ دی شاید ٲرون قمندان مجاہد پہ شکل د جہاد پہ صف کی و ہ دومرہ بی غم باغ شوی دہ ہی ٲ فکر نہ کی چی ٲه تیر ٲری ٲه خبرہ روانہ دہ تہدید لہ کوم خوانہ دہ دا تہا جمونہ چی د مسلمانانو پہ مقابل کی راوان دی د کوم خوا دہ ٲه مسئولیت لرو اکثر ا دغسی بی تفاوت نظارگر بیغم باشی پہ حال دی۔

بہ ہر حال امید دی چی ان شاء اللہ لہ دی وروستہ دا مشکل حل شی لہ دی کبلہ اولنی زما در خواست الحمد للہ تاسو ٲیلہ شروع کر ٲی در خواست می دا دی چی د علما و مخصوصاً تاسو ٲوان علما و البتہ ٲخوانی علما ٲولوتہ دی مبارک وی۔

پہ یقیناً نوی نسل چی د جہاد پہ دوران کہ ہجرتونو سرہ آشنا دی جہاد سرہ آشنا دی جہادی سنگرونو سرہ مختلف خطراتو سرہ دوی مخامخ شوی او د دنیا دنری د اوضاع او د دشمنانو مکر و دیسی نہ خبر دی دوی یو بل سرہ لاس ور کر کر ٲی اما ہغہ شی چی ماتہ مربوط دی زہ تاسوتہ اطمینان در کوم چی ہی ٲ بی دین ہی ٲ کمونیست تہ اجازت نہ ور کو و چی زمونہ لاس... زمونہ ہلی ٲلی ہم دا دہ چی ہمیش ﴿...الْعِزَّةُ وَلِرَّسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۱ ہمیش د مسلمانانو د

۱. بخشی از آیه ۸ سورہ مبارکہ منافقون است کہ می فرماید: ﴿يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَّسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (می گویند: اگر [از غزوہ بنی مصلطی] بہ مدینہ برگشتیم، باید افراد با عزت و قدرت، اشخاص خوار و

عزت د علماؤ د دینی تقویت د خلکو برتری په دی ملک کی هر قیمت کی دی مونږ باید ثابت وکړو چی په دی ملک کی بغیر مسلمان نسل مسلمان سیاست مدار مسلمان عالم نور خلک نشی کولای چی پدی ملک کی چپل زعامت او قیادت په زور تحمیل وکړی له دی کبلی ما هم دیر کوشش کړی دی چی له اول خل کی چی دا خبری راروان وی خلور کاله مو هلی خلی وکړي دوستانو مشرانو سره چی راځی مونږ او تاسو سره یو مشترک پروگرام جوړ او دیو سه نتیجی لاس ته راغی یو تعداد ورونو ته ما وویل چی ورونو همدغسی بی غم باش شوی او بی پروا شوی دی نه پوهیږم چی څه عامل دی بل پرونی زما په کور کی ورونو راغوستی وه او کیداشی چی دا جمعه نه هغه بل جمعه کی دو سه کسان یو تعداد د اسلامی نظریه خلکو جهادی تنظیمونو نمایندگانو د ټولو ما راوغوست چی ورونو سیاسی په دگر کی کار باید وکړو او متحد کار وکړو اما ددی په څنگ کی دیر مهمه خبره دا ده فرهنگی تربیتی خبره ده چی نوی نسل ځوان نسل منحرف کیږی بی دین کیږی فاسد کیږی له دی کبله پکار دا ده چی مونږ او تاسو خپل کار او یو بل سره وگورو چی څه کار کولای شو مونږ اوس را دیو تاسو ته وویل ماسره پروگرام اشته نن هم زموږ مسئول ددی کارون ماته وکړ چی اجازه درادیو ویز نه واخلمه وزیر اطلاعاتو کلتور اجازه نامه اخلو که څه هم به (FM) به یی په کابل کی سراتاسری را دیو هم ان شاء الله جوړو یوازی دیو را دیو یو تلویزون کافی نه ده اوس تقریباً د سلگونه اخبار را دیو تلویزیونه هم اشته دی ددی تبلیغات بالکل مونږ ته د منحرف کول دپاره دی دفساد خپروله بله خبره دوی نه لری ما دی ورونو ته وویل چی راځی مونږ او تاسو یو ځای کی کینو اول خود مدارسو تنظیم په هکله مونږ او تاسو څه کولای شو دینی مدارس بی سرپرست پاتی نشی او ترکوم وخته پوری دی بیچارگان هیڅ دغسی یار ویاور ونلری گوری چی پاکستان خلکو ته دومره فرهنگ اشته





هندوستان^۱ یا بنگلادیش^۲ سره چی دوی عوام کوشش کی چی خپل مدارس به وساتی اما په افغانستان مصیبت دا ده چی فرهنگ نشته بذل مالی نشته مالی جهاد خلک دیر کم توجه لری دا زموږ فکر کی شته چی مونږ این شاء الله خپله پروگرام لرو زه خپله تر هغه اندازه چی زما په صلاحیت کی دی یوازی د ذکر نه بلکه دا ناو د مدارس دینی جوړول دپاره پروگرام می جوړ کړی او جوړومه هغه اندازه .. لکن «ازیک دست صدا بر نمی خیزد» ولی یو کس هم نشی کولی هغه اندازه ممکنه راځی په ګډه کینو مشترک پروگرام جوړ وکړو دا نوی نسل ځوانانو دپاره اسلامی پروگرام جوړ وکړو که دا حالت همدغسی پاتی شی خدا ناخوایسته دا وقت را روان دی که به نوی نسل منحرف کیږی بیرته جوړول بیا دیرگران ده چی این شاء الله دا موضوع مونږ کار کوو او دتاسو علماؤ الحمد لله دا ابتکار عمل په خپل لاس اخیستی مونږ دسره بالکل حمایت او هر قسم زموږ لاس نه کیږی تاسو سره ولاړ یو او زما غوښتنه دا ده چی دا کار سرتاسری شی په ټول افغانستان کی او علما نور لکه تاسو وویل کوشش وکولکه چی ایرانیان وایی د پوهنتونونو د تولتی حوزه دینی مدرسی او نور مکتبونو کی او پوهنتونونو دوی هغه یو بل سره داسی هغه شوی دی چی اوس منځ ته راوولی دی چی څوک نه پوهیږی دغه کس له پوهنتون فارغ شوی ده؛ اما کله چې په منبر کی درېږی نور فکر کی چی لوی عالم دی همدغسی مثلاً یو عالم دینی چی کله د دنیای کمپیوتر دا شیان درېږی خلک فکر کی دا لویه متخصص ده منظور دا ده چی دغه فاصله باید کوشش وکړو چی لری وکړو او

۱. هند یا هندوستان؛ کشوری است که در جنوب قاره آسیا موقعیت دارد، مساحت آن ۳۱۶۵۵۹۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۱۱۷۳۱۰۸۰۰۰ نفر تخمین شده است که دو مین کشور پر جمعیت دنیا پس از چین به شمار می آید، زبان رسمی آن هندی و انگلیسی، واحد پول آن روپیه هند و پایتخت آن دهلی نو می باشد، هند معجونی از ادیان مختلف و فرقه های مذهبی گوناگون است، پیشینه ورود اسلام به هند از اواخر قرن ۱ قمری و با سقوط پادشاهی ساسانی آغاز شد، گسترش اسلام در دوران سلطان محمود غزنوی و تصرفات وی در پنجاب ادامه پیدا کرد و در دوران حکومت گورکانیان هند به اوج خود رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۲.

۲. بنگلادیش؛ کشوری است که در جنوب قاره آسیا موقعیت دارد، مساحت آن ۱۴۷۵۷۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۱۵۸۰۶۶۰۰۰ نفر تخمین شده است، دین رسمی آن اسلام، زبان رسمی بنگالی، واحد پول آن تاکا و پایتخت آن شهر داکا می باشد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰.

إن شاء الله په افغانستان کی نشته بیا هم؛ یعنی مخکی دشمنانو داسی غوشتل چی مکتبی او ملا سره دشمنان کړی او دغه شان فاصله یی رامنځته کړی وه. زمونږ د دی حکومت مجاهدینو په دوران کی دغسی فیصلی و نیو چی د مکتب نه مدرسی جوړ و کړو د مدرسی نه مکتب مقصد می دا وه چی لکه د مدرسی خلک دغی نوی تعلیم سره آشنای او په ټول مکاتبو پوهنتونونو کی باید دینی درس داسی تدریس شی چی یو داکتر چی فارغ شی یو انجینر فارغ شی بیا کله منبر ته ودریگیږی محراب ته ودریږی وکړای شی خلکو ته امامت ورکړی. په قرآن کریم پوره پوه وی، خو متأسفانه د دی نوی تغییر په اساس یو اندازه هغه حالت تبدیل شو.

په هر حال دا اراده مونږ سره شته چی مونږ میدان پری نږدو مونږ دا ملک شهداو سرزمین دی د علماؤ سرزمین دی، دا لکه هغه شکې برسلان با خبره کی چی وویل که په ټول دنیا که ډیر شه خبری دی په افغانستان په هکله ډیر خوشبینی دی وویل که خدای ناخواسته په ټول دنیا کی که اسلام منقرض شی؛ اما وویل په هندو کش^۱ که په افغانستان کی داسی خلک اشته چی ددوی په وینو کی د اسلام جذبه شته او دوی اسلام بیرته احیای مجدد کوی او دا یقیناً که چی دا د هغه حدیث هم چی د ځینی روایات د فروعاتو کی راغلی ده.

﴿لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعْلَقًا بِالشَّرْتِ، لَنَالَهُ رَجُلٌ أَوْ رَجُلٌ مِّنْ أَثْنَاءِ فَارِسٍ﴾^۲

خراسان دپاره ویلی دی چی دا یقیناً یو بشارت ده چی د افغانستان دپاره چی همدا خلک إن شاء الله احیای مجدد د اسلام دپاره هلی ځلی وکړی یو ځل خود جهاد په دوران کی پس د کامیابی نه دغسی دسیسی منځ ته راغی چی زمونږ او تاسو پرگرامونه نیمگړی پاتی شو او څه داخلی اختلافات یا بهرنی توطیو او دسیسیو وشو او اوس إن شاء الله دا عزم و ایمان هرچاته اشته

۱. سلسله کوه های هندوکش؛ از سطح مرتفع پامیر جدا شده و به شمال بامیان می انجامد، از آن رو به فاصله ۶۰۰ کیلومتر طول داشته و عرض اکثر آن ۳۰۰ کیلومتر و عرض اقل آن در بامیان به ۲۵ کیلومتر می رسد، هندوکش به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شده است که هندوکش شرقی از سطح مرتفع پامیر الی کوتل خاواک امتداد دارد و هندوکش غربی که از کوتل خاواک الی کوتل اقرباط امتداد پیدا کرده و طول آن ۲۳۰ کیلومتر می باشد. نگاه: جغرافیای فیزیکی افغانستان، ص: ۲۹.

۲. نگاه: الثالث عشر من فوائد ابن المقرئ، شماره حدیث: ۵۱، مسند ابن اسحاق راهوی، شماره حدیث: ۴۰۷ و العزو / ۴۶۸.



ماسره خو بالکل د اسی تصمیم شته چی په هر قیمت خدای لطف وکړی بیرته دا د مسلمانانو د علماؤ مجاهدینو د عزت د پاره دسی هلی ځلی به وکو دا یو فترت راغلی دی دغه فترت باید ختم شی او بیرته مسلمان له هیڅ دغه شیانو چی احساس وکړی چی د اسی دین ته خطر ده مثلاً دا مسئله له منځه لاړ شی او دی د پاره چی زموږ د خارجیانو بهانی لری شی کوشش کوه چی دغه زموږ او تاسو ورونو چی مسلح ورونه دی دوی ته دسی یو ښه پروگرام په اساس کی خبری وکړو چی راځی هغه چی تاسو غواړی شریعت د خارجیانو د دی ملک نه وتل ټول خبری چی دی راځی دغسی فضا وکړو له ټولو له د دی د پاره چی جنگ ونشی.

﴿وَكَفَىٰ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ﴾^۱

په ځای چی قتال وی کیدای شی موږ دغسی بل لاره غوره وکړو چی څوک وایی دلته، مثلاً: دلته القاعده ده، او دلته تروریزم ده، موږ وایو څوک القاعده ده دلته نشته راځی، تاسو د شریعت لاره غواړی موږ ام دغسی ټولو شریعت اوس یو تعداد هغه ورونو پخواه مجاهدین وو. موږ سره په کشمکش وه، اکثراً هغه دوی ته متوجه شوی ده، چی رشتیا ډیر سهوه وشو که مجاهدین څه غوشتل، موږ څه غوشتل؛ یعنی کله چی ددی پیغام راغی د طالبان یو تعداد ملا نقیب آخندزاده^۲ خدای غریق رحمت وکړی دی ماته تلفون که خبری وکړ، استاد طالبان دی علما دی چی امر بالمعروف نهی عن المنکر کی مانه مرسته غواړی ما وویل چی څه وویل: دوی پیسی ورته ورکوه سلاح ورته ورکوه هر شی چی غواړی ورته ورکوه بیا ما چکری صاحب^۳ یو تعداد علماؤ سره ولیږه، پیسی می ورته ولیږلی ددی لپاره زه چمتو یم چی هره مرسته وی ورسره به یی کوم امر بالمعروف نهی عن المنکر موږ څه دپاره جهاد کړی هم دا زموږ او تاسو ګډه او فریضه ده.

به هر حال یو څه دغه راغلی اشتباهاتو خطاګانی منځته راغلی فاصله د مجاهدینو او د طالبانو په مینځ کی پېښه شوه او دومره مسلمانانو ته نقصان

۱. گذشت.

۲. گذشت.

۳. منظور؛ محمد صدیق چکری؛ سرپرست سابق وزارت ارشاد، حج و اوقاف است.

ورسیده، اوس کوشش وکو دغه مسئله بالکل حل شی او دغسی وحدت قایم وکړو، چی ټول مسلمانان، طالب العلمان، احزاب جهادی یو بل سره متحدانه په یو صف او یو سنگر کی ودریږی، دی دپاره چی مونږ خو یوازی علما خبری باید ونکړی؛ یعنی خلکو د دبی نه داسی فکر ونکړی چی:

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس.^۱

عالم یواځی خبری وکړی نور میدان د نورو په لاس کی شی، دا صحیح نه ده، باید علماؤ ټولو دغه دفاتر کی په ټول شیانو کی حضور ولری برخه ولری، لدی کبله پکار دا ده چی مونږ په دی موضوع اتحاد، اتفاق، یووالی په خپل منځ کی شی، متفقانه پروگرامونه جوړ کړو، اوزه بیا تاسوته نورو اطمینان درکومه چی ان شاء الله تاسو کار شروع کړی، مونږ هم کارونو ان شاء الله کوشش کوو په چتکیاو وگړندی توگه نور کارونه شروع کوو او راغلو آئنده دپاره، لکه چی د حضرت عثمان خبره وه هغه وقت پوری چی قیادت د جهادی قیادت او د علماؤ ارشاد و هدایت یو داسی قیادت منځ ته را نشی سیکولر قیادت علمانی قیادت په دی ملک کی لوی بلا ده، لوی مصیبت ده دوی علمانیان و سیکولریان ډیر زیات اسلام سره دشمنی لری له دی کبله دوی ته میدان خوشی پری نکړو راتلونکی لپاره هم اشاره وکړو ما هم اشاره می وکړو زما غوښتنه او توصیه دا ده چی په گډ کینو یو مجاهد ورور په افغانستان کی په اتفاق وټاکو د مجاهدینو سره د جهادی څه تنظیمونه شته دوی سره ما دا خبره هم کړی چی راځی متحده ټوگه آئنده دپاره کاندید معرفتی وکړو ټول په یو غږ دا معرفتی به وکړو کامیاب به وکړو او هغه خبری او هغه شرایط چی د اسلامی حکومت دپاره بی مونږ هغه پروگرام په گډه سره جوړ وکړو هغه منکرات چی د بدبختیگانی چی شوی دی د تل لپاره بی په گډه سره له منځه یو سوو او ان شاء الله دا تصمیم مونږ سره اشته الحمد لله اوزه ډیر خبری نکړو زما آخری خبره دا ده چی له تاسو غوښتنه کوومه چی تاسو کوشش وکړی چی نورو ولایاتو کی همدسی دا پر برکت اجتماعاتو پیل کړی په نورو ولایاتو هغه سره راتول شی یووالی او سره اتفاق جوړ کړی.

زه یقین لرمه چی علما یو دم متحد شی افغانستان متحد کیږی یو تعداد

۱. این مصرعی از این بیت حافظ است: «حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس * در بند آن مباحث که نشنید یا شنید.» نگاه: غزل ۲۴۳، حافظ شیرازی، وبسایت گنجور.



خلک غواہی چي د قومونو پيہ نوم د ولاياتو ترنامه احزابو ترنامه اختلافو کشمکشونه رامنځ ته شي، خو هيچ چاته به اجازت ورنکړو مسلمانان ټول وروڼه دي:

﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾^۱

خداي مونږ ته هدايت را کړي چي مسلمانان امت واحد دي اجازت چاته ورنکړو چي د يوه نوم بل نوم دلته اختلاف منځ ته راوړي، به هر حال زه کوشش کومه چي ان شاء الله مونږ او تاسو ته به وگورو دا البته مختصر کتنه وه چي آينده کيداشي مونږ هم درځو در روان و ان شاء الله ننګرهار ته کنړون ته او نور مونږ او تاسو د پير خبري لرو دا يوازي يو تعارفي وشو او د پير خبري به يي په نورو مجالس کي نور اجتماعات کي تاسو سره وکړم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،^۲ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

۱. انبياء / ۹۲. ترجمه معاني آيه مبارکه گذشت.

۲. گذشت.

نمایه

آيات

﴿إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا﴾ ١٤٠
 ﴿إِنَّمَا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾ ٢٢١
 ﴿إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون﴾ ١١٣، ٢٣٦
 ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾
 ٧٣

﴿إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾ ٥٣
 ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ﴾ ٨٨
 ﴿الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ ٤٠
 ﴿الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَاللَّهُ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ﴾ ٨٤
 ﴿الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ ١٣٢
 ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمَلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ ٢٨، ١٥٢
 ﴿فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ﴾ ٥٢



﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لَنِتَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿٨٩﴾

﴿قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ ﴿٥١﴾

﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٣﴾
﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٣﴾

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ
الْفَاسِقُونَ ﴿٨٩﴾

﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ
ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ * كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ
مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٣١﴾

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ
بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ
وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿١٦٦﴾

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّن قَضَىٰ نَحْبَهُ
وَمِنْهُمْ مَّن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿٣٩، ٦١﴾

﴿وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا.. ﴿٧٤﴾
﴿وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ
أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ

مُجِيبٌ ﴿٤٢﴾

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ
أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ
النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٧٥﴾

﴿وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ ١١٦

﴿وَتَاللَّهِ لَا يَكِيدَنَّ أَصْنَامُكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدْبِرِينَ﴾ ٥١

﴿وَجَعَلُوا أَعْزَّةَ أَهْلِهَا أَذْلَةً﴾ ١٤٠

﴿وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا﴾ ٢٢٩

﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى﴾

٥٢

﴿وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَرْنَاهَا تَدْمِيرًا﴾ ١٣٤

﴿وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ، أَيْنَمَا يُوَجِّهْ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ، هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ

عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ ٣٠

﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضَيِّعَ إِيْمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ﴾ ٣٣

﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ﴾

١٥٤

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ﴾

١٥٤

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾ ٥٤

﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ ٢٠٠، ٢٠٣



﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ ۱۰۴

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانْشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ﴾ ۲۲۵

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ ۱۸۱، ۱۳۵

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ ۲۲۰

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا * وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا * وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا * وَلَا تَطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ ۱۹۹

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾ ۲۱۴

﴿لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ﴾ ۲۰۹

احاديث

﴿أَخْبَرَنَا أَبُو عَرُوبَةَ بِحَرَّانَ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَشَّارٍ، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي يَعْقُوبَ، قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ أَبِي نُعْمٍ، قَالَ: سَمِعْتُ ابْنَ عُمَرَ، وَسَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ شَيْءٍ، قَالَ شُعْبَةُ: سَأَلَهُ عَنِ الْمُحْرَمِ يَقْتُلُ الذِّبَابَ؟ فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ: يَسْأَلُونِي عَنْ قَتْلِ الذِّبَابِ وَقَدْ قَتَلُوا ابْنَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ / وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ / : هُمَا رِيحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا﴾ ١٢٨

﴿أَطَابَتْ أَنْفُسُكُمْ أَنْ تَحْثُوا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ / التَّرَابَ﴾ ١٢٦

﴿أَلَا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي بِلَدِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا أَلَا هَلْ بَلَغْتُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ اللَّهُمَّ أَشْهَدُ ثَلَاثًا وَبِلَكُمْ، أَوْ وَبِحَكْمِ أَنْظَرُوا لَا تَرْجِعُوا بَعْدِي كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ﴾ ١١٨

﴿أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ > ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ / إِنَّ مِنْ عِبَادِ اللَّهِ لَأَنَاسًا مَا هُمْ بِأَنْبِيَاءَ، وَلَا شُهَدَاءَ يَغْبِطُهُمُ الْأَنْبِيَاءُ وَالشُّهَدَاءُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، بِمَكَانِهِمْ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ، تُخْبِرُنَا مَنْ هُمْ، قَالَ: هُمْ قَوْمٌ تَحَابُّوا بِرُوحِ اللَّهِ عَلَى غَيْرِ أَرْحَامٍ بَيْنَهُمْ، وَلَا أَمْوَالٍ يَتَعَاطَوْنَهَا، فَوَاللَّهِ إِنَّ وُجُوهُهُمْ لَتَنُورُ، وَإِنَّهُمْ عَلَى نُورٍ لَا يَخَافُونَ إِذَا خَافَ النَّاسُ، وَلَا يَحْزَنُونَ إِذَا حَزَنَ النَّاسُ وَقَرَأَ هَذِهِ



الآيَةَ «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» ﴿٧٩﴾
﴿إِتَّقُوا اللَّهَ فِي الشَّبَابِ فَإِنِّي كَلَّمَا بَدَأْتُ بِالْدَّعْوَةِ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ وَحَالَفَنِي الشَّبَابُ﴾ ١٨٩

﴿إِتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ﴾ ١٠٤
﴿إِذَا قَامَتِ الْقِيَامَةُ وَيَبْدُ أَحَدُكُمْ فِسِيلَةً فَلْيَزِرْ رَعُهَا﴾ ٤٣
﴿إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا إِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ أَخَذَ بِهِ أَخَذَ بِحِطٍّ وَافِرٍ﴾ ٤٦
﴿إِن قَامَتِ السَّاعَةُ وَيَبْدُ أَحَدُكُمْ فِسِيلَةً، فَإِنْ اسْتَطَاعَ أَنْ لَا يَقُومَ حَتَّى يَغْرَسَهَا فَلْيَفْعَلْ﴾ ٤٣

﴿إِنَّ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَمِينًا وَإِنَّ أَمِينَنَا آيَّتُهَا الْأُمَّةُ أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ﴾ ١٧١
﴿الْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُ اللَّهِ، فَاحْبُبِ الْخَلْقَ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعَهُمْ لِعِيَالِهِ﴾ ٢١٩
﴿حَدَّثَنَا آدَمُ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ مُرَّةٍ، قَالَ: سَمِعْتُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبِي لَيْلَى، قَالَ: كَانَ سَهْلُ بْنُ حَنْبَلٍ، وَقَيْسُ بْنُ سَعْدٍ قَاعِدَيْنِ بِالْقَادِسِيَّةِ فَمَرُّوا عَلَيْهِمَا بِجَنَازَةٍ فَقَامَا، فَقِيلَ لَهُمَا: إِنَّهَا مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ أَى مِنْ أَهْلِ الدِّمَةِ، فَقَالَا: إِنَّ النَّبِيَّ / مَرَّتْ بِهِ جِنَازَةٌ فَقَامَ، فَقِيلَ لَهُ: إِنَّهَا جِنَازَةٌ يَهُودِيٍّ، فَقَالَ: أَلَيْسَتْ نَفْسًا﴾ ٢١٨

﴿حَدَّثَنَا عَلِيُّ، حَدَّثَنَا سُفْيَانُ قَالَ عَمْرُو: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ V قَالَ: كُنَّا فِي غَزَاةٍ - قَالَ سُفْيَانُ مَرَّةً فِي جَيْشٍ، فَكَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ الْأَنْصَارِيُّ يَا لِلْأَنْصَارِ وَقَالَ الْمُهَاجِرِيُّ يَا لِلْمُهَاجِرِينَ فَسَمِعَ ذَاكَ رَسُولُ اللَّهِ / فَقَالَ: مَا بِالْ دَعْوَى جَاهِلِيَّةٍ؟ قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَسَعَ رَجُلٌ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ: دَعُوهَا فَإِنَّهَا مُتَنَتَةٌ فَسَمِعَ بِذَلِكَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي قَالَ فَعَلَوْهَا أَمَا وَاللَّهِ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ فَبَلَغَ النَّبِيُّ / فَقَامَ عُمَرُ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ دَعْنِي أَضْرِبْ عُنُقَ هَذَا الْمُنَافِقِ فَقَالَ النَّبِيُّ / دَعُهُ لَا يَتَحَدَّثُ النَّاسُ أَنَّ مُحَمَّدًا يَقْتُلُ أَصْحَابَهُ﴾ ٣٢

﴿حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَلَامٍ، أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ عَنْ خَبِيبِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، عَنْ حَفْصِ بْنِ عَاصِمٍ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، عَنِ النَّبِيِّ / قَالَ: سَبْعَةٌ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ إِمَامٌ عَادِلٌ وَشَابٌ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ وَرَجُلٌ ذَكَرَ اللَّهَ فِي خَلَاءٍ فَقَاضَتْ عَيْنَاهُ وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُعَلَّقٌ فِي الْمَسْجِدِ وَرَجُلَانِ تَحَابَّا فِي اللَّهِ وَرَجُلٌ دَعَتْهُ امْرَأَةٌ ذَاتُ مَنْصِبٍ وَجَمَالَ إِلَى نَفْسِهَا قَالَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَرَجُلٌ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ فَأَخْفَاهَا حَتَّى لَا تَعْلَمَ شِمَالُهُ مَا صَنَعَتْ بِيَمِينِهِ﴾ ٢١٧

﴿فَإِنِّي كُلَّمَا بَدَأْتُ بِالدَّعْوَةِ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ وَخَالَفَنِي الشَّبَابُ ٥٣﴾
 ﴿كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ تَسْوِسُهُمُ الْآبِيَاءُ كُلَّمَا هَلَكَ نَبِيٌّ خَلَفَهُ نَبِيٌّ وَإِنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَسَيَكُونُ خُلَفَاءُ فَيَكْثُرُونَ قَالُوا: فَمَا تَأْمُرُنَا قَالَ فُوا ببيعةِ الأولِ فالأولِ أَعْطَوْهُمْ حَقَّهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ سَأَلَهُمْ عَمَّا اسْتَرَعَاهُمْ ٢٢٦﴾
 ﴿كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَآدَمَ مِنْ تَرَابٍ، لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ إِلَّا بِالتَّقْوَى﴾

٢١٧

﴿حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ، حَدَّثَنَا عَبْدُ الصَّمَدِ، وَسَلَّمَ بْنُ قُتَيْبَةَ، قَالَا: حَدَّثَنَا شُعْبَةُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ زَيْدٍ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: إِنْ كَانَتِ الْأُمَّةُ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ لَتَأْخُذَ بِيَدِ رَسُولِ اللَّهِ / ، فَمَا يَنْزِعُ يَدَهُ مِنْ يَدِهَا حَتَّى تَذْهَبَ بِهِ حَيْثُ شَاءَتْ مِنَ الْمَدِينَةِ، فِي حَاجَتِهَا ٢٠٧﴾

﴿حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا حُسَيْنٌ سِبْطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ ١٥٢﴾

﴿عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ / أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا وَكَانَ لِي أَخٌ يَقَالُ لَهُ أَبُو عُمَيْرٍ - قَالَ أَحْسِبُهُ قَالَ - كَانَ فَطِيمًا - قَالَ - فَكَانَ إِذَا جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ / فَرَأَهُ قَالَ «أَبَا عُمَيْرٍ مَا فَعَلَ النُّغَيْرُ» قَالَ: فَكَانَ يَلْعَبُ بِهِ ٢٠٧﴾
 ﴿عَنْ أَنَسٍ > ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ / : لِكُلِّ أُمَّةٍ رَهْبَانِيَّةٌ، وَرَهْبَانِيَّةُ أُمَّتِي الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ٦٢﴾

﴿عَنِ ابْنِ عُمَرَ E عَنْ النَّبِيِّ / قَالَ: دَخَلَتْ امْرَأَةُ النَّارِ فِي هِرَّةٍ رَبَطَتْهَا



٢٤٤

شهادت پر و فی سوره برهان الدین ربانی

فَلَمْ تُطْعَمْهَا وَلَمْ تَدْعَهَا تَأْكُلْ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ ﴿٢٠٦﴾
 ﴿عَنْ ابْنِ عُمَرَ ٧ ، قَالَ: قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ / بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسِ
 شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامُ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءُ الزَّكَاةِ
 وَالْحَجِّ، وَصَوْمُ رَمَضَانَ ﴿١١٧﴾

﴿عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَدَادِ بْنِ الْهَادِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ /
 فِي إِحْدَى صَلَاتِي الْعِشِيِّ الظُّهْرِ أَوْ الْعَصْرِ وَهُوَ حَامِلٌ أَحَدَ ابْنَيْهِ الْحَسَنِ
 أَوْ الْحُسَيْنِ، فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ / فَوَضَعَهُ عِنْدَ قَدَمِهِ الْيَمْنَى، فَسَجَدَ رَسُولُ
 اللَّهِ / سَجْدَةً أَطَالَهَا، قَالَ أَبِي: فَرَفَعْتُ رَأْسِي مِنْ بَيْنِ النَّاسِ، فَإِذَا رَسُولُ
 اللَّهِ / سَاجِدٌ، وَإِذَا الْعُلَامُ رَاكِبٌ عَلَى ظَهْرِهِ فَعُدْتُ فَسَجَدْتُ، فَلَمَّا انْصَرَفَ
 رَسُولُ اللَّهِ / ، قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لَقَدْ سَجَدْتَ فِي صَلَاتِكَ هَذِهِ
 سَجْدَةً مَا كُنْتُ تَسْجُدُهَا أَفْشَىءَ أَمْرَتْ بِهِ؟ أَوْ كَانَ يُوحَى إِلَيْكَ؟ قَالَ: كُلُّ
 ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ وَلَكِنْ ابْنِي ارْتَحَلَنِي، فَكَرِهْتُ أَنْ أَعْجَلَهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ،
 هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ عَلَى شَرْطِ الشَّيْخَيْنِ، وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ ﴿١٥١﴾

﴿عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو > ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ / يَسْتَأْذِنُهُ فِي
 الْجِهَادِ فَقَالَ: أَحَى وَالِدَاكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَبَيْنَهُمَا فَجَاهِدُ ﴿٤١﴾
 ﴿عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ > أَنَّ النَّبِيَّ / ، قَالَ: الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا
 شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ﴿١٢٥﴾

﴿لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى
 أَبْيَضَ وَلَا لِأَبْيَضَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالْتَّقْوَى، كُلُّكُمْ لِأَدَمَ وَآدَمُ مِنْ تُرَابٍ ﴿٢١٧﴾

﴿لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ ﴿٧٩﴾
 ﴿لَزَوَالِ الدُّنْيَا أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ قَتْلِ مُؤْمِنٍ بِغَيْرِ حَقٍّ ﴿١٩٢﴾
 ﴿لَقَدْ شَهِدْتُ فِي دَارِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُدْعَانَ حَلْفًا مَا أَحَبُّ أَنْ لِي بِهِ حُمْرَ
 النَّعَمِ، وَلَوْ أَدْعَى بِهِ فِي الْإِسْلَامِ لَأَجَبْتُ ﴿٥٠﴾
 ﴿لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعْلَقًا بِالْثُرَيَّا، لَنَالَهُ رَجُلٌ أَوْ رَجُلَانِ مِنْ أَبْنَاءِ فَارِسَ ﴿٢٣٣﴾

﴿لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَلَمْ يُوقِّرْ كَبِيرَنَا﴾ ٢٠٨
 ﴿مَا تَرَكَ قَوْمَ الْجِهَادِ إِلَّا عَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ﴾ ١٣٣
 ﴿مَنْ سَكَتَ عَنِ الْحَقِّ فَهُوَ شَيْطَانٌ آخَرَسٌ﴾ ١٢٩
 ﴿هَذَا ابْنَايَ وَابْنَا ابْنَتِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْبَبْتُهُمَا فَأَحْبِبَّهُمَا وَأَحْبَبْ مَنْ يُحِبُّهُمَا﴾

١٥٢

﴿هَلْ تَنْصُرُونَ وَتُرْزَقُونَ إِلَّا بِضِعْفَائِكُمْ﴾ ٩٩
 ﴿هِيَاهُتْ مِنَّا الذَّلَّةُ﴾ ١٣١
 ﴿وَأَنَّ الْيَهُودَ بَنَى عَوْفِ أُمَّةٍ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ ٧٥
 ﴿يَسْرُوا وَلَا تَعْسُرُوا، وَبَشِّرُوا وَلَا تَنْفَرُوا﴾ ٨٨

﴿عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ > قَالَ رَسُولُ اللَّهِ / غُفِرَ لَأَمْرَأَةٍ مُؤْمِسَةٍ مَرَّتْ بِكَلْبٍ عَلَى رَأْسِ رَكِيٍّ يَلْهَثُ قَالَ كَادَ يَقْتُلُهُ الْعَطَشُ فَنَزَعَتْ خُفَّهَا فَأَوْثَقَتْهُ بِخِمَارِهَا فَنَزَعَتْ لَهُ مِنَ الْمَاءِ فَغَفَرَ لَهَا بِذَلِكَ قِيلَ: إِنَّ لَنَا فِي الْبَهَائِمِ أَجْرًا قَالَ فِي كُلِّ كَبِدٍ رَطْبَةٌ أَجْرٌ﴾ ٢٠٦

﴿عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ / فِي حَجَّتِهِ يَوْمَ عَرَفَةَ وَهُوَ عَلَى نَافَتِهِ الْقَصْوَاءِ يَخْطُبُ فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَعَتَرَتِي أَهْلَ بَيْتِي﴾ ١١٨
 أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ ٣٦،٤٦،٨٠،١٠٩،١٢١،١٣٦،١٤٨

١٧٣،١٨٥،١٩٦



٢٤٧

سخنان بزرگان

﴿صِنْفَانِ مِنَ النَّاسِ إِذَا صَلَحَا صَلَحَ النَّاسُ وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَ النَّاسُ: الْعُلَمَاءُ وَالْأَمْرَاءُ﴾ ٢٢٦

﴿طَرِيقَةٌ فِي الدِّينِ مُخْتَرَعَةٌ، تُضَاهِي الشَّرْعِيَّةَ يُقْصَدُ بِالسُّلُوكِ عَلَيْهَا الْمُبَالَغَةُ فِي التَّعَبُّدِ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ﴾ ١١٨

﴿قَالَ عُمَرُ > يَا مَعْشَرَ الْعَرِيبِ الْأَرْضَ الْأَرْضَ إِنَّهُ لَا إِسْلَامَ إِلَّا بِجَمَاعَةٍ، وَلَا جَمَاعَةٍ إِلَّا بِإِمَارَةٍ، وَلَا إِمَارَةٍ إِلَّا بِطَاعَةٍ، فَمَنْ سَوَّدَهُ قَوْمُهُ عَلَى الْفَقْهِ كَانَ حَيَاةً لَهُ وَلَهُمْ، وَمَنْ سَوَّدَهُ قَوْمُهُ عَلَى غَيْرِ فَقْهِ كَانَ هَلَاكًا لَهُ وَلَهُمْ﴾ ٧٤

﴿إِنَّ اللَّهَ ابْتَعَثَنَا لِنُخْرِجَ النَّاسَ مِنْ عِبَادَةِ الْعِبَادِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ وَحْدَهُ، وَمِنْ ضِيقِ الدُّنْيَا إِلَى سَعَةِ الْآخِرَةِ، وَمِنْ جَوْرِ الْأَدْيَانِ إِلَى عَدْلِ الْإِسْلَامِ﴾ ٢١١

﴿إِنَّ اللَّهَ لَيَنْزِعُ بِالْإِسْلَامِ مَا لَا يَنْزِعُ بِالْقُرْآنِ﴾ ٦٤

﴿لَارْهَبَانِيَّةٌ فِي الْإِسْلَامِ وَرَهْبَانِيَّةٌ أَمَّتِيَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ ٦٢

﴿لَوْلَا عَلَى لَهْلَكِ عُمَرُ﴾ ١١٧

﴿مَتَى اسْتَعْبَدْتُمُ النَّاسَ وَقَدْ وَلَدْتَهُمْ أُمَّهَاتُهُمْ أَحْرَارًا﴾ ٢١٣

﴿..يَا أَهْلَ الْعِرَاقِ، يَامَعْدَنَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ.. إِنِّي لَأَرَى رُؤُوسًا قَدْ أَيْنَعَتْ

وَحَانَ قَطَافُهَا، وَإِنِّي لَصَاحِبُهَا..﴾ ١٣٠

اشعار

الف:

از گهواره؛ تا گور دانش بجوی ۱۶۶
إِذَا الشَّعْبُ، يوماً، أراد الحياة
فلا بد أن يستجيبَ القَدَرُ
وَلابد لليل أن ينجلي
وَلابد للقيد أن ينكسر ۱۵۶

ح:

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس
در بند آن مباش که نشنید یا شنید ۲۳۵
هـ:

هر که پا کج می نهَد خون دل، ما می خوریم
شیشه ناموسِ عالم در بغل داریم ما ۴۴
هر که پا کج می گذارد ما دل خود می خوریم
شیشه ناموسِ عالم در بغل داریم ما ۴۴

ع:

علم چون بر دل زند یاری شود
علم چون بر تن زند باری شود ۱۶۹
ل:

لکه ونه مستقیم په خپل مکان یم
که خزان را باندی راشی که بهار ۲۲



۲۵۲

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

اسما و اشخاص

الف:

- ابن اثير ١١٦
- ابن اسحاق ٢١٦، ٢٣٣
- ابن اسحاق راهوية ٢٣٣
- ابن المقرئ ٢٣٣
- ابن حبان ١٢٨
- ابن حزم ١١٧
- ابن سعد ١١٧، ١٢٧
- ابن شبة ١٧١
- ابن عبدالحكم ٢١٣
- ابن كثير ٥٨
- ابن ماجه ٥٧، ١٩٢، ٢٠٧
- ابن هشام ٥٠، ١٢٧، ٢٠٤
- ابوالعباس عبدالله بن على ١١٤
- ابواليقظان ١٧٢



- ابوجہل ۲۰۴
 ابورجاء قتیبہ بن سعید بغلانی ۵۶
 ابوریحان محمد بن احمد بیرونی ۱۶۴
 ابوطالب ۱۱۷
 ابوعبیدہ بن الجراح ۱۷۰
 ابونعیم ۲۲۶
 ابویوسف یعقوب بن ابراہیم ۸۵
 احمد بن حنبل ۸۶
 احمدشاہ مسعود ۲۰، ۲۵، ۶۵، ۶۸، ۱۸۹، ۱۹۰
 احمد صبحی منصور ۵۱
 ادوارد تالر ۲۰۸
 آردشیر ۲۱۰
 استاد عطا محمد نور ۲۲
 استاد عقاد ۲۰۵
 ارسطو ۲۲۰
 اسرافیل ۴۳
 اسماء ۲۰۴
 الکساندر یرسین ۳۰
 انجینیر اسحاق ۱۷
 افلاطون ۲۲۰
 السیسی ۱۴۲
 امام ابن الجوزی ۱۲۸،
 امام ذہبی ۵۷
 امام شہید حسن البنا ۱۴۱،
 امام شوکانی ۲۱۵
 امام غزالی ۲۲۶
 امام مالک ۸۶

امام مسلم ۵۷،۷۹

امان الله خان ۱۹۰

اوا براون ۲۱۹

اوباما ۹۶،۹۸

آقای رشید ۱۰۳

آقای زرداری ۱۵۹

آلفرد سووی ۵۴

آمر صاحب حبیب الرحمن ۴۰

آیت الله محسنی ۷۸،۱۱۳،۱۲۰

آرتور بنز و گرهارد لهمبروخ ۳۲،

أبی داود ۶۴،۷۹،

أرقم بن أبی ارقم ۵۲

ب:

بیدل ۴۴،

برهان الدین ربانی ۷،۱۹،۹۳،۱۶۳،۱۹۰،

ببرک کارمل ۲۷

بخاری ۵۷،۷۹،۱۵۱،

بلقیس ۲۰۳،۲۰۹

بهلول بهیج ۸۳

پ:

پوهاند غلام محمد نیازی ۱۶۳

پوهاند فاضل ۱۹

پوهنمل سیدعنایت الله شاداب ۵۶

ت:

تاج محمد ۲۵،۷۸

تامس مور ۲۲۰

ترمذی ۴۶،۵۷،۱۰۴،۱۱۸،۱۵۲،۲۰۸





۲۵۶

شہید پروفیسور برہان الدین ربانی

ترہ کی ۲۷

تیم بن مرہ ۵۰

ج:

جان مک کین ۹۶،۹۸

جمال ناصر ۱۴۲

ح:

حاج ملا عبد اللہ احمدیان ۵۳،

حاجی عبد القدیر ۶۵

حاجی حسن ۸۳

حاجی دین محمد ۶۵

حامد کرزی ۱۵،۲۶،۳۶،۱۵۹

حبيب الرحمن شہید ۹،۱۹۰

حبيب اللہ جان ۹۴

حبيب اللہ غالب ۱۹

حجاج بن یوسف ۱۳۰

حسن عبدالمنعم شلبی ۵۸،

حسنی مبارک ۱۴۲

حضرت ابوبکر ۱۱۶،۱۷۰،۱۷۱

حضرت حسین ۱۳۹

حضرت زہرا ۱۲۶

حضرت سلیمان ۲۰۹

حضرت عثمان ۱۲۷،۲۲۸،

حنیف اتمر ۱۹۵

حکمتیار ۲۴،۲۵،۳۵

خ:

خالد جان ۱۹۶

د:

دانشیار ۱۷،

داود خان ۲۳، ۲۴، ۶۵

دکتور حسن ابراهیم حسن ۱۱۴،

دکتور حق شناس ۱۹

دکتور شمس الحق آریانفر ۱۹،

دکتور صلاح عبدالفتاح الخالدي ۵۲، ۱۱۶، ۱۲۶

دکتور علی محمد صلابی ۷۶،

دکتور محمد مرسى ۱۴۲

دکتور محمود زهار ۱۴۳

دکتور مصطفى الشکعة ۸۶

دکتور مصطفى سباعى ۵۳،

دکتور يوسف قرضاوى ۱۷۳

دهخدا ۵۱، ۷۶، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۴۰، ۱۷۲، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۱

دیوید دیوک ۱۴۳

د. محمد اکرم ندوی ۵۸

دوگول ۱۸۳

ر:

رابرت اوپنهايم ۲۰۸

ربيعى بن عامر ۲۱۰، ۲۱۱

رحمن بابا ۲۱

ز:

زبير ۱۳۰

زردشت بن نوذر ۲۰۲

زهرة بن کلاب ۵۰

ژ:

ژوزف استالين ۲۴

س:

سالم > ۱۷۱





۲۵۸

شہید پروفیسور برہان الدین ربانی

سعد بن عبادہ ۱۱۶

سید آقا حسین فاضل سانچارکی ۱۵۹

سید احمد گلاب زوی ۲۷

سید احمد گیلانی ۲۲

سید اکرام الدین آغا ۳۱

سید جمال الدین افغان ۲۰

سید حسن نصر اللہ ۱۱۹

سید حسین طباطبائی بروجردی ۱۱۵

سید قطب ۲۸، ۲۶۱، ۲۶۸

سید محمد رضا جلالی نایینی ۲۰۲

ش:

شہید محمد کاظم شارق ۹۷

شیخ احمد یاسین ۱۴۳

شیخ محمود شلتوت ۱۱۴

شیون ۱۷

شبیہ ۱۹۵، ۲۰۸

شاب ۱۵۶

ص:

صائب تبریزی ۴۴،

صاحب زادہ یعقوب خان ۲۲

صالح محمد ریگستانی ۱۸۴

صباح الدین کُشکُکی ۱۹

صلاح الدین ایوبی ۱۱۴

صبغت اللہ مجددی ۲۲

ط:

طبرسی ۱۳۱،

طارق بن زیاد ۷۶

ظ:

ظاهرشاه ۲۳

ع:

عبدالأحد عشرتی ۱۹

عبدالحق ۶۵

عبدالحی حقجو ۳۹،۱۰۱،۱۰۳

عبدالرؤوف بینوا ۲۱،

عبدالرحمن سیدخیلی ۶۴

عبدالرحمن عالم ۸۷

عبدالستار مراد ۱۹۵

عبدالسلام عظیمی ۱۹

عبدالعزی ۵۰

عبدالعزیز رنتیسی ۱۴۳

عبدالعزیز سلیمی ۱۱۶،

عبدالعزیز فروغ ۱۹

عبدالعلی مزاری ۶۵

عبدالغفور روان فرهادی ۲۴

عبدالغنی ۴۰

عبدالقادر الجزایری ۱۴۵

عبدالله بن جُدعان ۵۰،۲۱۵

عبدالله بن مبارک ۲۲۶

عبدالله حیدری ۷۴،

عبدالله نجدی ۵۰

عبدالمتین ۱۵

عبدالمحسن العباد ۶۴،

عبدالمطلب ۵۰،۱۱۷

عبدالملک بن مروان ۸۵



عبدالہادی ۳۱

عبدالودود ۴۰

علم خان آزادی ۳۵

عمار بوحوش ۱۴۵،

غ:

غلام جان ۳۵

غلام علی خان ۳۱

ف:

فرانسیس فوکویاما ۹۷

فرعون ۵۱

فضل الرحمن فاضل ۵۳، ۸۴

خالد محمد خالد ۱۷۱

ق:

قباد خان ۱۸۴

ک:

کریم خرم ۷۵

کنفیوس ۱۹۱

گ:

گل آغا شیرزوی ۲۲

گل حیدر ۲۵

م:

محمد اسماعیل خان ۲۲

محمد الیشکری ۲۲۶

محمد بن ادريس بن العباس بن عثمان ۸۶

محمد بن الحسن بن فرقد الشيباني ۸۵

محمد رضا جان ۱۴۳

محمد صدیق چکری ۲۳۴

محمد صدیق راشد سلجوقی ۱۹

محمد علم ۳۹

محمد قسیم فہیم ۱۵

محمد محقق ۶۳

محمد نجیب ۱۴۲

محمد نسیم فقیری ۱۸

محمد ہاشم مجددی ۱۹

محمد یونس قانونی ۳۶

مزدک ۲۰۲

مخریۃ بن جندل حنظلی ۲۰۴

مروان بن محمد ۱۱۴

مصطفی کاظمی ۹۳

مصطفی کمال اتاترک ۷۶

ملا تاج محمد مجاہد ۷۸

ملا نقیب اللہ ۶۵

موسولونی ۲۱۹

مولوی خالص ۲۲

میر احمد مستمند ۱۸۵

میر محمد صدیق فرهنگ ۲۳

مبارکپوری ۵۷

مستغنی ۲۴،۵۰

مُغول ۱۱۴

ن:

نُعمان بن ثابت ۸۵

نعمت اللہ سلجوقی ۱۹

نسائی ۵۸

ناصر الدین البانی ۳۶



نعيم خان ۲۴

نمرود ۵۱

نجيب ۲۷،۶۵

و:

واقف حكيمى ۱۸۴

وحيدالله سباوون ۲۵

هـ:

هدهاد بن شرحبيل ۲۰۹

هلاكو خان ۱۱۴ هرزه ۴۳

هيتلر ۱۸۳،۲۱۹

ى:

يونس ۷۹

يزيد ۱۲۶



۲۶۲

شهيد پروفيسور برهان الدين رباني

اماكن

الف:

اردن ١٤٢

ارزگان ٢١

اروپا ١٧،٣٣،٥٤،٧٦،١٤٠،١٨٢،٢٠١،

اسپانيا ٧٦

اتحاد شوروى ١٧،٣٣،٢٤،٢٥،٤٤،٥٥،٩٧،١٣٣،١٤١،١٨٢،١٨٣

اسدآباد ٢١

اسرائيل ١٣١

اسلام آباد ٢٠،١٨٥

اقيانوس هند ٢٠١،٢٠٣

اقيانوسيه ٥٤،١٩٢

الجزاير ١٤٥

الجزيره ١٤٢،١٤٣،١٤٥،١٥٧

امارات متحده عربى ٢٠٣

اسلو ١٠٦

افریقا ۱۲۷، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۵

افغانستان ۹، ۱۱، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۵۷، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۱، ۷۸، ۸۰، ۸۷، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۸، ۱۷۵، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۵، ۲۳۶

اقيانوس آرام ۲۰۱

۲۰۱ اقیانوس منجمد شمالی

۲۰۱، ۲۱۹ اتالا

ایران ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۴۴، ۱۷۹، ۲۰۲، ۲۱۰

آلمان ۴۳،۶۵،۱۴۳،۱۸۳،۲۱۹

آسا ۱۷,۲۰,۲۷,۵۴,۶۵,۷۸,۱۱۴,۱۱۹,۱۴۲,۱۴۴,۲۰۱,۲۳۲

آذربایجان ۱۲۷

۷۶ اَنْدَلُسْ

انقره ۱۴۴

انگلستان ۶۳،۱۴۶،۱۸۳

اندونیزیا ۱۹۲، ۱۹۳

امریکا ۲۰، ۲۲، ۳۰، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۴۶، ۱۸۲، ۱۸۳، ۲۱۳

امریکای شمالی ۳۰،۱۸۲

۱۳۹ انبار

:U

باریکہ غزہ ۱۶۹

بازارک ۳۵،۱۸۴

باغ بابر ۱۸۰

باغ علی مردان ۱۲۰

بالكان ۱۴۴

بریتانیای کبیر ۱۸۳

برلین ۱۸۳، ۲۱۹

بامیان ۲۳۳

بابل ۵۱

بدخشان ۳۳، ۱۸۴، ۱۸۵

بغداد ۷۸، ۸۶، ۱۱۴، ۱۲۸، ۱۳۹، ۲۱۰

بغلان ۱۵، ۳۷، ۳۹، ۵۷، ۶۴، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۰۱، ۱۰۴، ۱۰۹

بلخ ۲۲، ۳۵، ۶۵

بلوچستان ۱۲۷

بُن ۶۵

بنگلادیش ۲۳۲

بھسود ۶۷، ۷۷، ۸۹، ۱۲۰

بیت المقدس ۲۹، ۱۴۰

بیروت ۵۷، ۸۶، ۱۱۹

پ:

پاکستان ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۳۴، ۶۵، ۱۵۹، ۲۲۹، ۲۳۱

پامیر ۲۳۳

پرتگال ۷۶

پروان ۱۵، ۶۴، ۹۳

پکتیا ۲۱، ۲۷

پکتیکا ۲۱

پنجشیر ۱۵، ۳۵، ۶۵، ۸۱، ۸۳

پوهنتون أمهات المؤمنین ۱۸

ت:

تاجیکستان ۱۸۴

تالقان ۳۵

تَخار ۳۵



۲۶۶

شہید پروفیسور برہان الدین ربانی

ترکیہ ۱۴۴

ٹرینکوت ۲۱

تگاب ۱۹۵

تہران ۱۱۴،

ج:

جزیرۃ العرب ۲۱۰، ۲۰۹، ۲۰۳

جلال آباد ۲۵، ۲۲۵

جامع الأزھر ۱۱۴

چ:

چاریکار ۶۴

چترال ۳۳، ۳۴

چمن حضوری ۱۲۰

چہار آسیاب ۶۵

چین ۱۴۶، ۲۳۲

ح:

حَضْرَمَوْتُ ۲۰۳

خ:

خاورمیانہ ۷۸، ۱۱۴

خراسان ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۸۵، ۲۳۳

خرتنگ ۵۷

خلیج عَدَن ۲۰۳

خلیج فارس ۲۰۳

خوارزم ۱۶۴

خوست و فرنگ ۱۵

د:

دہلی نو ۲۳۲

دوحہ ۱۵۷



۲۶۷

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

دریای مدیترانه ۱۴۰

دریاہای عمان ۲۰۳

دریای سرخ ۲۰۳

دارالعلوم عربی کابل ۱۵

داکا ۲۳۲

دالان سنگ ۳۵

دانشکده شرعیات دانشگاه کابل ۱۶۳

دانشگاه کابل ۱۹،۲۰،۱۶۳،۱۸۴

دجله و فرات ۷۸

دمشق ۱۴۲

ر:

رام الله ۱۴۰

رباط ۲۹،۱۴۴

رفح ۱۳۲،۱۶۹

روسیه ۱۷،۲۴،۳۴،۱۴۵،۲۰۱

روم ۲۸،۸۵،۱۵۲،۲۰۱،۲۱۹

ریاض ۷۳

ز:

زابل ۲۰،۳۱

ژ:

ژنیو ۲۲

س:

سبا ۲۰۳،۲۰۹

سرخ پارسا ۹۳

سقیفه بنی ساعده ۱۱۶

سوریه ۸۶،۱۴۲

سمرقند ۵۷



۲۶۸

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

سیدان ۶۵

ش:

شام ۵۷، ۶۴، ۸۵، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۷۱

شاه ولی کوت ۹۵، ۹۹

شَرَن ۲۱

شغنان ۱۸۵

شیرخان قندز ۱۸۵

شیراز ۱۲۷

ط:

طبرستان ۱۲۷

ع:

عراق ۲۷، ۴۳، ۵۷، ۷۸، ۸۵، ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۷۲، ۲۰۵، ۲۱۰

عربستان سعودی ۱۳۹، ۲۰۳

عمرض ۱۵

عَمَان ۱۴۲، ۲۰۳

غ:

غوربند ۱۵

غزه ۸۶، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۹

ف:

فخرالمدارس هرات ۱۹

فارس ۶۵، ۱۷۱، ۲۰۲

فُرات ۷۸، ۱۳۹، ۲۰۳

فرانسه ۹۷، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۸۲، ۱۸۳

فیض آباد ۱۸۴

فلسطين ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۰

ق:

قره باغ ۲۲۸

قبرس ۱۲۷

قصر سفید ۹۶،۹۸

قندهار ۲۱،۶۵،۹۵

قالات ۲۰

قطر ۱۵۷،۲۰۳

ک:

کابل ۸،۱۳،۱۵،۱۸،۱۹،۲۰،۲۳،۲۵،۲۶،۲۷،۳۵،۴۷،۵۷،۵۹،۷۱،۷۸،۹۱،۹۳،۱

۰۱،۱۱۱،۱۲۰،۱۲۳،۱۳۷،۱۴۹،۱۵۷،۱۵۸،۱۶۱،۱۶۳،۱۷۵،۱۸۰،۱۸۴،۱۸۷،۱

۸۹،۱۹۰،۱۹۷،۲۲۸،۲۳۱

کاپیسا ۱۹۵

کربلا ۱۲۶،۱۲۹،۱۳۹،۱۴۷،۱۴۸،۱۵۱،۱۵۹

کرمان ۸۵،۱۲۷

کعبه ۵۰،۱۶۸،۲۱۶

کوفه ۸۵،۱۲۸

کوه شیر دروازه ۱۸۰

کوه های اورال ۵۴

کویت ۲۰۳

گذرگاه ۱۳۲،۱۶۹،۱۸۰

گرجستان ۱۲۷

گردیز ۲۱

یثرب ۷۳،۷۴

کنندز ۶۴

کنرها ۲۱

کوتل آق رباط ۲۳۳

کوتل انجمن ۳۵

کوتل خاواک ۲۳۳

کانزاس ۹۶





۲۷۰

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

کاشغر ۳۳

کشمیر ۳۳

ل:

لبنان ۵۷، ۱۱۹، ۱۴۲

لشکرگاہ ۲۱

لیتوانیا ۳۳

لیسہ استقلال ۱۹۰

م:

مأرب ۲۰۹

ماوراءالنہر ۸۵

محمود راقی ۱۹۵

مزار شریف ۳۵، ۱۲۰

مسجد الأقصى ۲۹

مسجد الحرام ۲۱۶

مسجد ذوقبلتین ۷۳

مسجد عید گاہ ۱۲۰، ۱۳۷

مسجد قبا ۷۳

مسکو ۲۳، ۲۴، ۲۷

مرو ۸۶

مدینہ منورہ ۷۳، ۷۴، ۸۶، ۲۰۳

مراکش ۱۴۴

تفلیس ۱۴۵

مصر ۵۱، ۵۷، ۱۱۴، ۱۳۲، ۱۴۲، ۱۶۹، ۲۱۳

مکہ ۵۰، ۵۲، ۷۳، ۱۱۶، ۱۳۱، ۲۰۴

میدان رابعہ والنہضۃ ۱۴۲

مسجد ۲۹، ۴۰، ۷۳، ۸۱، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۳۷

ن:

ننگرهار ۲۲،۲۵،۶۵،۲۲۳،۲۲۵

نهرشاهی ۳۵

نهرین ۳۷،۳۹

نیشاپور ۵۷

نیم کره شمالی ۵۴

نیویارک ۱۵۵

ناروی ۱۰۶

نانوایی چهارکنت ۶۵

نجد ۷۳

نَجَف ۱۲۸،۱۳۹

نوار غزه ۱۳۲،۱۳۶،۱۴۴،۱۶۰،۱۶۹

و:

واشینگتن ۳۰

وردک ۷۷

ویچیتا ۹۶

ویلنیوس ۳۳

هـ:

هالند ۴۳

هلمند ۲۱،۱۵۷

هند ۱۸۰،۲۰۱،۲۰۲،۲۰۳،۲۳۲

هندوکش ۳۵،۲۳۳

ی:

یمن ۲۰۳،۲۰۹

یونسکو ۴۹

یونان قدیم ۲۰۱



گروه‌ها، احزاب و قبایل

الف:

اصحاب کهف ۵۲

اموی ها ۱۱۴، ۱۱۷

اوس و خزرج ۱۱۶

انصار ۱۱۶

اخوان المسلمین ۱۴۳

القاعده ۶۷، ۲۳۴

ب:

بنی اسرائیل ۵۱، ۲۰۶

بنی عبدالمطلب ۵۰

بنی مخزوم ۲۰۴

بنی هاشم ۵۰

بُرهمن ها ۲۰۲

بابلیان ۵۱

بارکزی ۳۱



ت:

تشیع ۷۷، ۷۸، ۱۱۴، ۱۱۵

ث:

ثمودی ها ۲۰۳

ج:

جمعیت اسلامی ۹، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۳، ۳۵، ۳۹، ۶۴، ۶۵، ۱۰۱، ۱۷۵، ۱

۸۴، ۱۹۵

جبهه آزادی بخش الجزایر ۱۴۵

جبهه ملی ۲۶، ۲۸، ۳۲، ۹۳، ۱۵۸، ۱۵۹

جوانان ۴۷، ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۶، ۱۳۲، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱

۸۴، ۱۸۵، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۰، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۲۱

ح:

حزب اسلامی متحد افغانستان ۲۵

حزب اقتدار ملی ۹۳، ۹۵

حزب جمهوری خواه ۹۶، ۹۸

حزب دموکرات ۹۸

حزب دموکراتیک ۲۳، ۲۷

حزب فاشیسم ۲۱۹

حزب ملی سوسیالیست کارگران آلمان ۲۱۹

حزب وحدت مردم مسلمان افغانستان ۶۳

حزب وطن ۲۷

حمّاس ۱۳۲، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۴

خ:

خروتنی ۱۲۰

خلفای راشدین ۵۲، ۱۱۶، ۱۲۶

د:

دوگلیست ها ۱۸۳

س:

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی ۴۳

سازمان کنفرانس اسلامی ۲۹

سازمان ملل متحد ۲۴، ۲۹، ۱۴۶، ۱۵۵

ساسانیان ۲۱۰

سامانیان ۱۶۴

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران ۱۱۹

سفیدپوستان ۱۸۲

سیاه پوست ۹۶، ۹۸، ۲۱۳، ۲۱۸

سادات ۱۴۲

سنّی ۲۱، ۷۸، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۴۸، ۱۶۰

سودرها ۲۰۲

سلجوقی ها ۸۵

ش:

شیعه ۲۱، ۷۸، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۴۸، ۱۶۰

ص:

صلیب سرخ ۳۴

صهیونیست ها ۱۴۰

ط:

طاغیان ۵۲

طالبان ۲۵، ۲۹، ۳۵، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۹۳، ۱۰۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۳۴

ع:

عرب ۷۵، ۷۶، ۱۱۷، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۶۹، ۲۰۳، ۲۱۶، ۲۱۸

عجم ۲۱۸

عادی ها ۲۰۳

عباسی ها ۱۱۴، ۱۱۷

ف:

فلسطینیان ۱۳۲

فرانسیویان ۱۴۵





فاطمیان ۱۱۴

ق:

قوم مومند ۲۱

قریش ۵۰، ۱۱۶، ۱۱۷، ۲۰۴

ک:

کلیسا ۲۲۷

کلیمیان ۱۴۴

کوچی ها ۱۲۰

گ:

گورکانیان ۱۸۰، ۲۳۲

م:

مجاہدین ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۹، ۴۳، ۴۴، ۶۴، ۶۵، ۸۳

۸۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۸۲، ۲۳۴

مستضعفین ۴۲

مسیحیان ۱۴۴، ۲۲۷

معلولان ۴۱، ۶۷

معتزلی ها ۸۶

مہاجران ۲۰، ۲۲، ۵۴، ۱۱۶، ۱۷۰

مہاجرین ۲۰، ۱۱۶، ۱۵۷

مسلمانان ۳۱، ۳۳، ۳۹، ۴۶، ۵۲، ۵۳، ۶۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۹، ۸۰، ۸۴

۸۵، ۸۸، ۸۹، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱

۳۵، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۷۱، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۰ -

۱۹۲، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۵

مزدکیان ۲۰۲

مجروحین ۴۱

هـ:

ہلال احمر ۳۴

ی:

یہودیان ۱۴۳



مفاهیم و اصطلاحات

الف:

اتباع ۵۴

اتحاد ۴۰، ۹۴

اتفاق ۴۵، ۷۷، ۹۶، ۲۱۹، ۲۲۹، ۲۳۵

اجلاس ۲۹، ۷۳، ۱۲۰

اجماع ملی ۱۵۸، ۱۵۹

احقاف ۲۰۳

احمق ۲۰۴

اختطاف ۱۰۶

اختلاف ۲۹، ۷۶، ۷۷، ۸۶، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۷۸، ۲۲۶

اخوت ۴۵، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱

۲۰، ۱۲۱، ۲۱۹، ۲۲۰

اخوت اسلامی ۷۱، ۷۳، ۷۷، ۷۸، ۱۱۱، ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۲۱

ادب ۲۰

اذیت ۲۰۸



۲۷۸

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

ارجمند ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۵۳، ۱۶۰
 استبداد ۲۲۷، ۲۲۰، ۱۵۲، ۱۴۱، ۴۲
 استراتژی ۱۶، ۹۶
 استراتژیک ۵۶
 استعمار ۱۴۵، ۱۴۰
 استقامت ۴۶
 استقبال ۲۰۹، ۱۴۱، ۹۴، ۶۱
 استقلال ۱۹۳، ۱۹۱، ۱۹۰، ۱۸۲، ۱۴۵، ۹۷، ۴۰، ۱۶
 اسراف ۱۳۴
 اشراف ۲۰۴، ۶۳
 اصیل ۱۶۸، ۱۵۲، ۱۱۷، ۱۲
 اطلاعات ۱۷۹، ۲۴، ۲۳
 اعتدال ۱۱۴
 اعتماد ۱۹۵، ۵۳، ۱۷
 اعمار ۸۳
 اغفال ۹۷
 افتراآت ۱۸۱
 افتراق ۱۱۵
 افراط ۳۳
 افراط گرایی ۲۳، ۳۲
 اقشار ۲۰۷
 الگو ۱۴۷، ۱۰۳
 امت ۱۷۱، ۱۶۰، ۱۵۱، ۱۴۷، ۱۴۱، ۱۳۳، ۱۲۵، ۱۱۸، ۱۱۵، ۱۱۳، ۷۴، ۷۵، ۳۳، ۱۵
 ، ۲۰۰
 انتخابات ۱۸۴، ۱۶۹، ۱۵۸، ۱۵۷، ۱۴۵، ۱۴۲، ۱۰۷، ۹۸، ۹۶، ۹۵، ۶۹، ۳۶، ۳۱، ۲۳
 ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۹۳
 انترنت ۱۷۹

انتقال ۲۵،۲۶،۳۵،۱۰۶،۱۱۸،۱۶۶،۱۹۰

انحراف ۱۳۴

انحلال ۱۷،۷۶

انسانیت ۹۷،۱۱۶،۱۹۰

اهل بیت ۱۲۷،۱۴۰،۱۵۵

ایثار ۴۹،۶۳

ایشارگر ۵۰

ایدیولوژی ۱۱۹

ایمان ۴۱،۴۳،۴۴،۱۴۷،۱۷۰،۱۷۱،۱۷۸،۱۸۴،۲۰۰،۲۰۹،۲۲۵،۲۳۴

آپارتاید ۲۱۸

آداب ۱۱۵،۱۱۶،۱۱۷،۲۱۶

آرشیف ۲۲

آزادی ۱۶،۱۷،۲۴،۳۰،۳۵،۴۰،۶۱،۶۲،۱۰۴،۱۰۸،۱۱۵،۱۱۶،۱۴۳،۱۵۱،۱۵۶

۱۷۰،۱۸۰،۱۸۱،۱۸۲،۱۸۳،۱۹۱،۱۹۳،۲۱۱،۲۱۲،۲۱۳،۲۱۹،۲۲۰

آسیب پذیر ۷۷،۱۵۳،۱۵۸

آشوب آفرین ۵۰

آیساف ۴۳

آیین ۱۱۸،۱۳۶،۲۰۱،۲۰۲

ب:

باحیا ۱۲۷

بازتاب ۷۵

باطل ۱۲۹

بحر ۳۵،۱۴۳،۱۵۲،۱۶۶،۱۶۹

بحران ۱۱،۲۵،۲۸،۶۶،۶۷،۶۸،۹۵،۹۸،۱۰۸،۱۵۸

بدرویه ۵۰

بدعت ۱۱۸

بر ۱۴۳،۱۵۲



۲۸۰

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

بعثت ۵۰،۷۳،۸۴

بہبود ۲۰،۶۶،۹۷

پ:

پابہنہ ۱۴۲

پارلمان ۶۳،۷۷،۷۸،۹۳،۹۸،۲۳۰

پایان تاریخ ۹۷

پایگاہ ۳۶،۸۴

پرابلم ۲۱۶،۲۱۸

پراشک ۱۲۶

پرافتخار ۳۹،۹۴،۱۰۷،۱۴۷،۱۸۱،۱۸۲،۱۹۰

پرت ۱۷۲

پرتاپ ۲۰۵

پرتگاہ ۴۹،۱۳۵،۱۶۸،۱۷۳

پرتو ۸۹

پر شکوہ ۲۱۱

پیکار ۱۷۱

پیکر ۲۲۰

پیوند ۷۴،۷۵،۱۳۹،۱۸۱

ت:

تأدیب ۲۱۰

تأسیس ۱۷،۱۸،۱۹،۲۰،۲۶،۲۹،۱۴۳،۱۵۵،۱۶۳،۱۶۹،۱۸۲،۱۹۰

تابناک ۹۴،۱۰۳

تبارز ۵۸،۷۴،۹۳

تجاوز ۲۳،۲۵،۲۷،۱۳۱،۱۴۰،۱۴۱،۲۲۹

تحصیل ۵۷،۱۶۳،۱۶۶،۱۷۷،۱۹۵

تحقیق ۹۵،۱۶۴

تحمل ۶۷،۹۶،۲۱۹



- تدریس ۱۶۳
ترجیح ۳۰،۳۶،۱۶۵
ترحم ۲۰۶،۲۰۷،۲۰۸،۲۱۲
ترقی ۱۷۸
ترکیز ۱۹۴
تروریزم ۳۶،۱۹۲،۲۳۴
ترویج ۲۹،۸۷،۲۱۹
تزلزل ۹۷
تسنُّن ۷۷
تشویش ۱۶۳،۱۶۶،۲۰۸،۲۲۸،۲۲۹
تعادل قدرت ۱۴۱
تعالیم ۴۴،۴۵،۱۰۴،۱۰۵،۱۶۶،۲۰۴،۲۱۲،۲۱۳،۲۱۴،۲۱۶،۲۲۱
تعمُّق ۲۰۰
تعمیم ۴۴،۴۵
تعهد ۳۴،۲۲۱
تعویض ۳۰
تفرقه ۷۵،۷۶،۱۱۷،۱۷۸
تفریط ۳۳
تفنگ سالار ۱۶،۴۳،۱۸۱،۱۸۳،۱۸۴
تقاطع ۱۳۲،۱۴۰
تقییح ۲۷،۹۴
تقدیرات ۱۵۶
تقریب ۱۱۳،۱۱۴،۱۱۵،۱۱۷،۱۱۸،۱۱۹،۱۲۰،۱۲۱
تقریب مذاہب ۱۱۷،۱۱۸،۱۱۹،۱۲۰،۱۲۱
تقوی ۴۹،۱۰۷،۱۷۸،۱۸۴،۲۱۲
تکامل ۱۷۸
تلخان ۲۰۴،۲۰۵



- تلفات ۷۸، ۱۳۱، ۱۸۲، ۱۹۰، ۱۹۳
 تمدن ۷۶، ۸۴، ۱۵۲، ۱۶۸، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۱۲، ۲۱۳
 تمسک ۱۱۸، ۱۵۹، ۲۱۴
 تناسخ ۲۰۲
 تناقض آمیز ۱۰۸
 تہاجم ۵۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۷۹، ۱۹۱، ۱۹۵
 تہدید ۲۹، ۴۴، ۵۵، ۵۶، ۱۴۶، ۱۵۳، ۱۶۹، ۲۱۳، ۲۳۰
 توَسُّل ۲۳
 توطیہ ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۴۳، ۱۵۵
 تیوری ۲۴، ۱۲۰
 ث: ثبات ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۴۴، ۷۴، ۹۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۴۸، ۱۹۰، ۱۹۴
 ج: جامعۂ اسلامی ۷۵، ۷۷
 جانفرسا ۱۷۱
 جاہل ۱۲۸، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۸
 جاہلیت ۷۴، ۲۰۰، ۲۰۴، ۲۰۵
 جبّار ۸۷
 جرأت ۲۱۱
 جماعت ۷۵
 مجمہ ۲۱۹
 جناح ۲۳، ۲۷
 جنایت ۱۲۸
 جنایت کار ۹۵
 جنگ داخلی فرسایشی ۱۰۸
 جنگ سالار ۱۶، ۴۳، ۱۸۱، ۱۸۴
 جہاد ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۱، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵

۵۵، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۸۳، ۹۳، ۹۴، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۵، ۱۳۳،
۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۳۰، ۲۳۴

جهان سوّم ۵۴

جهل ۲۱۲، ۲۰۰، ۱۶۴، ۱۰۹

چ:

چپاولگری ۵۵

چلنج ۱۶۸

چیزفهم ۱۹۵

ح:

حساس ۱۴۲

حفره ۲۰۵

حقوق بشر ۲۱۳، ۱۸۲، ۱۴۵، ۱۴۴، ۳۳

حقیقت ۲۰۸، ۱۸۹، ۱۵۹، ۱۴۶، ۱۴۴، ۱۳۳، ۱۲۰، ۱۱۳، ۱۰۶، ۱۰۴، ۸۳، ۷۵

۲۲۶

حَلْفُ الْفُضُول ۵۰

حمایت ۲۳۲، ۲۱۵، ۲۱۰، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۵۳، ۱۱۹، ۱۱۶، ۹۷، ۵۳، ۳۶، ۳۲، ۲۹، ۲۷

حیات ۲۲۱، ۲۰۴، ۱۶۴، ۱۳۵، ۱۳۴، ۹۵، ۴۰

حيثيت ۲۱۸

خ:

خشن ۲۰۲، ۱۶

خشونت ۱۹۶، ۸۹، ۳۴، ۲۳

خلافت اسلامي ۷۶، ۷۵

خلافت عثمانی ۷۶

خلق ۱۲۹، ۲۷، ۲۳

خم پاره ۱۴۰

خونين ۱۹۰، ۱۸۲، ۱۵۹، ۱۵۶، ۱۵۳، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۲۶، ۱۱۴، ۹۳

خيرخواه ۸۸

د:

داغديده ٤٦

درايت ١١٩

دروډ ١٥،١٦،٤٩،٨٣،٩٩،١٠٣،١٠٩،١٢٥،١٣٩،١٤٧،١٥١،١٦٠،١٦٣،١٧٧،٨٩،١٩٩

درويش صفت ٤٥

دزد ٤٥

دشوار ٣٣،٩٤

دغدغه ١٦٣،١٦٦،٢٠٨

دغن ١٢٦،١٧١،٢٠٥

دلاور ٥٠

دموكراسي ٢٣،٣٢،٩٧،١٤٤،١٤٥

دوزخ ٢٠٦

دوك ٢١١

ديانت ٨٨،١٢٨

دين ١١،٣٣،٣٩،٤٠،٤١،٤٥،٤٦،٥٤،٧٨،٨٤،٨٧،٨٨،٨٩،١٠٣،١٠٤،١١٣،١١٤

١١٨،١٢٠،١٢١،١٢٨،١٢٩،١٣٥،١٣٦،١٤٢،١٤٤،١٤٥،١٤٧،١٦٦،١٦٨،١٧٩

١٨١،١٨٩،١٩٢،٢٠١،٢٠٢،٢١٠،٢٢٦،٢٢٧،٢٢٨،٢٢٩،٢٣٠،٢٣١،٢٣٢،٢٣٤

دموكراتيک ٦٩

ذ:

ذلت ١٣١،١٥٢،١٥٣،١٥٤،١٥٥،١٥٦

ذليل ١٣٣،١٦٤

ر:

راستين ١٠٣

رحلت ٤٠،١١٦،١٢٦،١٧١

رحمت ٦٥،٨٩،١١٤،١٦٤،٢٠٠،٢٠٣،٢٠٦،٢٠٧،٢١٤،٢٣٤

رژيم ١٤٢،١٥٥



٢٨٤

شهيد پروفيسور برهان الدين رباني



رستاخیز ۱۶،۱۷،۵۵،۱۶۳،۱۹۹

رشد ۸۵،۱۲۹،۱۳۰،۱۶۶،۱۶۸،۲۲۰،۲۲۱

رفاه ۱۳۴

رکاب ۱۷۱

رهزن ۴۵

روح ۲۹،۹۴،۱۰۹،۱۴۷،۱۶۰،۲۱۴،۲۲۶

ریسمان ۲۱۱

ز:

زردشتی ۲۰۲،۲۱۰

زرع ۴۳

زشت ۸۷

زعامت ۲۳،۲۸،۵۶،۱۲۹،۱۳۰،۱۳۱،۲۳۱

زُمخت ۲۰۴

س:

ستایش ۱۵،۴۹،۸۳،۱۲۵،۱۳۹،۱۵۱،۱۶۳،۱۷۷،۱۹۹

ستمگر ۱۳۰

ستمگران ۶۲،۲۱۱

ستوه ۹۶

سخت دل ۸۹

سرسخت ۲۰۴

سرمایه داری ۹۷،۹۸

سرمشق ۱۵۸،۲۱۴

سرنوشت ۶۸،۱۶۵،۱۷۷

سعادت ۸۸،۲۱۴

سکولاریزم ۱۷۲

سلطه گر ۵۲

سمت ۱۶۸،۱۷۲،۱۷۳،۱۹۱



سنت ۵۳، ۸۵، ۸۶، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۵۳، ۲۱۴، ۲۱۵،

سوق ۹۷، ۲۰۲، ۲۱۲

سیاست ۱۶، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۳۱، ۸۴، ۸۶، ۸۷، ۹۸، ۱۵۹، ۱۸۰، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۱۸، ۲۲۰،

۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۱

سیرت ۵۲، ۵۳، ۷۵، ۸۴، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۱

ش:

شاقه ۱۸۵

شجاعت ۴۹، ۹۳، ۱۴۴

شرق ۱۷، ۲۰، ۵۴، ۵۵، ۱۳۹، ۱۵۵، ۲۰۱، ۲۲۱

شریعت ۳۳، ۱۱۸، ۱۳۰، ۲۲۶، ۲۳۴

شفاف ۳۶، ۹۸

شفاف ۱۴۵

شقاق ۱۳۰

شگوفایی ۱۰۹

شورای امنیت ۱۴۶

شورای ملی ۳۵، ۳۶، ۶۳، ۶۴، ۷۸، ۹۳، ۹۴، ۹۸، ۱۸۴

شوری ۶۴، ۷۷، ۹۳، ۹۵، ۱۴۶، ۲۳۰

ص:

صبر ۴۶، ۱۰۹

صدق ۴۱، ۱۱۹، ۲۰۰

صعب العبور ۲۰

صفا ۴۹، ۵۲، ۷۳

صفش کن ۸۳

صلاح ۵۲، ۱۱۶، ۱۲۶، ۲۰۰، ۲۱۵

صمیمیت ۴۹، ۱۴۸

صهیونیست ۱۴۰

ض:

ضایع ۴۵، ۱۴۴، ۱۵۶، ۱۹۵

ضرر ۲۰۸

ضیاع ۴۹

ط:

طاعون ۳۰، ۱۷۱

طبیعت ۱۳۴، ۲۱۲، ۲۲۱

طفیلی ۴۳

طهارت ۴۹، ۱۰۷، ۱۸۴

طواغیت ۲۱۱، ۲۲۰

ظ:

ظلم ستیز ۵۰

ظهور ۱۰۵، ۱۱۹، ۲۰۱، ۲۱۰، ۲۱۲

ع:

علمانیت ۱۷۳، ۲۲۷

عاشورا ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۳۷، ۱۶۰

عبادت ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۱۰۳، ۱۱۳، ۱۱۸، ۲۰۵، ۲۲۷

عدالت ۳۰، ۶۹، ۱۶۷

عدالت اجتماعی ۶۹

عذاب ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۴۳

عرفان ۲۰،

عزت ۱۶، ۴۰، ۸۴، ۱۰۷، ۱۳۳، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۹۱، ۲۱۴، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۳۰، ۲۳۱

عصیان ۱۳۱

عَظَمَت ۱۱، ۱۲۰، ۱۳۳

عقد ۷۵

عقل ۵۳، ۱۹۲، ۲۱۳، ۲۱۴

عقل گرایی ۲۱۲

عناد ۲۰۴



عیار ۵۰

غ:

غبطه ۷۸

غرایز ۴۹

غرق ۵۴، ۱۰۷، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۳۴، ۱۶۸، ۱۷۲

غلط ۱۳۲، ۲۲۹

غم انگیز ۹۵، ۱۰۹، ۱۵۱، ۱۵۵، ۱۵۶

غوغا ۲۲، ۲۶، ۳۲

غیرتمند ۱۳۵

غیرشفاف ۶۶

ف:

فجایع ۱۲۹

فدرالیزم ۳۲،

فدرالیست ۳۲

فساد ۲۸، ۴۵، ۷۹، ۱۰۷، ۱۳۴، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۷۳، ۲۰۰، ۲۱۲، ۲۲

۰، ۲۲۶

فشرده ۹۷، ۱۸۱، ۲۱۷

فضیلت ۷۷، ۲۲۰

فقه ۸۵، ۸۶، ۱۱۴

فقیر ۹۸، ۹۹، ۱۰۶، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۰

فلسفه ۲۰، ۲۲۰

فیلسوف ۱۵۵، ۱۹۱، ۲۲۰

ق:

قدعلم ۵۱

قرون وسطی ۲۰۱

قطب نما ۱۶۷، ۱۶۸

قماش ۱۴۷



۲۸۸

شہید پروفیسور برهان الدین ربانی

قناعت ۶۷

قوّت ۷۷،۱۵۹،۲۱۱

قیامت ۴۳،۷۸،۱۲۵،۱۳۲،۲۱۷

ک:

کارزار ۱۹۵

کارگر ۹۹

کاست ۲۰۲

کافر ۱۱۸

کالبدشناسی ۱۵۳

کانال ۱۵۷

کرونولوژی ۲۲،۱۸۹

کشمکش ۳۱،۷۹،۱۰۷،۱۰۹،۱۱۷،۱۷۸،۲۱۶،۲۳۴

کفار ۱۷۱

کلاسیک ۲۰۱

کمپاین ۲۷،۳۱،۱۵۷

کمونیزم ۹۷

کمیته امنیت دولتی ۲۳

کودتا ۲۳،۲۶،۱۴۲

یمن ۱۴۸،۱۵۹

یورشگر ۵۰

ل:

لحن ۲۷

لطف ۱۹۰،۲۰۶،۲۰۷،۲۱۷،۲۳۴

لطمه ۶۷

لیبرال دموکراسی ۹۷

م:

مارکسیسم ۲۲۰،۲۲۱





۲۹۰

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

مالکیت اشتراکی ۹۷

مانی ۲۰۲

مبتدع ۱۱۸

متحجر ۱۲۸، ۱۳۲

متخاصم ۷۴

متدین ۳۹، ۱۰۳، ۲۰۰، ۲۱۵

متعدد ۲۰، ۷۴، ۱۴۲، ۱۵۷

متفکر ۷۶

متکبر ۵۰

متکلم ۸۵، ۸۶

متمدن ۵۴، ۱۶۷، ۱۶۹

مجاهد ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۶، ۲۷، ۴۵، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۷۸، ۹۴، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۰۸،

، ۱۵۴، ۱۵۷، ۲۳۰، ۲۳۵

مجتهد ۵۷

مُحاذی ۵۵

مَحَبَّت ۷۶، ۷۸، ۷۹، ۸۸، ۱۹۲، ۲۰۷، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۱

محبوب ۱۵۱

محبوس ۹۷، ۲۰۶

محدث ۵۸، ۸۶

محروم ۹۸، ۱۷۰، ۲۰۲، ۲۱۳

محرومیت ۱۵۲، ۱۵۳

محصول ۹۶، ۱۹۰

مخدرات ۵۵

مخفی ۲۴، ۵۳، ۹۸

مخلص ۱۵۵، ۱۹۵

مدرج ۱۶۷

مذاکرہ ۶۵، ۱۰۹

مذہب ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۴۳، ۱۶۰، ۲۰۲

مرد بیمار ۷۶

مرموز ۹۸، ۹۹

مزدور ۳۰، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۵

مستحکم ۹۷، ۱۴۸، ۱۶۸

مستضعف ۴۲

مستقر ۱۹۵

مسخرہ ۱۸۲

مسّاح ۲۲، ۲۹، ۶۴، ۱۰۸، ۱۶۴، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۸، ۲۳۴

مسلسل ۱۴۳

مسیحیت ۸۶، ۲۰۲

مسیر ۱۶، ۱۲۹، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۸، ۱۷۷، ۱۹۱

مَشّ ۸۰، ۱۰۵

مصاف ۱۹۲

مطمین ۳۴، ۱۹۲

مظاہر ۱۰۶

مظلوم ۴۲، ۴۵، ۵۰، ۶۲، ۶۳، ۹۴، ۱۳۳، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۲۰۲، ۲۱۵

مظلوم نواز ۵۰

مظلومیت ۲۰۸

معبد ۲۰۳

معصوم ۱۰۹

مفسد ۴۵، ۱۴۳

مفسّر ۱۱۴

مقاطع ۱۱۴

ملت ۱۶، ۱۷، ۲۲، ۳۰، ۳۳، ۴۳، ۴۵، ۵۶، ۶۱، ۶۵، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۸۰، ۸۷

۹۵، ۹۶، ۹۸، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۲۰، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳

، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲،





۲۹۲

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

۱۹۳، ۱۹۶، ۲۱۷

ممتاز ۱۶۳

مملو ۱۸۲

منبر ۴۱، ۸۷، ۱۲۷، ۲۳۲

منثور ۲۰

منحرف ۸۸، ۱۰۵، ۱۳۲، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۸، ۱۶۰، ۲۳۱، ۲۳۲

منحوس ۲۷

منظوم ۲۰

منفجر ۵۵، ۱۱۹

منقرض ۵۶، ۲۳۳

مہاجم ۱۹۲

مہمات ۱۹۵

مواخات ۷۴، ۷۵

میانه روی ۲۳، ۱۱۴

میراث ۴۶، ۱۶۵

میلاد ۱۶۹، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۱۱، ۲۱۲

ن:

ناتو ۴۳

ناقض ۳۳

نامطلوب ۱۱۴

نبرد ۵۰، ۵۶، ۱۷۱، ۲۱۹

نژاد ۱۴۳، ۲۰۲، ۲۱۹

نظم ۶۲، ۸۷، ۹۷، ۱۰۸، ۲۲۰، ۲۲۹

نفاق ۱۶۰

نفرین ۱۹۱

نفع ۲۸، ۳۲، ۳۶، ۴۱، ۹۸، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۸۴، ۱۹۴، ۲۱۶

نہضت ۳۴، ۱۳۶، ۱۸۹

نیازمند ۲۱۷

و:

واپسین ۱۵،۱۶،۵۰،۹۷،۱۲۵

واجب ۶۳،۱۲۸

وارث ۱۶۴،۱۷۷،۱۷۸،۱۸۰

وحدت ۲۰،۲۶،۴۵،۶۳،۶۵،۶۹،۷۷،۱۰۴،۱۰۷،۱۱۳،۱۱۸،۱۲۰،۱۲۱،۱۴۸،۱

۹۴،۱۹۵،۱۹۶،۲۲۵،۲۳۵

وحشت ۵۵

وحشتناک ۱۷،۱۵۴

وداع ۸۶،۱۶۵

ورطه ۹۶

هـ

هدایت ۱۱،۴۰،۴۶،۵۱،۸۸،۱۰۴،۱۳۴،۱۳۶،۱۵۶،۲۲۶،۲۲۹،۲۳۵،۲۳۶

هرویین ۵۵

هوشیار ۱۷۲

هولناک ۹۷

هولوکاست ۱۴۳،

هویت ۱۶۸،۱۷۳

رویکردها

❖❖ قرآن كريم.

الف: منابع عربى:

◆ ابن اسحاق: ابن اسحاق راهوية؛

- مسند؛

◆ ابن اسحاق؛

- السيرة النبوية؛

◆ ابن الأثير؛

- أسد الغابة فى معرفة الصحابة؛

- الكامل فى تاريخ؛

◆ ابن المقرئ؛

- الثالث عشر من فوائد؛

◆ ابن حبان: محمد بن حبان؛

- صحيح ابن حبان؛

◆ ابن سعد: محمد بن سعد؛

- الطبقات الكبرى، دار الفكر: بيروت - لبنان، الطبعة الأولى، ١٤١٤هـ ق

، ١٩٩٤م؛

◆ ابن شبة؛



- تاريخ المدينة؛
- ◆ ابن عبد البر؛
- الإستيعاب في معرفة الأصحاب؛
- التمهيد؛
- ◆ ابن عبد الحكم؛
- فتوح مصر وأخبارها؛
- ◆ ابن كثير: حافظ ابن كثير؛
- البداية والنهاية، تحقيق مكتب تحقيق التراث، دار إحياء التراث العربي، بيروت ١٤١٣ هـ ق؛
- ◆ ابن ماجه: محمد بن يزيد بن ماجه؛
- سنن ابن ماجه؛
- ◆ ابن هشام: عبد الملك بن هشام؛
- السيرة النبوية، الناشر: دار الصحابة للتراث بطنطا؛
- ◆ أحمد بن حنبل؛
- منتخب كنز العمال في سنن الأقوال والأفعال؛
- المسند؛
- ◆ الأصبهاني: أبونعيم الأصبهاني؛
- حلية الأولياء وطبقات الأصفياء، الناشر: دار الكتب العلمية، سنة النشر، ١٩٨٨ م؛
- معرفة الصحابة؛
- ◆ امام ابن الجوزي؛
- الرد على المتعصب العنيد المانع من ذم يزيد، دار الكتب العلمية، بيروت، ٢٠٠٥ م؛
- ◆ امام مالك؛
- الموطأ؛
- ◆ الباني: محمد ناصر الدين الألباني؛
- السلسلة الأحاديث الصحيحة، الناشر: مكتبة المعارف، سنة النشر،

١٤١٥هـ ق؛

- ◆ البخارى: محمد بن إسماعيل بخارى؛
- صحيح البخارى، دار ابن كثير: بيروت - لبنان، الطبعة الثالثة، ١٤٠٧هـ ق؛
- ◆ بوحوش: عمار بوحوش؛
- التاريخ السياسى للجزائر؛
- ◆ بيهقى: احمد بن حسين بيهقى؛
- شُعب الإيمان، ناشر: دارالكتب العلمية، محل نشر: بيروت، بى تا؛
- ◆ بيرونى: ابوريحان بيرونى؛
- آثار الباقية؛
- ◆ الترمذى: محمد بن عيسى بن سورة الترمذى؛
- جامع الترمذى؛
- ◆ التل: عبدالله التل؛
- خطر اليهودية العالمية على الإسلام والمسيحية؛
- ◆ حمزه: فؤاد حمزه؛
- قلب جزيرة العرب، الناشر: مكتبة الثقافة الدينية - سعنا، الطبعة: الأولى،
- تاريخ النشر، ١٩٩٨م؛
- ◆ خالد: خالد محمد خالد؛
- رجال حول الرسول؛
- ◆ دارمى: عبدالله بن عبدالرحمن دارمى؛
- سنن الدارمى؛
- ◆ الدهلوى: عبدالعزيز الدهلوى؛
- بستان المحدثين؛
- ◆ الذهبى: شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبى؛
- سير أعلام النبلاء، الطبع: دار الفكر: بيروت - لبنان، بى تا؛
- ◆ العظيم رقيق؛
- أشهر مشاهير الإسلام فى الحرب والسياسة، دارالرائد العربى، بيروت،
- ١٩٨٣م؛



- ◆ سجستاني: أبى داود سليمان بن اشعث سجستاني؛
- سنن أبى داود، دارالكتاب العربى: بيروت - لبنان، بى تا؛
- ◆ السيوطى: جلال الدين السيوطى؛
- الجامع الصغير؛
- تاريخ الخلفاء؛
- ◆ الشافى: أبى القاسم الشافى؛
- ديوان أغاني الحياة؛
- ◆ الشافى: إبراهيم بن موسى بن محمد اللخمي الغرناطى الشهير بالشافى؛
- الإعتصام، ج: ١، چاپ: دارالمعرفة، بيروت، بى تا؛
- ◆ الشكعة: دكتور مصطفى الشكعة؛
- الأئمة الأربعة، دارالكتاب اللبنانى: بيروت - لبنان، تاريخ النشر، ١٩٨٥م؛
- ◆ الشنقيطى: محمد الأمين الشنقيطى؛
- اضواء البيان فى ايضاح القرآن؛
- ◆ شوكانى: محمد بن على شوكانى؛
- ارشاد الفحول الى تحقيق الحق من علم الأصول، بيروت، دارالمعرفة، بى تا؛
- ◆ صلابى: دكتور على محمد صلابى؛
- الدولة العثمانية؛
- ◆ الطبرانى: سليمان بن أحمد الطبرانى؛
- معجم الكبير؛
- المعجم الأوسط؛
- ◆ طبرى؛
- الإحتجاج؛
- ◆ الطبرى: أبى جعفر محمد بن جرير الطبرى؛
- تاريخ الطبرى، الجزء الرابع، المكتبة التوفيقية، القاهرة - مصر، الطبعة الأولى، ١٤٠٧هـ ق؛
- ◆ العباد: عبدالمحسن العباد؛

- شرح سنن أبي داود؛

◆ عبد الوهاب: عبدالله بن محمد بن عبد الوهاب؛

- مختصر سيرة الرسول / الطبعة الثانية ١٣٩٧هـ ق؛

◆ العقاد: عباس محمود العقاد؛

- عبقرية عمر؛

◆ القرضاوى: الدكتور يوسف القرضاوى؛

- التطرف العلماني في مواجهة الإسلام (نموذج تركيا وتونس)، دار الشروق،

قاهرة، تاريخ النشر، ١٣٨٧هـ ش؛

◆ القرطبي: أبي عبدالله القرطبي؛

- الجامع لأحكام القرآن، طبع دار ابن حزم، چاپ اول، جلد اول، بيروت-

لبنان، ١٤٢٥هـ ق؛

◆ قطب: سيد قطب؛

- معركة الإسلام والرأسمالية، ناشر: دار الشروق، بی تا؛

◆ قمی: عباس قمی؛

- سفينة البحار ومدينة الحكم والآثار؛

◆ كحالة: عمر رضا كحالة؛

- معجم قبائل العرب القديمة والحديثة، ناشر: مؤسسة الرسالة: بيروت-

لبنان، بی تا؛

◆ المبارکفوری: محمد عبدالرحمن المبارکفوری؛

- تحفة الأخوذی شرح جامع الترمذی؛

◆ مجلسی: محمد باقر مجلسی؛

- بحار الانوار؛

◆ محمد نجیب؛

- كنتُ رئيساً لمصر، الناشر: المكتبة المصرية الحديث، سنة النشر، ١٩٨٤م؛

◆ محمد يوسف الكاندهلوى؛

- حياة الصحابة؛

◆ نسائی: امام نسائی؛

- السنن الكبرى، تحقيق حسن عبدالمنعم شلبي، مؤسسة الرسالة، بيروت،
طبع الأولى ١٤٢١هـ ق؛

♦ النيشابوري: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيشابوري؛

- المستدرک علی الصحیحین؛ الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة
الأولى، ١٤١١هـ ق - ١٩٩٠م؛

♦ النيشابوري: مسلم بن الحجاج النيشابوري؛

صحیح مسلم؛ دارالکتب علمیة، بیروت - لبنان، الطبعة الأولى، ١٤١٢هـ ق؛

- الحركة الإسلامية الحديثة في تركيا، ألمانيا الغربية، طبع: ١، ١٤٠٤هـ



تارنماهای انترنتی عربی

- ◆ المكتبة التوفيقية القاهرة؛
- ◆ موقع إخوان أون لاين؛
- ◆ موقع اسلام ويب؛
- ◆ موقع الإسلام؛
- ◆ موقع الجزيرة؛
- ◆ موقع القرضاوى؛
- ◆ موقع المكتبة الشاملة؛
- ◆ موقع الموسوعة الإسلامية؛
- ◆ موقع المهندس محمد النوايسة؛
- ◆ موقع أهل القرآن؛
- ◆ موقع ملتقى أهل الحديث؛
- ◆ وبسایت القدس العربی.

ب: منابع فارسی:

- ◆ آذرنوش: آذرتاش آذرنوش؛
- فرهنگ معاصر عربی - فارسی؛
- ◆ آریانفر: دکتور شمس الحق آریانفر؛
- شخصیت‌های کلان افغانستان، سال چاپ، ۱۳۸۷ هـ ش، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
- ◆ آشوری: داریوش آشوری؛
- دانشنامه سیاسی، تهران: چاپ‌خانه گلشن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴ هـ ش؛
- ◆ آیتی: محمدابراهیم آیتی؛
- آندلس یا تاریخ حکومت مسلمین در اروپا، انتشارات: دانشگاه تهران، سال ۱۳۶۳ هـ ش؛
- ◆ احمدی: پوهاند میرهارون احمدی؛
- جغرافیای فزیک افغانستان، چاپ اول، ۱۳۹۰ هـ ش، چاپ‌خانه: مطبعه کاروان، ناشر: انتشارات نامی؛
- ◆ احمدی‌اقتی: اسماعیل احمدی‌اقتی؛



- دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه: رسول جعفریان، سال نشر: ۱۳۹۱ هـ ش؛

♦ احمدیان: حاج ملا عبدالله احمدیان؛

- سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب >، نوبت چاپ: دوم، سال چاپ: ۱۳۸۸ هـ ش، ناشر: اداره دارالنشر افغانستان؛

♦ اردلان: دکتر علی اردلان؛

- بهداشت عمومی در بلایا و فوریت‌ها، محل نشر: تهران، راز نهان، ۱۳۹۰ هـ ش؛

♦ ایوبی: دکتر حجت‌الله ایوبی؛

- احزاب سیاسی در فرانسه؛

- جناح راست فرانسه، از دوگل تا سارکوزی، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، تاریخ، ۱۳۸۸ هـ ش، سال دوم، شماره ۷، ۴۱ و ۷۵؛

♦ بختیاری: سعید بختیاری؛

- اطلس جامع گیتاشناسی، چاپ: اول، ناشر: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، سال چاپ، ۱۳۹۳ هـ ش؛

♦ بلخی: مولانا جلال‌الدین بلخی؛

- مثنوی معنوی؛

♦ بیدل؛

♦ بینوا: عبدالرؤف بینوا؛

- د رحمان بابا دیوان، pdf، سال نشر، ۱۳۲۶ هـ ش؛

♦ بیات: عبدالرسول بیات، (با همکاری جمعی از نویسندگان)؛

- فرهنگ واژه‌ها، نوبت چاپ، دوم ۱۳۸۷ هـ ش، ناشر: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی؛

♦ بهنام: بهنام ظریفیان صنعتکار - بهنام؛

- دنیای مشاهیر، محل نشر: تهران، بی‌تا؛

♦ پناه: بهنام محمد پناه؛

- اسرار تمدن روم باستان، نوبت چاپ: اوّل، ناشر: سبزان، تاریخ چاپ: ۱۳۸۷هـ ش؛

♦ تبریزی: محمدحسین بن خلف تبریزی؛

- حاشیه برهان قاطع؛

♦ حافظ؛

♦ حسن: دکتور حسن ابراهیم حسن؛

- تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، نوبت چاپ: اوّل، زمستان

۱۳۸۵هـ ش، چاپخانه: ماه منظر، محل چاپ تهران؛

♦ حسن البنا: امام شهید حسن البنا؛

- نگرش‌هایی در اسلام، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: سنت تایباد، سال

نشر، ۱۳۸۰هـ ش؛

♦ حسینی: سیدجعفر عادل حسینی؛

- راهکارهای عملی اخوت اسلامی در افغانستان، نوبت چاپ: اوّل،

۱۳۸۸هـ ش، ناشر: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی - معاونت

فرهنگی؛

♦ حسینی: علی اکبر حسینی؛

- تاریخ تحلیلی و سیاسی اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ

اوّل، ۱۳۷۹هـ ش؛

♦ حق شناس: دکتور شیراحمد نصری حق شناس؛

- تحولات سیاسی جهاد افغانستان، جلد اوّل، چاپ دوّم، ۱۳۸۵هـ ش،

ناشر: انتشارات نعمانی، محل چاپ: کابل افغانستان؛

- دسایس و جنایات روس در افغانستان، تهران: کمیته فرهنگی دفتر

مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان، سال چاپ، ۱۳۶۳هـ ش؛

♦ حیدری: عبدالله حیدری؛

- مختصر تاریخ مدینه منوره، نشر: مرکز تحقیقات مدینه منوره، بی تا؛

♦ الخالدی: صلاح عبدالفتاح الخالدی؛

- خلفای راشدین از خلافت تا شهادت؛ ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نوبت



- چاپ، دوّم ۱۳۸۲ هـ ش، چاپ‌خانه: مهارت، ناشر: نشر احسان؛
- ♦ دانشیار: امیر اعتماد دانشیار؛
- جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیسم، نوبت چاپ: اوّل، ۱۳۷۱ هـ ش، چاپ: گلینی، ناشر: مؤسسه انتشارات بهینه؛
- ♦ دهخدا: علی اکبر دهخدا؛
- لغت‌نامه دهخدا؛
- ♦ دایرةالمعارف طهور، امام محمّد شافعی؛
- ♦ دایرةالمعارف بزرگ اسلامی؛
- ♦ دیوک: دیوید دیوک؛
- هولوکاست، ترجمه: محمدرضا میرزا جان، چاپ سوّم، ۱۳۸۹ هـ ش، محل نشر: تهران قدر ولایت؛
- ♦ دکتور ملکيان؛
- کتاب اصول، اصول مهندسی انترنت؛
- ♦ ربانی: پروفیسور برهان‌الدین ربانی؛
- داود خان در گذشته ننگین، حاضر جنایت‌بار و مستقبل هولاناك؛
- فاجعه ۲۶ سرطان و سیمای زعامت داود خان؛
- خط رهبر، جلد اوّل، چاپ نخست، ۱۳۹۱ هـ ش، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپ‌خانه: مطبعة شبیر؛
- یادی از دو شهید، چاپ نخست، ۱۳۹۴ هـ ش، ناشر مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛
- ♦ سباعی: دکتور مصطفی سباعی؛
- سیرت نبوی، (درس‌ها و اندرزها)، مترجم: ف. فاضل، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، سال چاپ، ۱۳۹۱ هـ ش؛
- ♦ شارقى: شهید محمّد کاظم شارقى؛
- ارزش خون در کمونیسم و اسلام، مجله میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، سال، ۱۳۶۰ هـ ش؛
- ♦ شهرانی؛ دکتور عنایت الله شهرانی؛

- تاریخچه نژادها و اقوام در افغانستان؛

♦ صائب تبریزی؛

♦ طوفان: نظر محمد طوفان؛

- صنایع دستی، pdf؛

♦ عارض: غلام جیلانی عارض؛

- جغرافیای ولایات افغانستان؛ سال طبع: ۱۳۸۸ هـ ش؛

♦ عالم: عبدالرحمن عالم؛

- بنیادهای علم سیاست، چاپ بیستم، تهران ۱۳۸۸ هـ ش، ناشر: نشر نی؛

♦ علی بابایی: غلامرضا علی بابایی؛

- فرهنگ سیاسی آرش، چاپ سوم، زمستان، ۱۳۸۷ هـ ش، ناشر:

انتشارات آشیان؛

♦ غزالی: ابو حامد محمد غزالی؛

- احیاء علوم الدین؛

♦ فارسی: ابو مهدی فارسی؛

- داستان شهادت حسین بن علی > و سخنی در باره ماه محرم؛

♦ فرهنگ: میر محمد صدیق فرهنگ؛

- افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول و دوم، به کوشش محمد ابراهیم

شریعتی، ناشر: انتشارات عرفان، چاپ: بیستم، بهار ۱۳۸۸ هـ ش؛

♦ فروشانی: دکتر نعمت الله صفری فروشانی؛

- کوفه از پیدایش تا عاشورا؛

♦ قطب: سید قطب؛

- نشانه‌های راه، ترجمه: محمود محمودی، نشر احسان، چاپ اول،

۱۳۸۷ هـ ش؛

♦ کاپلستون: فردریک چارلز کاپلستون؛

- تاریخ فلسفه کاپلستون؛

♦ کامگار: دکتر جمیل الرحمن کامگار؛

- تاریخ معارف افغانستان، سال چاپ: ۱۳۸۷ هـ ش، ناشر: بنگاه انتشارات



میوند؛

- کروئولوژی حوادث تاریخی افغانستان، نوبت چاپ: دوم، سال چاپ:

۱۳۸۲هـ ش، ناشر: بنگاه انتشارات میوند؛

◆ گنجی: ایوب گنجی؛

- فاطمه زهرا از خود دفاع می‌کند؛

◆ لاهوری: محمد اقبال لاهوری؛

- کلیات علامه اقبال لاهوری، ناشر: سپهر شمس، نوبت چاپ: هشتم،

محل نشر: تهران، تاریخ انتشار، ۱۳۸۸هـ ش؛

◆ مبارکپوری: صفی الرحمن مبارکپوری؛

- الرحیق المختوم، مترجم: عبدالله خاموش هروی، ناشر: شیخ الإسلام

احمد جام، سال نشر: ۱۳۸۲هـ ش؛

◆ موسی زاده: دکتور رضا موسی زاده؛

- سازمان‌های بین‌المللی، چاپ چهارم، زمستان ۱۳۸۲هـ ش، تهران نشر

میزان؛

◆ نایینی: محمد رضا جلالی نایینی؛

- اوپانشاد، سال ۱۳۵۶هـ ش، تهران: طهوری؛

- هند در یک نگاه، تهران- انتشارات شیرازه، سال نشر: ۱۳۷۵هـ ش؛

◆ هانتینگتون و منتقدانش؛

- نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه: مجتبی امیری، سال چاپ: بهار ۱۳۸۶هـ

ش، انتشارات جهان دانش؛

◆ هیتلر: آدولف هیتلر؛

- نبرد من؛

◆ یعقوبی: احمد بن اسحاق یعقوبی؛

- تاریخ یعقوبی، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، چاپ نهم، ۱۳۸۲هـ ش،

ناشر: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، محل نشر: تهران؛

◆ یکتایی: مجید یکتایی؛

- مبانی تمدن یونان؛

- ♦ آرتور بنز و گرهارد لهمبروخ، فدرالیزم، آنالیز تاریخ شکل گیری و مقایسه امکانات آینده آن، فصل نامه PVS شماره: ۳۲ و یسبادن ۲۰۰۲م؛
- ♦ هفته نامه مجاهد، ص: ۸، سال نهم، دور ششم، شماره چهارم، ۲۱ حوت ۱۳۸۹هـ ش؛
- ♦ هفته نامه مجاهد، ص: ۱ - ۳، سال پنجم، شماره بیست و چهارم، ۲۸ میزان ۱۳۸۶هـ ش؛
- ♦ هفته نامه مجاهد، ص: ۲ - ۷، سال ششم، دور ششم، شماره ۲۵، ۱۹ عقرب ۱۳۸۶هـ ش؛
- ♦ هفته نامه مجاهد، ص: ۳، سال هفتم، دور ششم، شماره ۲۸، ۳۰ قوس ۱۳۸۷هـ ش؛
- ♦ هفته نامه مجاهد، ص: ۴، سال هفتم، دور ششم، شماره دوازدهم، ۱۳۸۷هـ ش؛
- ♦ هفته نامه مجاهد، ص: ۵ - ۸، سال هفتم، دور ششم، شماره ۳۴، سال ۱۳۸۷هـ ش؛
- ♦ هفته نامه مجاهد، ص: ۵، سال هفتم، دور ششم، شماره سی و دوم، سال ۱۳۸۷هـ ش؛
- ♦ هفته نامه مجاهد، ص: ۶، سال ششم، دور هشتم، شماره اول، ۱۸ حمل ۱۳۸۵هـ ش؛
- ♦ هفته نامه مجاهد، ص: ۸، سال هفتم، شماره دوازدهم، ۲۶ اسد ۱۳۸۷هـ ش؛
- ♦ مجله میثاق خون، ص: ۵۷، سال پنجم، شماره هشتم، ماه عقرب ۱۳۶۹هـ ش؛
- ♦ فصل نامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین الملل، جناح راست فرانسه، از دوگل تا سارکوزی، تاریخ، ۱۳۸۸هـ ش، سال دوم، شماره ۷، ۴۱ و ۷۵.



تارنماهای اینترنتی فارسی

- ◆ وبسایت آریایی؛
- ◆ وبسایت بام دنیا؛
- ◆ وبسایت بیانات؛
- ◆ وبسایت بیداری اسلامی؛
- ◆ وبسایت تبیان؛
- ◆ وبسایت خاوران؛
- ◆ وبسایت خبرگزاری فارس؛
- ◆ وبسایت دانشنامه آریانا؛
- ◆ وبسایت فارسی شبکه خبری العالم؛
- ◆ وبسایت دانشنامه اسلام؛
- ◆ وبسایت دانشنامه رشد؛
- ◆ وبسایت در رثای بابۀ مزاری؛
- ◆ وبسایت رادیو آزادی؛
- ◆ وبسایت راسخون؛



- ◆ وبسایت رُحما؛
- ◆ وبسایت شبکه افغانستان قلب آسیا؛
- ◆ وبسایت شورای ملی افغانستان؛
- ◆ وبسایت عصر اسلام؛
- ◆ وبسایت عقیده؛
- ◆ وبسایت فارسی بی بی سی؛
- ◆ وبسایت فردا نیوز؛
- ◆ وبسایت گنجور؛
- ◆ وبسایت هفته‌نامه مشارکت ملی؛
- ◆ وبسایت همشهری آنلاین؛
- ◆ وبسایت واژه یاب؛
- ◆ وبسایت کتابخانه دیجیتال مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی؛
- ◆ وبسایت مرکز اطلاع‌رسانی فلسطین؛
- ◆ وبسایت هرات آنلاین؛
- ◆ وبسایت واژه‌نامه آزاد؛
- ◆ وبسایت رسمی دفتر ریاست جمهوری؛
- ◆ وبلاگ احزاب و مذاهب جهان؛
- ◆ وبلاگ اخبار مسلمانان؛
- ◆ وبلاگ آفند؛
- ◆ وبلاگ معلومات عمومی در باره افغانستان باستان؛
- ◆ وبسایت مشرق نیوز؛